

ناتو فرو نمی باشد  
امیرعلی ابوالفتح



متحد منتقدیم  
گفت و گو با محمود میرلوحی

دورنمای نگران کننده  
جعفر قنادباشی



ترامپ به دنبال تحقق شعار  
«اول آمریکا» است  
گفت و گو با امیر هوشنگ میرکوشش



گفت و گو با احمد توکلی  
درباره رویکرد دولت در مقابله با فساد

## رفتار روحانی امیدوارکننده است

گرچه حجم فساد زیاد شده اما هنوز می توان با آن مبارزه کرد/ مسئولان اقتصادی اطلاعات غلط به مدیران سیاسی می دهند/ دولت باید سیف را تغییر دهد/ رئیس جمهور باید چند نفر را عزل کند/ گزینه پیشنهادی من برای بانک مرکزی، دکتر ناصر شرافت است

### شورش در اردوگاه

چه چالش هایی شکاف های اصلاح طلبان را فعال کرده است؟

### حجاریان

لیدر تحریمی ها خواهد شد؟  
یادداشتی درباره محاکمه محترمانه  
حجاریان در یک گفت و گوی تلویزیونی

### پوپولیسم فوتبالی

رئیس جمهور کرواسی چگونه به ستاره  
فینال جام جهانی تبدیل شد؟

### یادداشت هایی درباره ۴ عضو اقتصادی کابینه

مشکل نظریه  
نوخت برود، سازمان برنامه  
به حاشیه رانده می شود

بانک مرکزی در دوران  
سیف مستقل نبود

بازرگانی  
به جای تولید  
وزارت صنعت شریعتمداری  
چه ویژگی هایی دارد؟

تامین دارایی  
به جای سیاست گذاری  
کرباسیان می تواند وزارت  
اقتصاد را متحول کند؟





همراه اول

www.mci.ir



# ۱۰٪ معتبر

فروش ویژه سیم کارت‌های دائمی همراه اول  
تمديد شد

♦♦ هزار تومان

# ایرانول

## تبلور دانش و تجربه

شرکت نفت ایرانول با بکارگیری انواع روغن پایه های معدنی و سنتتیک، تولید بالاترین سطوح کیفیت در علم روانکاری را سرلوحه کار خویش قرار داده و بر همین اساس مرغوب ترین روغن های موتور، دنده و صنعتی مطابق با استانداردهای روز دنیا را تولید می نماید.



[www.iranol.ir](http://www.iranol.ir)

واحد فروش: ۸۸۲۱۲۹۹۹





پاسخی به نیازهای بانکی  
شرکت‌های پیش‌رو

## سامانه کلید

جهت دریافت سامانه کلید و یا استفاده از نسخه  
وب این سامانه به آدرس [key.ba24.ir](http://key.ba24.ir) مراجعه فرمایید.

[WWW.BA24.IR](http://WWW.BA24.IR)



بانک آینده  
AYANDEH BANK





## ثبات استراتژیک

دیدار پوتین و ترامپ چه تاثیری در روابط بین الملل دارد؟

HEL





INKI 2018

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و کذک جعلناکم امه وسطا لتکونوا شهداء علی الناس  
ویکون الرسول علیکم شهیداً

هفته‌نامه سیاسی، فرهنگی با رویکرد خبری، تحلیلی

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: **مصطفی آجورلو**  
سر دبیر: **سعید آجورلو**

یک همچو اعتقادی دارند. بلکه بعضی از آنها را که من سابقاً می‌شناختم بسیار مرد صالحی بود، یک اسبی هم خریده بود، یک شمشیری هم داشت و منتظر حضرت صاحب-سلام الله علیه- بود. اینها به تکالیف شرعی خودشان هم عمل می‌کردند و نهی از منکر هم می‌کردند و امر به معروف هم می‌کردند، لکن همین، دیگر غیر از این کاری از ایشان نمی‌آمد و فکر این مهم که یک کاری بکنند، نبودند. یک دسته دیگری بودند که انتظار فرج را می‌گفتند این است که ما کار نداشته باشیم به اینکه در جهان چه می‌گذرد، بر ملت ها چه می‌گذرد، بر ملت ما چه می‌گذرد؛ به این چیزها ما کار

## انتظار فرج و معنای صحیح آن

این عید سعید ان شاء الله، بر همهٔ مسلمین جهان، مستضعفان عالم و خصوصاً ملت ما، مبارک باد. آنچه که امروز می‌خواهم به عرضتان برسانم برداشتهایی که از انتظار فرج شده است؛ بعضی اش را من عرض می‌کنم. بعضیها انتظار فرج را به این می‌دانند که در مسجد، در حسینیه، در منزل بنشینند و دعا کنند و فرج امام زمان-سلام الله علیه- را از خدا بخواهند. اینها مردم صالحی هستند که

## خبرنامه



جنگال تازه پرزیدنت

روایت آیت الله از آیت الله

عقب نشینی و اشنگتن؟

۸

۱۷

## گفتارها



تفرقه بینداز و حکومت کن

لشگرکشی ترامپ علیه اروپای واحد

ثبات استراتژیک

۱۸

۲۵

## سیاست



شورش در اردوگاه

مصائب اصلاحات

رفتار روحانی امیدوار کننده است

۲۶

۳۷

تحریر به:

دبیر تحریر به: مصطفی صادقی

سیاست: مصطفی صادقی (دبیر) - سیدمجتبی جلال‌زاده

بین‌الملل: سعیده سادات فهری (دبیر)

سیاست خارجی: حنیف غفاری (دبیر)

اقتصاد: محمد مهدی صدرزاده (دبیر)

دبیر: افشین خماند (دبیر)

ورزش: مهدی ربوشه (دبیر)

فرهنگ: امیر خوش صحبتان (دبیر)

بازار: محمد شکراللهی (دبیر)

مشاور هنری: نیما ملک نیازی

مثلث؛ هفته‌نامه‌ای خبری، تحلیلی است که سعی دارد روایتی منصفانه و عادلانه از واقعیت‌ها ارائه دهد. نامش تمثیل و اشارهای است به سه ضلع استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی. مرامش تقویت گفت‌وگو، انقلاب اسلامی، چارچوبش اسلام، انقلاب، امام و رهبری، آرمانش گسترش و سیادت اسلام خواهی در سراسر جهان و عزت مسلمانان، توسعه و پیشرفت ایران اسلامی و رفاه مردم شریف ایران و رونق گرفتن عدالت، مرزبانی و تألیف قلوب اهالی انقلاب و ایستادگی در برابر مقابلان گفتمانی و عملی نظام و سیاق و مشرب‌مان نجات قلم و روزنامه‌نگاری مومنانه و تلاش در جهت رونق گرفتن سنت گفت‌وگو میان فرهیختگان و نخبگان کشور است. امیدواریم که در روایت‌مان صادق، بر مرام‌مان مستمّر و دائم، بر چارچوب‌مان مستقر، بر آرمان‌مان مومن، بر مرزهایمان مراقب و هوشیار و بر سیاق‌مان استوار بمانیم.





بودند، می گفتند: باید دامن زده بگناهها، دعوت کرد مردم را به گناه تا دنیا پر از جور و ظلم بشود و حضرت -سلام الله علیه- تشریف بیاورند. این هم یک دسته ای بودند که البته در بین این دسته، منحرفهایی هم بودند. اشخاص ساده لوح هم بودند، منحرفهایی هم بودند که برای مقاصدی به این دامن می زدند. یک دسته دیگری بودند که می گفتند که هر حکومتی اگر در زمان غیبت محقق بشود، این حکومت باطل است و بر خلاف اسلام است. آنها مغرور بودند.

نداشته باشیم، ما تکلیف های خودمان را عمل می کنیم، برای جلوگیری از این امور هم خود حضرت بیاندان شاء الله ، درست می کنند؛ دیگر ما تکلیفی نداریم. تکلیف ما همین است که دعا کنیم ایشان بیایند و کاری به کار آنچه در دنیا می گذرد یا در مملکت خودمان می گذرد، نداشته باشیم. اینها هم یک دسته ای، مردمی بودند که صالح بودند. یک دسته ای می گفتند که خوب، باید عالم پر [از] معصیت بشود تا حضرت بیاید؛ ما باید نهی از منکر نکنیم، امر به معروف هم نکنیم تا مردم هر کاری می خواهند بکنند؛ گناه ها زیاد بشود که فرج نزدیک بشود. یک دسته ای از این بالاتر

## بین الملل

۳۸

ترامپ به دنبال تجارت آزاد با انگلستان  
دل سردی بریتانیا  
یک بام و دو هوای ترامپ در انگلیس



۴۳

## اقتصاد

۴۴

نباید تمدید شود  
ضعف سیاست گذاری  
گره عجیب



۵۱

## ورزش

۵۲

تفاوت دشان  
تیم قابل ستایش  
قهرمانی فرانسه یعنی پیروزی  
کار تیمی برابر ستاره ها



۵۵

طراح جلد: مصطفی مرادی



با تشکر از: دکتر دارابی - دکتر آیت الله ابراهیمی - دکتر عیسی رضایی  
مهندس صدوقی حسین محمد پورزند - محمد ابراهیم محمد پورزند  
حسین مجاهدی - حاج آقا توکلی - علیرضا حسن زاده - هادی انباردار

سازمان آگهی ها: تلفن: ۰۹۱۲-۸۵۰۵۸۴۸

چاپ: هنر سرزمین سبز - پردازش تصویر رایان

توزیع: نشر گستر امروز

نشانی: تهران، خیابان شهید عباسپور (تواثیر)، خیابان نظامی گنجوی،

کوچه پناه، پلاک ۱۹

تلفن: ۸۸۱۹۸۲۰۷

شماره پیامک: ۳۰۰۰۴۱۱۷۱۱

گرافیک و صفحه آرایی: فاطمه فتالی - علی آجورلو  
افشین جم و محمد محمودی

پردازش تصاویر: هومن سلیمیان

عکس: عدنان جعفری و محمد برنو

ویرایش: ژیل شاکری - امیر عزیزی - نرگس حاجیلو و فاطمه پورمهر

حروفچینی: وحیده قاسمی - علی حشمتی

مدیر مالی: محمدرضا پالیزدار

سازمان آگهی ها: محمد شکراللهی

بازرگانی و بازاربایی: محمد علی آجورلو

امور اداری: علیرضا اسدالهی - علی اکبر پیمانی

انفورماتیک: شهرام زحمتی

ناظر چاپ: بابک اسکندرنیا





## جنجال تازه پرزیدنت

انتقادهای شدید از ترامپ بعد از دیدار با پوتین



## روایت آیت‌الله از آیت‌الله

مصاحبه متفاوت آیت‌الله جنتی

## عقب‌نشینی واشنگتن؟

آمریکا برای تحریم‌های ایران استثنا قائل می‌شود





## عقب نشینی واشنگتن؟

### آمریکا برای تحریم‌های ایران استثنا قائل می‌شود

در حالی که دو وزیر در ایالات متحده اعلام کرده بودند آمریکا برنامه‌ای برای استثنا قائل شدن برخی کشورها در ماجرای تحریم‌ها ندارد، وزیر خزانه‌داری آمریکا، گفته است که کشورش برای برخی کشورهای معین، صدور معافیت از تحریم‌های نفت ایران را مورد بررسی قرار خواهد داد. این اظهارنظر در شرایطی بیان شده است که انتظار می‌رود بازگشت تحریم‌های نفتی علیه ایران به آشفستگی در عرضه نفت بازارهای جهانی منجر شود. «استیون منوشین»، وزیر خزانه‌داری آمریکا از اظهارنظرهای پیشین مقام‌های کشورش درباره رساندن صادرات نفت ایران به صفر از روز ۴ نوامبر عقب‌نشینی کرد. منوشین دوشنبه گفت که آمریکا نمی‌خواهد با بازگرداندن تحریم‌های نفتی علیه ایران در بازارهای جهانی نفت اختلال کند و حاضر است در برخی موارد صدور معافیت‌های نفتی برای برخی از کشورهای نیاز دارند را در نظر بگیرد. او گفت: «ما می‌خواهیم که کشورها خرید نفت را به صفر برسانند، اما در برخی موارد مشخص، اگر برخی کشورها نتوانند این کار را یک شبه انجام دهند، ما استثناهایی در نظر می‌گیریم.» وزیر خزانه‌داری آمریکا خاطر نشان کرد قصد دارد در حاشیه نشست وزرای دارایی کشورهای گروه ۲۰ با هم‌تایان خود از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه دیدار و درباره تحریم‌های ایران گفت‌وگو کند. او گفت: «ما گفته ایم که معافیت‌های کلی در کار نخواهد بود. ما می‌خواهیم در فرآیند کاهش تدریجی واردات نفت بسیار به دقت عمل کنیم تا مطمئن شویم کشورها، زمان لازم را برای این کار در اختیار داشته باشند.»

این اظهارنظر در واقع نوعی عقب‌نشینی از موضع قبلی ایالات متحده است. پیش از این اظهارنظر وزرای خارجه و خزانه‌داری آمریکا در نامه‌ای به هم‌تایان اروپایی‌شان گفته بودند به دلیل آنکه به دنبال اعمال فشار بی‌سابقه روی ایران هستند از صدور معافیت‌های تحریمی خودداری می‌کنند. «مایک پمپئو»، وزیر خارجه آمریکا و «استیون منوشین»، وزیر خزانه‌داری این کشور در نامه‌ای که برای مقام‌های فرانسوی نوشته اند دلایل خود را برای عدم موافقت با صدور معافیت از تحریم‌های ایران تشریح کرده‌اند. جمعه رسانه‌های فرانسوی گزارش دادند دولت «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهور آمریکا درخواست فرانسه برای معافیت اروپا از تحریم‌های واشنگتن را رد کرده است. «برونو لمویر» وزیر دارایی فرانسه اعلام کرد که آمریکا در پاسخ به نامه‌ای که در آن از آمریکا درخواست شده بود تا به شرکت‌های اروپایی اجازه بدهد که همچنان به همکاری‌های بازرگانی قانونی با ایران ادامه دهند، پاسخ منفی داده است. خبرگزاری بلومبرگ، با مبادا شبه جزئیاتی از نامه‌ای که پمپئو و منوشین برای وزرای دارایی و خارجه کشورهای انگلیس، فرانسه و آلمان ارسال کرده‌اند را منتشر کرده است.

طبق این گزارش، وزرای خارجه و خزانه‌داری آمریکا نوشته‌اند دولت آمریکا به دنبال اعمال «فشار اقتصادی بی‌سابقه» روی حکومت ایران است. آنها همچنین با یادآوری اینکه آمریکا از برجام خارج شده، تأکید کرده‌اند واشنگتن تا زمانی که شاهد «تغییرات ملموس، ادامه‌دار و مشهود» در سیاست‌های ایران نباشد، نرمش نشان

نخواهد داد.

در این نامه که بلومبرگ می‌گوید تاریخ نگارش آن مشخص نیست، آمده است: «رئیس‌جمهور [ترامپ] به یک دلیل ساده از برجام خارج شد؛ این توافق نمی‌توانست ایمنی مردم آمریکا را تضمین کند. بنابراین، مادر وضعیت نیستیم که برای این سیاست، مگر در موقعیت‌های خاص که آشکارا در راستای منافع امنیت ملی مان باشد، استثنا قائل شویم.»

اما در تحولی دیگر در خصوص مواجهه غرب و آمریکا با ایران، شورای خارجی اروپا عدم مخالفت خود را با به‌روزرسانی قوانین مقابله با تحریم‌های آمریکا علیه ایران اعلام کرد. هدف از فعال کردن این مقررات محافظت از شرکت‌های اروپایی در برابر آثار فراسرزمینی تحریم‌های کشورهای ثالث است. کشورهای اروپایی بعد از خروج آمریکا از برجام گفته بودند قصد دارند با اضافه کردن تحریم‌های آمریکا علیه ایران به چارچوب این مقررات، از



سرمايه‌گذاري‌های کشورهای اروپایی در ایران محافظت کنند. در پی درخواست سران کشورهای اروپایی در تاریخ ۱۶ می، کمیسیون اروپا فرآیند رسمی فعال کردن مقررات مقابله‌ای را آغاز کرده و فهرستی از تحریم‌های آمریکا علیه ایران را به فهرست قوانین مشمول مقررات مقابله‌ای اضافه کرد. مقررات مقابله‌ای به شرکت‌ها اجازه می‌دهد خسارت‌های ناشی از تحریم‌های فراسرزمینی آمریکا را جبران کرده و بابت آنها درخواست غرامت کنند. اتحادیه اروپا در بیانیه‌ای اعلام کرده هدف تصمیم امروز شورای خارجی اروپا این است که روند اجرایی شدن این مقررات، از ۷ اگوست، قبل از احيای اولین بسته تحریم‌های آمریکا علیه ایران تکمیل شود. اتحادیه اروپا در بیانیه خود خاطر نشان کرده نهایی شدن فرآیند اجرایی شدن مقررات مقابله‌ای مستلزم آن است که پارلمان اروپا نیز تا ضرب‌الاجل ۷ اگوست با این تصمیم مخالفت نکند. تحریم‌های آمریکا بیش از ۲۰ میلیارد دلار تجارت سالانه

اتحادیه اروپا و ایران و همچنین قراردادهای شرکت‌های بزرگ را در معرض خطر قرار می‌دهد. مهم‌تر از آن، این تهدیدها مزایای اقتصادی ایران از «برجام» و به تبع آن، توان حفظ این توافق را به خطر می‌اندازند. ماهیت فراسرزمینی قوانین آمریکا که شرکت‌های خارجی در حال تجارت با دلار آمریکا و حتی فعالیت‌های شعب غیرآمریکایی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، مقام‌های آمریکایی را قادر کرد سال ۲۰۱۴ بانک فرانسوی «بی‌ان‌پی پاریرا» را با رقم بی‌سابقه ۹ میلیارد دلار جریمه کند. هراس از اعمال همین جریمه‌ها است که باعث می‌شود شرکت‌های بین‌المللی عطای تجارت با ایران را به لقای مخاطرات آن ببخشند. همزمان با این تحولات محمدجواد ظریف در توئیتر خود نوشت: «امروز ایران در دیوان دادگستری بین‌المللی شکایت کرد تا آمریکا را به دلیل اعمال مجدد تحریم‌های یکجانبه و غیرقانونی پاسخگو کند.» وزیر خارجه ایران افزود: «ایران در مواجهه با اهانت آمریکا به تهدات دیپلماتیک و حقوقی، به حاکمیت قانون متعهد است. واجب و ضروری است که با این عادت آمریکا به نقض قوانین بین‌المللی مقابله شود.»

در همین حال آژانس بین‌المللی انرژی در جدیدترین گزارش خود اعلام کرد صادرات نفت ایران به اروپا در ماه ژوئن حدود ۵۰ درصد کاهش داشته است. آژانس بین‌المللی انرژی در جدیدترین گزارش خود اعلام کرد، ظرفیت تولید ذخیره نفت جهان ممکن است به دلیل طولانی شدن دوره کاهش تولید برخی تولیدکنندگان با محدودیت مواجه شود و ضمن افزایش قیمت‌ها رشد تقاضا را تهدید نماید. احتمال کاهش صادرات نفت ایران در سال جاری میلادی به دلیل تحریم‌های جدید آمریکا همچنین کاهش تولید ونزوئلا و لیبی در کنار افت تولید در کانادا و دریای شمال موجب شده تا قیمت نفت در هفته‌های اخیر به میزان قابل توجهی افزایش یابد. اوپک و برخی دیگر از تولیدکنندگان نفت از جمله روسیه با تعدیل اجرای توافق کاهش تولید به وضعیت موجود بازار نفت و اکتش نشان داده‌اند و عربستان تحت فشارهای آمریکا قول داده که از توازن بازار حفاظت خواهد کرد. آژانس بین‌المللی انرژی گفته، نشانه‌های «بسیار خوشایندی» وجود دارد مبنی بر اینکه تولیدکنندگان مهم، تولید نفت خود را افزایش داده‌اند. اما آژانس در عین حال گفته، اختلالات ایجاد شده موجب تشدید فشارها بر عرضه جهانی نفت شده، در حالی که ظرفیت تولید ذخیره نفت جهان «ممکن است با محدودیت مواجه شود.» ظرفیت تولید ذخیره به میزان توانایی افزایش تولید تولیدکنندگان نفت در مدتی نسبتاً کوتاه گفته می‌شود. بخش عمده این ظرفیت تولید ذخیره در خاورمیانه قرار دارد. آژانس بین‌المللی انرژی همچنین گفته، تولید نفت اوپک در ماه ژوئن به بالاترین رقم ۴ ماه گذشته یعنی ۸۷/۳۱ میلیون بشکه در روز رسیده است. ظرفیت تولید ذخیره در خاورمیانه در ماه جولای ۶/۱ میلیون بشکه یعنی حدود ۲ درصد کل تولید جهانی بوده است. بر اساس این گزارش، از آنجایی که انتظار می‌رود تحریم‌های آمریکا موجب کاهش شدید صادرات نفت ایران در سه ماهه پایانی امسال شود، عربستان احتمالاً تولید خود را باز هم افزایش خواهد داد و در این صورت ظرفیت تولید ذخیره این کشور به رقم بی‌سابقه‌ای نزدیک یک میلیون بشکه خواهد رسید. آژانس بین‌المللی انرژی برآورد کرده که ممکن است صادرات نفت ایران این بار بسیار بیشتر از ۲/۱ میلیون بشکه دوره قبلی تحریم‌ها کاهش یابد. به گفته آژانس، چین و هند، ممکن است با چالش‌های عمده‌ای برای یافتن جایگزین‌هایی برای یافتن نفت ایران و ونزوئلا مواجه شوند. این گزارش همچنین حاکی است، صادرات نفت ایران در اروپا در ماه ژوئن حدود ۵۰ درصد کاهش داشته است.



## معمای یک سفر

### در سفر ولایتی به مسکو چه توافقی شده است؟

یکی از مهم‌ترین رخداد های هفته گذشته سفر علی اکبر ولایتی به روسیه و دیدار با ولادیمیر پوتین بود؛ دیداری بسیار مهم که قبل از دیدار رئیس جمهور روسیه با دونالد ترامپ انجام شد.

بلافاصله بعد از این دیدار و اظهارات ولایتی در مورد توافقاتی که حاصل شده، موجی از واکنش‌ها و اظهار نظر ها در فضای رسانه‌ای و سیاسی شکل گرفت. در اولین توصیف از این دیدار خبرگزاری روسی «راشاتودی» درباره دیدار ولایتی با پوتین نوشت: «دیداری دوساعته، دوساعته، شفاف و دوستانه بود که در آن درباره همکاری‌های دوجانبه ایران و روسیه که شامل سوریه هم می‌شد، بحث شد.»

اما جنجال‌ها پیرامون این سفر آنجا داغ شد که ولایتی در مورد محتوای توافقات حاصل شده سخن گفت. او اظهار کرده بود: «آقای پوتین آماری را ارائه کردند که در چهار ماهه نخست سال ۲۰۱۸ میزان تبادلات تجاری بین دو کشور ۳۶ درصد افزایش پیدا کرده است. درباره حوزه نفت هم که یکی از موضوعات مهم برای ایران بود، در دیدار فرستاده ویژه با پوتین رایزنی شد. در حوزه نفت نیز یکی از شرکت‌های مهم نفتی روسیه با وزارت نفت ایران قرارداد را به مبلغ چهار میلیارد دلار منعقد کرده که به زودی عملیاتی می‌شود. همچنین با دو شرکت نفتی مهم روسیه؛ یعنی روس نفت و گاز پرمون نفت نیز صحبت‌هایی آغاز شده و قراردادهای تا ۱۰ میلیارد دلار می‌تواند ببندند. آماری که پوتین در این جلسه بیان کرد حاکی از این بود که وی تأکید داشت روابط نفتی ایران و روسیه تا سقف ۵۰ میلیارد دلار ادامه پیدا کند. این رقم بالایی است و این می‌تواند جایگزین شرکت‌های غربی شود که ایران را ترک کرده‌اند.» سخنگوی کاخ کرملین امانه اظهارات ولایتی را رد کرد، نه تأیید. «دیمیتری پسکوف» گفت: «نمی‌توانم این مسأله را تأیید کنم و نمی‌توانم به جزئیات بیشتری در این رابطه بپردازم.»

مسأله بر سر این ایجاد شد که بنا به اعلام برخی منابع روس‌ها گفته‌اند قرار نیست در ازای خرید نفت پول به ایران بدهند. گویا توافق شده است که نفت در برابر کالا مبادله شود. بیژن زنگنه، وزیر نفت، درباره این قرارداد گفته بود: «نفت ایران به یک شرکت روسی و برای مقاصد خارج از روسیه فروخته می‌شود که ۵۰ درصد فروش نفت به روسیه به صورت نقدی تحویل گرفته می‌شود و ۵۰ درصد دیگر صرف خرید کالا و خدمات از روسیه خواهد شد.» توافقی که به گفته وزیر انرژی روسیه، نخستین عرضه آن انجام شده و عرضه بعدی نیز برنامه‌ریزی شده است. حالا بعد

نفت در برابر غذا برنامه‌ای بود که با تصویب شورای امنیت سازمان ملل متحد در سال ۱۳۷۴ با محوریت عراق در جهان شناخته شد. در این برنامه برای جلوگیری از ایجاد بحران‌های غذایی و دارویی در عراق بر اثر تحریم‌های بین‌المللی اجازه داده شد تا در قبال نفت عراق، نیازهای اولیه انسانی در اختیار دولت صدام قرار گیرد؛ برنامه‌ای که بعدها با افشای فساد گسترده دولتمردان عراقی و شرکت‌های نفتی در جریان اجرای آن ناکارآمدی خود را نشان داد. در مقابل طرح نفت در برابر کالا، همان تجربه‌ای است که ایران در دوره قبلی تحریم‌ها نیز داشت و در قبال کشورهایمانند هند، چین، پاکستان، روسیه و کره شمالی به اجرای آن پرداخته بود. حتی اروگوئه و نیکاراگوئه نیز در سال‌های ۹۰ و ۹۱ پیشنهاد مبادله نفت در برابر برنج و پشم و چوب را به ایران داده بودند. مسعود کرباسیان، وزیر فعلی اقتصاد، در سال ۹۱ و زمانی که مشاور اتاق بازرگانی ایران بود، در یک یادداشت به دفاع از طرح تهااتر نفت با کالا پرداخته و نوشته بود: «یکی از ابعاد مثبت تهااتر در شرایط فعلی امنیت خاطر است که باعث می‌شود بدانیم اگر نفت ما را خریدند پول آن به کشور بازمی‌گردد و دیگر نگران باقی‌مانده حساب و انتقال پول نیستیم. نکته مهم دیگر در رابطه با تهااتر این است که تجارت خارجی ما دوباره شکل متنوعی به خود می‌گیرد. همچنین باید به معایب تهااتر هم اشاره کرد چرا که محدودیت منابع ارزی و عدم گسترش تجارت خارجی از نمونه‌های آن است که در شرایط کنونی اهمیت زیادی ندارد.» کرباسیان در همان یادداشت به سوابق تهااتر نفت در برابر کالا پیش از انقلاب با اتحاد جماهیر شوروی و پس از انقلاب با ترکیه اشاره کرده بود. با این حال برنامه تبادل نفت در برابر کالا اگرچه می‌تواند به تهیه برخی نیازهای کشور تحت تحریم کمک کند، اما تجربه پیشین در این زمینه نشان داد که چگونه در نهایت کشورهای طرف مبادله همه تلاش خود را بر سوءاستفاده بیشتر از وضعیت ایران کردند و هجوم کالاهای درجه‌چندم به ایران نه تنها کمکی به اقتصاد کشور نکرد و پشتوانه‌ای برای ارزش پول ملی ایران نشد، بلکه در عمل بسیاری از کارگاه‌های تولیدی و صنعتی کشور را نیز به نابودی کشاند.

### ادعای عجیب

اما همزمان با اظهار نظر ها در مورد توافقی‌های اقتصادی ایران و روسیه روزنامه‌های غربی مدعی شدند، مسکو طی هفته‌های اخیر میزبان مذاکرات غیرمستقیم میان ایران و اسرائیل در خصوص برخی موضوعات بوده است. این روزنامه مدعی شده، به منظور حل برخی مسائل از جمله برنامه هسته‌ای تهران و همچنین حضور ایران در سوریه، مسکو به عنوان میزبان مذاکراتی غیرمستقیم میان ایران و اسرائیل عمل کرده است. الجزیره ادعا کرد، همزمانی سفر رسمی علی اکبر ولایتی و بنیامین نتانیاهاو تصادفی نبود و روس‌ها نیز این مذاکرات غیرمستقیم را تنظیم کرده بودند. ایران و اسرائیل در روسیه با یکدیگر مذاکره کرده‌اند. این روزنامه به نقل از یک دیپلمات ادعایی که خواست نامش فاش نشود، گفت: «روسیه درخواست‌های اسرائیل را به تهران تحویل داد و از دولت ایران خواست تا یک نماینده با قدرت کامل برای رسیدن به یک راه حل مسأله ایران در سوریه به مسکو اعزام کند. گفته می‌شود، ولایتی در طول جلسات خود با ولادیمیر پوتین به تمامی درخواست‌های اسرائیل پاسخ داده و شرایط ایران برای پذیرش درخواست‌های ایالات متحده در مورد برنامه هسته‌ای ایران را ارائه کرده است. ظاهراً او از پوتین خواسته است که این شرایط را در دیدار خود با ترامپ در ۱۶ جولای به آمریکایی‌ها اعلام کند.» این ادعا البته به سرعت تکذیب شد.

### نفت در برابر کالا؟

اگرچه در واکنش‌های اولیه از طرف صاحب‌نظران، از اصطلاح «نفت در برابر غذا» برای توصیف توافق ایران و روسیه استفاده شد اما تفاوت‌های عمده‌ای بین «نفت در برابر کالا» و «نفت در برابر غذا» وجود دارد. برنامه



## جنجال تازه پرزیدنت

دیدار روسای جمهور آمریکا و روسیه در شهر هلسینکی پایتخت فنلاند برگزار شد. پوتین در ابتدای این دیدار گفت: «اکنون وقت آن رسیده تا درباره روابط خودمان و مسائل جهان صحبت کنیم.» ترامپ هم در ابتدای دیدارش با رئیس جمهور روسیه گفت: «آقای رئیس جمهور! در ابتدا مايلم برگزاري واقعا عالی جام جهانی را به شما تبریک بگویم، یعنی یکی از بهترین دوره های آن. خیلی عالی است که اکنون با شما (پوتین) هستم. روابط دو کشور خوب نیست اما امیدوارم این دیدار به رابطه ای فوق العاده منجر شود.»

رئیس جمهور آمریکا در ادامه گفت: «من واقعا فکر می کنم جهان از ما می خواهد کنار هم باشیم. ما دو قدرت هسته ای بزرگ هستیم. ما ۹۰ درصد تسلیحات هسته ای جهان را در اختیار داریم.» ترامپ همچنین گفت که ما موضوعات زیادی برای گفت و گو داریم... ما درباره هر چیزی از تجارت، بحث های نظامی، موشک ها، تسلیحات هسته ای تا چین موضوعاتی برای بحث داریم. ما در این دیدار کمی هم درباره چین، دوست متقابل مان گفت و گو خواهیم کرد.

رئیس جمهوری روسیه نیز در این دیدار به دونالد ترامپ پیشنهاد کرد تا به بررسی جزئیات «نقاط درد» در روابط دو جانبه پرداخته شود.

پوتین گفت: «ما با یکدیگر تماس های دائم داریم و تلفنی مذاکراتی داشته و چندین بار هم در رویدادهای بین المللی ملاقات کرده ایم ولی اکنون زمان آن رسیده تا نشستیم و در مورد جزئیات مسائل در روابط دو جانبه و «نقاط درد» مختلف در جهان صحبت کنیم. موضوعات بسیار زیادی وجود دارند که باید مورد توجه قرار بگیرند.» ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه در کنفرانس خبری مشترک با «دونالد ترامپ»، رئیس جمهور آمریکا گفت که توافق هسته ای با ماهیت صلح آمیز برنامه هسته ای ایران را تضمین می کند. او گفت: «به لطف برجام، ایران به کنترل شده ترین کشور دنیا تبدیل شده است.» پوتین در انتقاد از خروج آمریکا از برجام گفت: «ما نگرانی مان درباره خروج آمریکا از توافق هسته ای ایران را ابراز کردیم. ایران به لطف برجام کنترل برنامه هسته ای خود را به آژانس واگذار کرد و این توافق، ماهیت صلح آمیز برنامه هسته ای ایران را تضمین می کند.» ترامپ هم در این کنفرانس خبری گفت که از زمان روی کار آمدن به عنوان رئیس جمهور آمریکا دیپلماسی و تعامل را به درگیری ترجیح داده است.

او درباره رابطه کشورش با روسیه گفت: «رابطه ما با روسیه هیچ گاه تا این اندازه بد نبوده است اما این از چهار ساعت پیش تغییر کرد.» ترامپ در دیدار با پوتین، موضوع دخالت روسیه در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ آمریکا مطرح کرده است. او گفت درباره «اشاعه هسته ای» هم با پوتین رایزنی کرده و رئیس جمهور روسیه را در جریان دیدارش با رهبر کره شمالی قرار داده است. ترامپ گفت با روسیه درباره «تروریسم اسلامی رادیکال» هم گفت و گو کرده است. او گفت که هم روسیه و هم آمریکا از حملات تروریستی ضربه خورده اند. ترامپ گفت: «به علاوه درباره اهمیت اعمال فشار بر ایران برای جلوگیری از بلندپروازی های هسته ای این کشور و متوقف کردن کارزار خشونت آن، صحبت کردم.» رئیس جمهور آمریکا اضافه کرد: «درباره این هم صحبت کردم که آمریکا به ایران اجازه نخواهد داد از مزایای شکست داعش منتفع شود.»



## تلگرام طلایی کجاست؟

فضای مجازی همچنان محل چالش و مجادله است. هفته گذشته معاون قضایی دادستان کل کشور گفته است: «تعداد ۲۰ میلیون و ۱۰۰ هزار نفر، طبق آماري که مرکز ملی فضای مجازی در تاریخ نوزدهم تیر ۱۳۹۷ اعلام کرده است، از طریق فیلترشکن های هاتگرام و تلگرام طلایی، فیلتر تلگرام را دور می زنند.» عبدالصمد خرم آبادی شنبه در صفحه شخصی خود در پیام رسان سروش نوشته است: «بر اساس این اعلام، اینترنت بدون فیلتر هاتگرام و تلگرام طلایی را وزارت ارتباطات تامین می کند. این در حالی است که فعالیت فیلترشکن های داخلی نظیر هاتگرام و تلگرام طلایی برخلاف اهداف و سیاست های تعیین شده در مصوبه شورای عالی فضای مجازی است. مصوبه مربوط به «سیاست ها و اقدامات ساماندهی پیام رسان های اجتماعی» حدود یک سال پیش (در خردادماه ۱۳۹۶) به تصویب شورای عالی فضای مجازی رسید و فراگیر شدن پیام رسان های داخلی و جلوگیری از دسترسی بیگانگان به داده های عظیم کشور صراحتا جزو اهداف و سیاست های مذکور در این مصوبه هستند. از آنجا که فعالیت های هاتگرام و تلگرام طلایی هم مانع از فراگیر شدن پیام رسان های داخلی و هم موجب دسترسی بیگانگان به داده های عظیم کشور خواهد شد، از این رو فعالیت این دو نرم افزار برخلاف مصوبه شورای عالی فضای مجازی است. اینکه نهادهای ذی ربط منتظر بمانند تا تلگرام و سایر پیام رسان های خارجی بستر ارتباطاتی مردم در فضای مجازی کشور را فراهم و شرکت های داخلی را به عمه تلگرام تبدیل کنند، نهایت تبلی است. معاون دادستان کل کشور گفته است: «اجرای مصوبات شورای عالی فضای مجازی نیاز به عزم جدی دارد. نهادهای ذی ربط باید تبلی را کنار بگذارند و از هرگونه فعل یا ترک فعل که موجب استمرار حاکمیت دشمن بر فضای مجازی کشور می شود، خودداری کنند. باید ارتباط بین هاتگرام و تلگرام طلایی را با شبکه اجتماعی تلگرام قطع کرد و برای فراگیر کردن پیام رسان های مستقل داخلی کمر همت را محکم بست.»

اما این، پایان حرف و حدیث ها در مورد تلگرام طلایی نبود. رئیس سازمان پدافند غیرعامل در گفت و گویی اعلام کرد: «شما با مراجعه به طبقه نهم ساختمان دیتاسنتر مرکز امام خمینی (ره) می توانید ببینید سرورهایی که برای تلگرام بوده، در اختیار هاتگرام و تلگرام طلایی قرار گرفته است؛ در صورتی که می توانستند آنها را به سروش بدهند اما ندادند.» در پی انتشار این سخنان، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات در حاشیه امضای تفاهنامه این وزارتخانه با کمیته امداد امام خمینی (ره) گفت: «متعجبم چرا همواره برخی افراد با صحبت های نادرست، برای کشور هزینه تراشی می کنند؟ البته ما در مقام مسئول، ولو درباره این حرف ناروا، ایجاد شفافیت می کنیم و وظیفه خود می دانیم که پاسخ دهیم.» محمدجواد آذری جهرمی افزود: «برخی یک بار می گویند سرور در طبقه نهم است، یک بار می گویند اینترنتش را وزارت ارتباطات تامین می کند؛ ما همه اینترنت کشور را تامین می کنیم؛ نمی شود حرف های بی ربط بزنیم و صحبت هایی مطرح کنیم که مبنایی نداشته باشد.»

آذری جهرمی ادامه داد: «شاید نشود دزدی ابرها را ثابت یاد کرد اما نبودن سرور در طبقه نهم ساختمان امام را می شود ثابت کرد.» وی از خبرنگاران برای بازدید از طبقه نهم ساختمان امام خمینی (ره) دعوت کرد تا «نتیجه را به قضاوت افکار عمومی بگذارند.»



## مذاکره ایران و آمریکا

در حالی که مذاکرات فشرده‌ای برای تعیین تکلیف برجام میان ایران و چند کشور اروپایی در جریان است، خبرهای مهمی در مورد روابط ایران و آمریکا هم مطرح شده است.

بعد از اینکه دونالد ترامپ توانست در انتخابات پیروز شود روابط ایران و آمریکا به بدترین سطح خود رسید. ایالات متحده از برجام خارج شد و اکنون دو کشور بعد از چندین ماه مذاکره مستقیم دیگر هیچ رابطه‌ای با یکدیگر ندارند. اما تازه‌ترین خبر در این مورد این است که رئیس‌دفتر رئیس‌جمهور فاش کرده است دونالد ترامپ تلاش‌هایی برای برقراری تماس با ایران داشته است.

واعظی گفته است: «اینکه می‌گویند ایران به دنبال مذاکره با آمریکا می‌رود تا الان که غیر از این بوده و وقتی آقای روحانی به مقر سازمان ملل رفت این آقای ترامپ بود که هشت بار درخواست گفت‌وگو با آقای روحانی را مطرح کرد ولی آقای روحانی این درخواست را قبول نکرد.»

نکته مهم این است که دونالد ترامپ یک روز بعد از ملاقات جنجالی با ولادیمیر پوتین گفته است که ایرانی‌ها در آینده برای توافق جدید تماس می‌گیرند. او گفته است: «امیدواریم در برخی موضوعات، ایران تماس بگیرد. ممکن است توافق جدید حاصل شود یا نشود. ایران کشور پنج ماه قبل نیست. آنها دیگر زیاد به دنبال حضور در مدیریت و کل خاورمیانه نیستند. آنها مشکلات زیادی دارند که می‌توانند از طریق توافق با ما بسیار راحت‌تر حل کنند.»

در واکنش به این اظهارات، بهرام قاسمی در نشست هفتگی با خبرنگاران در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه ترامپ در حاشیه اجلاس ناتو گفته است که بالاخره مقامات ایرانی به وی زنگ خواهند زد، تاکید کرد: «رفتار ترامپ نسبت به ایران خصمانه است. این رفتار خصمانه در ابعاد مختلف کاملاً دیده می‌شود. شاید ایشان شوخی کرده‌اند، البته ممکن است یک روزی ایشان به تهران زنگ بزنند و تقاضای مذاکره داشته باشند، این موضوع بیشتر محتمل است و شاید علانمی هم در گذشته وجود داشته باشد.»

اشاره سخنگوی وزارت خارجه ایران به اینکه شاید علانمی هم در گذشته وجود داشته باشد، به این موضوع برمی‌گردد که برخی منابع آگاه دولت ترامپ تنها ساعاتی پس از سخنرانی شدیدالحن رئیس‌جمهور آمریکا علیه ایران در مجمع عمومی سازمان ملل در سپتامبر ۲۰۱۷، فاش کردند که حسن روحانی درخواست ترامپ برای مذاکره مستقیم از طریق میانجیگری فرانسه را رد کرده است.

روزنامه واشنگتن پست ۱۲ آبان ۱۳۹۶ در گزارشی نوشت: «در روز سخنرانی دونالد ترامپ در مجمع عمومی سازمان ملل، ۱۹ سپتامبر رکس تیلرسون، وزیر خارجه آمریکا از امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه خواسته است تا از طریق میانجیگری او یک مذاکره مستقیم میان ترامپ و روحانی انجام شود.» یک مقام دولتی آمریکا در این باره به واشنگتن پست گفت که فرانسه پس از مطرح کردن درخواست آمریکا با ایران، اعلام کرده که طرف ایرانی پاسخ منفی صریح خود را در این باره اعلام کرده و علت آن را جدی نبودن کافی آمریکا دانسته است. بنابر این ادعا، ایرانی‌ها این موضوع را یک «حقه آمریکایی» دانسته‌اند.»



## حزب لاریجانی کلید خورد

موضوع تشکیل حزب توسط علی لاریجانی رئیس مجلس مساله قدیمی اما بلا تکلیف است. اطرفیان لاریجانی نیز در این باره چندان هم نظر نیستند، مثلاً سخنان کاظم جلالی کمتر تشکیل این حزب را نوید می‌دهد و بهروز نعمتی برخلاف او سخت پیگیر تحقق این امر است.

این طور که به نظر می‌رسد انتخابات مجلس آتی و پیداشدن رقیب سرسختی همچون سیدابراهیم رئیسی برای کرسی ریاست مجلس، لاریجانی را به فکر انداخته است. او دوره بیشتر ندارد و هر دو راه به تشکیل حزب ختم می‌شود. تنها از این طریق است که می‌توان جای پای خود را در هیات رئیسه محکم‌تر از قبل کند و تنها از همین طریق می‌تواند برای انتخابات ۱۴۰۰ خیز بردارد. برنامه‌اش هر کدام از دو گزینه ادامه ریاست مجلس یا رئیس‌جمهوری باشد، فرقی ندارد. او باید یک پشتوانه قوی حزبی برای خود بسازد و از شواهد این طور برمی‌آید که عزم جدی در این راستا دارد.

همین بیست روز قبل حسن بیادی، دبیرکل حزب آبادگران گفته بود: «بعد انتخابات مجلس دهم و قبل انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۶ خیزی از سمت آقای لاریجانی برداشته شد، دعوت کرد و حتی آقای ناطق نوری هم بود اما مدتی که گذشت، دوستان سکوت اختیار کردند و دیگر جلسات را ادامه ندادند.»

این دوستان می‌گفتند ظاهراً برخی با نهدینه‌شدن تحزب موافق نیستند. وی با بیان اینکه در یک جلسه راجع به تشکیل حزب فراگیر که با حضور آقای لاریجانی تشکیل شد حضور داشتیم، اظهار کرد: «من با خود آقای لاریجانی ارتباط داشتیم و از طرف او به این جلسات دعوت شدم.»

اظهارات جدید حسن زمانی، رئیس مرکز نمایندگان ادوار اما حاوی خبر مهم‌تری است. به نظر می‌رسد که حلقه اولیه حزب لاریجانی شکل گرفته است. به گفته او ۲۵ نفر از نمایندگان ادوار اتاق فکری تشکیل داده‌اند تا در مورد مسائل و موضوعاتی که برای رئیس مجلس مهم است، گفت‌وگو کنند. زمانی به خیرگزاری مهر گفته است: «این اتاق فکر به مرکز نمایندگان ادوار مشورت می‌دهند و مسائلی که رئیس مجلس صلاح ببیند به این اتاق فکر ارسال خواهد شد و از نظرات این افراد استفاده خواهد شد.»

وی تاکید کرد: «بعضی از اعضای مجمع برای شرکت در جلسات از شهرستان به تهران سفر می‌کنند. تعدادی از مجمع نمایندگان ادوار بازنشسته و تعدادی از آنها در دستگاه‌های مختلف مشغول کار هستند.»

به گفته وی، کارگروه‌های تخصصی مرکز با کمیسیون‌های مجلس ارتباط خوبی دارند. کارگروه‌ها با کمیسیون‌ها جلسات مشترک می‌گذارند و نظرات خود را به اعضا و کمیسیون‌ها اعلام می‌کنند. مرکز امور نمایندگان ادوار مجلس شورای اسلامی ۱۸۰۰ نماینده که از یک دوره تا ۶ دوره نماینده مجلس بوده‌اند را تحت پوشش دارد و این حتماً پشتوانه خوبی برای شروع کار حزبی است.

این همکاری را همین طور می‌توان یک معامله برد-برد برای لاریجانی و نمایندگان ادوار دانست. هرچه باشد آنها برای بازگشت به بهارستان به حمایت عنصر اثرگذاری مثل علی لاریجانی نیاز دارند و لاریجانی نیز برای حفظ و ارتقای موقعیت خود نیازمند حمایت‌های یک حزب قوی است.



عباسعلی کدخدایی از چهره‌های خبرساز این هفته بوده است. او چند اظهار نظر مهم داشته است. اول از همه گفته است: «اگر قرار باشد مذاکره‌ای با آمریکا صورت گیرد و برخلاف وضعیت حاکم ایران باشد، شورای نگهبان ورود پیدا می‌کند.» او همچنین در پاسخ به این سوال که بالاخره خانم‌ها بروند به ورزشگاه یا نروند؟ گفته است: «اگر مسئولان می‌توانند امکانات و تسهیلات را فراهم کنند و مشکلی وجود نداشته باشد، به نظرم اشکالی نباید داشته باشد.»

او ادامه داده است: «اگر امکاناتی وجود ندارد، باید آن را فراهم کنید و بعد اعلام نظر کنیم، نه اینکه ما بنشینیم و بگوییم «ممنوع است، ممنوع است»، وقتی هم سوال می‌کنیم می‌گویند چون امکانات نداریم. اگر امکانات ندارد پس بی‌عرضگی من مسئول است، باید امکانات را فراهم کنم و اگر نظر خاصی وجود ندارد آن تسهیلات هم فراهم شود، اگر نظری هم در این جهت است روی آن نظر بایستیم و دفاع کنیم و اعلام کنیم.»

## به ماجرای مذاکره با آمریکا ورود می‌کنیم



## تشکیلات جدید؟

محمد رضا باهنر هفته گذشته نکته مهمی را در مورد جبهه مردمی نیروهای انقلاب گفته که مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفته است. دبیرکل جبهه پیروان خط امام و رهبری گفته است: «جمنا حرکت خوب و لازمی برای اجماع اصولگرایان بود و به تعبیری توانست یک وحدت نسبتا عالی را در جامعه اصولگرایی رقم بزند که قابل تقدیر بود. ابتدای روی کار آمدن جبهه مردمی نیروهای انقلاب برخی از سیاستمداران تصور کردند که این تشکل ساخته و پرداخته دست حاکمیت است، این دیدگاه آسیب‌زا بوده و باید شفاف‌سازی‌های لازم صورت بگیرد. کاندیدای نهایی جمنا توانست نتیجه خوبی کسب کرده و اقبال ۱۶ میلیونی مردم را به صندوق رای اصولگرایان گسیل کند اما مجموعه رفتارهای وی به گونه‌ای بود که بسیاری از مشکلات دولت احمدی‌نژاد بر سر جمنا آوار شد، به عنوان مثال ستادی که آقای رئیسی انتخاب کرد متشکل از نیروهای دولت‌های نهم و دهم بود و در این میان افکار عمومی جریان رقیب توانست از این نقطه ضعف به نفع خود بهره‌برداری کند، لذا در شاکله جمنا باید اصلاحات ضروری صورت بگیرد، در غیر این صورت بهتر است ساختاری جدید برای اصولگرایان البته بدون حاشیه‌های جمنا به وجود بیاید.»

سید حسن قاضی‌زاده‌هاشمی، وزیر اصلاح طلب کابینه روحانی به صورت غیرمنتظره‌ای اظهارات تندی در مورد تحریم‌ها و آثار آن داشته است. این وزیر کابینه گفته است: «می‌توان باور کرد که توفانی نزدیک می‌شود. به همین دلیل باید آمادگی داشته باشیم و با کسانی که می‌توانند تدبیر کنند درباره این موضوع صحبت کنیم. من طرفدار روش دوم هستم. اعتقاد ندارم که مدیران را در غفلت و خوش‌خیالی نگاه‌داریم. عزم طرف مقابل ما حزم است. به چه زبانی باید بگوییم که من می‌خواهم بیرحمانه‌ترین تحریم مالی را در طول تاریخ برای ایران اعمال کنم؟» او در عین حال گفته است: «اگر بنا باشد در این شرایط ویژه مانند روزهای عادی رفتار کنیم، نهایت بی‌تدبیری است و ممکن است به خیانت تشبیه شود. یکی از مهم‌ترین وظایف ما این است که بدانیم تیمی که با آن کار می‌کنیم آمادگی این شرایط را دارد یا خیر؟ من این نگاه را نسبت به کل حاکمیت دارم. ممکن است بعضی از ما برای شب عملیات مناسب نباشیم. اگر تیم مدیریتی آمادگی مقابله با تحریم را ندارد باید عوض شود.»



## هشدار آقای دکتر



## پایان امیرانتظام

عباس امیرانتظام، سخنگوی دولت موقت و جاسوس آمریکا، هفته گذشته در ۸۶ سالگی درگذشت. عباس امیرانتظام عضو دولت بازرگان که بعد از تسخیر لانه جاسوسی اسناد ارتباطش با سازمان سیا به دست دانشجویان پیرو خط امام افتاد، به علت ایست قلبی در ۸۶ سالگی درگذشت. وی از آذر ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۵ به جرم جاسوسی در زندان بود. دادگاه انقلاب اسلامی عباس امیرانتظام، معاون نخست‌وزیر و سخنگوی دولت موقت و سفیر سابق ایران در کشورهای اسکانديناوی را برای جرایم شرکت در توطئه انحلال مجلس خبرگان در مقابله با ولایت فقیه، تعهد در تفریق بین مسلمین و جدا کردن برادران انقلابی فلسطین و لیبی از حمایت نهضت اسلامی ایران، فراری دادن سران رژیم فاسد گذشته و ماموران سیاسی سفارت رژیم شاه در اسرائیل و مقامات عالی‌رتبه مجلس سنای طاغوت و سرمایه‌داران صهیونیست تحت تعقیب، انجام ملاقات‌ها و تماس‌های سری و دادن اطلاعات و آگاهی به دشمنان انقلاب و نهضت اسلامی در باره مسائل و مشکلات داخلی و اوضاع سیاسی کشور مجرم شناخته و او را به حبس ابد محکوم کرده بود.

# روایت آیت‌الله از آیت‌الله

## مصاحبه متفاوت آیت‌الله جنتی

یکی از چهره‌های مهم هفته گذشته آیت‌الله احمد جنتی بود. او در سالروز تاسیس شورای نگهبان مصاحبه‌ای با رسانه ملی انجام داد که با بازخوردهایی مواجه شد.

دبیر شورای نگهبان در این مصاحبه گفت که وضع خوب نیست اما با افراد کارشناس و انقلابی قابل اصلاح و ترمیم است. آیت‌الله جنتی در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه اخبار را دنبال می‌کنید، گفت: «اخبار را مرتب می‌بینم. اخبار شبکه یک، شبکه شش و شبکه دو. ۳۰:۲۰ را هم می‌بینم.» او در خصوص گذشته خود افزود: «متولد ۱۳۰۵ هجری. در خانه یک اتاق داشتیم. با پدر و مادر در آنجا زندگی می‌کردیم. به نان و پنیر عادت داشتیم و عید پلو با کوکو می‌خوردیم.» آیت‌الله جنتی در خصوص پسرش گفت: «پسرم نجاری دارد و نان حلال را او می‌خورد.» دبیر شورای نگهبان در خصوص تصور مردم مبنی بر اینکه فرزندان مسئولان دارای پست و سمت هستند، گفت: «خوشحالم بابت شغل پسر، چه کسی گفته پسرم باید حتما اداری باشد.» وی افزود: «صمیمی‌ترین دوستم آیت‌الله خزعلی بود. ما یک روح در دو بدن بودیم و یاد نمی‌آید مشکلی در کاری داشته باشیم.» آیت‌الله مهدوی‌کنی را خیلی دوست داشته و عاشق بهشتی بودم. «وی در خصوص شیوه زندگی خود و وجود موکت کهنه در خانه خود، ادامه داد: «من طلبه متولد شدم. طلبه زندگی کردم و می‌کنم و طلبه هم از دنیا می‌روم. اینجا خودم هستم و کتاب‌هایم. چرا موکت را عوض کنم؟ اسراف می‌دانم این را. آیت‌الله جنتی در پاسخ به سوالی در خصوص تصویری که از وی نشسته بر روی صندلی شاهانه منتشر شده است، گفت: «یک عده‌ای دین و اخلاق خود را فدای سیاست می‌کنند. در سفری به عراق در پایوبون روی این صندلی نشستیم. اگر جرم است؛ بله، نشستیم.» وی در خصوص شوخی‌هایی که با او می‌شود، افزود: «ناراحتیم که جنبه سیاسی دارد. از شوخی خوشم می‌آید. شوخی‌ها دروغ یا تهمت باشد درست نیست و در نظام جمهوری اسلامی اینها محکوم است.» دبیر شورای نگهبان در خصوص مهم‌ترین تصمیمی که در این شورا گرفته است، گفت: «بعضی از مصوبات مجلس بوده است که به ضرر مملکت و مردم بود و خوشحال می‌شدم ردمی‌شد.» وی ادامه داد: «مساله ما ولی فقیه است. امام (ره) باید زنده باشد و در همه عرصه‌ها حاضر باشد. مقام معظم رهبری جلد دوم امام (ره) است.» آیت‌الله جنتی در خصوص تلخ‌ترین تجربه خود در شورای نگهبان گفت: «تلخ‌ترین خاطره در شورای نگهبان فتنه بود. من خیلی غصه بیکاری و گرانی را می‌خورم. وضع خوب نیست اما با افراد کارشناس و انقلابی قابل اصلاح و ترمیم است.» وی گفت: «عمل جلب اعتماد می‌کند. حرف فایده ندارد. برخی‌ها فقط خوب حرف می‌زنند.» دبیر شورای نگهبان در خصوص فشار قرارگرفتن در برخی مواقع گفت: «اینها کاسه و کوزه‌ها را سر من می‌شکنند. در شورا دوازده نفر هستند و من یک دوازدهم هستم اما با من تسویه حساب می‌کنند.» وی درباره رابطه‌اش با کدخدایی افزود: «افکار من و کدخدایی به هم نزدیک است.» آیت‌الله جنتی در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه آیا در جناح اصلاح طلب دوستانی دارید، تصریح کرد: «در جناح اصلاح طلب کم دوست دارم.» او در پایان گفت: «همه مدیون خون شهدا هستند. روز قیامت یقه ما را می‌گیرند.»

خط امام و راه رهبری را باید حفظ کرد.» اما این اظهارات آیت‌الله جنتی با واکنش‌هایی هم در فضای مجازی مواجه شد. تندترین واکنش را علی مطهری داشت.

او در مصاحبه‌ای گفت: «عصر تصمیم‌گیر در شورا آقای جنتی هستند و بقیه معمولاً به احترام ایشان اظهار نظر نمی‌کنند. مثلاً چند تن از اعضای شورای نگهبان به خود من گفتند که ما با تصمیم آقای جنتی درباره موضوع خانم مینو خالقی که بعد از تأیید صلاحیت در حوزه اصفهان رأی



آورده بود و آنگاه رد صلاحیت و به رأی مردم بی‌احترامی شد مخالف بودیم، ولی به خاطر حفظ احترام ایشان مخالفت نکردیم. البته آنها -که یکی از آنها هم مرحوم شده است- کار اشتباهی کردند. در مجموع، اعضای شورای نگهبان مخصوصاً فقهای آن باید افراد روشن بین‌تری باشند. رد صلاحیت آقای هاشمی رفسنجانی برای انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۲ هم از کارهای اشتباه آقای جنتی و شورای نگهبان بود که درست زمانی که به مدیریت و تجربه آقای هاشمی نیاز بود به بهانه کپولت سن ایشان را رد کردند، در حالی که آقای ماهاتیر محمد با ۹۲ سال سن اکنون رئیس جمهور مالزی است.»

او ادامه داده است: «حتی از قول آقای جنتی نقل کردند که ایشان گفته است ما هم می‌دانیم که رد صلاحیت خانم خالقی بعد از تأیید صلاحیت اولیه و رأی مردم خلاف قانون است و موضوع باید به مجلس در بررسی اعتبارنامه‌ها ارجاع داده شود، ولی چون می‌دانیم که مجلس او را رد نمی‌کند خودمان رد می‌کنیم، چون مسئولیت شرعی داریم. این نوع برخورد با قانون یعنی قانون شکنی. وقتی هم که مجلس استفساریه درباره این موضوع را تصویب کرد، شورا ایرادهای موهوم می‌گرفت تا حتی المقدور به تأخیر بیفتد و موضوع منتفی شود و خانم خالقی نتواند وارد مجلس شود، به طوری که مصوبه چند بار بین مجلس و شورای نگهبان رد و بدل شد و در نهایت

به مجمع تشخیص مصلحت رفت و مجمع هم هنوز بعد از نزدیک به دو سال آن را در دستور کار خود قرار نداده است. این است وضع قانون گذاری در کشور ما!»

اما در واکنشی دیگر، سایت خبرآنلاین نیز نوشته است: «شنیدن صحبت‌های آیت‌الله درباره زندگی شخصی، حس صمیمیت و همدلی را به مخاطب منتقل می‌کند و حتی می‌توان گفت دل منتقدان دواشته ایشان نیز نرم می‌شود اما در بخش سیاسی گویا دره‌ای عمیق و وسیع بین نگاه او و بخشی از جامعه وجود دارد که پر کردن این دره با پول‌زدن روی آن همت و خواست دبیر شورای نگهبان را نیز می‌طلبد. محدود بودن اکثریت قریب به اتفاق دوستان آیت‌الله جنتی در جناح اصولگرا موضوع مثبتی تلقی نمی‌شود. ایشان مسئولیت‌های ملی مهم برعهده دارد که برای ادای شایسته این مسئولیت‌ها در نظر گرفتن همه نظرات و دیدگاه‌های سیاسی اجتناب‌ناپذیر است. اما نکته‌ای هم که در صحبت‌های آیت‌الله جنتی محل ابهام بود، نسخه‌ای است که برای برون رفت از وضعیت کنونی پیچید و اعلام کرد افراد کارشناس و انقلابی را باید به کار گرفت. چنین تعریفی ذهن مخاطب را به سال‌های ۸۴ تا ۹۲ می‌برد، زمانی که احمدی‌نژاد در رأس دستگاه اجرایی قرار داشت و بر این باور بود که باید با تصمیم‌گیری‌های انقلابی و در لحظه از سد بوروکراسی پرپیچ‌وخم نظام اداری گذشت و به نتیجه رسید. آن روزها آیت‌الله جنتی از جایگاه دبیر شورای نگهبان و امام جمعه موقت تهران در حمایت از محمود احمدی‌نژاد کم نمی‌گذاشت. او در ۸ تیر ۱۳۸۶ به ماجرای خوابی درباره‌ی به محمود احمدی‌نژاد اشاره کرد و گفت: «سوم تیر ۸۴ مسائل تاریخی انقلاب است. چند روز پیش یکی از دوستان می‌گفت در زمان انتخابات در تاکسی از راننده پرسیدم به چه کسی رأی می‌دهی؟ او گفت: «نمی‌دانم اما مادرم که چند سال پیش فوت کرده دیشب به خوابم آمده و گفت به احمدی‌نژاد رأی بده» که از این نمونه‌ها بسیار است.» یا در خطبه‌های ۱۷ آبان ۸۷ حمایتی تمام‌قد از دولت احمدی‌نژاد داشت و گفت: «ریخته‌اند به جان دولت هر چه می‌خواهند می‌گویند. کور خوانده‌اند که یک روزی مردم مملکت را دودستی تقدیم‌شان می‌کنند.» اما همین آیت‌الله جنتی در اسفند سال ۹۵ و دو ماه مانده به انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم توصیفی کاملاً متفاوتی از احمدی‌نژاد بیان می‌کند. محمدرضا باهنر می‌گوید: «بعد از اینکه حضرت آقا سفارش کرده بودند آمدن احمدی‌نژاد به مصلحت نیست، من حضرت آیت‌الله جنتی را اسفندماه در یکی از جلسات مجمع تشخیص دیدم. به آقای جنتی گفتم احمدی‌نژاد کاندیدا می‌شود. گفت واقعا کاندیدا می‌شود؟ خبر داری؟ گفتم به هیچ وجه. فقط تحلیل دارم. آیت‌الله جنتی خیلی تعجب کرد و گفت اگر نامزد بشود یعنی به دنبال فتنه است.»

۲۲

آیت‌الله جنتی در خصوص شیوه زندگی خود و وجود موکت کهنه در خانه خود، می‌گوید: «من طلبه متولد شدم. طلبه زندگی کردم و می‌کنم و طلبه هم از دنیا می‌روم. اینجا خودم هستم و کتاب‌هایم. چرا موکت را عوض کنم؟ اسراف می‌دانم این را.»

۲۲



## تفاوت رفتار اوپاما و ترامپ با ملکه انگلیس

حساب کاربری روزنامه ایندپندنت در توئیتر تصویری از تفاوت رفتار اوپاما و ترامپ با ملکه بریتانیا که مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفته است را به اشتراک گذاشت.



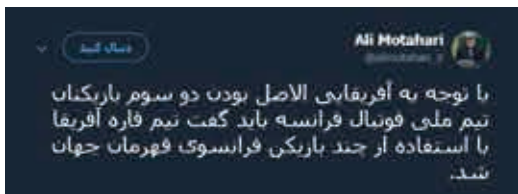
محمدجواد ظریف از شکایت تهران از واشنگتن به دیوان بین‌المللی دادگستری به خاطر اعمال غیرقانونی دوباره تحریم‌های یکجانبه خبر داد. محمدجواد ظریف در پیام توئیتری خود نوشت که در مقابل تحقیر تعهدات حقوقی و دیپلماسی از سوی آمریکا، ایران به حاکمیت قانون پایبند است. وی بر ضرورت مقابله با عادت ایالات متحده در نقض قوانین بین‌المللی تأکید کرد.

## سولانا: اعتراف می‌کنم

«خاویر سولانا»، دبیرکل اسبق ناتو و مسئول پیشین سیاست خارجی اتحادیه اروپا در پیامی توئیتری اعلام کرد: «می‌خواهم اعتراف کنم. می‌دانستیم که در ۱۵ جولای (سال ۲۰۱۶ میلادی) قرار است در ترکیه کودتایی روی دهد؛ اما به ترکیه کمکی نکردیم. به همین دلیل نیز است که ناتو باید از آقای اردوغان (رئیس‌جمهوری ترکیه) عذرخواهی کند. تلاش برای تهاجمی امپریالیستی در ۱۵ جولای ۲۰۱۶ در جمهوری ترکیه روی داد و من یک بار دیگر آن را محکوم می‌کنم. اردوغان و ملت ترکیه بیروزی بزرگ خود را جشن می‌گیرند، نمی‌توانید میان این ملت تفرقه انداخته و آنها را از هم جدا کنید.» گفتنی است، به دنبال کودتای نافرجام ۱۵ جولای سال ۲۰۱۶ میلادی در ترکیه، آنکارا بارها تقاضای استرداد «فتح‌الله گولن» را به اتهام ساماندهی این کودتا به واشنگتن ارائه کرده است. دولت ترکیه «فتح‌الله گولن» که هم‌اکنون در پناهنده‌ای آمریکا به سر می‌برد را مغز متفکر کودتای جولای سال ۲۰۱۶ در این کشور دانسته و تلاش‌های بسیاری را برای استرداد او از آمریکا به انجام رسانده؛ اقداماتی که تاکنون نتیجه‌ای در بر نداشته است.



علی مطهری  
نایب‌رئیس مجلس  
شورای اسلامی در صفحه  
شخصی خود در توئیتر به  
قهرمانی تیم ملی فرانسه در  
جام جهانی واکنش نشان داد



## پیام مهدی محمدی به وزیر جوان

مهدی محمدی، کارشناس و تحلیلگر مسائل سیاسی در صفحه شخصی خود در توئیتر درباره نصب پایشگر میزان تأثیرات پارزیت، نوشته است



افشاگری پشت  
افشاگری





نیازمندی‌ها راه چاره پیدا کرد اما پرواضح است کشورهای مرتجع عربی منطقه که با آمریکا شریک در جنایات علیه ایران شده‌اند اگر درستی و استحکام مواضع ایران را نپسندند، همچنان به جنایات خود ادامه می‌دهند، ضمن اینکه شریان‌های اقتصادی آنها هم به تنگه هرمز وابسته است، مضاف بر اینکه وابستگی آنها به نفت بیشتر از ایران است، به خصوص هزینه جنگ احتمالی علیه مردم یمن و سوریه بر دوش آنها سنگینی می‌کند و تاکنون صدها میلیارد دلار از ذخایر آنها را خورده و با کسری شدید منابع مواجه شدند، بنابراین آنها تحمل کمترین فشار ناشی از عدم فروش نفت را ندارند و به آمریکا فشار خواهند آورد که دست از تهدید علیه فروش نفت ایران بردارد.

وقتی دشمن تهدید می‌کند اولین اقدام، تهدید در برابر تهدید است. به صورت دقیق براساس توانمندی موجود نه موضع انفعالی گرفتن که ضعف طرف را نشان دهد.

تجربه مذاکرات با اروپا و آمریکا از دوره اصلاحات تا کنون را باید به خاطر داشت و مرور کرد هرچا به صورت عقب نشینی و انفعالی عمل شد، نتیجه آن گستاخی و زیاده خواهی طرف‌های مقابل شد و هرچا استقامتی صورت گرفت دشمن عقب نشینی کرد. جنگی که آمریکا به راه انداخته برای زدن ریشه حیات کشور است.

ابتدا باید تمام امکانات و ظرفیت کشور برای تامین نیازهای داخلی بسیج شود و سپس برای سایر

ان شاء الله روزی را شاهد باشیم که مسئولین محترم از افعال ماضی استفاده کنند. یعنی لیست را منتشر کردیم، با متخلفین برخورد کردیم. مفسدین از سیستم حذف شدند. رانتخواران به مجازات رسیدند و...  
وگرنه وعده آینده را هر فردی با مسئولیت و بدون مسئولیت هم می‌تواند بدهد.

آیا با انتشار فهرست دریافت کنندگان ارز دودی از مردم دوا می‌شود یا باید با متخلفان برخورد کرد؟

آقای شریعتمداری! تکلیف ناکارآمدی و توزیع رانت در تصمیمات دولت چه می‌شود؟ یکی شش ماه پیش ماشینی را به قیمت ۴۵۰ میلیون تومان خریده، سپس یک ماه بعد دولت واردات آن نوع ماشین به خصوص را ممنوع کرده و قیمت آن خودرو رسیده به ۸۰۰ میلیون، سپس دلار دو برابر شده و قیمت آن خودرو شده ۱۲۰۰، سپس کل واردات خودرو ممنوع شده و قیمت آن خودرو رسیده به ۱۵۰۰. کجای دنیا دولتی کشورش را این گونه مدیریت می‌کند؟



این روزها باب شده هر مسئولی میاد میگه جزئیات فساد رو به مردم می‌گیم و با این حرفشون یه جوری منت هم می‌دارن سر مردم. یک کاری کنید این فسادها پیش نیاد و ازش جلوگیری کنید، نه اینکه وقتی بردند و خوردند شما خبردار بشین.



من توی شهرستان روزانه ۳ لیتر مصرف ندارم اون وقت آقا با ماشین بمرصفتوی شهرهای بزرگ از این سر شهر به اون سر شهر میره و از یارانه بنزین که متعلق به همه ملت است استفاده می‌کنه. واقعا کارت سوخت طرح خوبی بود.

کم هزینه تر از بستن تنگه هرمز حمله موشکی به جاهای نفت عربستان است. بهانه برای این کار زیاده. عربستان قدرت شروع یک جنگ جدید رو نداره و عملاً با یک حمله موشکی سنگین و وسیع هم قیمت نفت سر به آسمان خواهد کشید و هم عواقب چندانی متوجه ما نخواهد شد.



شیوه فعلی تخصیص ارز مسافرتی کاملاً رانتی و به نفع افرادی است که تمکن مالی مناسب برای سفرهای خارجی دارند. با توجه به اینکه سفر خارجی به عنوان یک کالای لوکس شناخته می‌شود، لذا پرداخت ارز به این سفرها پرداخت یارانه پنهان به خانوارهای برخوردار است که متأسفانه اکثراً هیچ نقشی در تولید ملی و پرداخت مالیات ندارند. همان طور که از یارانه‌های پنهان در بنزین، آب، برق، گاز و سایر اقلامی که قیمت گذاری آنها خارج از بازار صورت گرفته بیشترین استفاده یارانه را می‌کنند.



مردم فکر می‌کنند آن دختر بازداشت شده اینستاگرامی یک دختر ساده است که برای دلخوشی و رضای خدارقص آنلاین انجام داده، غافل از اینکه هیچ گربه‌ای برای رضای خدا موش نمی‌گیرد. شک نکنید امثال این دخترها به سرشاخه‌های همان سفارتخانه‌هایی وصل هستند که بحران آب و برق و ارز و طلا را ایجاد می‌کنند. اگر هم خودش از عوامل نباشد، جزو فریب خورده‌هاست.

تعداد مردمی که دلخوشی شون سفر خارجی هست خیلی کمه در شرایطی که منابع ارزی دولت محدوده و با تخصیص این ارز به پولدارها فشار بیشتری به مردم عادی میاد که حتی مسافرت داخلی هم واسه شون مقدور نیست. به نظر ارز مسافرتی باید قطع بشه.

واقعا من ماندم چرا کارت سوخت رو برداشتن؟ واقعا طرح خوبی بود.





## تفرقه بینداز و حکومت کن

سیاست ترامپ در قبال اروپا چیست؟





ترامپ خود را نشان می دهد. آقای والاسک می گوید: «ترامپ در اروپای غربی به لحاظ سیاسی به موجودی سمی و زهرآگین تبدیل شده است. بعد از ارسال پیام هایش در توئیتر، کسی مایل نیست به او لبخند بزند. فراتر از این، اهانت های ترامپ و عدم محبوبیت وی میان رای دهندگان اروپایی باعث می شود که کار برای مقامات قاره سبز سخت تر شود و آنها نتوانند کارهایی را که ترامپ از آنان می خواهد، مانند افزایش هزینه های نظامی، انجام دهند.» والیسک ادامه می دهد: «پس از اینکه ترامپ با اروپایی ها در مورد مسائلی همچون قرارداد تغییرات آب و هوایی پاریس و قرارداد هسته ای ایران مخالفت کرد، مقامات اروپایی دیگر مایل نیستند به هر نحو با خواسته های وی ارتباط پیدا کنند. این بوسه مرگ است.»

آنها همچنین از حمایت از خروج انگلیس از اتحادیه اروپا (برگزیت) و گرایش او به مخالفان سیاسی اتحادیه اروپا که در رویکرد ناسیونالیستی و مهاجرتستیز خود با وی اشتراک دارند، نگرانند. با این حال، همان طور که «زیگمار گابریل» وزیر خارجه سابق آلمان، در مصاحبه ای با اشپیگل عنوان نمود، اروپا در خصوص ترامپ با معضلی جدی مواجه است. گابریل گفت: «حقیقت این است که ما نمی توانیم خود را با ترامپ هماهنگ کنیم و از طرفی، بدون ایالات متحده هم نمی توانیم ادامه دهیم. بنابراین ما به یک استراتژی دوگانه نیاز داریم، یک استراتژی واضح، سخت و فراتر از آن، یک استراتژی که پاسخ مشترک اروپا به ترامپ باشد. هر گونه تلاش برای همکاری با او، هر گونه تعریف و تمجید از سیاست هایش تنها باعث می شود او به مرحله بالاتر برود. این باید متوقف شود، از تجارت گرفته تا ناتو. ما نمی توانیم بیش از این خود را فریب دهیم. دونالد ترامپ تنها قدرت را می شناسد، پس ما باید به او نشان دهیم که قدرتمند هستیم.» با این حال، اینکه چگونه باید این کار را انجام داد، چندان مشخص نیست. زیرا وابستگی امنیتی اروپا به ایالات متحده کاملا واضح و آشکار است و به زودی، تغییری نخواهد کرد. جان سی کورن بلوم، سفیر سابق آمریکا در آلمان که هنوز هم در آنجا زندگی می کند، عنوان داشت: «مشکل واقعی این است که به نظر می رسد اروپا پس از جنگ جهانی دوم هنوز هدف و جهت گیری مشخص ندارد.» آقای کورن بلوم ادامه داد: «این رویکرد نمی تواند به اهداف قابل دستیابی منتج شود و بدتر از آن، به نظر نمی رسد که بیشتر از این بتواند در برابر جنایتکاران جهان ایستادگی کند.» آقای کورن بلوم همچنین گفت: «دستاوردهای بزرگ کشورهای اروپایی مانند صلح و رفاه اجتماعی - موجب شده است که آنها به خود مغرور شوند، اما در واقع برداشتن این گام ها به جلو تنها با کمک ایالات متحده امکان پذیر بوده است. اکنون ترامپ آنها را از چنین فضایی بیرون رانده و آنچه را که نباید گفته شود، گفته است. این برای اروپایی ها ناخوشایند و ناراحت کننده است.»

گذشته از تمامی اینها، مساله ای که ذهن بسیاری از کارشناسان اروپایی را به خود مشغول داشته این است که به واقع ترامپ قصد دارد تا چه حد راهی که پیش گرفته به جلو برود؟ پاسخ این سوال نگران کننده است: «رویکرد خاص اتخاذ شده توسط رئیس جمهور ایالات متحده و سیاست های وی مشخصا مخالف با بقای اتحادیه اروپا می باشد، و چنین به نظر می رسد که وی تا زمان از بین بردن ناتو و اتحادیه اروپا، از پای نخواهد نشست و این همان چیزی است که مقامات اروپایی را به شدت نگران ساخته است.»

## استیون ارلانگر

مترجم: شادی حسینی فرد  
منبع: نیویورک تایمز

طی روزهای اخیر بسیاری از تحلیلگران مسائل بین الملل، تمرکز ویژه ای روی مناسبات آمریکا و اتحادیه اروپا نموده اند. برخی از کارشناسان، معتقدند که روابط واشنگتن و بوکسل در آینده ای نزدیک وارد فاز بحرانی خواهد شد. روزنامه نیویورک تایمز نیز در تحلیلی به قلم استیون ارلانگر، به بررسی مناسبات آمریکا و اتحادیه اروپا و سیاست های خاص دولت ترامپ در قبال اروپای واحد پرداخته است.

شرکای اروپایی ایالات متحده در نشست اخیرشان در بروکسل، انتظار کارهای غیرمنتظره زیادی را از ترامپ داشتند، به خصوص پس از رفتار دونالد ترامپ در جریان نشست گروه جی ۷ در کانادا، آنان به خوبی نسبت به این نکته آگاه بودند. با این وجود سفر ترامپ به اروپا همچنان برای عده ای چالش برانگیز بود، یعنی افرادی که با وجود رصد سیاست های بحث برانگیز وی، تاکنون به صورت مستقیم با آن مواجه نشده بودند. بسیاری از کارشناسان و شهروندان اروپایی اکنون بر این باورند که پشت خودشیفتگی ترامپ و طعنه های وی، یک استراتژی به خصوص وجود دارد: هدف ترامپ از بین بردن همبستگی میان اعضای ناتو و اتحادیه اروپاست تا بدین شکل بتواند به صورت جداگانه با هر یک از این کشورها وارد روابط تجاری و نظامی شود. ترامپ با خوشحالی زیاد پروتکل ناتو و انگلیس را نقض کرد، قرار ملاقات با دیگر رهبران را لغو نمود، برنامه ها را به هم ریخت، رهبران دیگر را سرکوب کرد، دستور ترتیب دادن یک کنفرانس خبری را برای پخش در برنامه های تلویزیونی صبح آمریکا داد، ادعاهای بی اساسی درباره توافقات انجام شده ابراز کرد و با انجام مصاحبه ای که در نشریه انگلیسی «سان» منتشر شد، میزبان خود «ترزا می» نخست وزیر انگلیس را خجالت زده کرد. فرانسیس هاس بورور، تحلیلگر سیاسی فرانسه در خصوص رفتار ترامپ، عنوان می کند که اکنون اروپایی ها متقاعد شده اند که ترامپ برنامه ها و مقاصد خاص خود را دنبال می کند: «اروپایی ها دریافته اند که رفتارها و رویکردهای او ناشی از نپختگی وی نیست، بلکه او قصد دارد تا نظم چندجانبه ای را که ۷۰ سال قدمت دارد از بین ببرد، چرا که معتقد است قدرت آمریکا را محدود می کند.» تامپسون والاسک یکی از محققان سیاست خارجی اروپایی، عنوان می کند که مقامات اروپایی دیگر به ترامپ به عنوان یک خرابکار می نگرند. آقای والاسک گفت: «این طور نیست که مادر مورد رفتار او گنگ و حیران باشیم اما هرگز قبلا با این گونه حیوانات سیاسی برخورد نداشته ایم. این یک بازی جدید است و ما یاد می گیریم که چگونه بازی کنیم.» مقامات مختلف استراتژی های گوناگونی را در خصوص ترامپ آزموده اند. آقای والاسک گفت: «اما ما متوجه شدیم که هیچ کدام از اینها مهم نیست. او با دیگران مانند یک رقیب برخورد می کند. او می خواهد کشورها را در مقابل یکدیگر قرار دهد و از قدرت و ثروت ایالات متحده در مقابل دیگران به نفع خود استفاده کند.» در حال حاضر نارضایتی زیادی میان مقامات اروپایی نسبت به رئیس جمهور ایالات متحده وجود دارد که به اشکال گوناگون خود را نمایان ساخته است. این نارضایتی ها گاهی در کلام و سخن و کاملا مستقیم ابراز می شود و گاهی نیز به صورت بی توجهی نسبت به شخص





# لشگرکشی ترامپ علیه اروپای واحد

## هدف واشنگتن از تقابل با بروکسل چیست؟

حنیف غفاری

روزنامه نگار



بسیاری از تحلیلگران مسائل بین الملل، تمرکز ویژه‌ای روی روابط ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا، خصوصاً طی روزهای اخیر کرده‌اند. برخی سیگنال‌ها و سخنانی که از سوی رئیس جمهور آمریکا و خطاب به سران اروپایی مخابره می‌شود، حکایت از تقابل تمام عیار کاخ سفید با اتحادیه اروپا دارد. طی روزهای اخیر، اخباری در خصوص نوع مرادفات خاص ترامپ، رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا با اعضای اتحادیه اروپا به گوش می‌رسد. ترامپ از امانوئل ماکرون، رئیس جمهور فرانسه خواسته است تا اتحادیه اروپا را ترک کند و روابط دوجانبه گسترده‌تری را با ایالات متحده برقرار کند. از سوی دیگر، ترامپ از ترزا می، نخست‌وزیر انگلیس رسماً خواسته است تا در خصوص موضوع برگزیت، به جدای تعامل با اروپا از اتحادیه اروپا شکایت کند. اینها مواردی است که نشان دهنده تقابل دامنه دار رئیس جمهور آمریکا با اروپای واحد است. این تقابل می‌تواند در آینده به منازعه‌ای تمام عیار تبدیل شود. اگرچه اتحادیه اروپا هنوز واکنش قاطعانه‌ای در مقابل ایالات متحده اتخاذ نکرده و سیاست «تعامل با ترامپ» را پیش گرفته است اما این روند نمی‌تواند چندان طولانی باشد.

در این خصوص نکاتی وجود دارد که نمی‌توان به سادگی از کنار آنها گذشت. نخستین و مهم‌ترین نکته اینکه سران اروپایی هنوز دشمنی ترامپ با موجودیت اروپای واحد را درک نکرده‌اند. جنگ اقتصادی ترامپ و اتحادیه اروپا از ابتدای سال ۲۰۱۸ میلادی وارد فاز تازه‌ای شده است. برخی تحلیلگران اقتصادی در آمریکا معتقدند که در آینده، دولت ترامپ تعرفه‌های گمرکی جدیدتر و گسترده‌تری را در راستای اعمال سیاست‌های حمایت‌گرایانه اقتصادی خود علیه اتحادیه اروپا، چین، کانادا و مکزیک وضع خواهد کرد. مقامات اروپایی هم اکنون با رئیس جمهوری در آمریکا مواجه هستند که «حمایت‌گرایی اقتصادی» را سیاست کلان خود در حوزه تجارت می‌داند و در آینده نیز در راستای پیاده‌سازی این سیاست تلاش خواهد کرد. بدون شک، در این مسیر شاهد تقابل اقتصادی بیشتر میان آمریکا و اروپا و به عبارت بهتر، جنگ اقتصادی میان این دو خواهیم بود، ضمن آنکه کشورهای مانند چین و کانادا نیز وارد این تقابل با آمریکا خواهند شد. مقامات اروپایی در تازه‌ترین نشست خود، حق واکنش در برابر اقدامات ترامپ را برای خود محفوظ دانسته‌اند. با این حال برخی سران اروپایی از جمله ترزا می، نخست‌وزیر انگلیس معتقدند که باید در قالب مذاکره و گفت‌وگو با ترامپ، اختلافات موجود میان بروکسل و واشنگتن را حل و فصل کرد. بدیهی است که ارائه چنین تری از سوی نخست‌وزیر انگلیس نمی‌تواند مورد استناد سایر بازیگران اروپایی قرار گیرد زیرا هم‌اکنون انگلیس در آستانه خروج از اتحادیه اروپاست و خود به‌نماد وحدت‌شکنی در این مجموعه تبدیل شده است.

نکته بعدی که باید در این خصوص مورد توجه قرار

گیرد، به شعارهای انتخاباتی ترامپ و رویکرد مبنایی وی در قبال اتحادیه اروپا بازمی‌گردد. ترامپ در جریان رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ ایالات متحده آمریکا، مخالفت خود را با «موجودیت اروپای واحد» بیان کرده بود. حمایت خاص ترامپ از پدیده‌هایی مانند برگزیت و فراتر از آن، حمایت وی از گروه‌های ملی‌گرا و راست افراطی در کشورهای اروپایی، بیانگر تقابل تمام عیار رئیس جمهور آمریکا با اتحادیه اروپا و منطقه یورو بود. شواهد و مستندات موجود نشان می‌دهد که روابط ترامپ و گروه‌های ملی‌گرا و مخالفان موجودیت اروپای واحد همچنان به قوت خود باقی است. بنابراین، منازعه و تقابل کاخ سفید با اروپای واحد، نوعی تقابل ماهوی و زیربنایی است؛ تقابلی که تا زمان فروپاشی اروپای واحد یا خروج کامل ترامپ از کاخ سفید ادامه خواهد داشت. ترامپ خواستار اضمحلال اروپای واحد است و ابایی از ابراز این موضع ندارد. وی از یک سو قصد دارد با حمایت از گروه‌های ملی‌گرا و ضد اتحادیه اروپا، زمینه تضعیف اقتصادی اروپا را فراهم آورد و از سوی دیگر، به لحاظ امنیتی نیز هزینه‌های اروپا را در ذیل پیمان ناتو افزایش دهد. میان سیاست‌های اقتصادی و امنیتی ایالات متحده آمریکا در

این خصوص پیوستگی

کاملی وجود دارد.

نکته دیگری

که باید در این

خصوص مدنظر قرار

گیرد، نوع رفتار فعلی

سران اروپایی در قبال دولت

ایالات متحده آمریکا و شخص

رئیس جمهور این کشور است. مصالحه

سران اروپایی با دونالد ترامپ و سیاست‌های

ایالات متحده آمریکا، نه تنها تأثیری در کلیت تقابل

رئیس جمهور آمریکا با موجودیت اروپای واحد نداشته است، بلکه ترامپ را در این خصوص وقیح‌تر ساخته است. پیشنهاد اخیر رئیس جمهور آمریکا به امانوئل ماکرون در همین راستا قابل تجزیه و تحلیل است. اروپا تحت تأثیر رویکرد مصالحه‌گرایانه سیاستمدارانی مانند ترزا می، نخست‌وزیر انگلیس و امانوئل ماکرون، رئیس جمهور فرانسه و حتی آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان، هنوز از ظرفیت‌های خود برای مقابله با رفتارها و اقدامات دولت ترامپ استفاده نکرده است. کار به جایی رسیده است که نخست‌وزیر انگلیس از دیگر کشورهای اروپایی خواهش کرده که در مقابل وضع تعرفه‌های گمرکی بر فولاد و آلومینیوم اروپا سکوت کرده و اقدام متقابلی در برابر واشنگتن صورت ندهند!

نکته آخر اینکه اساساً ترامپ تقابل با اروپای واحد را در قالب یک «استراتژی پنهان» پیگیری نمی‌کند و صراحتاً آن را در مقابل رسانه‌ها و افکار عمومی اعلام می‌نماید. این موضوع نشان‌دهنده منازعه جدی واشنگتن و اتحادیه اروپا در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ است؛ موضوعی که به نظر می‌رسد سران اتحادیه اروپا و منطقه یورو آن را درک نکرده‌اند. بدون شک، این موضوع می‌تواند در آینده ضربات اقتصادی و سیاسی و حتی امنیتی سختی به اروپای واحد وارد کند. از این رو لازم است اروپا هرچه سریع‌تر از فاز تعامل با ترامپ خارج شده و وارد فاز تقابل با رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا شود. در صورتی که اتحادیه اروپا در این خصوص تاخیر کرده یا با عینکی خوشبینانه مناسبات آتی خود و واشنگتن را رصد کند، با معضلات امنیتی و اقتصادی پیوسته و همزمانی مواجه خواهد شد که مسلماً مدیریت آنها از عهده سران فعلی اتحادیه اروپا خارج است.



# ناتو فرو نمی‌باشد

## تلاش ترامپ در راستای کاهش بار مالی ناتو است

امیرعلی ابوالفتح

کارشناس مسائل آمریکا



دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا که همواره منتقد تقسیم ناعادلانه هزینه‌های دفاعی میان کشورهای عضو ناتو بود، از متحدان کشورش درخواست‌های مکرر کرده است تا بودجه‌های نظامی‌شان را در رابطه با ناتو افزایش دهند. این در حالی است که مجلس نمایندگان آمریکا به اتفاق آرا قطعنامه‌ای در حمایت از ناتو تصویب کرد. اگرچه در ظاهر تنش‌ها میان دولت ترامپ و کنگره در رابطه با ناتو رو به افزایش است، اما در واقع ما شاهد یک اختلاف نظر اساسی نیستیم. به نظر می‌رسد اقدامی که کنگره با صدور قطعنامه انجام داد، برای تاکید بر نقش ناتو به عنوان رکن اساسی تامین امنیت، به‌ویژه در قاره اروپا و سطح جهان است. زیرا این نگرانی به‌وجود آمده است که نارضایتی دونالد ترامپ از پایین بودن بودجه دفاعی کشورهای عضو ناتو، به سمت تضعیف ساختار ناتو و تحت فشار قرار دادن اعضا حرکت می‌کند. اما رویکرد دولت ترامپ تضعیف ناتو و خروج آمریکا از ناتو نیست، بلکه بیشتر در راستای کاهش بار مالی است که بر دوش ایالات متحده آمریکا قرار دارد و همچنین

فعال تر کردن کشورهای عضو ناتو در تاثیر هسته‌های فقدان نظامی. به همین خاطر این موضوع نگرانی‌هایی را ایجاد کرده، به‌ویژه برای گروه‌هایی که معتقد هستند شمع اول آمریکا، بر جایگاه و نقش ایالات متحده بین متحدانش لطمه وارد می‌کند؛ ضمن اینکه بر ساختار چندجانبه‌گرایی از جمله ناتو با تقویت روابط با اتحادیه اروپا تکیه می‌کنند. لذا این گروه‌ها تلاش دارند با صدور چنین قطعنامه‌ای عزم و اراده خود را در حمایت از ناتو اعلام کنند. در غیر این صورت نشانه‌ای از یک اختلاف نظر جدی آمریکا در قبال ناتو یا خروج آمریکا از ناتو وجود ندارد؛ چرا که این موضوع یک حمایت سیاسی یا به گونه‌ای معنوی بود که کنگره از ناتو انجام داد با هدف کاهش نگرانی‌ها نسبت به اینکه دونالد ترامپ اقدام شتابزده یا غیرهماهنگی را در قبال ناتو انجام ندهد. ضمن اینکه کنگره هم تمایل دارد هزینه‌های دفاعی کشورهای عضو ناتو افزایش پیدا کند، زیرا در کنگره هم گمانه‌هایی است مبنی بر اینکه بار اصلی ناتو بر عهده ایالات متحده است، لذا اگر کشورهای عضو به تعهدات‌شان عمل کنند و ۲ درصد از تولیدات داخلی خود را به بودجه‌های دفاعی اختصاص دهند، فشار مالی در آمریکا کاهش پیدا می‌کند و کنگره می‌تواند بودجه را به گونه‌ای بهتر تخصیص دهد یا حتی اگر بودجه‌های نظامی آمریکا هم کاهش پیدا نکند، حداقل پول بیشتری برای بخش‌هایی که نیاز بیشتری به بودجه دارند تخصیص پیدا می‌کند. از این جهت کنگره موافق نظر ترامپ



است اما شاید نسبت به نحوه طرح موضوع و علنی کردن موضوع تفاوت دیدگاهی وجود داشته باشد. اصولاً شخص ترامپ معتقد است برای موفقیت در مذاکرات تجاری و سیاسی از نزدیک باید فشار را افزایش داد و از تهدید و ارباب نسبت به اینکه ممکن است اقدام تندی اتخاذ شود، استفاده کرد تا راه رسیدن به توافق هموار شود. اما کنگره بر این باور است که منصفانه نیست با متحدین سیاسی و نظامی واشنگتن این گونه‌ها را به تحریک آمیز صحبت کرد. به همین خاطر به نظر می‌رسد که نمایندگان در این فکر هستند تا راهی در نحوه مواجهه دولت ترامپ با موضوعی که کنگره هم نسبت به آن دغدغه دارد پیدا کنند، در غیر این صورت اقدام فوری و عملی در راستای رویارویی با دولت ترامپ در قبال ناتو را نمی‌توانیم شاهد باشیم.

لازم به ذکر است دونالد ترامپ در جریان انتخابات ریاست جمهوری بیان کرد که ناتو یک پیمان منسوخ شده است. اما در حقیقت نگاه ترامپ اصلاح موضوع است نه نابودی ناتو. ترامپ معتقد است ناتو باید به وظایف خود در خصوص تامین امنیت هم در اروپا و هم خارج از آن عمل کند و بازوی کمکی برقراری امنیت در سطح جهانی باشد. اما ملی‌گرایان آمریکایی اعتقاد دارند ایالات متحده بیش از اندازه نقش قطب جهانی را بر عهده داشته و به تنهایی امنیت جهانی را برقرار کرده که این باعث شده قدرت آمریکا مستهلک شود و واشنگتن از پرداختن به نیازهای داخلی و تقویت و بهبود نظام‌های داخلی ناتوان بماند. از این جهت فشار را بر متحدین افزایش می‌دهند تا سهم بیشتری از تامین امنیت خود را به عهده بگیرند. بنابراین رویکرد دولت ترامپ این است که متحدین آمریکا یا باید با هزینه خودشان امنیت را تامین یا هزینه آن را به دولت آمریکا پرداخت کنند تا آنها به نیابت از متحدین این وظیفه را به عهده بگیرند. این نگرش کاخ سفید در مورد کره جنوبی، ژاپن و عربستان هم وجود دارد. در رابطه با هزینه‌های ناتو هم همان گونه که پیش از این ذکر کردم، کشورهای عضو تعهد دادند تا ۲ درصد از تولیدات داخلی خود را به بودجه‌های دفاعی اختصاص دهند که فقط ۳ کشور به این تعهد عمل کردند و بقیه کشورها این سهم را تقبل نکردند. در حالی که به اعتقاد دونالد ترامپ، کشوری مانند آلمان بسیار ثروتمند است و دارای ذخایر ارزی زیادی است و بودجه خود را نمی‌پردازد. البته از سوی دیگر آلمانی‌ها معتقدند با همین سهم ۲ درصدی هم دومین تامین کننده هزینه‌های ناتو هستند که از نظر آمریکایی‌ها این کفایت نمی‌کند، لذا اگر کشورهای ثروتمند اتحادیه اروپا پول بیشتری را خرج امور نظامی کنند، صرفه‌جویی‌هایی برای دولت آمریکا حاصل می‌شود و آنها می‌توانند بهتر بودجه خود را تخصیص دهند.

به هر جهت به نظر می‌رسد که در نهایت کشورهای عضو ناتو خواسته آمریکا را بپذیرند. در واقع ۲ درصد توافق است که انجام شده و طی این سال‌ها به دلایلی برخی کشورهای اروپایی به تعهدات‌شان عمل نکرده‌اند، بنابراین فشاری که ایالات متحده آمریکا وارد می‌کند، حداقل کشورهای ثروتمند اتحادیه مانند آلمان و فرانسه را وادار به تخصیص پول بیشتر به امور نظامی می‌کند و این روند به احتمال زیاد طبق خواست و نظر واشنگتن پیش خواهد رفت، زیرا ایالات متحده آمریکا اصلی‌ترین و بزرگ‌ترین عضو ناتو است و تصمیمش در نهایت مورد قبول واقع خواهد شد. به همین خاطر به نظر نمی‌رسد این موضوع به عنوان یک تنش عمیق بین کشورهای عضو مطرح شود و به گونه‌ای نخواهد بود که باعث فروپاشی ناتو شود.



## دورنمای نگران کننده

فرصت طلبی های حزبی، عراق را به قهقرا سوق می دهد

جعفر قنادباشی

کارشناس مسائل خاورمیانه



شهر بصره و برخی دیگر از شهرهای جنوبی و شیعه نشین عراق طی دو هفته گذشته ناآرامی هایی را تجربه کردند که این بار، جنبه رفاهی و معیشتی داشت و در اعتراض به کمبود برق و آب و دیگر کاستی ها و نابسامانی ها صورت گرفت.

تظاهرات و درگیری های اخیر در استان های جنوبی عراق در اعتراض به وضعیت معیشتی و اوضاع نابسامان اقتصادی و خدمات رسانی در روزهای گرم تابستان است که سال های گذشته نیز شهرهای مختلف عراق شاهد آن بوده اند. در این تظاهرات دفا تر حزب الدعوه، جریان الحکمه و مجلس اعلا ی عراق در استان میسان به آتش کشیده شدند و مردم در شهر نجف فرودگاه را به تعطیلی کشاندند و معترضان در بصره نیز به خانه استاندارد یورش بردند. همچنین صدها عراقی نیز به فرودگاه نجف یورش برده، وارد سالن فرودگاه شدند و تا باند پرواز فرودگاه پیش رفتند که باعث توقف پروازها شد.

با این حال و برخلاف ظاهر، این ناآرامی ها، ریشه در چند مساله و عامل مختلف دارد و تنها از کمبودها و کاستی ها سرچشمه نمی گیرد. چنان که از جمله عوامل این ناآرامی ها را باید در نهادهای نشدن روند انتخاباتی در این کشور و عدم آمادگی مردم عراق برای پذیرش شرایط برخاسته از یک انتخابات دموکراتیک جست و جو کرد. این بدان خاطر است که اعتراضات و ناآرامی های کنونی به طور غیرمستقیم با مناقشات انتخاباتی ارتباط داشت

و در واقع به نوعی ادامه این مناقشات محسوب می شد؛ زیرا تشکیل نشدن کابینه جدید بعد از انتخابات و تاخیر در این امر، از جمله موضوعات مورد اعتراض معترضان و تظاهرات مردمی در شهرهای جنوبی عراق بوده و هست. اما دومین عامل ناآرامی های اخیر را باید نتیجه تبلیغات پرچم رسانه ای و به عبارت روشن تر، نتیجه مداخلات خارجی دانست؛ مداخلاتی که از پیش از انتخابات عراق به طور آشکار آغاز شده و به طور پیوسته تا بعد از انتخابات نیز استمرار یافته است. شاهد هستیم شعارهایی که در ناآرامی های اخیر مطرح می شود، دقیقا مشابه همان شعارهایی است که در عرصه مبارزات انتخاباتی نیز تکرار شده و بر دیگر مناسبات حزبی و مسائل انتخاباتی سایه انداخته است. چنان که سردادن شعارهایی درباره ایران آن هم در شهرها و مناطق شیعه نشین، نشان از آن داشت که عناصر یا گروه هایی در عراق نه تنها خواستار تکرار صحنه هایی از مبارزات انتخاباتی در عراق، بلکه درصدد کسب رضایت برخی از دولت های ارتجاعی در منطقه به ویژه حکومت ریاض هستند و آنچه را در عرصه انتخاباتی بدان دست نیافته اند، در ناآرامی های بعد از انتخابات جست و جو می کنند. این در حالی است که عوامل دیگری همچون تضادها و رقابت های قومی و مذهبی در این ناآرامی ها نقش تشدید کننده و تقویت کننده داشته و اختلافات و تضادهای موجود در عراق را به مسائل بسیار پیچیده و دشواری تبدیل کرده اند. لذا می توان گفت که در شرایط موجود، اعتراضات صنفی و نارضایتی های ناشی از اوضاع معیشتی و رفاهی به نارضایتی سیاسی تبدیل شده و مناسبات و مناقشات حزبی و گروهی را نیز در این عرصه به خدمت گرفته است.

به ویژه آنکه در عرصه سیاسی، مشکلات ناشی از اختلافات و رقابت های شدید حزبی از تشکیل کابینه جدید جلوگیری کرده و آستانه تحمل عمومی را در پذیرش شرایط کنونی به شدت تقلیل داده است.

طبیعی است که این ناآرامی ها در مجموع، آسیب پذیری ساختار سیاسی در عراق را به حد اکثر می رساند و بستر مناسبی را برای انواع ناهنجاری ها و نابسامانی های جدید فراهم می کند، کما اینکه، به وجود آمدن امکان لازم جهت تکرار و گسترش دامنه حرکت های تروریستی و حتی تقویت بقایای داعش در این کشور از جمله عواقب و پیامدهای احتمالی این گونه ناآرامی ها خواهد بود. این در صورتی است که احتمال می رود در صورت تداوم، اعتراضات و ناآرامی های کنونی به مناطق شمالی و سنی نشین عراق نیز کشیده شود و جریان جدایی خواهی را برای بار دیگر در نواحی کردنشین این کشور تقویت کند. این بدان معناست که عراق کنونی به هیچ وجه در موقعیتی نیست که بتواند از کنار ناآرامی های کنونی به سلامت عبور کند و شاهد عوارض و پیامدهای منفی چنین ناآرامی هایی نباشد. عراق مدت زیادی است که نیازمند یک دولت مقتدر، یک کابینه کاری، فعال و دستگاہ های اجرایی قدرتمند است تا بتواند عقب ماندگی های ناشی از جنگ های داخلی و ناآرامی های دو دهه گذشته را جبران کند و زخه هایی را که طی این دو دهه بر پیکر این کشور وارد شده را التیام بخشد. یعنی همان موضوعی که بیش از هر کس دیگر، مقامات سیاسی عراق باید بدان توجه و عنایت داشته باشند و با انتخاب سیاست های مسالمت آمیز، جامعه کنونی عراق را که زیان های فراوانی از قتل جنگ های داخلی متحمل شده به سمت و سوی یک آرامش ضروری هدایت کند.

این در حالی است که متاسفانه احزاب سیاسی در عراق به دلیل مداخلات خارجی و برخی فرصت طلبی های حزبی به عامل گسترش دامنه این نوع نارضایتی ها و ناآرامی های کنونی تبدیل شده اند و دورنمای نگران کننده ای را در تحولات آینده ترسیم کرده اند. مقامات سیاسی و حزبی در عراق باید بدانند که در مقطع حساس کنونی، ادامه و استمرار رقابت های انتخاباتی، توان آنها را برای اداره کشور و برآورده ساختن انتظارات عمومی از میان خواهد برد و نقش منطقه ای عراق را که اینک به عنوان یکی از کشورهای محور مقاومت، از جمله بازیگران مهم عرصه های سیاسی به شمار می رود، به شدت تقلیل خواهد داد. در حقیقت عراق در صورتی خواهد توانست از معادلات کنونی در منطقه غرب آسیا بهره مند شود که از عواملی که این کشور را از منجلاب جنگ های داخلی و تحریکات تروریستی رهایی بخشید، غفلت نکند؛ در غیر این صورت این احتمال وجود دارد در دام رژیم هایی که حامیان اصلی حرکت های تروریستی در عراق بوده اند گرفتار شود و به پنهان کمک های رفاهی و معیشتی در باتلاق مناسباتی که عراق را به قهقرا سوق خواهد داد، فرورود.

همچنین با فروپاشی ساختار سیاسی داعش، شرایط خاصی در منطقه غرب آسیا پدید آمده و معادلات نظامی-سیاسی که پیش از این در منطقه حکمفرما بود در مسیر جدیدی قرار گرفته است. بنابراین سوریه و عراق دوران جدیدی را پس از فروپاشی داعش تجربه می کنند و می توان گفت که مقطع حاضر، سرآغاز یک سلسله تحولات تازه در این دو کشور همسایه خواهد بود. آنچه مسلم است هم در سوریه و هم در عراق به دلیل درگیری های داخلی چند سال گذشته علاوه بر ضرورت های مرتبط با بازسازی و نوسازی زیرساخت های اقتصادی، مسائلی چون جایگاه و موقعیت نظامیان و نقشی که می توانند در آینده این کشورها ایفا کنند از جمله موضوعاتی است که در اولویت بررسی و کنکاش قرار دارد.



# شبح بعثی‌ها

## سناریوی جدید آمریکا، اردن و عربستان در عراق چیست؟



حسن هانی زاده

کارشناس مسائل خاورمیانه

اتفاقاتی که اخیراً در نجف، بصره، ناصریه و عماره (شهری در استان میسان در جنوب شرقی عراق) رخ داده، نتیجه مشکلات خدماتی و رفاهی در عراق است. از آنجایی که طی چهار سال گذشته دولت حیدر العبادی، نخست‌وزیر عراق درگیر گروهک‌های تروریستی بوده و این دولت تمام تلاش خود را برای برقراری امنیت در شهرهای عراق به کار گرفته، لذا در ارائه خدمات رفاهی و خدماتی کم‌کاری‌هایی صورت گرفته است. به همین دلیل زمینه‌هایی برای بروز یک سری ناآرامی‌ها در شهرهای محروم عراق به وجود آمده و این کاملاً طبیعی و حق مردم عراق است که به صورت مسالمت‌آمیز اعتراضات خود را به گوش مسئولان عراقی برسانند. در تجزیه و تحلیل این خیزش‌های مردمی می‌توان علل و انگیزه‌های این حرکات خودجوش را به نوعی سازمان‌یافته ریشه‌یابی کرد.

به بیان دیگر تظاهرات اخیر مردم عراق به خصوص در مناطق جنوب و فرات میانه علاوه بر اینکه جنبه رفاهی دارد و یک حرکت مردمی است اما برخی جریان‌های عراقی نیز پشت تحریک مردم برای ساقط کردن دولت حیدر العبادی قرار دارند.

از دیگر سومشکلاتی که طی انتخابات اخیر در عراق و تشکیل دولت وحدت ملی بروز یافت نیز در ایجاد شرایط فعلی اثرگذار است. ابتدا پس از انتخابات اردیبهشت ماه پارلمانی عراق، جریان السائرون وابسته به مقتدی صدر به پیروزی رسید اما پس از شمارش آرا مشخص شد یک سری دستکاری‌هایی در شمارش آرا به وجود آمده و قرار بر این شد که آرای مردمی مجدداً بازشماري شود اما ناگهان مرکز صندوق‌های رای گیری دچار حریق شد و بسیاری از آرای دستی مردم در آتش سوخت. به نظر می‌رسد جریان السائرون وابسته به مقتدی صدر در حقیقت در پی این بود که تشکیل دولت عراق را مدیریت کند و اصرار مقتدی صدر این است که «جعفر صدر» پسرعموی وی به عنوان نخست‌وزیر انتخاب شود که با مخالفت سایر جریان‌های سیاسی از جمله جریان «فتح» وابسته به الحشد الشعبی، جریان «نصر» وابسته به حیدر العبادی، جریان «القانون» وابسته به نوری المالکی و «الحکمه» وابسته به عمار حکیم مواجه شد.

صدر همچنان اصرار دارد جعفر صدر نخست‌وزیر شود ولی مخالفت طیف‌های سیاسی مانع از شکل‌گیری یک دولت وحدت ملی در عراق شده است.

در بعد دیگر مساله، برخی کشورهای خارجی در حال دامن‌زدن به مشکلات عراق در راستای منافع خود هستند. از مدت‌ها پیش آمریکا برای ناکارآمد جلوه دادن دولت شیعه عراق سناریوی حضور گروهک تروریستی داعش در مناطق سنی‌نشین عراق را رقم زد. از چهار سال گذشته تاکنون آمریکا، عربستان، ترکیه و اردن یک سری سازماندهی برای تشکیل حزب بعث منحل عراق را آغاز کردند و با سران این حزب از جمله عزت ابراهیم الدوری، یکی از سرکردگان رژیم سابق عراق ارتباطاتی برقرار کردند. محل رایزنی عناصر حزب بعث و آمریکا نیز در اردن تعیین شد و به همین دلیل رفت و آمد عوامل فراری حزب بعث به اردن طی چهار سال اخیر شدت یافته است. عربستان

نیز هزینه‌های مربوط به سازماندهی مجدد حزب بعث را تقبل کرده است، لذا این کشورها در حال سازماندهی حزب بعث هستند و همزمان با آن ضمن تشویق برخی از شخصیت‌های عراقی، تحریک مردم علیه دولت را در نظر دارند. به نظر می‌رسد این شورش‌ها مشابه حوادث مصر در طول پنج سال گذشته است که در واقع منجر به سرنگونی دولت اخوان المسلمین شد. همچنین فعالیت‌های اخیر سفارتخانه‌های اردن، عربستان، ترکیه و آمریکا برای سازماندهی این شورش‌ها کاملاً پررنگ شده و طی ماه‌های آینده گسترش بیشتری خواهد یافت.

باید توجه داشت که همزمان با شکست داعش در موصل نیروهای حزب بعث عراق در مناطق مختلف این کشور سازماندهی شدند تا در زمان مناسب قدرت را در عراق در دست بگیرند. از آنجایی که ارتش عراق فاقد کارایی لازم برای به دست گرفتن قدرت در این کشور است لذا حضور عوامل کمتر شناخته شده حزب بعث در آینده در صحنه‌های میدانی عراق بیشتر خواهد شد. آنچه مسلم است حوادث مصر طی سال‌های اخیر در عراق در حال تکرار است و هدف آمریکا، اردن، عربستان و ترکیه این است که عوامل تروریستی را از مناطق شمال و غرب عراق به سمت استان‌های جنوبی و مرکزی مانند نجف و کربلا منتقل کنند تا ضمن حذف طیف‌های شیعه مشکلاتی برای شهرهای مرزی ایران به وجود آورند. طبیعی است این گروه‌های تروریستی وابسته به حزب بعث الزاماً با نام داعش در عراق حضور نخواهند یافت، بلکه با نام‌ها و نشانه‌های جدیدی در صحنه‌های میدانی و عملیاتی حاضر خواهند شد.

در نتیجه این احتمال وجود دارد که پس از تشدید شورش‌ها و اشتغال برخی مناطق حساس مثل فرودگاه‌ها و مراکز دولتی، تروریهایی علیه شخصیت‌های مورد قبول

عراق صورت بگیرد و لذا شرایط برای حضور نیروهای مورد نظر آمریکا، اردن و عربستان آماده شود. این کشورها ترجیح می‌دهند که حاکمیت بار دیگر در اختیار عوامل سابق حزب بعث قرار بگیرد و شیعیان به حاشیه رانده شوند. بنابراین اتفاقی که برای اخوان المسلمین در مصر رخ داد اکنون در حال عملیاتی شدن در عراق است. گزارش‌ها نشان می‌دهد که عزت ابراهیم الدوری از عوامل سابق حزب بعث طی ماه‌های اخیر دیدارهایی با مقامات پنتاگون و سازمان سیا در اردن داشته است.

در خصوص علت نارضایتی مردم عراق باید توجه داشت که بیشتر این نارضایتی‌ها هدفمند است؛ به این مفهوم که محرومیت‌ها نوعاً در مناطق جنوبی عراق مانند بصره، عماره، ناصریه و نیز شهرهای مذهبی مانند کربلا و نجف صورت گرفته است. لذا بیشترین نارضایتی‌ها در مناطق شیعه‌نشین است. البته نباید نادیده گرفت که مردم مطالباتی دارند و بعضاً این نارضایتی‌ها خودجوش است اما اغلب از بیرون دستور می‌گیرند. به لحاظ سیاسی فساد سیاسی دولت و اعضای پارلمان عراق، آلودگی مقامات عراقی به فساد مالی و دورشدن از مردم، بی‌توجهی به مسائل رفاهی و نا کارآمدی اعضای دولت به تشدید نارضایتی مردم عراق را در پی داشته است. به گونه‌ای که طی سه سال اخیر کلیه فعالیت‌های عمرانی عراق به بهانه مقابله با داعش متوقف شده است.

در چنین شرایطی راهکار قانونی و اجرایی آن است که پارلمان جدید عراق سریعاً شکل بگیرد؛ یک کابینه کارآمد به فوریت با حضور چهره‌های مردمی و شایسته تشکیل شود و یک ضرب‌الاجل مشخصی برای حل مشکلات رفاهی و خدماتی عراق تعیین شود. در نهایت با هدفمندی این خدمات به اولویت‌بندی مناطق محروم بپردازند.

در نهایت باید توجه داشت که اگر دولت حالت فوق‌العاده اعلام نکند و سریعاً با کمک مراجع و از راه پاسخ به مطالبات مردمی اقدامی به عمل نیابد، این شورش‌ها و خیزش‌های مردمی ممکن است به بغداد و سپس مناطق سنی‌نشین کشیده شود که در آن صورت احتمالاً به سقوط دولت و گسترش ناامنی در عراق منجر خواهد شد.





## ثبات استراتژیک

### دیدار پوتین و ترامپ چه تاثیری در روابط بین الملل دارد؟

عبدالرسول دیوسالار

کارشناس مسائل استراتژیک



دیدار اخیر دونالد ترامپ و ولادیمیر پوتین، روسای جمهور آمریکا و روسیه از منظر مذاکرات استراتژیک خلع سلاح دارای اهمیت بسیاری است که باید مورد توجه جدی قرار گیرد. در حقیقت یکی از زیربنایی ترین عرصه های اختلاف دو کشور در خصوص مسائل مرتبط با ثبات استراتژیک و روند متوقف شده کنترل تسلیحات اتمی است.

بسیاری از کارشناسان آشنا به امور خلع سلاح نیز، بهبود بنیادین روابط مسکو و واشنگتن را نه در حل و فصل بحران اوکراین یا سوریه، بلکه در دستیابی طرفین به راه حلی در بازگشت به پیمان های استراتژیک خلع سلاح می دانند. پوتین در این دیدار دیدگاه های خود در خصوص پنج مساله کلیدی مورد اختلاف را به صراحت بیان کرد. این مسائل عبارت بودند از مخالفت دیرینه روسیه با برنامه دفاع موشکی آمریکا، بازگشت به پیمان کنترل تسلیحات میانبرداستی در اروپا (INF)، همکاری دوجانبه در خصوص تسلیحات سایبری استراتژیک، لزوم تنظیم پیمان جدیدی در خصوص کاهش تسلیحات اتمی و رویکرد روسیه در مخالفت با نظامی کردن فضا.

اگرچه نشست هلسینکی نتایج معینی در خصوص این مسائل پیچیده نداشت اما اعلام آمادگی روسیه برای مذاکره در خصوص یکی از مهم ترین این مسائل یعنی پیمان کنترل تسلیحات میانبرداستی در اروپا به این معنی است که احتمالاً دور جدیدی از مذاکرات کارشناسی در خصوص حل و فصل اختلافات مرتبط با این پیمان برگزار خواهد شد. در صورتی که پیمان INF مورد مذاکره قرار بگیرد و درباره منع گسترش تسلیحات اتمی میانبرداستی در اروپا توافقی صورت گیرد، تحولی عمده در روابط مسکو-واشنگتن رخ خواهد داد. این امر نقطه آغازین مهمی برای بروز تغییر جهت در مسیر رو به وخامت روابط آمریکا و روسیه است.

در حقیقت، به نظر می رسد هرگونه تحول اساسی

در روابط دوجانبه به این موضوع بازمی گردد که دو طرف بتوانند مسائل استراتژیک خلع سلاح را حل و فصل کنند. از کنفرانس خبری مشترک می توان گمانه زنی کرد که یک توافق اصولی در خصوص ضرورت آغاز مذاکرات دوجانبه در هلسینکی صورت گرفته باشد. مساله نظم استراتژیک و موازنه دفاعی در اروپا مهم ترین موضوعاتی است که به نظر می رسد ترامپ و پوتین در مورد آن صحبت های کلی داشته اند.

در این صورت ترامپ هم خواهد توانست از حجم مخالفت ها در اروپا بکاهد و تعهد خود به حفظ امنیت اروپا را به خلاف ادبیات تندش در نشست اخیر ناتو به رخ پایتخت های اروپایی بکشد و در عوض آنها را برای انجام تعهدات شان در افزایش بودجه دفاعی تحت فشار بیشتری قرار دهد.

نکته مهم دیگر که از بررسی سخنان طرفین در کنفرانس خبری می توان تشخیص داد این است که پوتین با دستور کاری مشخص وارد جلسه شد و این دستور کار مشخص شامل مجموعه ای از موضوعات مختلف مورد نظر طرف روسی بود که برای هر یک راه حل های معینی پیشنهاد شده بود.

این در حالی است که ترامپ در بخش اعظم این محورها آمادگی لازم را نداشت و در نتیجه سطح مباحث در لایه مجموعه ای از توضیحات یا موافقت های کلی از سوی ترامپ باقی ماند. البته نفس این نشست به طور کلی مهم است و دیدار هلسینکی را باید یک دیدار مهم ارزیابی کرد، زیرا زمینه نشست های بعدی برای پیشبرد مذاکرات را فراهم کرده است.

اگر ترامپ بتواند از سد مخالفت های دموکرات ها و فشار ساختاری شکل گرفته در واشنگتن که بر او وارد است، عبور کند، نشست هلسینکی را می توان آغاز الگویی جدید از روابط میان روسیه و آمریکا تلقی کرد. این عزم سیاسی در شخص دونالد ترامپ وجود دارد که تا پیش از انتخابات میان دوره ای مجلس نقاط عطف جدی در سیاست خارجی آمریکا رقم زند.

بهبود روابط با روسیه، حل و فصل دیپلماتیک بحران کره و حتی شاید دستیابی به یک توافق جدید با ایران

موضوعاتی هستند که می توانند نمایشی از موفقیت الگوی سیاست خارجی ترامپ باشند. این امر انگیزه مهمی برای تمایل او به دستیابی به یک نتیجه عینی از نشست هلسینکی است.

همچنین از نشست هلسینکی دو نکته قابل توجه در خصوص مناسبات امنیتی مرتبط با ایران قابل برداشت است؛ اول اینکه نقش اجتناب ناپذیر ایران در سیاست خارجی روسیه مورد بازتأیید قرار گرفت. برخلاف بسیاری از گمانه زنی ها، پوتین از کارت ایران برای یک معامله تاکتیکی در خصوص روسیه استفاده نکرد، بلکه از همگرایی امنیتی با ایران به عنوان یک مسیر پایدار جهت ساخت و بازتعریف نظم امنیتی منطقه ای استفاده کرد تا از این طریق نقش استراتژیک خود در ساخت نظم جهانی را مورد تأکید قرار دهد.

در حقیقت پوتین با طرح ایده پیوستن آمریکا به مذاکرات آستانه، نه تنها نقش ایران در سوریه را به رسمیت شناخت و از آن دفاع کرد، بلکه با فراخوان آمریکا تلاش کرد بعد مشروع و نظم دهنده سیاست منطقه ای ایران را نمایان کند و از آمریکا بخواهد به این جریان نظم دهنده به رهبری روسیه پیوندد. گریز ناپذیری پذیرش نقش ایران در سوریه هم برگرفته از واقعیت های میدانی و عملیاتی موجود در سوریه است و هم بخشی از استراتژی روسی برای نمایش نقش رهبری اش بر یک جریان ثبات زا در خاورمیانه.

در عین حال این مساله یک امتیاز کلیدی برای رژیم صهیونیستی هم محسوب می شود زیرا پیوستن فرضی آمریکا به مذاکرات آستانه به منزله لزوم پرداختن به دغدغه های امنیتی اسرائیل است. این بازی سه گانه پوتین میان ایران، اسرائیل و آمریکا در جهت برجسته سازی نقش استراتژیک روسیه در کنترل منازعات رو به گسترش خاورمیانه است. موضوعی که به نظر می رسد ترامپ نیز از آن استقبال می کند، زیرا پیشنهاد جایگزین قابل توجهی روی میز ندارد.

از سوی دیگر تأکید پوتین به لزوم حفظ برجام نیز حائز اهمیت است. بهبود روابط روسیه و آمریکا به منزله افزایش سطح تأثیرگذاری مسکو بر واشنگتن است و این بدان معنی است که نگاه مسکو در خصوص حفظ برجام، از وزن و اهمیت بیشتری برخوردار خواهد شد. این امر در ورای تهدیداتی که همواره از بهبود روابط مسکو-واشنگتن علیه تهران تصور می شود می تواند فرصتی جهت تضمین باقی ماندن برجام و یافتن راهکاری برای بازگرداندن آمریکا به برجام باشد.



# پوپولیسیم فوتبالی

## رئیس جمهور کرواسی چگونه به ستاره فینال جام جهانی

### تبدیل شد؟

کولیندا گرابار-کیتاروویچ، رئیس جمهور ۵۰ ساله کرواسی و یکی از محبوب ترین سیاستمداران این کشور محسوب می شود. اگرچه سمت وی تشریفاتی است، اما از او به صورت توامان به عنوان یک «دیپلمات» و «فرد نظامی» یاد می شود. وی از فوریه سال ۲۰۱۵ رئیس جمهور کشور جمهوری کرواسی است. او اولین زن و جوانترین کسی است که پس از اولین انتخابات چند حزبی به این مقام در کرواسی دست یافته است. کیتاروویچ وزیر امور خارجه اسبق کرواسی و فراتر از آن، معاون دبیر کل ناتو بوده است. همچنین او از سال های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱ میلادی سفیر کرواسی در ایالات متحده آمریکا بود. او در ناتو، هم به عنوان معاون راسموسن، دبیر کل سابق ناتو و هم به عنوان معاون ینس استولتنبرگ، دبیر کل فعلی سازمان آتلانتیک شمالی ایفای نقش کرده است. وی کماکان بالاترین مقام رسمی زن است که در ساختار اداری ناتو خدمت کرده است. همین مساله سبب شده است تا بسیاری از تحلیلگران مسائل اروپا و چپه نظامی کیتاروویچ را از وجهه سیاسی وی پررنگ تر بدانند.

زندگی سیاسی رئیس جمهور کرواسی هیچ گاه بدون حاشیه نبوده است. در سال ۲۰۱۰ جاکو کیتاروویچ، همسر رئیس جمهور فعلی کرواسی و سفیر وقت کرواسی در آمریکا، از ماشین سفارت، استفاده شخصی کرد که همین امر باعث جنجال زیادی شد که در نهایت خانم کیتاروویچ

تمام جریمه هایی که برای شوهرش اعمال شده بود را از جیب خود پرداخت کرد. این موضوع تا حد زیادی منجر به کاهش محبوبیت کیتاروویچ شد اما وی در مدت زمانی نه چندان زیاد توانست بار دیگر محبوبیت خود را در نزد افکار عمومی افزایش دهد.

رئیس جمهور کرواسی از سال ۲۰۱۵ تا کنون بیشتر در محافل عمومی ظاهر شده است. برخی از منتقدان وی از کیتاروویچ به عنوان سیاستمداری پوپولیست یاد می کنند؛ انتقاداتی که به نظر می رسد وی اساسا واقعی به آنها نمی نهد!

وی در سال ۱۹۹۶ میلادی با جاکو کیتاروویچ ازدواج کرد و دو فرزند به نام های کاترینا و لوکا دارد. همچنین وی در شهرهای زاگرب، وین، واشنگتن و دانشگاه هاروارد تحصیل کرده است. با این حال وی در نهایت مدرک خود را در سال ۲۰۱۵ میلادی (همان سال پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری کرواسی) از دانشگاه کرواسی دریافت کرده است. وی به دلیل حضور مستمر در وزارت امور خارجه کرواسی، مسلط بر زبان های کروات، انگلیسی، اسپانیایی و پرتغالی بوده و همچنین قادر به درک زبان های آلمانی، فرانسوی و ایتالیایی نیز است. این موارد سبب شده است تا از کیتاروویچ به عنوان سیاستمداری توانمند در زاگرب یاد شود.

در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۵، وی توانست موفقیتی بزرگ را برای خود رقم بزند. جایی که علی رغم بسیاری از پیش بینی های صورت گرفته، توانست بر

رقیب خود پیروز شود. او در آن سال، نامزد مخالف دولت کرواسی بود. بسیاری از تحلیلگران معتقد بودند که علت اصلی پیروزی کیتاروویچ در انتخابات ریاست جمهوری کرواسی، نارضایتی عمومی مردم از سیاست های اقتصادی دولت بوده است. همان گونه که اشاره شد، گرچه سمت ریاست جمهوری در کرواسی بیشتر نمادین و تشریفاتی است ولی پیروزی کیتاروویچ نشانه ای از بازگشت مخالفان به عرصه سیاسی این کشور بود. البته کیتاروویچ در این انتخابات توانست با اختلاف ناچیزی بر رقیب خود از حزب سوسیال دموکرات غلبه پیدا کند. کیتاروویچ موفق به کسب ۴/۵۰ درصد کل آرا شد و جوسیپوویچ نیز توانست ۶/۴۹ درصد آرا را کسب کند. در آن زمان، دولت «زوران میلانویچ، نخست وزیر کرواسی با انتقادات زیادی به خاطر ناکامی در احیای رشد اقتصادی کشور روبه رو شده بود.

کیتاروویچ یک «محافظة کار» است و نسبت به رویکردهای اقتصادی سوسیال دموکرات ها و سوسیالیست ها در کرواسی و اروپا منتقد است. او از نظر حزب سیاسی طرفدار اتحادیه دموکرات کروات و مسیحی کاتولیک است. به طور کلی در کرواسی تصاویر زیادی از رئیس جمهور این کشور و زندگی شخصی وی منتشر می شود. شادی ها و حرکات وی مورد توجه رسانه ها و شکار دوربین های عکاسان شده که تاثیر زیادی در محبوبیت و جذب علاقه مندان وی شده است. اتفاقا برخی منتقدان کیتاروویچ معتقدند که علاقه مفرط وی به عکاسان و کسانی که تصاویرش را ثبت می کنند، برگرفته از روحیات پوپولیستی وی است. با این حال همان گونه که اشاره شد، کیتاروویچ سعی کرده است پاسخی در این خصوص به منتقدان خود ندهد. در جریان رقابت های جام جهانی امسال، رئیس جمهور کرواسی حضور فعالی در روسیه داشت و در بازی فینال جام جهانی، بار دیگر مورد توجه عکاسان و رسانه های حاضر قرار گرفت.







## شورش در اردوگاه

چه چالش‌هایی شکاف‌های اصلاح‌طلبان را فعال کرده است؟





بزنیم. در پی نارضایتی‌های گسترده نسبت به عملکرد دولت در ماه‌های اخیر، برخی احزاب و فعالان سیاسی اصلاح‌طلب، زرمه‌هایی مبنی بر عبور از دولت روحانی را مطرح کرده‌اند. علیرضا علوی تبار از فعالان سیاسی اصلاح‌طلب اخیراً در اظهاراتی به شکل تلویحی، موضوع عبور از دولت را پیش کشیده و گفته است: «اصلاح‌طلبی به رادیکالیسم احتیاج دارد؛ نه به معنای رادیکالیسم روشی و تدروسی، بلکه به معنای ریشه‌نگری... اگر بخواهیم عمیق‌تر تحلیل کنیم، آنگاه راه‌های ما هم متفاوت از دگرگون‌کننده و عمیق‌تری خواهند بود و هم متفاوت از راه‌هایی که تا به حال طی کرده‌ایم. از قربانی کردن هم نباید ترسید. اگر دولت نمی‌تواند این راه را بیاید، لزومی ندارد که با آن غرق شویم و تا آخر با او برویم.» عباس عبدی یکی دیگر از نظریه‌پردازان جریان اصلاحات در گفت‌وگوی خود با روزنامه اعتماد، در پاسخ به این سوال که در صورت رادیکال‌تر شدن اصلاح‌طلبان، نسبت آنها با دولت چه تغییری خواهد کرد؟ می‌گوید: «اصلاح‌طلبان چه رادیکال‌تر شوند و چه محافظه‌کارتر هیچ دلیلی ندارد که سرنوشت خود را با دولت یا هر پدیده دیگر پیوند بزنند. به نظر من دولت مسئولیت وظایف خود را دارد و اصلاح‌طلبان نیز در سال‌های ۹۲ و ۹۶ به دلیل محدودیت‌های خود از این دولت دفاع کردند... اما این به معنای آن نیست که اصلاح‌طلبان مسئولیت حقوقی رفتارهای دولت یا سیاست‌گذاری دولت را برعهده دارند.» به نظر می‌رسد جریان اصلاحات که کارنامه اقتصادی دولت روحانی را غیرقابل دفاع می‌داند، از تلاش است تا با انتقاد پیش‌دستانه از عملکرد دولت، از شکست خود در انتخابات‌های آتی مجلس و ریاست جمهوری به دلیل حمایت از دولت پیشگیری کند. این اما همه ماجرا نیست برخی چهره‌های سیاسی اصلاح‌طلب پارا از انتقاد به دولت فراتر گذاشته و صراحتاً خواستار استعفای روحانی شوند.

علی عبدالعلی‌زاده، وزیر مسکن و شهرسازی دولت اصلاحات در گفت‌وگو با تسنیم، با بیان اینکه دولت روحانی باید استعفا دهد، گفته است: «وقتی دولت کاری برای مردم نمی‌کند، بهتر است رها کند و برود... مسئولیت‌ها تا وقتی ارزش دارد که انسان بتواند خدمت کند و اگر نمی‌تواند خدمت کند باید کنار برود.»

وزیر مسکن دولت اصلاحات در پاسخ به این پرسش که آیا دولت خودش باید استعفا دهد یا اینکه مجلس به این مسأله ورود کند نیز می‌گوید: «وقتی خودشان کنار نمی‌روند مجلس باید ورود کند و وظیفه مجلس همین است.»

پیش از این نیز سیدحسین موسویان از نزدیک‌ترین چهره‌ها به حسن روحانی در ایام مذاکرات هسته‌ای در دهه ۸۰ در گفت‌وگویی که با خبرگزاری دولت داشت، گفته بود: «اگر قرار است در سه سال آینده چنین وضعیتی داشته باشیم، بهتر است که آقای روحانی فداکاری کرده و برای حفظ کشور، انتخابات زودرس برگزار کند؛ این گزینه نامطلوب و به‌قول طلبه‌ها از باب «اکل میته» است.»

حضور آنها را پاس می‌دارم و معتقدم می‌دانم اما کاملاً معتقدم که باید یک نوع امتزاج و اختلاط ایجاد شود تا نیروی‌های جوان و باطراوت ضمیمه شوند و این ترکیب میان نیروهای جوان و نیروهایی با تجربیات گذشته بتوانند همدیگر را تکمیل کنند. بنابراین به نظر من چنین چیزی باید به هسته اصلاح‌طلبی امروز بنشیند.»

او در واکنشی تندتر به حجاریان گفته است: «معتقدم که باید اصلاح‌طلبی را از انحصار عده‌ای خاص بیرون کشید. هم به لحاظ گفت‌وگویی و هم به لحاظ راهبردی باید واقعا اجازه داد که این بدنه شاداب، فراخ و گسترده اصلاح‌طلبی در تدبیر جریان اصلاح‌طلبی، در راهبردی جریان اصلاحات و در بازتولید اصلاحات حضور فعال داشته باشند. ما نمی‌توانیم جریان اصلاح‌طلبی را به عنوان فرزند خلف زمانه خود و آلت‌ناتیبو هم‌ژمونیک حفظ کنیم و به عنوان روح زمانه آن را بارور کنیم، مگر اینکه به نیروهای جوان و نسل جدید اجازه دهیم که وارد پیکره تصمیم‌گیری و مدیریت جریان اصلاح‌طلبی شوند و از



آن بالا بتوانند نیازها، تقاضاها و فرهنگ خود را قالب و کلیشه‌شکنی کند. این کلیشه اگر می‌خواست جوابگو باشد نباید می‌گذشت جریان اصلاحات به این بن‌بست‌ها برسد. اگر آن هسته سخت می‌توانست طراوت و شادابی داشته باشد باید تاکنون نمود و نمادهایی از آن دیده می‌شد و اجازه نمی‌داد که به لحاظ تاریخی از جریان اصلاح‌طلبی عبور شود.»

## از روحانی دور شویم

در حالی که حامی دولت روحانی در دو انتخابات گذشته جریان اصلاح‌طلب بود، حالا دو اصلاح‌طلب شاخص با ابراز پشیمانی نسبی از دولت مورد حمایت‌شان مدعی هستند که نباید سرنوشت خود را با روحانی پیوند

شرایط سخت شده؛ اصلاح‌طلبان باید تصمیمات مهمی بگیرند.

آنها در شرایطی قرار گرفته‌اند که هر تصمیمی بگیرند در آینده سیاسی‌شان بسیار تأثیرگذار خواهد بود.

شاید گمان آنها این نبود که بعد از بر هم خوردن برجام، بازی تا این حد تغییر کند. آنها نیز مثل روحانی تمام تخم مرغ‌هایشان را در سبد توافق هسته‌ای چیده بودند. برجام که توسط ترامپ بی‌اعتبار شد ناگهان پیش‌سیاسی کشور بر هم ریخت.

حس روحانی با شرایط تازه‌ای مواجه شد و مجبور شد دست‌عوض کند. حالا او دیگر رئیس‌جمهور اصلاح‌طلبان نیست. این البته اولین چالش اصلاح‌طلبان است؛ رئیس‌جمهور نسبت‌شان را با آنها عوض کرده است.

آنها اما با موضوع دیگری هم که البته همیشه کمتر از این مسأله نیست مواجه شده‌اند. بدنه اجتماعی هم دیگر مثل سابق با آنها نیستی ندارد. سرمایه اجتماعی اصلاح‌طلبان در حال کوچ است. یک خطر بزرگ که بعد از ناآرامی‌های دی‌ماه بیش از همیشه به چشم آمد. شاید این تعبیر چندان دور از واقعیت نباشد که بدنه اجتماعی اصلاح‌طلبان به شکل نه‌چندان آرامی در حال عبور از آنهاست.

نگاهی دقیق‌تر به اوضاع و احوال اصلاح‌طلبان یک نکته دیگر را هم به تحلیلگران گوشزد می‌کند. واقعیت این است که اصلاح‌طلبان در چند سال گذشته یک هدف بسیار مهم داشته‌اند؛ اعتمادسازی با حاکمیت.

برای این هدف آنها حتی هزینه هم داده‌اند؛ آنجا که تمام تلاش‌شان را کردند لااقل در ظاهر نشان دهند که با اپوزیسیون گره نمی‌خورند و می‌خواهند صف‌بندی داشته باشند. این مسأله به خوبی در وقایع تیرماه دیده شد. مسأله‌ای که موجب شد بدنه رادیکال اصلاح‌طلب فاصله‌ای معنادار با جناح بگیرد. اینها البته باعث نشده که چندان از فاصله حاکمیت با اصلاح‌طلبان کاسته شود.

این سه چالش مهم اصلاح‌طلبان را با وضعیتی خاص مواجه کرده و موجب شده که آنها به مباحثه در این مورد در فضای رسانه‌ای و سیاسی بپردازند.

## ماجرای هسته سخت

گروهی از اصلاح‌طلبان معتقدند ائتلاف استراتژیک اصلاح‌طلبان و اعتدال‌گرایان به دلیل ضعف عملکرد دولت روحانی با شکست مواجه شده است. ادعای این بخش از نیروهای سیاسی اصلاح‌طلب با توجه به وضعیت و موقعیتی است که دولت در آن گرفتار شده؛ مسأله‌ای که باعث شد تا سعید حجاریان برای بازسازی گفت‌وگو اصلاح‌طلبی و بازاحیای تعامل نیروهای سیاسی اصلاح‌طلب با بدنه اجتماعی هوادار این جریان سیاسی پیشنهادی را با عنوان ضرورت تشکیل «هسته سخت اصلاحات» مطرح کند.

اما محمدرضا تاجیک، رئیس مرکز بررسی‌های استراتژیک دولت اصلاحات برخلاف حجاریان معتقد است که اصلاحات از بالا هرچه باشد، اصلاح‌طلبی نیست.

او در واکنش به سخنان حجاریان گفته است: «من فکر می‌کنم اتفاقاً این هسته باید هسته نرم باشد. منظورم از هسته نرم این است که باید از پوسته مرکزی ژنرال‌های اصلاح‌طلبی عبور و برای ورود یک نسیم، فکر جدید و نخبگان جدید فضای باز کنیم؛ اجازه دهیم در آن هسته چرخش نخبگان صورت بگیرد و فکر و گفت‌وگو تازه به وجود آید و نیروهای باطراوت و شاداب وارد قضیه شوند. بسیار معتقد هستم که آن هسته سخت دیگر جواب نمی‌دهد. در واقع سخت‌تر و سنگین‌پاتر از آن است که بتواند برای شرایط کنونی الگوی مناسب ارائه کند. اگرچه



در این میان برخی از اصلاح طلبان هم نسخه عبور از سران اصلاحات را بیچیده اند. کرباسچی در تازه ترین مصاحبه اش گفته است: «اصلاح طلبی یک جنبش اجتماعی است، هیچ وقت نمی توان گفت که چه کسی از ابتدا اصلاح طلبی را آغاز کرده است. حتی به سال ۷۶ هم که بازگردیم، نمی توان گفت که آقای خاتمی آغازگر این جریان بوده است. بالاخره خیلی از حرف ها و شعارهای اصلاح طلبی در دوره آقای هاشمی و قبل از آن در دهه اول انقلاب طرح شده بود. از برآیند افکاری که در همه سطوح جامعه چه به صورت رسمی و چه به صورت زیربوستی وجود داشت جریان سال ۷۶ شکل گرفت.»

کرباسچی در ادامه گفته است: «اگر قرار باشد جان تازه ای به اصلاحات دمیده شود یا به تعبیر شما اصلاح اصلاحات صورت گیرد باید حرف های جدید و مطابق با نیاز نسل جدید و شرایط کشور زد. خیلی از شعارهایی که زمانی به عنوان شعارهای اصلاح طلبی شناخته می شد، خاصیت و تحرک پذیری خود را از دست داده و نمی تواند نیروهای زیادی را جذب کند. همین باعث می شود که اصلاحات روی کاریمای فردی و فکری که از گذشته بوده است، متمرکز شود. متوسل شدن به آقای خاتمی و «تکرار» کردن ایشان مصداق این تمرکز روی فرد است. این در حالی است که اگر اصلاحات بخواد زنده باشد و زنده بماند باید در مرحله اول با یک جسارت و جرات خاص شعارها و برنامه ها و اهدافی را که برای شرایط امروز جامعه دارد با نیازهای مردم تطبیق دهد. در این صورت ساختار و افراد در مرحله دوم اهمیت قرار می گیرند. طبیعتا اگر شعارهای زنده ای وجود داشته باشد انشعابی برای پیگیری آن یا به صحنه می گذارند که از نظر تفکر با آن همسو هستند.»

همراستا با کرباسچی، عبدالله ناصری هم گفته است: «فرصتی پیش آمده که یک غربالگری در جریان اصلاحات

به وجود آید، به دلیل شرایط سخت ملی و بین المللی حتما زمان و شرایط اقتضا می کند که گفتمان اصلاحات پررنگ تر حضور پیدا کند از این جهت که خیلی دامنه وسیع و رنگین کمانی را به خود بگیرد، بلکه افراد دغدغه مند یا نهادهای حزبی که خیلی دقیق و منطبق بر گفتمان اصلاح طلبی حرکت می کنند را جذب کند. امروز اتفاقا گفتمان اصلاحات اقتضا می کند که آن دایره کمی سخت تر باشد، چون شرایط اجتماعی سخت شده و به نظر می رسد که مردم به دلیل عملکرد دولت و شرایط ملی و بین المللی جمهوری اسلامی در آستانه چهل سالگی جامعه تا حدودی از گفتمان های سیاسی عبور کرده و هر گفتمانی که بخواد ذیل سپهر جمهوری اسلامی تعریف شود، به طور جدی مورد بررسی و مذاقه جامعه مدنی قرار می گیرد.»

### نگران بدنه شده ایم

در این میان برخی اصلاح طلبان به صراحت اعلام می کنند که توجه بیش از اندازه این جناح به روشنفکرها و بخشی از طبقه متوسط به چالشی برای آنها تبدیل شده است. آنها در واقع طبقه فرودست را از دست داده اند، آن هم در شرایطی که حامی اصلی خود یعنی طبقه متوسط را هم دیگر چندان به همراه ندارد. محمود میرلوحی در این مورد می گوید: «باید ببینیم که چه رویکرد جدیدی نیاز است. مثال بزنم یکی از سوالاتی که بارها پرسیده شده این است که چرا احمدی نژاد در سال ۸۴ توانست رئیس جمهور شود؟ گذشته از عواملی مثل وجود تفرقه بین اصلاح طلبان که اجازه سازماندهی درست رای را نداد، علت اصلی این بود که اصلاحات طی سال های قبل از آن خیلی بر روشنفکری، نگاه کارشناسی و طبقات متوسط پرداخته و به طبقات فرودست اعتنا نکرده بود. در نتیجه همین وضعیت شاهد بودیم که آنها با طرح شعارهای پوپولیستی مثل بردن نفت سر سفره مردم کار را پیش

بردند، لذا باید به طبقات فرودست، حاشیه ها، روستاها و... توجه کنیم. اگر چه در انتخابات ۹۶ کارهای خوبی صورت گرفت اما هنوز هم این دغدغه وجود دارد که ما نتوانیم مناطق روستایی، قشر کارگر و کشاورز و... را همراه کنیم. در سطح روش ها نیز نیاز به تغییر داریم. به طور مثال در حوزه اقتصادی نیز نیاز به ارائه مدل های جدید پاسخگو داریم و اگر قادر به طراحی این مدل ها باشیم از رقبای خود عقب خواهیم افتاد. در حوزه اجتماعی نیز نیاز به تامل احساس می شود. باید دید که همین شعارهای موجود در حوزه زنان، اقوام و جوانان کفایت می کند یا باید قدم های جدی تری برداریم. متأسفانه ما موفق نشدیم که زنان را به کابینه بفرستیم. یا شاهدیم که الان جوانان به طور جدی به اصلاح طلبی نقد دارند و می پرسند که چرا جایگاهی برای ما تعریف نشده است. در مجموع نیازمند اصلاح رویکردها و روش ها در همه حوزه ها از جمله فرهنگ، امنیت، تعامل با دنیا و... هستیم.»

همراستا با میرلوحی، انصاری راد، نماینده مجلس ششم هم گفته است: «افت پایگاه اجتماعی اصلاحات به این خاطر است که از اصلاحات واقعی و وعده های اصلاحی واقعی چشم پوشی شده است. علت ناامیدی بخشی از مردم از اصلاح طلبان این است که اصلاح طلبان به وعده های خود عمل نکرده اند و اصلاحات نیز اصلاح واقعی نبوده است. تکرار می کنم که اصلاح واقعی اصلاح انتخابات و حاکمیت مردم بر سرنوشت خود است. همه مقامات رسمی باید مشروعیت خود را از انتخاب آزاد مردم دریافت کنند. هر چه از این محور خارج شود جنبه سازش داشته باشد همچنان که امروز شاهدیم اصلاحات را از حصول نتیجه دور ساخته است.» هر چه هست به نظر می رسد سه چالش بدنه، دولت مستقر و حاکمیت برای اصلاح طلبان روزهای سختی را رقم زده است. آنها باید تصمیمات مهمی بگیرند.

## فرصت اصلاحات از دست رفته، همین!

### چرا رئیس دولت اصلاحات ناامید شده است

می دهد که آرایش سیاسی حتی در میان بدنه هم یکسان نیست. شاید همین است که یک اصلاح طلب دیگر ماجرای ملاقاتش را با خاتمی این گونه شرح داده است: «به دیدن محمد خاتمی در دفترش رفتم، خیلی او را افسرده یافته و خیلی آرام گفت: گمانم فرصت اصلاحات از دست رفته و نمی شود کاری کرد.»

### چالش های یک جناح

سوال این است که چه شده که حتی خاتمی هم برای اصلاح اصلاحات ناامید است؟ باید چالش های فراروی اصلاح طلبان را مرور کرد. مساله اول همین شورش بدنه علیه راس است. آنها دیگر نمی خواهند سرنوشت خود را در شش انتخاباتی کنند و حیات شان را به یک «تکرار» می کشند. می خواهند از همین حالا تکلیفشان را مشخص کنند. همین هم هست که از همیشه عجول تر شده اند. می خواهند تسویه های درونی را کلید بزنند و جای پای برای خود در یک تصمیم سازی سهمی داشته و دیگر عاقبت شان به چند تصمیم ساز قدیمی گره نخورد.

### این اما مساله اول است

خاتمی و دیگرانی که مثل او در راس جناح قرار

گرفته اند، دیده اند که دولت مستقر چگونه راهش را از آنها جدا کرده است. دیگر آن باهم بودگی دیده نمی شود تا آنجا که یک چهره اصلاح طلب از توقف دیدارهای خاتمی و روحانی خبر داده است. حرف های روحانی هم دیگر بوی اصلاح طلبی نمی دهد. خاتمی درست گفته شاید برای اصلاح روابط با دولت هم دیگر دیر شده باشد. نکته دیگر این است که راس جناح از دی ماه به این سو همه تلاشش را کرد تا به حاکمیت ثابت کند با براندازه ها فاصله دارد و نمی خواهد پلی برای مانور آنها در فشار به حاکمیت باشد. حاکمیت اما از آنها تنها این فاصله گذاری را نمی خواهد. خواسته حاکمیت روشن است: «شفاف و صریح درباره انتخابات ۸۸ سخن گفته شود.» سکوت و محافظه کاری به دلیل ترس از ریزش بیش از حد بدنه موجب شده آن فاصله میان حاکمیت و اصلاح طلبان همچنان باقی بماند. حال که بحث به اینجا رسید باید این موضوع را هم به میان آورد که سرمایه اجتماعی اصلاح طلبان هم فاکتور ضعف های دولت حسن روحانی را به پای اصلاح طلبان نوشته و هم معتقد است که اصلاح طلبان نتوانسته اند به وعده های خود به آنها در مورد برآورد خواست های شان عمل کنند. آیا همه جناح مثل خاتمی فکر می کند؟ «فرصت تمام شده است؟» این سوال را از هر اصلاح طلبی که بپرسی پاسخی متفاوت دریافت می کنی، همین تفاوت کار را ساخت می کند. همین چندگانگی است که خاتمی را ناامید کرده است. فعلا می توان یک پیش بینی داشت: «نبرد راس با بدنه جناح به همین زودی آرایش جدیدی پدید خواهد آورد.»



مصطفی صادقی

دبیر تحریریه

پیشروها یا بدنه هم سخن شده و برای تصمیم سازان و لیدرهای جناح اصلاح طلب مشکل ایجاد کرده اند. آنها دیگر راس را بر نمی تانند؛ می خواهند سیاست ورزی کنند. با محافظه کاری نسبتی ندارند و خواست های شان حداکثری است. کار هم بالا گرفته؛ دیگر مباحث در اتاق بسته باقی نمی ماند. یک بار ساسان آقایی خط به خط مرور می کند آنچه در جلسات محرمانه گذشته و بعد از او دیگران هم سر صحبت را باز می کنند. می گویند خاتمی گفته است: «به میر حسین موسوی گفتیم راهم تعامل با نظام است نه راهی که تو می روی.» این جمله را همین روزنامه نگار اصلاح طلب نقل کرده است. همین یک جمله او هم کافی بود تا رئیس دولت اصلاحات یک بار دیگر حملات بی امان پیشروها را تجربه کند. حالا باز بدنه علیه راس شده است. این البته به معنای آن نیست که همه بدنه و همه پیشروها مثل هم فکر می کنند و با هم هم سخن شده اند. جدال سنگین آنها با یکدیگر در فضای مجازی به خوبی نشان

مقابل زیتون گفت‌وگوی تمدن‌های خاتمی بگویم؛ نوعی رئالیسم در مقابل لیبرالیسم. نقد حجاریان اما به سیاست منطقه‌ای ایران مانند نگاه خاتمی به سیاست خارجی و امنیت لیبرالیستی است. قدرت منطقه‌ای ایران در واقع حاصل دو تهدید موجودیتی برای ایران و تبدیل آنها به فرصت بود. اول، حضور آمریکا در عراق که می‌توانست یک تهدید فوری برای امنیت ایران محسوب شود و دوم، تهدید داعش که دقیقاً موجودیت ایران را هدف گرفته بود. غلظت حضور ایران در منطقه به واسطه این دو تهدید بود بر اساس منافع ملی و محاسبات عقلانی. آقای حجاریان در تحلیل خود این واقعیات را نادیده می‌گیرند. سوال من این است که چگونه می‌توان امنیت ایران را با حضور داعش در منطقه بدون حمایت از دولت‌های متحد تامین کرد؟ یا اینکه چگونه می‌توان فقط با اتکا به امر سیاسی به امر نظامی پاسخ داد؟ به تعبیر حجاریان بسط محوری ایران - اگر این ترکیب را قبول داشته باشیم - پاسخ منطقی به تهدید وجودی ایران بود. این یک سوال مهم است که چگونه می‌توان در منطقه‌ای که آنارشیسم حاکم است با سیاست‌های لیبرالی، امنیت ایران را تامین کرد؟ با این حال من هم موافقم که باید در سیاست‌های منطقه‌ای ایران اصلاحاتی انجام داد و چه بهتر می‌شد اگر آقای روحانی و ظرفی در این زمینه ابتکارهایی نشان می‌دادند.

۵- تحلیل حجاریان درباره عقیم بودن آشوب‌ها و اعتراض‌ها در ایران به نظر منطقی و علمی بود. او گفت که ایدئولوژی همه گیر بین معترضان وجود ندارد و دلایل اعتراض مختلف است و هم اینکه دولت قدرت فراوانی دارد. او در عین حال گفت که تهران مهم است اما به واقع چرا تهران آرام است. من فکر می‌کنم که تهران که عمدتاً توسط طبقه متوسط تشکیل شده به چند دلیل آرام است؛ اول محافظه کار بودن طبقه متوسط، هرگونه رادیکالیسم کور منافع فعلی این طبقه را به خطر می‌اندازد شامل، شغل، مسکن، سفر، تفریح و علائق روشنفکری. نکته دوم به قدرت داشتن اصلاح‌طلبان در دولت و مجلس بازمی‌گردد. آنها در قدرت بودن روحانی را حاصل احترام حاکمیت به خود می‌دانند و حاضر نیستند که توازن فعلی را بر هم بزنند. نکته دیگر، ابهام در مورد آینده است. برای آنها مختصات آینده به هیچ وجه مشخص نیست و برای همین دلیلی نمی‌بینند که یا به این آینده موهوم بگذارند. از همین رو می‌توان گفت بی‌ثباتی اجتماعی از جانب طبقه متوسط نخواهیم داشت اما سوال مهم درباره اصلاح‌طلبان این است که در آینده آنها همچنان می‌توانند نماینده طبقه متوسط باشند؟ آیا اگر دوباره فهرستی مثل سال ۹۴ با حمایت سران اصلاح طلب ارائه شود باز هم طبقه متوسط به آن نیست و افرادی چون دکتر عارف اعتماد خواهند کرد؟ من تردید دارم. شاید شبیه ضعیف شدن پایگاه طبقاتی اصولگرایان از جانب طبقه کارگر شاهد چنین شرایطی نزد اصلاح‌طلبان هم باشیم. به نظر می‌رسد اکنون به شدت با بحران سیاست‌ورزی مواجهیم که دلیل اصلی‌اش را باید در جامعه‌شناسی جست‌وجو کرد نه در سیاست.

## حجاریان، لیدر تحریمی‌ها می‌شود؟

چند نکته درباره محاکمه محترمانه سعید حجاریان در یک گفت‌وگوی تصویری

سعید آجورلو

سرمدبیر



مصاحبه آقای یهزاد طالبی با دکتر حجاریان در برنامه عصر ما، شنیدنی و مهم بود. انگار یهزاد طالبی نماد اصلاح‌طلبی برآمده از دوم خرداد ۷۶ بود که زمانی در جنبش دانشجویی دل در گرو نخبگان اصلاح طلب همچون حجاریان بسته بودند. مصاحبه به تعبیری شبیه محاکمه محترمانه نخبگان اصلاح طلب توسط جوانان آرمان خواه بود. گرچه مصاحبه کننده از دایره ادب و احترام خارج نشد اما عیان بود که در بطن سوالات، انبوهی از نقدها و گله‌ها پنهان بود. این گفت‌وگو به تعبیری شاید بخش مهمی از اصلاح‌طلبی ایرانی را روایت می‌کرد. اصلاح‌طلبانی آرمان خواه که در تنگی تشکیلات و بی‌رحمی واقعیت و انحصارطلبی هم‌مسلمان گرفتار آمدند و وقتی وارد دهه چهارم زندگی خود شدند از آدم‌هایی پرسش گر، ساده‌دل و پرشور تبدیل به افرادی عصیانگر، خسته و کم‌انگیزه شدند. گویی امید در گذر زمان تبدیل به خشم و خشم هم در طول دو دهه تبدیل به سوال گشته است. انگار هر سوال محترمانه روزگاری شراره خشم و قبل تر از آن بارقه‌امیدی بوده است. در بطن این مصاحبه اما دقایقی وجود دارد که مایلیم به آن بپردازیم.

۱- سعید حجاریان دانش‌آموخته علوم سیاسی است. او از دانشجویان دکتر بشیریه در دانشگاه تهران بوده. به عنوان کسی که حدود ۱۰ سال از عمر مراد در دانشگاه مشغول مطالعه و یادگیری علوم سیاسی بوده‌ام، می‌توانم بگویم که او از معدود افرادی است که به خوبی تئوری‌های علوم سیاسی را در عرصه سیاست عینی به کار می‌بندد (اپلای می‌کند). این مهارت در واقع هم به دلیل خوب علم آموختن و هم به واسطه تجربه عمل سیاسی است. تقسیم اصلاح‌طلبی به سقراطی، افلاطونی، ارسطویی و رواقی از مصادیق چنین ادعایی است یا استفاده از تئوری عدالت جان رالز. نمی‌توانستم به بهانه نقد صحبت‌های حجاریان از این مهارتش بگذرم.

۲- به نظر من بین تعریف حجاریان از اصلاح‌طلبی و ادعایش مبنی بر بت نبودن انتخابات تناقض وجود دارد. حجاریان در تعریف اصلاح‌طلبی آن را به دموکراسی تعبیر می‌کند. در بخش دیگر اما معتقد است که انتخابات برای او بت نیست و اگر شرایط تغییر نکند، می‌تواند در انتخابات

شرکت نکنند. اگر اصالت به بخش دوم حرف‌های او باشد، اساساً پروژه اصلاح‌طلبی مورد نظرش عقیم می‌ماند. بخش مهمی از دموکراسی به انتخاب حاکمان بازمی‌گردد و طبیعتاً دموکراسی منتهی انتخابات پا در هوا خواهد داشت. به تعبیری، طبق تعریف حجاریان از اصلاح‌طلبی، تحریم انتخابات در تضاد با اصلاح‌طلبی مورد نظر اوست. اگر آن چنان که حجاریان می‌گوید بتواند انتخابات را تحریم کرد به این معناست که او از دایره اصلاح‌طلبی خارج شده. در واقع تحریم انتخابات به معنای پایان اصلاح‌طلبی است. با تعریف آقای حجاریان، تحریم انتخابات مترادف با عبور از اصلاح‌طلبی است. چنین تناقضی راه را بر تئوری پردازی او در آینده خواهد بست.

۳- اگر حجاریان با تصحیح بخش اول صحبت‌هایش، اصالت را به تحریم انتخابات بدهد، آنگاه ما در انتخابات‌های آینده به سمت قدرت گرفتن بخش تحریمی اصلاح‌طلبان خواهیم رفت. حجاریان در بخشی از گفت‌وگو عنوان می‌کند که امکان شکل‌گیری دولت اصلاح طلب وجود ندارد و حداکثر دولتی شبیه روحانی امکان تولد دارد. اکنون که بدنه اصلاحات از عملکرد دولت سرخورده است، حجاریان می‌گوید که دلیل دفاعش از روحانی، نرمال کردن سیاست پس از احمدی‌نژاد بوده و حالا با بیان اینکه انتخابات توتم نیست، می‌گوید که می‌توان استراتژی جدیدی خلق کرد. او که در میانه بخش افلاطونی و ارسطویی اصلاحات در حرکت است، از سویی جانب بخش ارسطویی را می‌گیرد و اصلاح‌طلبی را دموکراسی خواهی می‌داند و از سوی دیگر افلاطونی و حتی سقراطی، می‌گوید که انتخابات بت نیست. این سخنان را شاید بتوان بازتاب ناامیدی و دلزدگی بدنه از دولت روحانی دانست. به نظر می‌رسد شکاف آینده اصلاح‌طلبی حول محور تحریم/حمایت از دولت ائتلافی پیش رود. اگر به فرض علی‌الراجحی گزینه ائتلافی راست میانه و اصلاح‌طلبان باشد، شاهد مقاومت افلاطونی‌ها مقابل حمایت از او با استراتژی تحریم خواهیم بود. سوال این است: آیا حجاریان لیدر تحریمی‌ها خواهد بود؟

۴- حجاریان منتقد عملکرد منطقه‌ای ایران است. او از سه دوره بسط محور، حفظ محور و رشد محور در نگاه امنیتی ایران نام می‌برد و دوران فعلی را بازگشت به بسط محوری اوایل انقلاب می‌داند و اساساً مخالف چنین نگرشی است. او البته دوران اصلاحات را که امنیت ذیل دموکراسی‌سازی تعریف می‌شد و به پیشنهاد گفت‌وگوی تمدن‌ها ختم‌شده را فراموش می‌کند. اگر او از آن دوران یاد می‌کرد، می‌توانستیم از گلوله محور شرارت بوش در





## مصائب اصلاحات

بحران‌های فزاینده پیش‌روی اصلاحات

مسعود پورسیدی

روزنامه‌نگار

سپهر سیاست همواره متاثر از رخداد‌های فضای پرتلاطم جامعه است. جریان‌های سیاسی برای دستیابی به قدرت بهره‌گیری از فضای مقطعی یا دائم با آفرینش گفت‌وگوهای بدیع و غیریت‌سازی آن با گفتمان‌های رقیب، سرمایه اجتماعی منحصر به فردی را تولید می‌کنند و گاهی رخداد‌های شتاب‌دهنده جامعه منجر به شکل‌دهی جریان‌های سیاسی نوین می‌گردند. ۲۰ خرداد ۱۳۷۶ بزنگاه تاریخی برای ایجاد مختصات سیاست‌ورزی جدیدی در منازعات قدرت کشور بود. اردوگاه چپ‌نشینان با بازتعریف آرمان‌های پیشین در دهه ۶۰، با چهره جدید اقبال عمومی را کسب کردند. پس از این پیروزی جریان سیاسی «اصلاحات» در صحنه سیاست کشور با هویتی متمایز از چپ‌گرایان دهه پیشین به قدرت رسید و صورت‌بندی منازعات سیاسی از «چپ/راست» به «اصلاح‌طلبی/ اصولگرایی» تغییر محتوایی پیدا کرد. عصر قدرت اصلاحات پس از هشت سال پایان یافت؛ آنان با شکست تحلیلی عمیق در انتخابات ریاست‌جمهوری نهم مواجه شدند. عدالت‌طلبی در برابر آزادی‌خواهی حامیان بیشتری داشت؛ طبقه مستضعف پس از هشت سال صدایش را با انتخاب نامزدی گمنام و برتری وی بر سیاستمداران شهره نشان داد. عصر عسرت اصلاحات طولانی مدت بود و سرانجام با پذیرش نامزدی با خاستگاه اصولگرایی ولی بارزادی جدید اعتدال، به سریر قدرت بازگشتند.

وضعیت اصلاحات پس از پنج سال بازگشت به قدرت چگونه است؟ آیا آنان به اهداف تریسمی خود رسیدند؟ در میان تحلیلگران فصل مشترک وضعیت‌سنجی اصلاحات، وجود «معضل» و «بحران» برای این جریان سیاسی است. در این میان اصلاح‌طلبان در سه سطح با بحران جدی روبه‌رو هستند؛ در این یادداشت به بازنامی سه گانه بحرانی اصلاحات می‌پردازیم.

## تردید شفافیت مناسبات با حاکمیت

اصلاح‌طلبان از بدو کنش سیاسی خواهان رفتارهایی با رویکرد غیرشفاف در قبال حاکمیت بودند؛ آنان از یک سو شعار پایبندی در قبال مفاد قانون اساسی می‌دهند و از سوی دیگر از اصلی‌ترین عوامل فتنه ۸۸ بودند. اصلاحات پس از حضور دولت یازدهم، سویه‌های انتقادی پیشین به حاکمیت را کاهش داد و تنها رفع حصر را به عنوان مطالبه نمودن فتنه ۸۸ صورت‌بندی کرد. در چندماه اخیر پس از شکست بگرام و آغاز فشارهای همه‌جانبه اقتصادی، بار دیگر برخی از افراد اثرگذار در فرآیند تصمیم‌سازی اصلاحات، خط‌مشی تحمیلی به حاکمیت برای سازش را پیشنهاد می‌دهند؛ غلامحسین کرباسچی، اصلی‌ترین عضو حزب کارگزاران سازندگی همسو با طیف خارج‌نشین در نامه‌ای خواهان پذیرش فشارهای تحمیلی آمریکا شد و برخی از تحلیلگران سیاسی از شکل‌گیری خط داخلی و خارجی همانند رفتارهای نهضت‌آزادی در دوران جنگ هشت‌ساله خبر دادند؛ هرچند کرباسچی با کاهش ضریب اثرگذاری این نامه اظهار کرد: «تحلیل و نظری که در این نامه ارائه شده برای مقابله با افراطیون خارج‌نشین

است که با بیانیه‌ها یا حضور در رسانه‌ها سعی در تشدید بن‌بست و خلق مشکلات جدید برای کشور دارند». این رفتارهای دوگانه حین بحران و پس از آن از سوی برخی از افراد تصمیم‌ساز اصلاحات ارتقا پیدا کرده است؛ علیرضا علی تبار سیاست‌ورزی مسالمت‌جویانه را پایان یافته تلقی کرده و در همین راستا اظهار کرد: «راه‌های سیاست‌ورزی متعارف و مسالمت‌جویانه یعنی طرح مطالبات از طریق رسانه‌ها و انجمن‌های مدنی و شرکت در انتخابات برای تغییر دادن وضعیت سیاسی نزد کاربران، کارایی خود را از دست داده‌اند.» بنابراین در این شرایط اصلی‌ترین بحران اصلاحات چهره‌ژانوسی آنان در قبال حاکمیت است.

## استمرار تبعات ناکارآمدی دولت دوازدهم

جریان اصلاحات با وجود حمایت‌های تمام‌عیار در کارزار رقابت سیاسی از دولت حسن روحانی، خواهان عدم پذیرش سیاسی-اقتصادی حضور هشت‌ساله طیف سیاسی همسو با آنان در قوه‌مجریه است. اولین گام آنان مرزبندی گفتمانی با دولت اعتدال



است؛ «اعتدال به هیچ‌وجه یک گفتمان سیاسی نیست». این گزاره اعلامی محمدرضا تاجیک، غلامرضا کاشی و صادق زیباکلام است. محمدرضا تاجیک یک گام فراتر رفته است، او در تلاش است علاوه بر زدودن برداشت ذهنی تحلیلگران مبنی بر تجلی استمرار گفتمانی اصلاحات در خروجی گفتمانی اعتدال، واگرایی میان کارنامه دولت با اصلاحات را نیز شکل بدهد و در همین راستا اظهار کرد: «گره‌زدن استراتژیک زلف اصلاح‌طلبی به زلف دولت اعتدال جفاست. اصلاح‌طلبی یک جریان اصیل و فراگیر تاریخی ماست که نمی‌توان آن را به یک دولت و حکومت فروکاست. این روزها عده‌ای که چشم کز کرده‌اند و تنها قامت خمیده اصلاحات را در ساخت سیاست و قدرت مرسوم و مألف می‌بینند و از دیدن قامت رشید اجتماعی و فرهنگی آن قاصرند، بر این نظر شده‌اند که باید به عصای دیگران تکیه داد و قدر راست کرد. اینان نمی‌بینند یا نمی‌خواهند ببینند که این قد کوتاه‌شده سیاسی، چندین برابرش زیرزمین اجتماعی، فرهنگی و تاریخی جامعه ماست.»

سپس در تجویز راهبردی خواهان عبور از مناسبات حمایت همه‌جانبه و آغاز گفتارهای انتقادی در قبال دولت دوازدهم است و می‌گوید: «استراتژی اصلاح‌طلبان

در مواجهه و تعامل با دولت باید استراتژی حمایت اصلاح‌طلبانه یا حمایت منتقدانه (انتقادی) باشد. در این حالت، میزان همگرایی و واگرایی اصلاح‌طلبان با دولت، تابعی خواهد بود از میزان، عمق، گستره و شدت و حدت فاصله انتقادی و موضوعات مورد انتقاد.»

دومین حربه سیاسی آنان برای عبور از بحران، تغییر رویکرد سیاسی-اقتصادی دولت است. آنان با ایده «گردش به راست» خواهان عدم پذیرش مسئولیت سیاسی و تبعات همه‌جانبه صدارت حسن روحانی هستند. اصلاحات اصلی‌ترین مانع پیش‌روی راهبرد سیاسی-اقتصادی خود را حزب اعتدال و توسعه معرفی می‌کند. غلامعلی دهقان، عضو شورای مرکزی حزب اعتدال و توسعه، شکل‌گیری این حزب در سال ۱۳۷۸ را ندای «اعتدال مظلوم» در فضای «افراطی‌گری دو جناح» دانست و این حزب را «اشاعه‌دهنده تفکر آقای روحانی» معرفی نمود. پس از حضور آقای حسن روحانی در پاستور، اعضای حزب اعتدال و توسعه جایگاه دولتی مناسبی کسب کردند. محمود واعظی، کنشگر اصلی حزب در برابر اصلاح‌طلبان معرفی می‌شود. به گفته اصلاح‌طلبان تلاش برای چینش وزیران همسو با اعتدال، توسعه و تغییر موازنه بهارستان به سود علی لاریجانی و تکاپو برای حذف، از اصلی‌ترین اقدامات محمود واعظی بود. در همین راستا حسین مرعشی، مسئولیت شکست اصلاحات در بهارستان را بر دوش واعظی با ایده گفتمان سوم انداخت؛ جریان اصلاحات از کنش‌های سیاسی هدفمند تیم اعتدال و توسعه گلایه دارد. با وجود تکاپوهای سیاسی جریان اصلاحات، بحران ناکارآمدی دولت ماحصل تکرارهای مداوم رئیس دولت اصلاحات و حمایت کنشگران این جریان است و افکار عمومی با وجود تلاش‌های فراوان آنان برای فرار از مسئولیت‌پذیری سیاسی، نوک پیکان انتقادات خود را به سمت اصلاحات نشانه گرفتند.

## بدنه سرکش؛ فرسایش سرمایه اجتماعی

اصلاحات در بدنه تشکیلاتی در سه سطح دارای بحران هستند؛ ۱- «اصلاح‌طلبان تاکتیکی» به روایت محمدرضا تاجیک ترجمان تعبیر «اصلاح‌طلبان بدلی» است؛ آنانی که به تعبیر تنوریسین اصلاح‌طلب‌نیش خود را بر تن اصلاحات فرو کرده‌اند و حالا پاشنه آشیل را نشانه گرفته‌اند. محمدرضا تاجیک وضعیت فعلی را برآیند حضور اصلاح‌طلبان تاکتیکی می‌داند و در همین راستا اظهار کرد: «اصلاحات و اصلاح‌طلبی را مال‌الی نیست جز نزدیکی شبه‌اصلاح‌طلبان و دوری اصلاح‌طلبان واقعی و راستین. به بیان دیگر، حال و احوال جریان اصلاح‌طلبی بد نیست اگر اصلاح‌طلبان تاکتیکی بگذارند.» اما حکایتی حال و احوال اصلاح‌طلبان حکایت دیگری است. بسیاری از اصلاح‌طلبان این روزها به همه چیز و همه کس حال می‌دهند به‌جز جریان و گفتمان اصلاح‌طلبی. نوش‌شان شامل حال دیگران، و نیش‌شان شامل حال خودی‌هاست. این عده سخت مشغول بازی‌ها و بازیگوشی‌های قدرت و سیاست و منفعت و مصلحت هستند. این استاد علوم سیاسی ماحصل کنش‌های قدرت‌طلبانه اصلاح‌طلبان تاکتیکی را ضربه به دال مرکزی اصلاحات قلمداد می‌کند و برآیند آن را فرسایش پایگاه اجتماعی اصلاحات می‌داند و در همین راستا می‌گوید: «پاشنه آشیل اصلاح‌طلبی را اصلاح‌طلبان کاذب و دروغینی می‌دانم که همچون موربانه از درون در حال استحاله و پوک کردن جریان و گفتمان اصلاح‌طلبی هستند؛ همان کسانی که به نام و به دست جریان اصلاح‌طلبی پشت و پرتین قدرت و سیاست یا جریان اصلاح‌طلبی قرار گرفته‌اند، اما با نمایش تصویب کژ و کدر و نازیبای خود و جامه گفتمانی و اجرایی که بر تن دارند، هر خریداری را از توقف در پشت و پرتین و ازده و

# دوراهی سخت اصلاحات

## چالش‌هایی برای زیست سیاسی یک جناح

دلزده و منصرف می‌کنند.»

۲- انسداد گفت‌وگو در میان نهادها و افراد ناهمسو در بدنه اصلاحات. به روایت محمدجواد حق‌شناس اصلاحات از یک فقر ارتباطی رنج می‌برد. او در همین راستا اظهار داشت: «متأسفانه ما دچار یک فقر ارتباطی و ضعف در برقراری فضای گفت‌وگویی میان حوزه‌های مختلف اصلاحاتی در جامعه هستیم و این آثار و تبعات منفی خود را خواهد داشت.» اساسی‌ترین عامل فقر ارتباطی استمرار ناهنجار حاکم در میان اصلاح‌طلبان «بر/در» قدرت است. ۳- توقعات فزاینده و اختلاف نسلی در اصلاحات پس از پیروزی‌های متوالی و ناکامی در دستیابی به اهداف اعلامی. تراکم بحران‌های محور اول و دوم و سرخوردگی تشکیلاتی موجب شد اولین ضربه به محمدرضا عارف اصابت کند. تعدادی از فعالان جوان سیاسی-رسانه جریان اصلاحات، در نامه به رئیس دولت اصلاحات خواهان تغییرات ساختاری در نهادهای تصمیم‌سازی این جریان شدند. در واقع این نامه اعتراف‌نامه برای فرار از باتلاق فرسایش سرمایه اجتماعی جریان اصلاحات بود. این فعالان سیاسی برآیند فقدان سامان سیاسی و ائتلاف‌های جبهه‌ای را عدم شفافیت قلمداد می‌کنند و در همین راستا نوشتند: «بیست‌ویک سال پس از دوم خرداد، جریان سیاسی موسوم به این نام هنوز از سامان سیاسی متناسبی برخوردار نیست و فقدان سازمانی پویا برای هدایت جریان اصلاحات به مهم‌ترین ضعف اصلاح‌طلبان بدل شده است. همین مساله باعث شده تا این جریان که «ائتلاف جبهه‌ای» از عناصر بنیادین راهبرد آن محسوب می‌شود، گاه به نتایجی برسد که از شفافیت کافی برخوردار نیست یا بدنه اصلاح‌طلبان و حتی نیروهای فعال اما غیرحاضر در لایه‌های خاص از فرآیند امور بی اطلاع باشند.» نویسندگان این نامه تشکیل نهادهای تصمیم‌ساز برای چپش لیست‌های انتخاباتی را هرچند گامی موثر تلقی می‌کنند اما این سازوکار را ناکافی می‌دانند و معتقدند: «اکنون شورای عالی اصلاح‌طلبان که باید محلی برای کنشگران سیاسی دموکراسی‌خواه باشد در خطر تبدیل شدن به موضع استقرار دائمی بوروکرات‌ها و تکنوکرات‌های محافظه‌کار دولتی قرار دارد، نتیجه هم البته معلوم است؛ فراکسیون امید در مجلس که علی‌رغم برخی تک‌صداها و عملکرد مثبت و قابل‌تقدیر برخی از منتخبان لیست امید، به هیچ عنوان از ظرفیت‌های فراوان آن استفاده نشده است؛ فراز و فرود در انتخاب شهردار تهران و ضعف در هماهنگ کردن شورای یکدست اصلاح‌طلب آن که می‌توانست کارویژه مدیریت شورای عالی باشد اما از چنین نفوذ و مدیریتی خبری نبود.»

### تمنای بازسازی تئوریک اصلاحات یا صداقت سیاسی با مردم

ایده، تاکتیک سیاسی و راهبرد پشت سرهم از سوی فعالان فکری-سیاسی اصلاحات برای برون‌رفت از سه‌گانه بحران فراگیر است؛ پیش از این محمدرضا تاجیک برای بازسازی تئوریک اصلاحات خواهان «نو اصلاح‌طلبی» بود و حالا سعید حجاریان خواهان ارتقای قدرت هسته سخت اصلاحات برای مواجهه با سبیل نارضایتی حاکم در جریان اصلاحات است اما عدم درک واقع‌بینانه جامعه ایرانی و نسخه‌پیچی ذهنی اصلی‌ترین نقاط ضعف جدی تحلیلی فعالان فکری-سیاسی اصلاحات است. به نظر می‌رسد باید با بحران‌ها به شکل منطقی برخورد کرد و اصلاح‌طلبان در روند عقلانی‌سازی کنش‌ها در عرصه مدرنیته باید پایبندی به حاکمیت برای بسترسازی فعال سیاسی را رسماً اعلام کنند تا مرزبندی آنان با جریان برانداز مشخص گردد و در مواجهه با دو بحران دیگر صداقت سیاسی و پذیرش اشتباه را سرلوحه کار خود قرار دهند.



مصطفی آرائی

روزنامه‌نگار

اصلاح‌طلبان با سه بحران در سطح حاکمیت، بدنه اجتماعی و دولت مواجهند و به نظر باید تصمیم بگیرند که آیا باز هم می‌خواهند در سطح قدرت سیاسی مشارکت کنند یا اینکه می‌خواهند به سمت جامعه مدنی بروند.

تصور انتخابات مجلس در حال داغ‌شدن است و زیر پوست سیاست می‌توان تحرک جناح‌ها و اشخاص سیاسی برای حضور بهتر در این عرصه را مشاهده کرد. از سوی دیگر وضعیت سیاسی کشور و بحرانی که در حوزه اقتصاد به وجود آمده بیش از هر روز دیگری، بحث‌های سیاسی را داغ کرده است. در این میان به نظر می‌رسد که در سپهر سیاسی کشور وضع اصلاح‌طلبان چندان مناسب نباشد. دست کم سه دلیل برای این موضوع ذکر شده است:

نخست اینکه رابطه اصلاح‌طلبان با حاکمیت، سال‌هاست که شکرآب است. مبدا این ماجرا را می‌توان به اواخر دهه ۶۰ و مجرای مجلس سوم بازگرداند یا حتی رفتارهای انجام‌شده در طول دولت اصلاحات و شورای اول و مجلس ششم را بهانه دانست و یا اینکه گفت رابطه از سال ۱۳۸۸ خراب شده ولی حالا قطع به یقین می‌دانیم که حاکمیت هیچ میانه خوبی با اصلاح‌طلبان ندارد تا جایی که به قول مجید انصاری، در حال حاضر ارتباط میان اصلاح‌طلبان و نظام عملاً قطع است.

دوم اینکه رابطه اصلاح‌طلبان با بدنه اجتماعی خود مناسب نیست چرا که طیفی از افراد، از براندازان گرفته تا خطامی‌های جزو سید رای اصلاح‌طلبان در انتخابات هستند و مشخص است که بخشی از این افراد، توقعاتی از اصلاح‌طلبان دارند که حتی با توجه به اقتضانات عرفی و فرهنگی جامعه ایرانی نیز، ایده‌آل به حساب می‌آید، چه رسد به اینکه اقتضانات قانون اساسی و نیز هویت انقلاب اسلامی را در این زمینه در نظر بگیریم.

نکته سوم هم این است که اصلاح‌طلبان بدون شک مهم‌ترین نیروی تشکیل‌دهنده دولت حسن روحانی هستند اما حالا این دولت در دو پروژه مهم خود یعنی برجام و ثبات اقتصادی با بحران روبه‌رو شده ضمن اینکه خواسته‌های سیاسی-فرهنگی اصلاح‌طلبان را نیز اجابت نکرده است. به‌طور مثال مساله حصر یا ورود زنان به ورزشگاه.

حالا سوال این است که اصلاح‌طلبان باید چه کنند؟ این سوال البته به این سادگی‌ها حل نمی‌شود. چرا؟ فرض کنید که اصلاح‌طلبان تلاش کنند که رابطه خود را با حاکمیت بهبود ببخشند. هر قدمی در این زمینه باعث خواهد شد که بخشی از بدنه اجتماعی اصلاح‌طلبان آنها را به سازش یا کوتاه‌امدن متهم کنند. از سوی دیگر حرکت به سمت بدنه اجتماعی باعث خواهد شد که حاکمیت از آنها ناراضی‌تر شود. به همین ترتیب حمایت از دولت در این وضعیت بدنه اجتماعی را به همراه دارد و انتقاد

از دولت شاید به معنای مسئولیت‌گریزی باشد و شاید از سوی حاکمیت این گونه تفسیر شود که حالا چه وقت خالی کردن پشت دولت است.

راهکار حل این معادله، این است که اصلاح‌طلبان با خود بنشینند و ضمن اینکه اصل مشارکت در نظام سیاسی را می‌پذیرند، نحوه آن را به رای و خرد جمعی خود واگذار کنند. گره اصلی اصلاح‌طلبان در اینجا انتخابات و رای گرفتن از مردم است. اگر آنها بتوانند یک بار برای همیشه این مساله را حل کنند که می‌خواهند در قدرت مشارکت کنند یا نه، به نظر پاسخ بسیاری از سوالات حل خواهد شد.

اگر قرار بر مشارکت باشد باید بین وزنه حاکمیت و بدنه اجتماعی طرف حاکمیت را گرفت. در این شرایط یا می‌توان بدنه اجتماعی را به تعامل با حاکمیت یا حضور حداقلی و حضور از طریق اعتدال‌گرایان و اصولگرایان میانه‌رو قانع کرد که در این صورت مساله بدنه هم حل خواهد شد یا نمی‌توان چنین کاری کرد که در این صورت بدنه اجتماعی تصفیه خواهد شد و دیگر، هویت اصلاح‌طلبی عروس هزار شوهر نخواهد بود. صد البته که در این وضعیت ممکن است بخشی از بدنه اجتماعی به سمت براندازی برود که از حیث امنیت ملی خطرناک است.

اگر قرار بر مشارکت در سطح قدرت هم نباشد که اصلاح‌طلبان می‌توانند با خیال راحت عرصه قدرت را به اصولگرایان واگذار کنند و خود از ظرفیت‌های مدنی برای مطالبه‌گری و اصلاح امور استفاده کنند. البته ممکن است گفته شود که در این صورت، ممکن است فضای لازم به اصلاح‌طلبان داده نشود که در این صورت باید به همان ایده اصلاحات تدریجی اشاره کرد و تلاش کرد که ظرفیت‌های مدنی به تدریج و البته با اثبات برادری اصلاح‌طلبان نسبت به حاکمیت، توسعه پیدا کند.

مساله دولت نیز دقیقاً در همین معادله قابل حل است. اگر قرار است اصلاح‌طلبان در قدرت مشارکت داشته باشند باید مسئولیت خود در این دولت را بپذیرند و البته از آن حمایت کنند و ضمناً تلاش کنند که بر پایه‌های همین دولت، مجلس و دولت آینده را تاسیس کنند اما اگر قرار به مشارکت در سطح قدرت نیست، می‌توان بی‌پروا تر به دولت تاخت و حساب خود را سه سال مانده به پایان دولت حسن روحانی از آن جدا کرد.

۲۲

اگر قرار بر مشارکت باشد باید بین وزنه حاکمیت و بدنه اجتماعی طرف حاکمیت را گرفت. در این شرایط یا می‌توان بدنه اجتماعی را به تعامل با حاکمیت یا حضور حداقلی و حضور از طریق اعتدال‌گرایان و اصولگرایان میانه‌رو قانع کرد که در این صورت مساله بدنه هم حل خواهد شد یا نمی‌توان چنین کاری کرد که در این صورت بدنه اجتماعی تصفیه خواهد شد و دیگر، هویت اصلاح‌طلبی عروس هزار شوهر نخواهد بود

۲۲



## متحد منتقدیم

گفت‌وگوی مثلث با محمود میرلوحی



«اصلاح‌طلبان چه نسبتی با دولت مستقر دارند؟» این سوال حالا که حسن روحانی از آنها دورتر از همیشه شده، اهمیت مضاعفی یافته است. محمود میرلوحی، عضو شورای عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان می‌گوید: «ما متحد منتقد دولت هستیم و جریان اصلاحات می‌گوید من متحد منتقدم. البته اخیراً احساس می‌شود یک مقداری رنگ انتقاد پررنگ‌تر می‌شود، به خصوص با تشکیل کابینه و مشکلاتی که شکل گرفته، حالا آن موقع متحد منتقد منسب بود، الان متحد منتقد است. اگر در این مسیر اصلاحات بخواهد کند شود، ممکن است بعداً بشود منتقد متحد و خوب مدام شدت آن کم و زیاد می‌شود، ولی فعلاً متحد منتقد دولت است.» هفته‌نامه مثلث در باره چالش‌های پیش‌روی اصلاح‌طلبان با محمود میرلوحی گفت‌وگو کرده است.

**جناب میرلوحی! چالش اصلی اصلاح‌طلبان در حال حاضر چیست؟ آیا رویکرد اصلاح‌طلبی در حال حاضر با پرورش نخبگان جدید یا تولید محتوا روبه‌رو هستید؟**

▲ اگر در مورد ظهور اصلاحات در دوره جدید بخواهیم به کنکاش بپردازیم، البته تبار و ریشه آن حداقل در دوره معاصر به مشروطه و پیش از آن برمی‌گردد، ولی اساساً اصلاحات چرا متولد شد؟ معنایش این بود که بالاخره تحولات میدان سیاست در ایران اقتضا می‌کرد این نوع رویکرد شکل گیرد و به این شکل نبود که ما فکر کنیم حاکمیت و مردم همیشه یکی هستند، حالا به خاطر شرایط اول انقلاب و فضای اول انقلاب، این فضا عوض شده و می‌شود گفت به مقتضای قانون اساسی که هر سال با انتخابات و مبتنی بر آرای عمومی، مدیران کشور و رهبری با واسطه و نمایندگان و شورا همه باید انتخاب شوند، یعنی فضای سیاسی در واقع اقتضا می‌کند که همواره تغییر و تحول اتفاق بیفتد بعضی‌ها این را مثل اینکه باور نداشتند و فکر می‌کردند که ما در زمان قبل از انقلاب و برای رفتن شاه این حرف‌ها را می‌زدیم، اما حالا دیگر افرادی که آمده‌اند، اینها دائمی و مادام‌العمر هستند، به هر حال ۱۰ سال بعد از انقلاب یا در سال ۷۶ که می‌شود گفت ۲۰ سال بعد از پیروزی انقلاب بود، این نظریه مطرح شد که نه، می‌تواند حاکمیت یک پدیده باشد و جامعه و مردم یک پدیده و این تحولات نظام با فاصله اتفاق بیفتد؛ یک نیروی میانه‌ای باید بیاید و لولایی شود بین حاکمیت و مردم و هم مطالبات و تغییرات جدید را طراحی کند و هم حاکمیت قانون اساسی را مبتنی بر آن پیشنهاد و طرح دهد.

در واقع در درون نظام چنین طراحی‌ها و اصلاح و تغییر و تحولی را طراحی کند. این است که اصلاحات به این شکل به وجود آمد. از اول هم این گونه بوده و می‌توان گفت اصلاحات تقریباً به نوعی میانه راه ایستاده است. نه با حاکمیت یکجا ادغام شده و نه آمده صرفاً طرف مردم که هرچه مردم می‌گویند همان به شکل دقیق باشد. لذا اصلاح‌طلبی بخشی از مصالح مربوط به حاکمیت را دنبال می‌کند؛ اصل قانون اساسی، اصل نظام، اصل حفظ حاکمیت نظام، تمامیت ارضی و این طرف هم مطالبات را مرتباً رصد می‌کند و نمایندگی می‌کند. این کار همیشه بوده، گاهی وقت‌ها متهم می‌شده که خیلی ملاحظه می‌کنید.

در سال ۸۸ و در آن حوادث متهم می‌شد که اساساً به نظام و اقتضانات نظام توجه ندارد و مدام دارد با فضای

عمومی جامعه و خواست کف خیابان‌ها خودش را تطبیق می‌دهد یا حالا که ممکن است مدتی در ساختار این نظریه یک مقداری مطرح شود که نه، حالا آمده و مدام دارد خودش را با مسائل نظام تطبیق می‌دهد و این بحث‌ها مطرح می‌شود. ولی من فکر می‌کنم راهبردها و اساس سیاست‌های جریان اصلاح‌طلبی باید این باشد که هر دو را بتواند همزمان - قدرت ایجاد سازگاری بین مقوله‌هایی - را داشته باشد.

همین طوری در اساس استواری و نظریات اصلاح‌طلبی مطرح می‌شود که می‌گوید دین با آزادی سازگار است و می‌گوید همزمان هم استقلال و آزادی با هم، هم اسلامیت و جمهوری با هم، معمولاً دین یا توسعه و عدالت با هم که این جریان اصولگرایی خیلی سعی می‌کند مرتباً مرزهای اینها را طوری پررنگ کند که می‌گوید چون عدالت می‌خواهیم، باید از توسعه چشم‌پوشی کنیم؛ شعار جریان اصولگرایی در انتخابات ۱۳۹۶ این بود، می‌گفت ما ارزش‌ها را می‌خواهیم، پل نمی‌خواهیم.

آن موقع می‌گفتند به تعبیری توسعه را ما فدای عدالت و ارزش‌ها می‌کنیم. یا اینجا الان می‌گویند ما استقلال کشور را در بحث مسائل برجام و اینها می‌دیدیم. وقتی نگاه کنید، شعارهایشان این است که می‌گویند ما به خاطر حفظ استقلال کشور ناچاریم آزادی‌های مدنی و حقوق اساسی مردم را نادیده بگیریم. ولی تلاش اصلاح‌طلبان این است که می‌گوید نخیر، دین با آزادی سازگار است، هم عدالت با توسعه می‌تواند سازگار باشد. در واقع ما نسخه‌ای و برنامه‌ای را ارائه کنیم که اینها با همدیگر تعارضاتش به حداقل برسد.

الان هم همین نکته است. به نظر من بله، طبیعی است که در اساس و ساختار اصلاح‌طلبی، خوداصلاحی باید باشد و الان ببیند که باید کدام شعار و کدام رویکردش را تطبیق بدهد و اصلاح کند که در جایگاهش حفظ شود و بتواند این طرف یک لولایی باشد که هم مردم را و هم مسائل کلان نظام را با هم ببیند و همزمان و توأمان طرح و برنامه بریزد.

تا الان تلاش خود را کرده و تا حدی هم موفق بوده، ولی الان چالشی که مطرح است و به خصوص جریانی که از بیرون بیشتر دارد تلاش می‌کند، این است که بگوید نه، دیگر اصلاحات به آخر خط رسیده و الان دیگر نمی‌تواند.

حالا شرایط دی ماه پیش آمد و این مسائلی که این روزها پیش می‌آید، در واقع اصلاحات دیگر نسخه مناسب روز ندارد و دیگر باید جاییش را مثلاً بدهد به یک نیروی سومی که این نیروی سوم هم ملاحظه می‌کنند نه رهبری‌اش معلوم است و نه برنامه و ساختارش مشخص.

طبیعتاً اصلاحات همچنان به نظر ما اگر بتواند خود را روزآمد کند و دیدگاه‌ها و رهبردهای مناسب را طراحی کند، می‌تواند این جایگاه را داشته باشد. الان جریان اصولگرایی و نیروهایی که خیلی فشار می‌آوردند به اصلاح‌طلبان، اخیراً تا حدی قبول کردند که اصلاحات یعنی همین. اگر این دیدها و رویکردها نسبت به حقوق مردم را تضعیف کنیم، این هم می‌شود اصولگراها که مدت‌هاست مردم از آنها رویگردان هستند و فاصله گرفته‌اند.

**الان گفته می‌شود آقای روحانی نظراتش به نظرات حاکمیتی و نظام خیلی نزدیک‌تر شده و به نوعی از اصلاح‌طلبان فاصله گرفته است. به نظرتان الان نسبت اصلاح‌طلبان با آقای روحانی چگونه است، با دولت مستقر چطوری است؟**

ما متحد منتقد دولت هستیم و جریان اصلاحات

می‌گوید من متحد منتقدم. البته اخیراً احساس می‌شود یک مقداری رنگ انتقاد پررنگ‌تر می‌شود، به خصوص با تشکیل کابینه و مشکلاتی که شکل گرفته، حالا آن موقع متحد منتقد منضبط بود، الان متحد منتقد است.

اگر در این مسیر اصلاحات بخواهد کند شود، ممکن است بعداً بشود متحد و خوب مدام شدت آن کم و زیاد می‌شود، ولی فعلاً متحد منتقد دولت است. بله، در اصول کلی احساس می‌شود آقای روحانی دارد زحمت می‌کشد، کار می‌کند و تلاش می‌کند. در بعضی از موارد اعلام می‌کند که من هنوز به همان شعارها و حرف‌هایی که زدم پایبند هستم، تردید و ترس ندارم.

اینها را که می‌گوید، جریان اصلاحات احساس می‌کند بالاخره ایشان پایبند به شعارهایش است، ولی در عمل و اقدام دولت ملاحظه می‌کنید نوعی اختلاف کار است. در شعار و بیانات و اظهارات آقای رئیس‌جمهور و دولت و وزرا این اختلاف کار محسوس است و همین نکته‌ای است که جریان اصلاحات اخیراً مقداری احساس می‌کند بیشتر باید در بعضی مواضع پافشاری کند نسبت به موضعی که آقای رئیس‌جمهور اعلام می‌کند.

**الان با توجه به مشکلاتی که دولت در مسائل اقتصادی... دارد، انتقادات شدیدی به آن وجود دارد، به نظرتان کارنامه دولت به حساب اصلاح‌طلبان نوشته می‌شود؟**

بله، دیگر این راه چهارساله است. این قرارداد و تفاهم چهارساله است. در واقع جریان اصلاح‌طلبی طبیعی است تا پایان کار آقای رئیس‌جمهور در سال ۱۴۰۰ باید پاسخگو باشد و این نیرو الان دارد تلاش می‌کند هرچه بیشتر آقای رئیس‌جمهور و عملکرد دولت را به قول و قرارهایی که در انتخابات پارسال بود، نزدیک‌تر کند. جریان اصلاح‌طلبی هنوز هم امیدوار است، هنوز دارد تلاش می‌کند و مجموعه تلاش و برنامه‌هایش این است که بتواند فاصله این قول و قرارها را با عمل و اجرا کاهش دهد.

**در رابطه اصلاح‌طلبان با حاکمیت، آقای انصاری یک مصاحبه‌ای داشتند و گفتند ما چند وقتی است که با رهبری هیچ ارتباطی نداریم. یا این موضوع همیشه مطرح بوده که اصلاح‌طلبان همیشه سعی کرده‌اند که از جریان برانداز برائت کنند. الان به نظرتان چگونه است؛ اصلاح‌طلبان رابطه‌شان را با حاکمیت چگونه تعریف می‌کنند؟**

از گذشته یک بحثی و وجود داشت که رقبای اصلاحات تلاش می‌کردند و می‌گفتند جریان اصلاحات در درون نظام نیستند.

حالا بخشی از آنها نگاه نرم‌تری داشتند، نسبت به این موضوع و موضع تند و نرم وجود داشته است ولی

واقعیات این است که تقریباً جریان‌های به‌خصوص رادیکال اصولگرا و جبهه‌پایداری اساساً اصلاح‌طلبان را در خارج نظام تعریف می‌کردند. بجملاً این نگاه الان عوض شده و دارند می‌بینند که جریان اصلاحات آمده و با زحمت و تلاش و واقعیتش ریاضت نشان می‌دهد که مصلحت کشور و در واقع شناخت و درکش از نیازهای کشور این است و امروز داریم احساس می‌کنیم بعضی از سوءتفاهمات از بین می‌رود. امیدواریم به جایی برسیم که همه بخش‌های انتصابی نظام، مشخصاً رسانه ملی، قوه قضائیه و نیروهای مسلح نگاه گذشته را نداشته باشند.

آن موقع که ما می‌گفتیم در سیاست و انتخابات مداخله نکنید؛ مداخله کردن به نفع یک جناح یا هزینه کردن به نفع یک جریان خاص نمی‌تواند روند مناسبی داشته باشد، این را نمی‌پذیرفتند و برایشان سخت بود. امروز می‌بینیم که نماینده ولی فقیه در سپاه می‌گوید مداخله نیروهای سپاه در جناح‌بندی‌ها و انتخابات حرام است.

این سخن را در تلقی‌ای که از امام داشتیم، می‌گفتیم، در وصیتنامه امام بود، در قانون بود و همواره تکرار می‌شد ولی اعتنایی کافی نمی‌شد. امیدواریم ان شاء الله توجه شود و فکر می‌کنیم الان دیگر باید این محدودیت‌ها کم شود و این تفاهم و مدارا و همکاری ان شاء الله بیشتر شود.

بله؛ ما انتظار داریم که دیدارهای جریان اصلاح‌طلبی با رهبری حتماً افزایش پیدا کند، دیده شود، جامعه ببیند و خودشورا هم درخواست کرده، مدت‌هاست شورای پنج‌گانه هم تقاضای دیدار دارد. امیدوارم این تماس و ارتباطات بیشتر شود و هم از نزدیک گزارش‌هایی داده شود.

علاش هم این است که احساس می‌کنیم که جریان اصلاح‌طلب با دو هدف طالب این دیدارهاست. یکی این است که گزارش‌ها و دریافت‌هایش را از مسائل کشور، اقتصاد کشور، اشتغال کشور، امنیت کشور، مسائل و چالش‌های بین‌المللی، داخلی و خارجی را ارائه دهد؛ که طبیعی است گاهی متفاوت است با گزارش‌هایی که جریان اصولگرایی ارائه می‌دهد و مقامات رسمی ارائه می‌دهند.

یکی هم اینکه نظریات ایشان را از نزدیک دریافت کند. فکر می‌کنیم که حالا به‌خصوص در زمانی بالاخره آقای جهانگیری این مأموریت را به‌عهده داشتند و این کار را می‌کردند، الان به نظر می‌آید آن دیدارها تقبیل پیدا کرده است. ما فکر می‌کنیم که باید جناح‌های جریان اصلاح‌طلبی دیدارهایشان با رهبری افزایش پیدا کند که بتوانند در واقع تبادل نظر و ارائه گزارش و همین‌طور دریافت رهنمود نظریات ایشان را بلاواسطه داشته باشیم.

۳۳

این قرارداد و تفاهم چهارساله است. در واقع جریان اصلاح‌طلبی طبیعی است تا پایان کار آقای رئیس‌جمهور در سال ۱۴۰۰ باید پاسخگو باشد و این نیرو الان دارد تلاش می‌کند هرچه بیشتر آقای رئیس‌جمهور و عملکرد دولت را به قول و قرارهایی که در انتخابات پارسال بود، نزدیک‌تر کند. جریان اصلاح‌طلبی هنوز هم امیدوار است، هنوز دارد تلاش می‌کند و مجموعه تلاش و برنامه‌هایش این است که بتواند فاصله این قول و قرارها را با عمل و اجرا کاهش دهد.

۳۳



مصطفی صادقی

دبیر تحریریه



آقای دکتر شما از جمله افرادی هستید که از سال‌ها پیش در مورد مفاسد اقتصادی کار می‌کنید و تذکرات، نامه‌ها و نطق‌های متعددی در این مورد داشته‌اید. حتی این قدر این مساله برای شما اهمیت داشت که در قالب یک NGO بعد از مجلس مشغول به رصد این مفاسد شدید. سوال این است که اساساً چرا ما با این پدیده مواجه شده‌ایم و چرا نتوانسته‌ایم از گسترش آن جلوگیری کنیم؟

یکی از نکاتی که سرآغاز این انحرافات شده است تغییر منش و روش زندگی سیاستمداران ماست. تغییر سبک زندگی آنها بسیار مهم بوده است. برخی از آنها دچار اشرافیت شدند. نکته دیگر حاکم شدن ساختار دولتی بر امور کشور است. این ساختار دولتی رانت تولید کرده و باعث فساد شده است.

این دو مساله از نظر من مهم‌ترین دلایل انحرافات است. البته باید به این مساله هم اشاره کنم که تدریجاً مماشات در رابطه با فساد هم صورت گرفت، یعنی نیامدند به فساد حمله کنند و به آن ضربه بزنند.

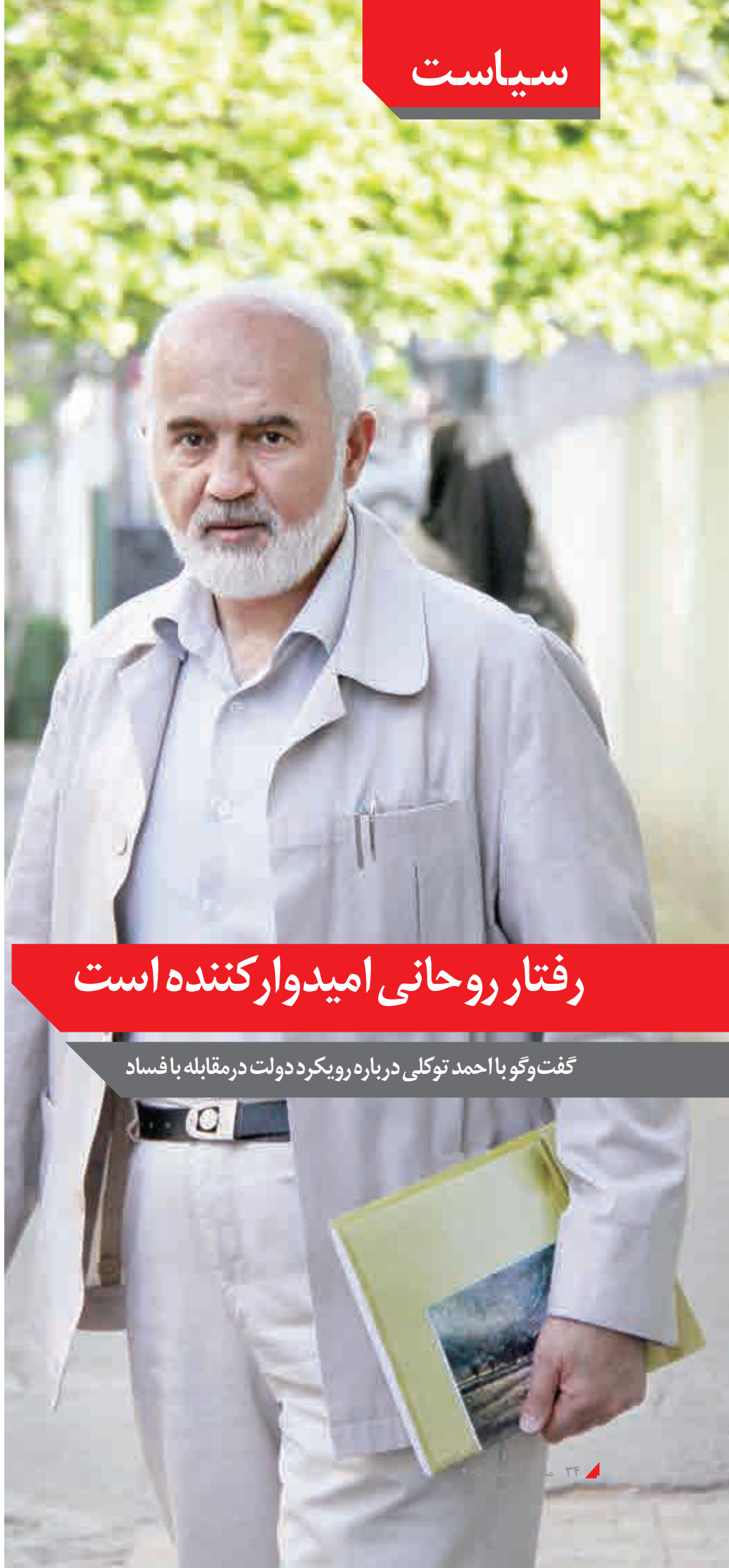
همان اول که در مورد فساد هشدار می‌دادیم باید جلوی مفاسد را می‌گرفتند.

سرچشمه شاید گرفتن به بیل... چو پر شد نشاید گرفتن به پیل

زمانی که من در روزنامه رسالت بودم یک بار در این مورد تذکره دادم. سال ۶۶ یا ۶۷. یکی از نمایندگان که خیلی پرمدعا هم بود، ریاست کمیسیون پست و تلگراف را بر عهده داشت. خودش و همسرش، چهار فرزندش و دو معاونش، هشت نفر ۱۵ روز مهمان بودند؛ هفت روز در سئول، هفت روز در توکیو. آنها با این شرکت مشغول مذاکره بودند، معنی این سفر کاملاً آشکار است. این فساد آشکار بود. من این موضوع را آن زمان اعلام کردم. طرف به من زنگ زد و اعتراض کرد و گفت تو خطی برخورد می‌کنی. گفتیم از جناح من چه کسی به چنین سفری رفته که من اعلام نکرده باشم؟ او گفت: «آقای مقتدایی چنین سفری داشته است.» از او پرسیدم: «آقای مقتدایی به کدام کشور رفته است؟» او گفت: «مقتدایی به کراچی پاکستان رفته است.» از من پرسید: «پس چرا آقای فلانی که به کراچی رفته است شما در این مورد اعتراض نمی‌کنید؟» گفتیم او یک سفر سه روزه داشته، مهمان دولت پاکستان است و مساله‌اش بررسی مسائل قضایی است. این یک سفر کاملاً کاری است. تو این سفر را با برنامه خودت مقایسه می‌کنی؟ آن موقع کسی به من در این مورد کمک نکرد. ایشان بعد از این گفت وگو نزد رئیس قوه قضاییه رفت. آقای یزدی که آن موقع رئیس قوه بودند من را صدا زدند و گفتند فلانی آمده اینجا و چنین شکایتی از شما داشته است. او گفته است که احمد آبروی همه را می‌برد و شما هیچ کاری نمی‌کنید. من گفتم: «حاج آقای یزدی! شما کاری نمی‌کنید و ما مجبوریم کاری کنیم. اینها همه را مساله‌دار می‌کنند. اگر نجنبید، وقتی می‌رسد که می‌خواهید مبارزه کنید اما دیگر نمی‌شود.» به هر حال می‌خواهم بگویم وقتی سرآغاز مطلب این گونه شروع شد باید همان موقع با آن برخورد می‌شد که نشد، در نتیجه این مار تبدیل به اژدها شده و بزرگ و بزرگ‌تر شده و حالا به سختی می‌شود با آن مبارزه کرد. ولی متقدم هنوز می‌شود مبارزه کرد.

می‌شود مبارزه کرد؟

بله، تاکید می‌کنم که می‌شود. برای اینکه



## رفتار روحانی امیدوارکننده است

گفت وگو با احمد توکلی درباره رویکرد دولت در مقابله با فساد

دنیای بانک‌های مرکزی مانند عقاب بالای سر این موسسات ایستاده‌اند و مراقب جریان خلق پول هستند. این نگاه‌ها به دلیل دریافت تایید از سوی بانک مرکزی به چپاول اموال مردم اقدام کردند که باید پاسخگو باشند.

## الان باید چه کار کرد؟ راهکار شما چیست؟

باید اول کار را دست کاران داد. نمی‌شود به هر کسی کار سپرد. این اولین قدم برای مبارزه با فساد است، برای اینکه فساد در توزیع قدرت است. ما توزیع ثروت مان هم مثل توزیع قدرت مان است. ولی آنکه راحت‌تر است، اصلاح توزیع قدرت است. باید روی منطق صورت بگیرد، باید روی شرایط صورت بگیرد، نه اینکه هر کسی دوست خودش را بیورد سر کار که این نقض قالب‌های مختلف از عوامل پیدایش فساد است. این که راحت‌تر است را شروع کنند، مردم امیدوار می‌شوند. وقتی این سیاست‌ها جور می‌شود که مردم احساس کنند این دولت خیرخواه و دانا و تواناست، آن وقت سیاست‌پذیری می‌شوند. سیاست‌گذاری درست، با مسئولان سالم و پاک، مردم را به سیاست‌پذیری می‌کشاند. وقتی مردم سیاست‌پذیر شدند دولت سیاست‌مدار خوبی شد، کار درست می‌شود.

## شما اصلاح کابینه را اصلاح می‌دانید؟

من بر این باورم که آقای رئیس‌جمهور باید چند نفر را عزل کند نه اینکه تغییر بدهد. برای مثال من فکر می‌کنم که دولت باید آقای سیف را عزل کند نه اینکه پست دیگری مثل سفارت را به او بدهد. عقل اقتضا می‌کند دولت این کارها را انجام دهد.

## در خبرها آمده است که گویا مذاکراتی با آقای طیب‌نیا شده است. آیا به نظر شما بازگشت ایشان برای اقتصاد کشور مفید خواهد بود؟

مساله فرد نیست باید به تیم نگاه کرد.

## آیا شما در مقام مقایسه عملکرد ایشان را در دوره وزارت‌شان به عملکرد آقای سیف ترجیح می‌دهید؟

من چندان راضی نبودم.

## اگر رئیس‌جمهور برای جایگزینی آقای سیف با شما مشورت کنند شما چه کسی را برای رئیس‌کلی بانک مرکزی پیشنهاد می‌دهید؟

گزینه پیشنهادی من دکتر ناصر شرافت است. او در زمان جنگ معاون وزارت اقتصاد و دارایی بوده و ریاست دانشکده اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی را عهده‌دار بوده است.

## شما از موافقان بازگشت نظام کوپنی هستید؟

عقل این را اقتضا می‌کند. امروز بسیاری از کشورهای عاقل و منطقی با کارت‌های هوشمند توانسته‌اند به فقرا کمک کنند تا زیر بار فشار فقر بیچاره نشوند و ما هم هیچ اشکالی ندارد امروز با دادن کوپن به برخی خانواده‌های نیازمند از فشار اقتصادی آنها کم کنیم.

## احمد توکل معتقد است که روحانی رویه خوبی را برای مبارزه با مفاسد اقتصادی آغاز کرده است.

او می‌گوید این نوع از رفتار رئیس‌جمهور مردم را امیدوار می‌کند. او که یک NGO در راستای دغدغه‌هایش برای مبارزه با فساد تاسیس کرده پیگیر و مستمر در پرونده‌های متعددی ورود کرده و با گزارش‌های عمومی‌اش تلاش کرده تا شفافیت را به عنوان مهمترین عنصر مبارزه با فساد نهادینه کند. او البته نقد‌های خاص خود را هم به شرایط سود دارد و می‌گوید: «باید اول کار را دست کاران داد. نمی‌شود به هر کسی کار سپرد. این اولین قدم برای مبارزه با فساد است، برای اینکه فساد در توزیع قدرت است.»

## گفت‌وگوی هفته‌نامه مثلث با دکتر احمد توکل را در ادامه می‌خوانید.

می‌دهیم که ۲۰۰ میلیارد سود است و می‌گیریم و هزار میلیارد تومان هم وام می‌دهیم، وام به وام می‌کنیم، یعنی پول داده نمی‌شود، از حالت معوقه خارج می‌شود، در سیستم تسهیلات پرداختی می‌رود. وقتی این کار را می‌کند، چند تا چیز واقع می‌شود. یکی اینکه ستون معوقات کم می‌شود، می‌گویند آفرین و احست، بانک معوقات را وصول کرده است. دیگر اینکه ستون تسهیلات زیاد می‌شود، می‌گویند چقدر خوب تسهیلات به اشتغال جوان‌ها داده شده، چون این زود توفیقی نشان می‌دهد، بانک برای آن مدیران زود پاداش می‌نویسد، چون بانک به ناحق و به نادرستی سود نشان می‌دهد، سهامداران بانک پول می‌گیرند، آنها هم که دولتی نیستند. چرا این خیانت‌ها باید بشود. از مسئولان بانک مرکزی که پرسیدم گفتند بله، این طوری هم هست. گفتیم چقدر است؟ جلسه اول نگفتند، جلسه دوم من اصرار کردم، گفتند ۷۰ درصد این طوری است. یعنی ۶۳۰ هزار میلیارد تومان تسهیلات داده نشده؛ این حرف دروغ است. ۳۰ درصدش داده شده، وقتی اینها این کار را می‌کنند و اطلاعات غلط به مسئولان سیاسی می‌دهند، تصمیمات غلط می‌گیرند. این زیر نظر همین آقایان انجام می‌شود. ۱۱۰ هزار میلیارد تومان معوقات، برای چند نفر است، یعنی هر کدام ۱۰-۱۲ هزار میلیارد تومان به طور متوسط معوقه دارند. آن وقت یک بدبخت مادرمرده‌ای که برای مغازه یا خانه کوچک خودش وام اندکی می‌خواهد، پدرش رادرمی‌آوردن. ما اخیراً از سوی بانک مرکزی فعلی و قبلی شکایت کرده‌ایم و قوه قضائیه رسیدگی می‌کند. وقتی یک جوان تحصیل کرده بیکار و جویای کار برای اشتغال به کار در زیر پله منزل خود یک کلیدسازی باز کند، اما کن مانع فعالیت وی می‌شود اما یک تعاونی تشکیل می‌شود و ظرف چند سال ۲۱۳ شعبه احداث می‌کند، ولی بانک مرکزی هیچ مجوزی از آنها نمی‌خواهد. مقامات بانک مرکزی می‌گویند برای جلوگیری از فعالیت این موسسات ۸۰ نامه به قصد انذار و تشریح نوشته‌اند اما آنها باید مستقیماً جلوی فعالیت این موسسات را می‌گرفتند چرا که انذار و تشریح وظیفه آنها نیست. در نهایت این اقدامات باعث شد اموال مردم و اموال عمومی تزییع شود. رقمی نزدیک به ۲۰ هزار میلیارد تومان که برای تسویه دیون این سپرده‌گذاران تخصیص داده شد دیگر باز نمی‌گردد. پس به دلیل تزییع اموال عمومی جرمی مطابق ماده ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی می‌باشد که مقامات بانک مرکزی باید در این خصوص پاسخگو باشند. این بنگاه‌ها و موسسات با پول‌های بادآورده مردم کار می‌کردند، البته به دلیل تایید شدن توسط دولت و بانک مرکزی این امکان برای آنها فراهم شده بود. بنگاه‌های معمولی امکان خلق پول ندارند اما وقتی موسسات مالی و اعتباری خلق پول می‌کردند با وظایف بانک مرکزی اصطکاک ایجاد می‌شد. در همه جای

کشورهایی که خیلی وضع بدتری نسبت به ما داشتند مبارزه کردند و توانستند موفق شوند. دلیلی ندارد ما با این ظرفیت‌های انسانی‌ای که داریم و دین مرتقی که داریم، موفق نشویم.

## آقای دکتر! شما گفته‌اید که آقای روحانی یک

تکان‌هایی خورده است و می‌توان امیدوار بود. آقای روحانی در یک نشست خبری حرف‌هایی مهمی برای مبارزه با فساد زد و دستور شفافیت داد. شما فکر می‌کنید رویه جدیدی که آقای روحانی اتخاذ کرده موثر خواهد بود؟ نظر شما در مورد نامه‌ای که خطاب به مردم منتشر کرده‌اند چیست؟

بله، حتما موثر است، برای اینکه رئیس‌جمهور مرد قدرتمند کشور است. وقتی یک موضع صحیحی می‌گیرد، روی کشور تاثیر می‌گذارد. همین نامه‌ای که اخیراً نوشته و به همکاران و نیروهای تحت امر خودش دستور واضح و محکم داده و از قوه قضائیه درخواست کرده که خارج از نوبت در مورد مفاسد رسیدگی کنند، اینها همه امیدوارکننده است.

## آقای دکتر! در این چند روزی که بحث بر سر

بحران اقتصادی بالا گرفته خیلی از اقتصاددان‌ها از جمله شما خواستار برکناری آقای سیف شده‌اند. همه بحث هم بر سر این است که می‌گویند سیاست‌های غلط بانک مرکزی در تزریق بیش از حد نقدینگی و سکه در بازار این بحران را شکل داده است. نظر شما در مورد عملکرد آقای سیف چیست؟

آقای سیف نه اهلیت دارد، نه صلاحیت دارد و نه تدبیر درستی دارد. او حتی رفتار درستی هم ندارد که بتواند اعتماد را جلب کند. آن بلایی که آقای بهمنی، آقای سیف و همکاران‌شان با موسسه پولی غیرمجاز بر سر اقتصاد آوردند، برای هفت پشت کشور بس است و بلایی که سر ارز آوردند، هم همین طور، با سوءتدبیر، ده‌ها تن طلا را در بازار ریختند و حدود ۲۵ میلیارد دلار کسری ارز درست کردند و نتیجه‌ای نگرفتند. کسی که در هفته هفت جور حرف می‌زند و تدبیر کافی ندارد، چرا باید بزرگ‌ترین نهاد اقتصادی کشور زیر نظر او باشد؟ بدانید که بانک‌ها روی شاخ اعتماد می‌چرخند. الان ایشان اعتماد جلب نمی‌کند. همه از دست او گله‌مند و ناراحت هستند. رئیس بانک مرکزی باید معتمدترین فرد برای مردم باشد. دولت اگر بنا داشت کار روانی انجام دهد حتی اگر آقای سیف اشکالی هم نداشت باید او را عوض می‌کرد. حالا که هر دو اشکال را دارد.

آقای دکتر، دقیقاً چه اتفاقی برای اقتصاد کشور رخ داده است. منظوری این است که مشخصاً اشتباهاتی که شما در مورد آقای سیف و همکاران‌تان ذکر می‌کنید چه بوده و این اشتباهات چه تاثیری بر اقتصاد کشور داشته است؟ برخی از اقتصاددانان می‌گویند آقای طیب‌نیا روش‌های درستی داشته و آقای سیف روش غلطی داشته؛ آقای روحانی در دولت دومش تیم آقای سیف را ترجیح داده است. تفاوت آقای طیب‌نیا و آقای سیف در چه بوده است؟

رئیس بانک مرکزی بانک‌ها را کنترل نمی‌کند و آنها هر کاری دل‌شان بخواهد، می‌کنند. گزارش آوردند که سال گذشته ۶۳۰ هزار میلیارد تومان تسهیلات دادیم. من پرسیدم که چه میزان از این اعتبار تمدید اعتبار قبلی است؟ می‌دانید چه کار می‌کنند؟

مثلاً فردی هزار میلیارد تومان بدهکاری دارد. به این بدهکار هزار میلیارد تومانی می‌گویند قسط خودت را بده، می‌گویند نمی‌توانم بدهم، نمی‌دهم. بعد می‌روند و با او توافق می‌کنند و می‌گویند ما ۱۲۰۰ میلیارد تومان وام





## ۶ فرمان روحانی

هماهنگی همه جانبه برای مبارزه با مفساد اقتصادی

هفته گذشته اتفاقات مهمی در پرونده مبارزه با مفساد اقتصادی و مواجعه با بحران اقتصادی رخ داد؛ مسائلی امیدوارکننده که نشان از عزم حاکمیت و دولت برای بهبود اوضاع و مبارزه با عواملی که موجب بروز بحران اقتصادی اخیر را پدید آورده اند، داشت.

مهم تر از همه فراخواندن اعضای کابینه توسط رهبر معظم انقلاب بود. هیات دولت با دعوت رهبر انقلاب به حضور ایشان رفت و رهنمودهای رهبری را برای پیشبرد امور دریافت کرد.

رهبر انقلاب در این دیدار، تیم اقتصادی دولت را میاندار و محور اصلی کار و تحرک در کشور خواندند و همه دستگاه‌ها را به هماهنگی با آن فراخواندند. ایشان شرط دیگر غلبه بر تنگناها را ارسال تصویری مقتدر از دولت برشمردند و افزودند: «تصویر دولت در چشم مردم باید تصویری توانا، کارآمد و تلاشگر باشد، زیرا نفس تلاشگری برای مردم جذاب و امیدوارکننده است.» رهبر انقلاب اسلامی همچنین صدا و سیما و دستگاه‌های تبلیغاتی را به انتقال تصویر درست از اقدامات دولت توصیه کردند و افزودند: «البته بیان انتقادهای منطقی اشکالی ندارد، ضمن اینکه بخش عمده‌ای از تصویرسازی درست از دولت وابسته به عملکرد مسئولان است، یعنی مسئولان باید به میان مردم، کارگران و صنایع بروند و از نزدیک با آنها ارتباط برقرار کنند.» «تقویت بخش خصوصی» و «ضرورت برخورد قاطع با متخلفان» دو توصیه دیگر حضرت آیت الله خامنه‌ای بود. ایشان در همین زمینه به نمونه‌هایی از تخلفات برخی دستگاه‌ها و افراد در مسائل اخیر سکه و ارز اشاره و تأکید کردند: «باید با متخلفان در هر سطحی

وزارت صنعت تخلفات از طریق دستکاری در تاریخ ثبت سفارش، تغییر در عنوان کالای مورد سفارش و تخلف در نحوه و زمان پرداخت وجه انجام شده است. در این گزارش گروه‌های اصلی درگیر در تخلفات ثبت سفارش خودرو شامل برخی کارکنان وزارت صمت، تعدادی از واردکنندگان خودرو و چند نفر از کارشناسان شرکت رایانه‌ای طرف قرارداد برای پشتیبانی از سامانه ثبت سفارش معرفی شده‌اند. اینک با تلاش مسئولان اجرایی و بر اساس بررسی مجموع گزارش‌ها می‌توان از احتمال یک فساد هماهنگ از طریق مشارکت چند نفر از کارگزاران دولتی، یک شرکت رایانه‌ای و چند شرکت واردکننده خودرو سخن گفت.»

روحانی با بیان اینکه با توجه به تعهد رئیس جمهور به اصل شفافیت و درک این ضرورت که دولت باید فسادستیزی را از خود آغاز کند، شش بند را به شرح ذیل خطاب به رئیس قوه قضائیه، معاون اول رئیس جمهور، معاون حقوقی رئیس جمهور، وزیر صن و معدن و تجارت، وزیر دادگستری، وزیر اقتصاد و دارایی مطرح کرده و چنین خواسته است:

۱- به معاون حقوقی رئیس جمهور دستور می‌دهم با تجمع و ارزیابی کلیه گزارش‌ها و تحقیقات انجام شده، ضمن اعلام جرم به مقامات قضایی، اقدام به طرح شکایت کیفری و هر اقدام حقوقی لازم دیگر برای احقاق حقوق عمومی بنمایم.

۲- به وزیر صنعت، معدن و تجارت دستور می‌دهم: طبق قانون پرونده تمامی افرادی را که در موضوع فوق مرتکب تخلفی شده‌اند بدون هیچ ملاحظه‌ای به هیات رسیدگی به تخلفات اداری ارجاع دهم.

۳- به وزیر صنعت، معدن و تجارت دستور می‌دهم: با تشکیل کارگروه ویژه‌ای با مشارکت وزرای امور اقتصادی و دارایی، اطلاعات، ارتباطات و فناوری اطلاعات و رئیس کل بانک مرکزی نسبت به اعمال اصلاحات رویه‌ای و نهایی کردن سامانه‌ای یکپارچه برای کنترل واردات و صادرات کشور از مبدأ تا مقصد و ایجاد شفافیت لازم و جلوگیری از تکرار چنین جرائمی اقدام نمایند. ۳- به وزیر دادگستری دستور می‌دهم در رسیدگی به تخلفات تعزیری افراد و شرکت‌هایی که از طریق تقلب،

که هستند برخورد شود.» رهبر انقلاب اسلامی دستور رئیس جمهور برای برخورد با تخلفات در واردات خودرو را خوب خواندند و افزودند: «البته این دستورها باید پیگیری شود تا به نتیجه مطلوب برسد.» ایشان «اشراف و اعمال قدرت دولت بر مبادلات مالی برای جلوگیری از عملیات مخرب نظیر قاچاق و پولشویی» را ضروری دانستند و با اشاره به برخی تخلفات انجام شده در استفاده از ارز دولتی گفتند: «باید با سامانه‌های مربوط و یا مقررات قانونی جلوی چنین تخلفات آشکاری گرفته شود.»

### ۶ دستور روحانی

ثبت سفارش غیرقانونی ۶۴۸۱ خودرو خارجی در نخستین روزهای سال ۱۳۹۷ رسانه‌ای شد. حالا اما در تازه‌ترین تحول حسن روحانی به این ماجرا واکنش نشان داده و در نامه‌ای تحت عنوان «گزارش به مردم» تأکید کرده است: «به دنبال دریافت گزارش‌هایی در مورد وقوع تخلف در واردات و فروش خودروهای خارجی، به وزیر صنعت، معدن و تجارت دستور دادم تا ظرف ۱۵ روز موضوع را بررسی و هرگونه تخلف را صریحاً به مردم و دستگاه قضایی اعلام نماید. در این فاصله، از وزارت اطلاعات، وزارت امور اقتصادی و دارایی و بازرسی ریاست جمهوری هم خواستم تا گزارش‌های لازم را تهیه و ارسال نمایند. بنا بر گزارش وزارت اطلاعات این تخلف از طریق ثبت سفارش‌های غیرقانونی و اخلاف در بازار موجب تشدید واردات خودرو و خروج گسترده ارز از کشور، ایجاد تقاضای کاذب و افزایش بی‌رویه قیمت، کسب سودهای نامشروع و بروز پدیده دلالی در حوزه ثبت سفارش شده و طبق گزارش

ثبت سفارش غیرقانونی ۶۴۸۱ خودرو خارجی در نخستین روزهای سال ۱۳۹۷ رسانه‌ای شد. حالاً اما در تازه‌ترین تحول حسن روحانی به این ماجرا واکنش نشان داده و در نامه‌ای تحت عنوان «گزارش به مردم» تأکید کرده است: «به دنبال دریافت گزارش‌هایی در مورد وقوع تخلف در واردات و فروش خودروهای خارجی، به وزیر صنعت، معدن و تجارت دستور دادم تا ظرف ۱۵ روز موضوع را بررسی و هرگونه تخلف را صریحاً به مردم و دستگاه قضایی اعلام نماید.»

خودروهای لوکس، تخلف صورت گرفته است.» او گفت: «یکی از بحث‌ها این است که این مسئله مورد تأیید بانک مرکزی هست یا خیر. در ارتباط با یکی از افرادی که تا روز دستگیری به گفته خودش ۳۶ مورد هر دفعه بین چهار تا هفت میلیون دلار گرفته، یکی از افراد بانک مرکزی گفته که این امر با هماهنگی ما بوده است. از این فرد دو تن سکه گرفته نشده اما از اسناد و مدارکی که به دست آمده مشخص شده این فرد و پسرش بیش از دو تن خرید و فروش کرده‌اند.» او تأکید کرد: «در این پرونده پدر بازداشت و پسر به قید وثیقه آزاد است.» در رخدادی دیگر دادستان کل کشور گفته است: «جلسه شورای پول و اعتبار بود به رئیس بانک مرکزی گفتم ظرف ۴۸ ساعت باید لیست را کامل تحویل دهید. به دادستان تهران نیز سپردیم این لیست‌ها را به درستی مورد بررسی قرار دهد.»

#### نهایت سختگیری را داشته باشید

نوبخت هم در نشست خبری خودش در پاسخ به اینکه بازداشت چند نفر از مسئولان وزارت صنعت، معدن و تجارت در چه سطح از مدیران این وزارتخانه بوده است؟ گفت: بعد از آنکه ثبت سفارش کالا به خصوص در موضوع خودرو متوقف شد در فاصله کوتاهی با حکم کردن سیستم، این اقدام غیرقانونی انجام شد. سختگیری دولت به دستور رئیس جمهوری مبنی بر رسیدگی بدون اغماض به این مسئله اشاره کرد و افزود: «در این مساله در این دستگاه دولتی چند نفر را شناسایی کردند که در حکم کردن سایت این وزارتخانه دست داشتند و باید منتظر باشیم که تحقیقات تمام شود.» نوبخت تصریح کرد: «رئیس جمهوری از قوه قضائیه خواست تا با قاطعیت وارد شود و آنچه مربوط به دولت باشد در جهت شفاف‌سازی، هر نوع اقدامی را انجام می‌دهیم. وی از قوه قضائیه خواست نهایت سختگیری را در این موضوع داشته باشد و افزود: «همچنین از این قوه می‌خواهیم در راستای ایمن‌سازی فضای کسب‌وکار همکاری لازم را انجام دهند.»



دادسرای تهران در مورد ارز، سکه و خودرو ورود کرده و بازپرس ویژه اختصاص داده و پرونده خاص تشکیل داده است

آملی لاریجانی با بیان اینکه در پرونده واردات موبایل با ارز دولتی مسلم شده است که برخی فاکتورها جعلی بوده‌اند، به وجود برخی تناقضات در موضوع تخلفات واردات خودرو اشاره کرد و ادامه داد: «در این زمینه تناقض‌های عجیبی میان اظهارات دستگاه‌های اجرایی وجود دارد. از یک طرف، وزارت صنعت مدعی است که ثبت سفارشی صورت نگرفته و از سوی دیگر گمرک می‌گوید ما بدون ثبت سفارش مجوز واردات نمی‌دهیم و همه می‌دانند که واردات خودروها صورت گرفته. این تناقض‌ها نشان می‌دهد که مشکلی در روند واردات این تعداد خودرو وجود داشته و دستگاه قضایی مشغول بررسی این موضوع است.» در تحویلی دیگر در این مورد، معاون اول رئیس قوه قضائیه گفته است: «دادسرای تهران در مورد ارز، سکه و خودرو ورود کرده و بازپرس ویژه اختصاص داده و پرونده خاص تشکیل داده است. همچنین قرار شده دادستان نظارت بیشتری داشته باشند و در این زمینه کمک کنند. از ادارات مختلف مانند وزارت دارایی، بانک مرکزی و سایر دستگاه‌هایی که در این موارد نقش دارند، خواسته شده است که هر چه سریع‌تر با موضوعات مشخص در جمع‌آوری اطلاعات کمک کنند، نیروی انتظامی هم در کنار ضابطین مشغول هستند، امیدواریم به زودی برخی پرونده‌ها برای صدور حکم به دادگاه ارسال شوند.» محسنی‌اژه‌ای درباره واردکردن ماشین‌های لوکس به صورت غیرقانونی گفت: «اولین نهاد سازمان بازرسی بود که وارد شد و در گزارش اول آن را گفت و در گزارش دوم آن را تکمیل کرد و ابتدا برخی مسئولان منکر بودند و بعد از ورود رئیس جمهوری مشخص شد و امروز دولت از ناحیه مسئولان دولتی و غیردولتی در زمینه خودروهای لوکس و خسارت‌هایی که به بار آمده به آن اذعان کرده و در گزارش دولت منتشر شد و ما منتظریم. تا این لحظه از ناحیه وزارت صنعت و سایر دستگاه‌ها چیزی به قوه منعکس نشده است. محسنی‌اژه‌ای افزود: «دولت اذعان دارد که از ناحیه برخی مسئولان دولتی و غیردولتی در زمینه واردکردن غیرقانونی



در وزارت صنعت چند نفر را شناسایی کردند که در حکم کردن سایت این وزارتخانه دست داشتند

گران‌فروشی، احتکار و اخلاف در نظام عرضه و تقاضا به منافع نامشروع دست یافته‌اند تسریع کند و نسبت به اعمال مجازات‌های مقرر اقدام نماید. ۴- به وزیر امور اقتصادی و دارایی دستور می‌دهم: از ترخیص باقیمانده خودروهای موضوع این پرونده جلوگیری کند و اطلاعات خودروهای ترخیص شده را جهت اقدامات قانونی در اختیار مراجع ذی‌ربط قرار دهد. پرونده مالیاتی افراد و شرکت‌های دخیل در این جریان را با دقت مورد بازرسی قرار دهد و مالیات و دیگر حقوق دولتی پرداخت‌نشده مربوط به فعالیت‌های اقتصادی و تجاری آنان را در اسرع وقت وصول نماید. از معاون اول رئیس جمهوری می‌خواهم برای جلوگیری از تکرار تخلفات مشابه و خشکاندن ریشه‌ها و عوامل فساد ساختاری، رسیدگی به لوایح «مدیریت تعارض منافع در خدمات عمومی» و «شفافیت» را در اولویت قرار دهد و نسبت به ارسال سریع آنها به مجلس شورای اسلامی اقدام نماید. ۶- از رئیس محترم قوه قضائیه می‌خواهم با توجه به اینکه از نظر افکار عمومی تخلف در هر دستگاهی به اعتبار کل نظام و اعتماد مردم آسیب جدی می‌رساند، ترتیبی اتخاذ نمایند تا با دقت و سرعت و خارج از نوبت به این پرونده رسیدگی شود، مجرمان و متخلفان به مجازات قانونی برسند و اموال و سودهای کلان نامشروع به بیت‌المال بازگردند.»

#### بازجویی از مدیران دولتی

بعد از این نامه حسن روحانی قوه قضائیه هم فاز جدید مبارزه با مفاسد اقتصادی را آغاز کرد. رئیس قوه قضائیه در جلسه مسئولان عالی قضایی، دستور رئیس جمهوری به دستگاه‌های اجرایی در زمینه تخلفات مربوط به واردات خودرو و درخواست او از قوه قضائیه برای برخورد با متخلفان را مثبت ارزیابی کرد و گفت: «ذکر این نکته لازم است که دستگاه قضایی از مدت‌ها قبل توسط سازمان بازرسی کل کشور به این موضوع ورود کرده بود. سازمان بازرسی ضمن اعلام جرم، این پرونده را به دادستانی ارجاع داده بود و دادستانی تهران نیز در روزهای اخیر، اقداماتی را در این زمینه صورت داده است.» او با اشاره به برخی اقدامات قضایی انجام‌شده در این زمینه افزود: «در جریان تحقیقات صورت گرفته، برخی از مدیران و مسئولان وزارت صنعت، معدن و تجارت در ارتباط با این پرونده، ممنوع‌الخروج، احضار و بازجویی شده‌اند و بررسی‌ها همچنان ادامه دارد. علاوه بر این، مدیران برخی شرکت‌های واردکننده خودرو احضار شده‌اند و پرونده آنان نیز در مرحله تحقیقات است. درخصوص شرکت‌هایی که با ارز دولتی اقدام به واردات گوشی تلفن همراه کرده‌بودند نیز برخی مدیران این شرکت‌ها احضار شده‌اند و تحقیقات ادامه دارد.» آیت‌الله



دستور رئیس جمهوری به دستگاه‌های اجرایی در زمینه تخلفات مربوط به واردات خودرو و درخواست او از قوه قضائیه برای برخورد با متخلفان مثبت است





## نباید تمدید شود

### بانک مرکزی در دوران سیف، مستقل نبود

هادی حق شناس

اقتصاددان



در روزهای اخیر با افزایش افسارگسیخته قیمت سکه و دلار و تورم در برخی کالاها اساسی، بیش از هر کسی، تیم اقتصادی دولت در سبیل انتقادهای بی‌برنامگی برای چنین روزهایی قرار گرفتند و موضوع تغییر یا استعفاي آنان مطرح شده است. بانک مرکزی یکی از نهاد های مهم اقتصادی است که مردم بیشتر چشم‌شان به آن بوده تا بتواند استراتژی دقیقی برای برون‌رفت از وضعیت بفرنج اقتصادی شکل دهد. در این باره نیاز به ارزیابی کارنامه آقای سیف، رئیس بانک مرکزی در کنار دیگر اعضای تیم اقتصادی دولت ضروری به نظر می‌رسد. آیا او می‌توانست بهتر از این به وضعیت موجود رسیدگی کند؟

آقای سیف را ما به عنوان یک حسابدار، حسابداری که در بانک کار کرده بود، می‌شناسیم و به عنوان یک بانکدار مطلوب می‌توان عملکرد سیف را عملکرد مطلوبی دانست. مضاف بر این که مادر بانک مرکزی به عنوان بانک بانک‌ها یا متولی بازار بورس، دو نکته کلیدی داریم. نکته کلیدی اول این است که بانک مرکزی بتواند نرخ تورم را کاهش دهد که نرخ تورم همان تقویت ریال یا پول ملی در درازمدت است. آقای سیف تورم نقطه به نقطه بالای ۴۵ درصد را که شهر پیور ۹۲ بود، این را تبدیل به تورم یک رقمی کرد. از این منظر طبیعتاً ما عملکرد سیف را مطلوب ارزیابی می‌کنیم اما وقتی که نگاه می‌کنیم به سایر شقوق بازار پول که البته بازار ارز را می‌توانیم بخشی از بازار پول

دارد، این است که در اقتصاد ایران سیاست‌های پولی متاثر از سیاست‌های بودجه‌ای، مالی و مالیاتی است. به عنوان مثال وقتی که دولت یا مجلس مصوب می‌کند برای نرخ تضمینی برخی از اقلام مثلاً گندم بانک یک خط اعتباری ایجاد کند، بانک مرکزی مکلف به پیروی و اجرای این است و ولی این عملکرد طبیعی است که پای بانک مرکزی نوشته می‌شود. در مجموع طبیعتاً این نکته را می‌شود گفت که در برخی از شاخص‌ها مثل نرخ تورم یا حتی اندکی در کنترل نقدینگی یا ساماندهی بازار غیرمتشکل پولی عملکرد قابل توجهی داشته اما در بازار ارز و پیش‌بینی بازار ارز و به خصوص این ارز که ۴۲۰۰ هزار تومان اعلام شد بالاخره حداقل بانک مرکزی باید به دنبال یکسان‌سازی نرخ ارز می‌رفت و این یکسان‌سازی را باید در سال ۹۳ یا ۹۴ انجام می‌داد. در اینجا به نظر می‌رسد که عملکردش مطلوب نبوده و می‌توانست مطلوب‌تر باشد، اگر یکسان‌سازی نرخ ارز را واقعی انجام می‌داد.

اینکه این موضوع پرسیده می‌شود که آیا با شرایط موجود باید منتظر استعفاي ایشان باشیم، باید گفت که دوره ایشان به پایان رسیده و به نظر می‌رسد که در دوره جدید باید منتظر شخصی جدید در این پست باشیم.

برخی مواقع دیده بودیم که همان شخص دوباره پنج سال دیگر ابقا می‌شد ولی به نظر من دیگر معقول نیست که دوره مسئولیت ایشان تمدید شود. مهم‌تر از همه این است که در بسیاری از بانک‌های اقتصادهای توسعه‌یافته و اثرگذار در اقتصاد جهان مثل اقتصاد آمریکا، رئیس بانک مرکزی از اقتصاددانان برجسته و گاهی برندگان جایزه نوبل هستند، یعنی در اقتصاد ایران که ما مدعی هستیم اقتصاد، اقتصاد مریضی است، این طبیعی است که یک اقتصاددان در رأس بانک مرکزی باشد، نه یک حسابدار، نه یک بانکدار.

اگر یک نظریه‌پرداز روی کار باشد، حتماً می‌تواند تاثیر خود را داشته باشد و با تفرکات طولانی مدت می‌تواند تاثیر بالایی در برون‌رفت از وضعیت موجود داشته باشد.

بدانیم، به دلیل اینکه تورم سنوات ۹۲ تا ۹۶ در نرخ ارز تعدیل نشد، این بخش به عنوان یک نقطه ضعف رئیس کل بانک مرکزی تلقی می‌شود اما طبیعتاً باید ببینیم که محدودیت‌های سیف یا بانک مرکزی چه بوده است. بزرگ‌ترین محدودیت بانک مرکزی این بوده که استقلال لازم را برای تصمیم‌گیری نداشته است. وقتی که استقلال کامل برای تصمیم‌گیری نداشته است، نمی‌توانیم انتظار آن تحقق هدف را هم داشته باشیم. در دنیا درجه استقلال بانک مرکزی با شاخص‌های پولی رابطه مستقیم دارد، یعنی هر قدر بانک‌های مرکزی مستقل‌تر باشند، شاخص‌های پولی هم مطلوب‌تر هستند. در ایران این قضیه را در همه ادوار گذشته، به جز در زمان مرحوم دکتر نوربخش می‌بینیم. فقط دکتر نوربخش به لحاظ شخصیت علمی و همچنین شخصیت سیاسی خودش توانست بانک مرکزی را به یک استقلال نسبی برساند که این موضوع را در این دوره ندیدیم.

اما یک عملکرد مطلوب دیگری که آقای سیف داشته، سازماندهی بازار غیرمتشکل پولی بوده که گفته می‌شود شش تا از این موسسات سهم ۲۵ درصدی در بازار پول داشتند. از ابتدای دوره تصدی آقای سیف، یکی از هدف‌ها بعد از آن هدف کاهش نرخ تورم، ساماندهی بازار غیرمتشکل پولی بود که به هر حال بخشی از آن را موفق شدند ساماندهی کنند. کسی که هزینه‌اش برای نظام پولی بسیار سنگین تمام شد، از این منظر که بازپس دهی آن سپرده‌گذاران از محل منابع بانک مرکزی شد، ولی ساماندهی شد. این دومین دستاورد را می‌توان مثبت تلقی کرد.

اما نکته بعدی که گاهی دیده نمی‌شود ولی واقعیت

می بینم، من از جایگاه موضوع بانک مرکزی صحبت می کنم. قطعاً آقای سیف در مدیریتش هزار و یک اشکال وجود دارد؛ نه الان که رئیس بانک مرکزی است، شما می توانید به تاریخچه مدیریتی آقای سیف در سیستم بانکی ما مراجعه کنید و ببینید هیچ گاه کارنامه قابل قبولی پر و پیمانی از خودش ارائه نداده است.

اما من می گویم اگر شما الان بروید بزرگ ترین و مدیرترین شخص را از هر جای دنیا بردارید و بیاورید بنشانید در بانک مرکزی ما، از داخلش یک چیزی بهتر از سیف و بهمنی و امثالهم درمی آید، برای اینکه بانک مرکزی معلوم نیست در مملکت ما چه کاره است. بانک مرکزی یک زانده ای است از سیاست گذاری های اقتصادی دولت. بانک مرکزی حافظ پول و سیاست های پولی و سیاست گذاری پولی - مالی کشور نیست، برای اینکه سیاست کلان اقتصاد را کسانی دیگر می نویسند و بانک مرکزی هم مجری گری می کند. حالا یک نفر در این اجرا قوی تر است، یکی یک مقدار ضعیف تر است و کسی یک مقدار قوی تر است. موضوع بانک مرکزی ما و تکلیفش در جایگاهش در اقتصاد ما موضوعی است که باید به آن پرداخت، نه اشخاص.

در حال حاضر بسیار گفته می شود که آقای سیف به خاطر شرایط موجود پیش آمده، باید استعفا دهد و کنار برود. آقای سیف حدود یک ماه دیگر از ماموریتش در بانک مرکزی باقی مانده و من نمی دانم این دعوا سر چیست.

این بستگی دارد به آقای رئیس جمهور که می خواهد با آقای سیف ادامه دهد یا با شخص دیگری. اما من روی این پافشاری می کنم که باید روی این جایگاه مطالعه و بحث شود و تنها بحث روی افراد کارساز نیست. کما این که در اخبار آمده بود که آقای طیب نیا یکی از کاندیداهای این پست است و آقای طیب نیا پذیرفتند. اما سخن اصلی این است که علی رغم این همه انتقاد که می شود، نه الان، در زمان آقای بهمنی هم بارها گفته بودم، اینکه یک نفر آدم ضعیفی است، یا یک نفر کمی قوی تر است، یک بحث است ولی اصولاً جایگاه بانک مرکزی در اقتصاد ما معلوم نیست به چه شکل است و این فرد دقیقاً چه کاره است.

سوال این است که آیا این فرد با این شرایط مهم نمی تواند مقابل گسترش اختلاس و فساد بایستد و این تشکیلات هیچ روندی را نمی تواند پیش ببرد؟ شما در یک جایی نشستید باید به نام شورای پول و اقتصاد، شورای عالی اقتصاد یا در اینجا تصمیم می گیرید سود بانک چقدر باشد.

پس بانک مرکزی که یکی از ابزارهایش، تعیین سود بانکی است، هیچ جایگاهی ندارد یا یک رأی دارد مثل بقیه رأی هایی که بقیه هم دارند. یا راجع به نرخ ارز تصمیم گرفته می شود که ۴۲۰۰ تومان برای مثال اعلام شود. شما از تک تک کارشناسان بانک مرکزی پرسید؛ اصلاً در جریان نبودند، یعنی من از خیلی هایشان در سطوح بالای مدیریتی پرسیدم، می گویند ما هم از تلویزیون حرف آقای جهانگیری را شنیدیم. یعنی تصمیمات جاهای دیگر گرفته می شود.

من اینهایی را که می گویم، متأسف هستم و اصلاً علاقه مند نیستم از آقای سیف دفاع کنم، ولی می خواهم به شما بگویم اینکه می گویند بانک مرکزی چرا ارز داد با آن موبایل آوردند، موز آوردند... مگر بانک مرکزی ارز تخصیص می دهد؟ وزارت صنعت، معدن و تجارت تأیید می کند، می فرستد به آنجا و می گویند به اینها ارز بوده و اینها هم می دهند. از این رو موضوع پیچیدگی های خاص خود را دارد که در شرایط موجود به آن توجه نمی شود و فضا به سمتی می رود که نگرانی های بسیاری را ایجاد می کند.

اقتصادی آن دولت نبوده است؛ حداکثر می تواند مجری باشد که سیاست های دولت را با اندکی اعمال سلیقه به اجرا بگذارد. اگر منصفانه بخواهیم پرونده آقای سیف را نگاه کنیم، نشان می دهد که در دولت یازدهم به هر حال اختلاف دیدگاه هایی بین جریانی که آقای سیف که یکی از آن جریان است و جریانی که آقای طیب نیا در آن زمان هدایت می کرد، وجود داشت.

رفتار اقتصادی که مبتنی بر پایین آوردن نرخ تورم و مفاهیم این چنینی بود، بین این دو جریان در آن دولت همیشه بحث و جدل بود و نمی توانیم بگوییم آقای سیف تأثیرگذار بوده یا نبوده است، ولی من تنها نقطه مثبتی را که می توانم برای آقای سیف یک پوئن حساب کنم، این است که بالاخره یک دملی را که سالیان سال بر سیستم پولی بانکی ما سایه انداخته بود، یک دمل چرکینی به نام صندوق های قرض الحسنه را توانست به هر حال موضوعش را تا حدودی جمع و جور کند. باید به این دلیل به او نمره مثبت بدهیم، ولی اینکه بانک مرکزی به دلار فروشی، به سکه فروشی و به این کارها مشغول شد، اگر این سیاست مربوط به آقای سیف بوده است، اصلاً کار درستی نیست.

اگر آقای سیف اجرا کرده علی رغم اینکه قبول نداشته، باز مدیر این چنینی به نظر من نمی تواند خیلی مدیر موفقی ارزیابی شود که در خدمت جریانی قرار بگیرد که اندیشه های سیاسی شان را نمی پذیرد، اما آن روال را انجام دهد. نقاط ضعف و قوت اقتصادی دولت آقای روحانی را به نظر من نباید به گردن یک آدم به نام سیف یا یک آدم به نام آقای طیب نیا یا یک آدم این روزها به نام آقای کرباسیان انداخت. یک مجموعه ای در دولت تصمیم گیری اقتصادی می کنند که متأسفانه تعدادشان هم زیاد است؛ بیشتر از آن اندازه نیاز است و تنوع دیدگاه هایشان هم بیشتر از آن چیزی است که دولت باید داشته باشد.

من اشکال نمی بینم که یک دولت تنوع دیدگاه داشته باشد، یعنی اقتصاددان لیبرال معتقد به روابط بازاری مثل آقای نیلی را ما در یک سمت دولت داریم و اقتصاددانان معروف به نهادگرایی مثل آقای نوبخت را هم در یک دولت داریم. به نظر من اما این برآیندش چیز خوبی نمی شود.

خوب است که در دولت صداهای مختلف اقتصادی شنیده شود، ولی باید دولت از خودش یک نظریه اقتصادی داشته باشد، یعنی معتقد باشد به یک روش هایی در اقتصاد و با آن الگوها و روش ها کارش را پیش ببرد. آن چیزی که در دولت جایش خالی است، یک نظریه و یک دکترین اقتصادی ثابت و غالب است.

اگر بخواهیم به طور دقیق روی این موضوع فکر کنیم که آیا باید رئیس بانک مرکزی ایران یک نظریه پرداز باشد، باید بگوییم که ما نباید دچار توهم یا زیاده خواهی شویم.

باید پرسید که ما راجع به کدام بانک مرکزی صحبت می کنیم؟ اگر راجع به بانک مرکزی آمریکا صحبت می کنیم، یک حرفی است، چون آنجا یک روش اقتصادی مشخص و همان طور که گفتم یک نظریه وجود دارد، جایگاه بانک مرکزی در آن معلوم است یا اگر راجع به اقتصادهای آزاد صحبت کنیم، جایگاه بانک مرکزی یک جایگاه مستقل از دولت است، ولی در مملکت ما رئیس بانک مرکزی مگر می تواند نظر مغایری با نظر دولت داشته باشد و در سیاست گذاری اعمال کند؟ باید گفت که در بانک مرکزی ما استقلالی وجود ندارد.

این خیلی بد است که ما همیشه می خواهیم روسای بانک مرکزی را محکوم کنیم، ضمن اینکه آنچه می گویم به مفهوم این نیست که من آقای سیف را مدیر توانمندی



## مشکل نظریه

عملکرد سیف در مدیریت صندوق های قرض الحسنه خوب بود

مجید رضا حریری

اقتصاددان



در حال حاضر پرسش بسیاری از مردم و رسانه ها این است که اعضای تیم اقتصادی دولت چرا نتوانسته اند برنامه مشخصی برای برون رفت از وضعیت بفرنج اقتصادی موجود داشته باشند و چرا این افراد برای مثال رئیس بانک مرکزی برنامه و استراتژی ندارند؟

باید ابتدا پرسید آیا دولت دارای یک خط مشی اقتصادی همگون است، یعنی از یک سیاست اقتصادی یکدست بهره می برد و بر مبنای آن حرکت می کند و اگر مشخص شد که چنین است، آن وقت بیاییم و ببینیم که مهره چینی اش درست است یا نه. آن چیزی که از عملکرد دولت یازدهم و یک سال و چند ماه دولت دوازدهم که گذشته است، می بینیم، این است که من لااقل یک خط مشی مشخص، یک دکترین و یک نظریه اقتصادی مشخص را در دولت نمی بینم. یک مقدارش بنا به ماهیت آن آدم هایی است که در مواضع اقتصادی در دولت جمع شده اند، یک بخش آن به خاطر تغییر شرایط متوالی است که در فضای اقتصاد ما در ارتباط با داخل و خارج کشور، یعنی تأثیرات سیاسی که داخل یا خارج از کشور روی تصمیم گیری ها و سیاست گذاری های اقتصادی دولت می گذارد.

اینها هرکدام یک جنبه ای است که باید مجزا دید. اولاً در مملکت ما هیچ گاه رئیس بانک مرکزی نظریه پرداز



## ضعف سیاست‌گذاری

نیاز به انگیزه جدید داریم

ابوالفضل صدقاتی فرد

پژوهشگر اقتصادسیاسی

با گذشت حدود چهار ماه از سال و تداوم تنش در بازار ارز که تبعات تورمی و رکودی آن به تدریج در حال آشکار شدن است، تصور می‌رفت که دولت در کنار تصمیماتی که گرفته یا باید بگیرد، اقداماتی برای تغییر در کابینه انجام دهد. تردیدی نیست در شرایطی که اقتصاد یک کشور با وضعیت حاد و چالش برانگیز در بخش‌هایی حساس نظیر بازار ارز مواجه می‌شود و در شرایطی که فشارهای تحریمی آمریکا مجدداً اقتصاد کشور را تحت فشار قرار داده است، اعتماد آفرینی برای مردم و فعالان اقتصادی، ضروری‌ترین اقدام برای برون‌رفت از این چالش است. یکی از مهم‌ترین اقدامات اعتمادبخش، تغییر در بخش‌هایی از دولت است که عملکرد ضعیفی از خود به جا گذاشته‌اند و به وعده‌هایشان عمل نکرده‌اند یا حداقل تصور عموم مردم و کارشناسان این است که فرد یا افرادی در کابینه ضعیف عمل کرده‌اند. به‌ویژه در شرایطی که مقامات دولتی خود وعده‌های صریح و ضمنی برای تغییر در کابینه مطرح کرده باشند. در این گزارش ضمن اشاره به ضرورت تغییر در کابینه، عملکرد برخی مردان اقتصادی کابینه بررسی شده است؛ افرادی که عملکرد آنها با بازار ارز و التهابات اقتصادی اخیر ارتباط بیشتری دارد تا مشخص نشود کدام‌یک از دولت‌مردان باید تعویض شوند و جای خود را به فردی کارآمدتر دهند.

شریعتمداری در حالی یا جای پای نعمت‌زاده گذاشت که سوابق وی در دوره‌های گذشته دولت و نیز حضور روی نیمکت دولت یازدهم در کسوت معاون رئیس‌جمهوری، بیش از هر چیز این نوید را می‌داد که یک وزیر جامع‌الشرایط برای وزارتخانه عریض و طویل و بعضاً متضاد صنعت، معدن و تجارت روی کار بیاید. به خصوص آنکه به نظر می‌رسید مجموع شرایط پولی و بازرگانی کشور، فشار ناخواسته‌ای را به بخش تولید در سال‌های قبل وارد و عملاً رکود را بر این بخش تحمیل کرده‌اند، از این رو تسلط شریعتمداری بر بازرگانی خارجی کشور، می‌تواند راه‌نفسی برای برون‌گرایی تولید و تجارت کشور فراهم کند. با این وجود، هم‌اینک و با محک خوردن بنیه تجاری کشور از بعد تحریم‌ها، به نظر می‌رسد، مدیریت در این بخش نیز نتوانسته است در تناظر با شرایط ویژه اقتصادی،

نمره قابل قبولی کسب کند. نمونه این موضوع، تجربه واردات کالا با نرخ ۴۲۰۰ تومانی است که در سطح کلان نشان داد تنظیم بازارهای داخلی به شکلی کارا که بتواند متضمن بهینه‌اهداف پولی، ارزی، تولید و تجارت باشد، صورت نگرفته است. زیر پای او این قدرها محکم نیست. او نسبت به نعمت‌زاده جوان‌تر اما خیلی منفعل‌تر است. نسبت شریعتمداری و کنش‌های سیاسی یا اقدامات مدیریتی‌اش با وضعیت اقتصادی کشور همچون فردی است که در هنگاماز حوادث عقب مانده باشد. شریعتمداری از چند زاویه مورد نقد است؛ از یک سو مدیریت انفعالی و واکنش‌ها و اقدامات دیر هنگام و از سوی دیگر عملکرد نزدیکانش.

از این رو می‌شد وزارت صنعت با محاسبه دقیق‌تر نیازهای وارداتی، مانع «بار عام برای واردات هر نوع کالایی به کشور» شود. از سوی دیگر اتفاقات صورت گرفته نشان داد که بازرگانی داخلی در حوزه‌های قیمت‌گذاری و نظام نظارتی بر بازار، کماکان، بر سبک و سیاق سنت‌های دیرینه خود که در آن، از سازوکار نظارتی کف بازاری خبری نیست و نهاد‌های حامی حقوق مصرف‌کنندگان حضور جدی و تعریف شده‌ای ندارند، دایر است. سیاست‌های ناگهانی وزارت صنعت در باره واردات خودرو و رانت جویی‌های صورت گرفته در یک سال گذشته نیز از جمله موضوعاتی است که ضعف سیاست‌گذاری منسجم در وزارت صنعت، معدن و تجارت به رهبری شریعتمداری را نشان می‌دهد. شریعتمداری به تجارت اتاق بازرگانی قول داده بود که از آزادشدن نرخ ارز دفاع می‌کند اما حالا در بحبوحه نوسانات ارزی ساکت است. منتقدان او اما ساکت نیستند. ماجرای واردات خودرو در زمان بسته‌بودن سایت ثبت سفارش هم موضوعی نیست که بتوان در برابر آن سکوت کرد. همین است که گمان می‌رود او هم رفتنی شود، اگر اراده‌ای برای ترمیم تیم اقتصادی دولت شکل بگیرد.

عملکرد محمد شریعتمداری، وزیر صنعت و معدن در طول چند ماه گذشته بارها مورد سوال قرار گرفته شده است. در مجموع باید گفت ما حاصل فعالیت وزارت صنعت به‌رغم تلاش‌های صورت گرفته، به گونه‌ای نبوده است که بتواند این وزارتخانه را آماده مواجهه با شرایط تحریمی پیش‌رو کند. به نظر می‌رسد تزریق تفکر و انگیزه جدید در این حوزه می‌تواند به تبدیل وضع موجود به سوی کارآمدی بیشتر کمک کند.

شریعتمداری از چند زاویه مورد نقد است؛ از یک سو مدیریت انفعالی و واکنش‌ها و اقدامات دیر هنگام و از سوی دیگر عملکرد نزدیکانش. از این رو می‌شد وزارت صنعت با محاسبه دقیق‌تر نیازهای وارداتی، مانع «بار عام برای واردات هر نوع کالایی به کشور» شود. از سوی دیگر اتفاقات صورت گرفته نشان داد که بازرگانی داخلی در حوزه‌های قیمت‌گذاری و نظام نظارتی بر بازار، کماکان، بر سبک و سیاق سنت‌های دیرینه خود که در آن، از سازوکار نظارتی کف بازاری خبری نیست و نهاد‌های حامی حقوق مصرف‌کنندگان حضور جدی و تعریف شده‌ای ندارند، دایر است



# بازرگانی به جای تولید

## وزارت صنعت شریعتمداری چه ویژگی‌هایی دارد؟

ایرج ندیمی

اقتصاددان

در قضاوت نسبت به اشخاص حقوقی، باید به این عناوین دقت داشت: ۱- شخصیت فردی ۲- شخصیت تیمی ۳- شخصیت برنامه‌ای ۴- انتظارات ۵- منابع، امکانات، اختیارات و وظایف ۶- اتفاقات. به تعبیر دیگر نمی‌توانیم فردی را مورد قضاوت قرار دهیم، بدون آنکه بدانیم رزومه شغلی اش چه بوده؛ سوابق اجرایی و مدیریتی قبلی اش چه بوده یا دارای چه همکاری است. یا بر اساس انتظارات چه حد می‌توان از وی انتظار داشت. انتظاراتی که در حوزه تولید، صنعت و تجارت وجود دارد یا در موضوع جانشینی وی دارای چه وضعیتی است؛ به این منظور که او جانشین وزیر پیشین است و از این جهت دارای چه برجستگی‌ها و ویژگی‌هایی است. همچنین در حوزه اختیارات و وظایف، منابع و اعتبارات باید معلوم باشد که او از چه میزان اختیارات و چه وظایفی برخوردار است. منظور از اتفاقات هم این است که چه حوادثی روی شرایط تأثیرگذار است. مثل روی کارآمدن ترامپ، یا کاهش منابع درآمدی ارزی، یا محدودیت‌های انتقالی پول و مانند آن از جمله این محدودیت‌هاست. بنابراین قضاوت بدون در نظر گرفتن شاخص‌هایی از این دست، ممنوع است چرا که قضاوت بدون علم نمی‌شود و باید اطلاعات در اختیار داشته باشیم. در رابطه با وزارت صنعت، معدن و تجارت، این نکته حائز اهمیت است که وزارتخانه پیشین برنامه‌هایش حول محور تولید بود. چرا که آقای نعمت‌زاده با پیشینه تولید و صنعت وارد این وزارتخانه شده بود اما آقای شریعتمداری با پیشینه تجارت وارد شد. سوابق ایشان بیشتر در حوزه بازرگانی است. بنابراین اکثر گزینه‌ها و نیروهای ایشان همان افراد وزارت بازرگانی هستند. تیمی هم که ایشان را اکنون همراهی می‌کنند، در واقع همان معاونین و مدیران کل ایشان هستند که در سطوح مختلف استانی و ملی جانشینی شده‌اند؛ از این رو حوزه فعالیت ایشان را باید متفاوت با حوزه فعالیت وزرای پیشین بدانیم. انتظارات هم طبیعتاً بیشتر بود. چرا که هم دولت جدید بود و هم قول‌ها و وعده‌ها جدید بودند. طبیعی است که مردم انتظار داشته باشند در دور دوم به دلیل سپری کردن چهار سال، دولت اشراف بیشتری بر مسائل دارد و کاملاً مسلط بر اوضاع شده‌اند و باید وضعیت اقتصادی بهتر از گذشته مدیریت

شود. اما واقعیت اقتصادی، خلاف این موضوع را نشان می‌دهد. حوزه‌ای که آقای شریعتمداری باید تلاش بیشتری در آن از خود نشان می‌دادند با موانع بیشتری هم روبه‌رو شد. در حوزه تجاری هم فشار اجتماعی و هم فشار رسانه و هم مسائل بین‌المللی نظیر افزایش تحریم‌ها و کاهش محتمل درآمدهای ارزی؛ واقعا کار را بادشواری بیشتری روبه‌رو ساخته است. در مجموع شرایط به گونه‌ای پیش رفته است که نمی‌توان مشکلات در حوزه اقتصاد را نادیده گرفت و نمی‌توان آن را کتمان کرد. به عبارت دیگر انتظار این بود که صنعت جور بیشتری بکشد و بیکاری کمتر شود یا فرصتی ایجاد شود تا اقتصاد از رکود خارج شود. در ارتباط با مسائل برون مرزی فرض بر این بود که برجام کارایی بیشتری داشته باشد اما باز هم این اتفاق نیفتاد. برجام تنها توانست کارایی محدودی در برون رفت ایران از تحریم‌های پیشین را برطرف کند و البته ارتباطات تازه‌تری را با اروپا در نسبت به دوران تحریم، پایه‌ریزی نماید. در حوزه رکود صنعت، موانعی جدید مطرح شد؛ علی‌رغم تجربه‌هایی که در ارتباط با پرداخت و حمایت‌های ریالی شده بود، موانع جدیدتری را مانند کاهش ارزش پول شاهد هستیم که این موضوع باعث شد تا ثروت مردم ناخواسته تقلیل چشمگیری پیدا کند.

به همین ترتیب، قدرت خرید مردم تحت تأثیر قرار گرفت و در نتیجه تجار و مردم معترض هستند؛ تجار اعتراض به مشکلات بیرونی دارند و مردم اعتراض‌شان این است که گرانی‌ها متناسب با افزایش درآمدهایشان نیست. چرا که انتظار بر آن بود تا افزایش درآمدها بر اساس رشد تورم تعیین شود. با چنین تصویری قضاوت کردن در مورد کابینه و تیم اقتصادی دولت، شاهد دشواری‌هایی هستیم که بخشی از آن درون‌سازمانی و بخشی دیگر برون‌سازمانی است و همچنین مشکلات دیگری نظیر تهدید برخی از مدیران به بازنشستگی یا افرادی که در برخی از مجموعه‌ها جانشین مدیران پیشین شدند که دارای رویکردهای جدیدی بودند شرایط کتونی را حاصل آورده است. بنابراین با توجه به شناختی که از دولت و تیم همراه آقای شریعتمداری و همچنین حوزه صنعت، معدن و تجارت بر اساس مسئولیت‌های متفاوتی که داشته‌ام، دارم باید بپذیریم که انتظاری که مردم داشتند یا به عبارت دیگر انتظاری که دولت ایجاد کرد یا انتظاری که خود وزیر محترم در جلسه‌ای اعتماد خود ایجاد کرد، بادشواری‌ها و موانع قابل اعتنا و متکثری روبه‌رو شده است.

۹۹

برجام تنها توانست کارایی محدودی در برون رفت ایران از تحریم‌های پیشین را برطرف کند و البته ارتباطات تازه‌تری را با اروپا در نسبت به دوران تحریم، پایه‌ریزی نماید. در حوزه رکود صنعت، موانعی جدید مطرح شد؛ علی‌رغم تجربه‌هایی که در ارتباط با پرداخت و حمایت‌های ریالی شده بود، موانع جدیدتری را مانند کاهش ارزش پول شاهد هستیم که این موضوع باعث شد تا ثروت مردم ناخواسته تقلیل چشمگیری پیدا کند.

۹۹



## گره عجیب

چرا نظریه پرداز اقتصادی  
ظهور نمی کند؟

محمد قلی یوسفی

اقتصاددان



اگر از من پرسیده شود که چه نظری درباره عملکرد وزیر اقتصاد دارم باید قبل از هر چیزی بگویم که متأسفانه نه این دولت و نه دولت های پیشین، هیچ کدام یک استراتژی بلندمدت برای توسعه نداشتند. من بزرگ ترین مشکل را علاوه بر اینکه قدرت های موازی وجود دارند، ضعف بنیه کارشناسی تیم اقتصادی دولت به خصوص در این دولت می بینم. تیم اقتصادی متشکل از یک سری افراد شعبده باز است، می نشینند و حرف می زنند، ولی عملکرد اقتصادی چیز دیگری است و آنها چیز دیگری را نشان می دهند. در زمانی که اقتصاد به بحران رسید، آنها از شوک فای اقتصاد سخن گفته و می گویند اقتصاد رشد کرده است، تورم را کنترل کردیم و همه مشکلات را برطرف کردیم. ولی الان می بینیم که بحران اقتصاد مادر حال عمیق شدن است و می تواند منجر به ناامنی اجتماعی - سیاسی شود. همین بحرانی که ما الان با آن روبرو هستیم، الان نرخ دلار به بالای ۸ تومان و نزدیک ۱۰ تومان هم رسیده، چطور ممکن است تیم اقتصادی دولت ادعا کند که رشد چشمگیری در اقتصاد داشتند، تورم را کنترل کردند و توانستند به فعالان اقتصادی دستور دهند که هر طور که بخواهند، اقتصاد را بچرخانند. عملاً می بینیم که با کوچک ترین تحرکی اقتصاد ما از هم می پاشد، پس این نشان می دهد که در آن سهمیم نبوده است و باید پرسید این رشد های چشمگیری که تیم اقتصادی به مردم وعده می دادند کجا رفته است؟ متأسفانه به قدری دولت های مختلف، سیاست های متناقض و غلطی را در کشور پیاده کردند که یک کلاف سردرگمی را در اقتصاد ایجاد کردند که اصلاح آن هم تقریباً غیرممکن است و مشکلات اقتصادی به گونه ای با مشکلات اجتماعی - سیاسی در هم تنیده شده که جدا کردن آنها از هم کار بسیار دشواری است. به نظر من بخش عمده اش برمی گردد به نداشتن یک استراتژی بلندمدت توسعه، عدم تشخیص بین دوست و دشمن و عدم تعامل سازنده با دنیا و اینکه ما همه چیز را تنگ نظرانه و کوتاه بینانه می دیدیم و فکر می کردیم باید به صورت منسجم مسائل را حل کنیم. شما ببینید هیچ دولتی نیامده صنعت و کشاورزی را مورد حمایت قرار دهد، فساد را کنترل کند، قانون را شفاف و قدرت های موازی را حذف کند. تمام دستگاه ها و نهادها متأسفانه به جای اینکه

ببایند فضایی را برای عملکرد اقتصادی مهیا کنند، همه سعی کردند فضا را گل آلود کنند تا از این فضای گل آلود ماهی بگیرند. شما فساد های گسترده ای را که می بینید؛ خواه در سیستم بانکی، خواه نهادهای پولی غیر بانکی و سیاست هایی که نتیجه بخش نبوده؛ همه اینها نشان می دهد که متأسفانه اوضاع بد است و تیم اقتصادی خیلی بد عمل کرده است.

برخی می گویند چرا فلان فرد را برای وزارت اقتصاد انتخاب نکرده اند. در واقع مساله این است که چرا یک نظریه پرداز اقتصادی ظهور نمی کند؟ کسی که استراتژی



داشته باشد، کسی فکر داشته باشد. معمولاً آدم های اجرا کننده بیشتر می آیند و کار را به دست می گیرند. آیا سیستم ما به شکلی است که اجازه نمی دهد کسی که فکر دارد و نظریه پرداز است، بتواند کار را در دست بگیرد؟ بحث بر سر این است که متأسفانه آن افرادی که الان شما می بینید خودشان جزو تیم اقتصادی دولت هستند، اینها از صافی های مختلفی عبور کرده اند و به بهترین شکل اینها دارند نیازهای دولتمردان را تامین می کنند. مساله ای که ما داریم، این است که کاری که آنها انجام می دهند، برای دولتمردان خیلی خوب است، اما برای مردم هم خیلی خوب است؟ کلمه شعبده باز یعنی چه؟ یعنی شما بتوانید هر طوری که دولتمردان می خواهند، کارها و سیاست هایشان را بر اساس نیاز خاص آنها توجیه کنید. متأسفانه چند مساله وجود دارد؛ یکی اینکه کسی به فکر این نبوده که شایسته سالاری در کشور مورد توجه قرار بگیرد، افراد توانمند بتوانند بیایند و کار کنند و معمولاً هم هر دولتی سعی می کند از جناح خودش افرادی را بیاورد که بتواند به خواسته هایش برسد.

مساله در اینجا این نیست که برای کدام جناح ها آمده اند کرسی گرفته اند و یک نهادی را اشغال کرده اند، مساله این است که اینها باید نسبت به سیاست هایی که دنبال کردند، پاسخگو باشند. وقتی که تیم اقتصادی دولت می آید و نرخ ارز را نرخ سود بانکی را تغییر می دهد، اینها باید بیایند و به دولت توضیح دهند که چرا این کار را کرده اند. این همه پول کشور صرف مشاورین مختلف می شود، چرا مشکلات ما باید همچنان پابرجا باشد؟ پس اینها چه کاره اند و چه کار کرده اند؟ چرا دولتمردان نتوانسته اند به خواست ملت جواب دهند و چرا کشور فرصت های زیادی را از دست داده است؟ اگر ناتوان هستند، اعلام کنند ما ناتوان هستیم، اگر مشکل جای دیگری است، اعلام کنند مشکل کجاست و گرنه اینکه ما هم وزیر داشته باشیم، هم دولت داشته باشیم، هم رئیس جمهور داشته باشیم، هم دستگاه های مختلف امنیتی و اطلاعاتی داشته باشیم، هم کارشناسان مختلف داشته باشیم و بعد کشورمان در آستانه بحران اقتصادی قرار بگیرد، این عجیب به نظر می رسد. چرا باید این اتفاق بیفتد، چرا باید مسئولان واقعاً نیایند کاری کنند که ملت به خواسته هایشان برسند؟ چرا منابع ملت در

جایی هزینه می شود که آنها اطلاعی ندارند؟ و بعد هم متأسفانه دخالت های بیجای ائمه جماعات و افرادی که به نوعی صاحب قدرت و نفوذ هستند، باعث می شود که سیاست های اقتصادی نتواند به درستی اجرا شود. بحث ما این نیست که چرا هر دولتی می آید هم حزبی های خودش را می آورد بالا، مساله این است که اینها باید به مردم پاسخگو باشند. چرا پاسخگو نیستند و چرا سیاست های غلطی را که دنبال کردند، نمی آیند به مردم توضیح دهند؟ الان با توجه به این شرایطی که همه اعتقاد دارند شرایط بغرنجی است، باید پرسید تغییرات ضروری است و آیا تغییرات می تواند شوکی برای اصلاحات شکل دهد؟ در کشوری که قانون حاکم نباشد، افرادی می توانند نقش ایفا کنند اما مساله این است که چه کسی و چه افرادی را شما تغییر دهید و چگونه بخواهید تغییر دهید و چه سیاست هایی را دنبال کنید؟ آیا با تغییر افراد، باز هم آنها همان سیاستی را که الان دنبال شده را می خواهند دنبال کنند یا نه، می خواهند آن قدر قدرت داشته باشند که سیاست جدیدی را دنبال کنند؟ اگر افراد عوض شوند، ولی همین سیاست ها بخواهد دنبال شود، نتیجه نمی دهد. ما نیاز به تغییرات اساسی و بنیادین داریم. خیلی از دستگاه ها و نهادهای موازی داریم که باید حذف شوند. خیلی دستگاه هایی هستند که اینها همه توقفگاه هستند. توقفگاه، یعنی هر جایی که شما نیاز به یک امضا داری، یک توقفگاه به حساب می آید. هر توقفگاه هم یک مرکز فساد است. ما باید نهادها و ارگان های موازی را حذف کنیم و کارها را به مردم واگذار کنیم. دستگاه های عریض و طویلی که الان وجود دارند، هدف شان شایسته سالاری نیست، بلکه هدف اینها فقط و فقط گزینش افراد ناصالح است.

اگر چنین باشد، باید فکر کرد که چرا ما این همه دستگاه های گزینشی داریم که اینها افرادی را تایید می کنند؛ مثل آقای خاوری که رفته خارج و سرمایه کشور را خارج کرده است؛ این همه فساد که در کشور وجود دارد، این همه ندانم کاری هایی که وجود دارد، این سیاست های غلطی که منجر به فقر و بیکاری و ناامنی و فساد گسترده در داخل کشور شده، نابرابری ها را گسترش داده، چه کسانی اینها را پیاده کردند؟ چرا ما نباید به معنای واقعی ببینیم یک کار را در سیاست های اقتصادی بازنگری

# تامین دارایی به جای سیاست گذاری

## کرباسیان می تواند وزارت اقتصاد را متحول کند؟

سید علی حسینی

فعال اقتصادی

من در ابتدا از طرفداران حضور کرباسیان در وزارت اقتصاد بودم. مجموعه کارهای وزارت اقتصاد در چهار، پنج سازمان متمرکز است که مدیریت گمرک، مدیریت سازمان خصوصی سازی، سازمان امور مالیاتی و سرمایه گذاری خارجی است که باید گفت کار آن بیشتر مدیریتی است تا سیاست گذاری در ایران. همچنین بیمه ها و سازمان بورس زیر نظر آن است. سیاست گذاری برای اقتصاد را، بالاخره یا سیاست های کلی نظام تعیین می کند یا در بودجه های سالانه، مجلس تعیین می کند یا سازمان برنامه و شورای پول و اعتبار هستند که سیاست گذاری می کنند تا خود وزارت اقتصاد، ولی از اینکه کسی با سابقه روشن مدیریتی و قاطعیت مدیریتی بیاید و وزارت اقتصاد را اداره کند، خیلی حمایت می کردم. نظرم این بود که ایشان عملکرد بسیار خوبی در گمرک داشته و می تواند اصلاحاتی را در سازمان های دیگر و خصوصی سازی، سرمایه گذاری خارجی، بیمه ها، نظام بورس و اینها ایجاد کند؛ می تواند حتما مدیریت های بهتری را اعمال کند ولی به هر دلیل آقای کرباسیان از این نقطه قوت خود استفاده نکرد؛ یا مذبورانی داشت یا ترجیح نداد که تغییراتی در مدیریت های سازمان های زیرمجموعه ایجاد کند. به همین خاطر نمودی پیدا نکرد که ایشان بالاخره در وزارت اقتصاد چه کار خاصی را انجام داده است. در حال حاضر مخصوصا پس از شکل گیری مشکلات موجود در اقتصاد، مقایسه های زیادی بین ایشان و وزیر سابق برای مثال با آقای طیب نیا انجام می شود که باید پرسید آیا چنین مقایسه هایی موضوعیت دارد؟ به نظر من وزرای اقتصاد در ایران سیاست گذار نبودند، یعنی بیشتر سازمان هایی بودند که برای دولت درآمدزایی می کنند. در مالیات، گمرک، سازمان های دیگر و خصوصی سازی، بیشتر نگاه به این بوده که سرمایه گذار خارجی بتواند بیاید و سرمایه گذار خارجی جذب کند. به نظر من وزارت اقتصاد بیشتر به منظور تامین دارایی برای دولت بوده تا سرمایه گذاری. من اعتقاد دارم در این زمینه نمی شود به کرباسیان خیلی ایراد گرفت. وزارت اقتصاد نه در شورای اقتصاد نقش غالبی داشته است و نه در شورای پول اعتبار و نه در سایر تصمیم گیری ها و نه در بودجه کشور نقش پررنگی داشته است.

ولی با همه این تفاسیر سوال این است که پس در این شرایط بفرغ اقتصادی آقای کرباسیان چه کاری می تواند بکند؟ آیا از طرف وزارت اقتصاد می شود روند برنامه ای برای این وضعیت شکل داد؟ از آقای کرباسیان انتظار می رفت روی بورس نظارت بیشتری کند و مخصوصا بعضا گرایش هایی که بورس به شرکت های بزرگ دارد و بیشتر تامین کننده منافع آنهاست. خوب، خیلی انتظار می رفت که آقای کرباسیان بیشتر ورود کند. در بحث بانک ها، مخصوصا بانک هایی که الان بیشتر سرمایه های اولیه شان زیان ده هستند خوب قطعاً باید سهامداران اصلی و بزرگ بانک ها خلع می شدند و بانک ها به سهامداران بزرگشان واگذار می شد. این موسسات اعتباری بانک ها وقتی صاحبان اصلی بانک ها، سرمایه گذاران اولیه زبان بانک پیش از سرمایه بانک هاست، به چه دلیلی دوباره بانک ها را این ها اداره و دوباره بحران را مدام تشدید کنند؟ گزارش



کنیم و فقط هم وعده ندهیم. الان دیگر مردم اصلا مشروعیت مسئولان را زیر سوال می برند، چون دیگر اعتماد نمی کنند. شما خودتان به عنوان یک شهروند؛ اگر مسئولان بانک مرکزی، دولت یا هر مقام دیگری حرف بزنند، سریع گوش می کنید، اطاعت می کنید و می پذیرید؟ وقتی تجربه کردید و دیدید آنها می گویند ارز نخرید، می آید پایین، ولی بالا می رود. اتومبیل نمی خرید، قیمتش دو برابر می شود، نرخ سود بانکی سه، چهار برابر می شود. مردم بیچاره می شوند و فرزندشان فارغ التحصیل نیست، درس نخوانده، تمام دارایی شان را تبدیل می کنند که بچه شان مدرک بگیرد، بعد می آید بیکار می شود و می نشینند در خانه. اینها را چگونه می شود توجیه کرد؟ وقتی که شما می بینید تمام زندگی تان را خرج کردید بچه تان فارغ التحصیل شود، صاحب مدرک شود، بعد بیاید بنشیند پیش شما و مثل بازنشسته ها در خانه بنشینند، دیگر هیچ چیز نداری که از دست بدهی، بنابراین از همه چیز متنفر می شوی و این طبیعی است.

مسئولان باید اصلاحات جدی کنند. الان فقر و حشمتاک در جامعه گسترش پیدا کرده، چرا کسی جواب نمی دهد، چرا مسئولان اهمیت نمی دهند به این مسائل؟ درست مثل این می ماند که هر کسی به خود اجازه می دهد؛ یعنی مثل این می ماند که یک عده ای آمده اند، هر کسی برود یک جایی را غارت کند و برود و این تاسفبار است. اگر قرار بر این است که کشور را ما این طوری اداره کنیم که هر کسی بیاید در هر موقعیتی بزن و درو باشد، پس آنهایی که سالم و صادق و پاک و آنهایی که به کشور و دین و مذهب شان وفادار بودند، باید بدبخت و بیچاره شوند؟ این که نمی شود. چرا کسی پاسخگو نیست، چرا مردم این همه فقیر شده اند؟ به هر حال کسی از کره دیگری نیامده برای اینها تصمیم بگیرد. همه مسئولان ما همین ها هستند، شورای نگهبان چه کاره است؟ چرا یک پول کلانی می گیرد؟ انچه جماعات دارند چه کار می کنند؟ سایر دستگاه ها چرا این همه بودجه مملکت را دارند به هدر می دهند، بدون اینکه کمکی کنند؟ پس اینها کارشان چیست؟

اینها سوالات بیشماری است که مردم دارند و نیاز به پاسخگویی در حال حاضر از هر زمان دیگری حیاتی تر به نظر می رسد.

سال ۹۶ منتشر شده بانک ها ۱۷۰ هزار میلیارد تومان به بانک مرکزی بدهی دارند. من فکر می کردم ۱۷ هزار میلیارد تومان بوده، ولی گزارش هفته گذشته نشان می دهد ۱۷۰ هزار میلیارد تومان بوده است و ۲۸ هزار میلیارد تومان دولت به بانک مرکزی بدهی دارد. این خودش حدود هزار میلیارد تومان به ضرب هفت پولی که بانک ها گرفتند، دارد نقدینگی ایجاد می کند. خوب انتظار می رفت بالاخره آقای کرباسیان در نظام بانکی تأثیری بگذارد. ایشان کاری نکرد. در تغییرات مدیریتی بانک ها به نظر من نتوانست مدیران قوی ای را به نظام بانکی منصوب کند و لذا هیچ وقت نمودی پیدا نکرد، اگرچه نمی توان بگویم ایشان مقصر است، ولی انتظار توقعاتی که از ایشان بود، برآورده نشد و لذا الان ایشان در تیرس انتقادات و تغییرات است.

در حال حاضر رسانه ها و مردم برای این وضع منتظر تغییرات هستند. مردم هم امیدشان و هم اعتمادشان را از دست داده اند. بالاخره باید کاری شکل بگیرد. وقتی یک تیم فوتبال نتیجه نمی گیرد، مدام تاکنیک عوض می کند، بازیکنان را عوض می کند ولی در آخر مجبور می شود مربی را عوض کند. فعلاً شما باید تاکنیک هایت را عوض کنی، تغییراتی در بازیکنان بدهی. بازیکنان شما هیئت دولت هستند، برای اینکه بتوانید اعتماد مردم را جلب کنید، حتی اگر آقای کرباسیان مقصر نیست، حتی اگر وزیر مقصر نیستند، بالاخره دولت مجبور است برای این که آن اعتماد را به جامعه برگرداند و به نیاز جامعه پاسخ دهد، تغییراتی را بدهد و کابینه را جوان کند و گزینه خیلی سخت است که دوباره بشود اعتماد جامعه را با همین ترکیب فعلی جلب کرد. یعنی این سیاست هایی که اتخاذ شده که مجموعه آقایان تصمیم گرفتند، به نظر می آید که پاسخ نداده است و تخریب ها هم کار خودش را کرده و این آقایان دیگر خیلی هایشان آن مقبولیت را در بین جامعه ندارند.

اما مهم تر از همه اینها این است که در اقتصاد ما باید استراتژی و برنامه ریزی شکل بگیرد. ما معمولاً آرزوهایمان را به برنامه ها، به سیاست ها و... تبدیل می کنیم و خیلی با واقعیت ها تصمیم گیری نمی کنیم، به خاطر همین سیاست گذاری هایی که می کنیم، اجرایی نمی شود. مافقط در اجبار مجبور می شویم خودمان را اصلاح کنیم. یعنی هر سیاست گذاری هم می کنیم، وقتی است که دیگری به اجبار می رسد. وقتی حاضر می شویم یارانه ۱۰ میلیون آدم را قطع کنیم که دیگر نداشته باشیم به آنها بدهیم، وگرنه هرچه بگوییم دلیلی ندارد که شما به ۷۰ میلیون نفر یارانه بدهید، آقای نوبخت مقاومت می کند و می گویند، ما نمی توانیم رسیدگی کنیم، ما آمار و ارقام نداریم، ولی وقتی که دیگر به یک جایی رسید که مجبور است، در آن صورت سیاست گذاری و اجرامی کنیم. انجام می دهیم وقتی است که مجبور می شویم. لذا اصلاً سیاست گذاری به نظر من در ایران معنی ندارد. اما در حال حاضر شرایط به شکلی است که به جای این موضوع، تنهاری تغییرات در مجلس و در رسانه و مطبوعات تمرکز شده است. بالاخره فکر می کنیم یکی از افراد هم می تواند ایشان باشد. من نمی خواهم دامن یزمن به این بحث، ولی وقتی می گویند تیم اقتصادی دولت، مردم، بیشتر ذهنشان به دو، سه نهاد مشخص؛ بانک مرکزی، وزارت اقتصاد، سازمان برنامه و وزیر اقتصادی، مثل وزرای صنعت و معدن، نفت می رسد. حالا قرار نیست همه کابینه قطعاً تغییر کند، ولی انتظار است بالاخره در تیم اقتصادی دولت یکی، دوفردی حداقل تغییر کنند.



## تأحدی مستقل

نوبخت برود، سازمان برنامه به حاشیه رانده می شود

آلبرت بغزیان

استاد دانشگاه تهران، اقتصاددان



در کشوری مثل ایران که وجود یا نبود سازمانی مثل برنامه و بودجه زیر سوال برده می شود و طی بازه زمانی چندساله، ابتدا منحل می شود و سپس احیا می شود؛ باید این موضوع بررسی شود که چطور می شود این گونه «صفر و یک» یا مسائل برخورد می کنیم؟ در یک دوره ای آن را ایجاد کنند، در دوره ای دیگر آن را منحل کنند و در دوره بعد احیای آن می شود اوج عملکرد اقتصادی یک دولت! باید واقعا بررسی شود که چه میزان انرژی صرف این سازمان و اتفاقات آن شده است.

جایی ندیده ام که سازمانی ابتدا حذف شود و سپس احیای آن دستاوردی بزرگ تلقی شود. باید ریشه ای بحث را مورد کنکاش قرار داد. چرا که ممکن است تیم بعدی بیاید و باز بگوید این سازمان کارایی لازم را ندارد. می توانم به جرأت ادعا کنم احیای سازمان برنامه و بودجه، پیشبرد اهداف آن و پیگیری موضوعات آن در مجلس شورای اسلامی، قائم به فرد است.

به عبارت دیگر اگر دکتر نوبخت نباشد، این سازمان در حاشیه قرار می گیرد. در پرتو حضور ایشان است که این سازمان می تواند مسیر تضعیف شدن را در پیش بگیرد یا به دنبال نفوذ ایشان در مجلس به یک سازمان محوری تبدیل شود. به نظر می رسد با تغییر در تیم اقتصادی دولت و کنار رفتن آقای نوبخت، سازمان برنامه و بودجه هم به حاشیه رانده خواهد شد.

تجربه هایی از این دست برخورد با نهادهای دولتی را در گذشته نیز شاهد بوده ایم. وقتی وزارتخانه هایی را در هم ادغام می کنیم این پرسش پیش می آید که آیا فلسفه وجودی یا مأموریت آنها تغییر کرده که شاهد این ادغام هستیم؟ این قبیل اقدامات، بدون هزینه نیستند؛ مسلما هم ادغام و هم تفکیک آن هزینه ساز است. بایستی اصل این اقدامات مورد کنکاش قرار بگیرد که چگونه می شود که چنین امری اتفاق می افتد.

بنابراین سازمان برنامه و بودجه در دولت جدید جایگاه خود را حفظ کرده است؛ اما بایستی دید چقدر تأثیرگذار بوده است. در واقع این سازمان در حال انجام موازی کاری با وزارتخانه اقتصاد یا نهادی مثل بانک مرکزی یا وزارت صنعت، معدن، تجارت است. پرسش اینجاست که سازمان برنامه و بودجه می بایست با برنامه های این نهادهای اقتصادی منطبق و همراه باشد یا آنها با سازمان برنامه همراه باشند؛ آنچه در واقعیت اتفاق می افتد همراهی وزارتخانه ها با این سازمان است.

اگر قرار است این سازمان برای کشوری که نیاز به برنامه دارد، برنامه ریزی کند، بایستی منسجم تر کار کند اما کاملا مشخص است که هر فرد، کار خودش را انجام می دهد. درست است که می گویند در راستای برنامه ششم توسعه بودجه نویسی انجام می شود اما هیچ گاه برنامه چشم انداز توسعه محقق نمی شود.

هیچ گاه کسی نبوده که بررسی کند چرا این اهداف محقق نشده است و انحراف از برنامه به چه دلیل بوده است. انحراف از یک برنامه شش ساله ساده ای نیست. همه وزارتخانه ها بایستی در راستای برنامه ششم توسعه حرکت کنند اما این امر محقق نشده است.

اما آنچه می توان از آن به عنوان تغییر در سازمان برنامه و بودجه یاد کرد، قدرت هدایت بخش خصوصی در تنظیم برنامه و تخصیص منابع است. بخش خصوصی قائل به این موضوع است که اگر نرخ ارز افزایش پیدا کند، خوب است؛ البته بخش خصوصی سمت تجارت و نه بخش خصوصی سمت تولید. سازمان برنامه می بایست «بردار قیمت ها» را در برنامه ریزی های خود لحاظ کند. یکی از این متغیرها، سطح قیمت است که نرخ تورم را تعیین می کند؛ دیگری سطح دستمزد است که هزینه تولید را تحت تأثیر قرار می دهد و دو متغیر دیگر، نرخ ارز و نرخ بهره هستند.

با این توضیح که در تعیین نرخ بهره بانکی باید سیاست گذاری ها با هماهنگی بانک مرکزی باشد یا در بحث تعیین حقوق و دستمزد هماهنگی با وزارت کار بایستی صورت پذیرد که این هماهنگی را شاهد نیستیم. خود شخص آقای نوبخت زیاد اعتقادی به هماهنگی با سایر وزارتخانه ها برای تعیین بردار برنامه ریزی کشور ندارد. در واقع نه حاکمیت بخش خصوصی و بخش تجارت در تفکر ایشان نماد بیشتری دارد و نه قالب رفاه عمومی. اما در مجموع حضور آقای نوبخت به عنوان عضوی از تیم اقتصادی دولت دوازدهم، مؤثر است؛ چرا که حاکمیتی دارند که تا حدی مستقل است.

بانک مرکزی نسبت به سیستم بانکی دارای استقلال نیست یا وزارت اقتصاد یک وزارت مالیه و مالیات بگیر شناخته می شود تا نقش اقتصادی کلان داشته باشد برای تنظیم تجارت خارجی.

اما این مصادیق برای سازمان برنامه و بودجه حکم نمی نماید و استقلال بیشتری نسبت به سایر وزارتخانه ها را در این سازمان، شاهد هستیم. حضورشان بهتر از فقدان شان است؛ از سوی دیگر ایشان اشراف کامل بر موضوعات دارند و چه خوب بود که به جای تمرکز بر بخش تجارت بر بخش تولید تمرکز می کردند.

جایی ندیده ام که سازمانی ابتدا حذف شود و سپس احیای آن دستاوردی بزرگ تلقی شود. باید ریشه ای بحث را مورد کنکاش قرار داد. چرا که ممکن است تیم بعدی بیاید و باز بگوید این سازمان کارایی لازم را ندارد. می توانم به جرأت ادعا کنم احیای سازمان برنامه و بودجه، پیشبرد اهداف آن و پیگیری موضوعات آن در مجلس شورای اسلامی، قائم به فرد است.

# کلید یا قفل؟

## آیا حضور نوبخت در سازمان برنامه و بودجه مفید بوده است

امیرحسین راشدی مقدم

کارشناس ارشد مسائل  
اقتصاد کلان

غالب تیم فعلی اقتصادی را ورزا و مسئولان دوران ریاست جمهوری هاشمی تشکیل می‌دهند که با روی کار آمدن روحانی دوباره به صدر بازگشته‌اند؛ همان‌هایی که مسبب وضع بحرانی اقتصاد در آن سال‌ها و تورم‌های بالا بودند و له‌شدن مستضعفان زیر چرخ‌های توسعه را تئوریزه می‌کردند. نوع نگاه اقتصادی دولت (اقتصاد غرب با نگاه تئوری‌های رونق توری) است و متأسفانه دولت این تئوری را مدت‌هاست برای خروج از رکود در دستور کار خود قرار داده که نه با مبانی انقلاب اسلامی و فکری ما همخوانی دارد و نه این موارد در کشور جواب داده است. می‌توان گفت با ادامه این روند تولید ثروت و اشتغال در کشور شکل نگرفته و نمی‌توانیم از رکود خارج شویم و این امر سبب می‌شود که رونق اقتصادی را شاهد نباشیم.

سخت‌گویی دولت، رئیس سازمان برنامه و بودجه، عضو تیم اقتصادی دولت و عضو ستاد اقتصاد مقاومتی؛ اینها همه سمت‌های «محمدباقر نوبخت» در دولت دوازدهم است که حکایت از علاقه ویژه رئیس‌جمهور به مرد ریزنقش و خوش‌روی دولت دارد. همین علاقه رئیس‌جمهور سبب شده است تا علاوه بر آنکه انتقادات به او تا به امروز بی‌نتیجه باشد، جدایی او از تیم اقتصادی دولت نیز دور از ذهن به نظر برسد. نقش محمدباقر نوبخت را باید فراتر از رئیس سازمان برنامه و بودجه در کابینه دانست.

فارغ از نقش وی در سمت سخت‌گویی دولت، همکاری وی با رئیس‌جمهور از دوران حضور روحانی در مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری شروع شد و در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ به عنوان نماینده اقتصادی روحانی در برخی مناظره‌ها حضور یافت. اکنون نیز بسیاری معتقدند نوبخت در عمل نقش محوری در تیم اقتصادی کابینه دارد.

یکی از شعارهای اصلی رئیس‌جمهور در سال ۹۲، احیای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی بود که در سال ۱۳۸۵ منحل و به سازمانی حاشیه‌ای و کم‌اثر به نام معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی تبدیل شده بود. این اتفاق ۱۹ آبان ۱۳۹۳ محقق و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی مجدد تشکیل شد اما واقعه حقوق‌های نجومی و خلاتی که در دولت برای امور اداری و استخدامی و نظارت بر پرداختی به کارکنان دولت وجود داشت، باعث شد تا ۴ مرداد ۱۳۹۵، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی به دو سازمان برنامه و بودجه و امور استخدامی تفکیک شود. در هر صورت انتظار این بوده و هست که سازمان برنامه نقش برنامه‌ریز اقتصاد و سیاست‌گذاری کلان را برعهده بگیرد اما نگاهی به روند تدوین و تصویب قانون برنامه ششم توسعه و قوانین بودجه سالانه نشان داد که کارکرد برنامه‌ریزی در این سازمان به حاشیه رفته است.

از نکات قابل تامل در بررسی کارنامه نوبخت، حضور هم‌زمان او هم به عنوان رئیس سازمان برنامه و بودجه و هم سخت‌گویی دولت است. در ساختار اداری کشور این دو

شغل هرکدام وظایف متفاوت و بعضاً متضادی دارند که در کنار هم قرار گرفتن آنها سبب شده در کار سازمان برنامه و بودجه اختلالاتی ایجاد شود. از طرف دیگر بررسی نشست‌های خبری سخت‌گویی دولت به خوبی گویای این ایراد است، چنان‌که وظیفه وی در این جایگاه ایجاد می‌کند از نقیصات مثبت عملکرد دولت بگوید و ضعف‌ها را توجیه کند.

همین مساله و نحوه مواجهه نیز سبب شده تا مشکلات کشور نادیده گرفته شده و اوضاع «گل و بلبل» نشان داده شود. در واقع ناتوانی وی در بررسی دقیق و ایرادگرفتن از عملکرد ورزا و تصمیمات دولتی منجر به ایجاد حاشیه امن برای مسئولان شده است. برای بسیاری از مسئولان، جایگاه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به عنوان محلی است که به عملکردها خصوصاً در حوزه بودجه‌ای با دید دقیق و جزئی نگر نگاه می‌شود و به بیان عامیانه با ذره‌بین به دنبال ایرادات و متخلفان می‌گردد. اما ما حاصل حضور نوبخت در راس این سازمان، موجب شده چنین جایگاهی از بین برود و در دستگاه‌های دولتی با تخلف بودجه‌های بعضاً چند هزار میلیاردی مواجه شویم که برای نمونه طبق آخرین گزارش تفریح بودجه کشور که مربوط به سال ۱۳۹۵ بود، آنچه مشخص شد این است که وزارت نفت به سکانداری بی‌زن زنگنه بیش از ۴۳ هزار میلیارد تومان تخلف بودجه‌ای داشته است.

برنامه ششم توسعه با وعده مواجهه با چالش‌های اساسی اقتصاد ایران طراحی شد اما به ویژه در زمینه اصلاح قانون کار و رفع معضل صندوق‌های بازنشستگی با عقبگرد مواجه شد. نمونه دیگر نیز قانون بودجه سال ۹۷ بود که با وعده افزایش قیمت سوخت برای تامین منابع اشتغالزایی همراه بود اما در عمل با توجه به اینکه حساسیت‌های جامعه در قبال افزایش نرخ سوخت مراعات نشده بود، به عقبگرد دولت منجر شد. تزلزل در حذف یارانه ثروتمندان و دفاع‌های متعدد نوبخت از تداوم هدررفت یارانه به جیب ثروتمندان نیز نمونه دیگری از عملکرد ضعیف نوبخت است. عملکرد ضعیف بازوی برنامه‌ریز دولت به گونه‌ای بوده که عملاً نقش برنامه‌ریزی کلان اقتصادی به ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی منتقل شده است.

کارکرد بودجه‌ریزی دولت نیز با رشد قابل توجه وابستگی به استقراض و انتشار بی‌رویه اوراق مشارکت و خزانه باعث شده است تا بازپرداخت این اوراق در سال‌های آینده به یک چالش پیش‌روی اقتصاد ایران تبدیل شود. در چنین شرایطی به نظر می‌رسد نوبخت نه فقط به دلیل ضعف عملکرد در بخش‌های بودجه‌ریزی و برنامه‌ریزی که به دلیل نقش محوری در تنظیم سیاست‌های اقتصادی دولت و نقدهای گسترده‌ای که بسیاری از کارشناسان به وی داشته‌اند، باید در مظان خداحافظی از کابینه قرار گیرد.

از این رو لازم است شخص رئیس‌جمهور همان‌طور که طی روزهای اخیر کارشناسان و مسئولان بسیاری به وی برای تغییر تیم کابینه دولت توصیه کردند، هرچه زودتر مسئولیت‌های کلیدی اقتصادی دولت را به افرادی بسپارد که هم توان کافی برای مقابله با تهدیدات دشمن در جنگ اقتصادی و هم علم و تجربه کافی برای مدیریت بحران‌ها و بازگرداندن قطار حرکت دولت به ریل اصلی داشته باشند.







## ترامپ به دنبال تجارت آزاد با انگلستان

برگزیت چه تاثیری در روابط انگلستان و آمریکا دارد؟



داراست و حجم تجارت خارجی کشورهایی مانند فرانسه و ایتالیا با آمریکا به رقمی حدود ۷۵ و ۶۰ میلیارد دلار می‌رسد. در واقع، شدت وابستگی متقابل بین آمریکا و انگلستان به حدی بوده است که زمانی اعضای جمهوریخواه کنگره آمریکا پیشنهاد دادند تا انگلستان به عضویت پیمان تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا) درآید. اما هنگامی که اوباما به انگلستان سفر کرده بود گفت که آمریکا روی دستیابی به یک توافق تجاری با بلوک بزرگ اتحادیه اروپا تمرکز دارد و اگر انگلستان این بلوک را ترک کند آنگاه برای مذاکره تجاری در آخر صاف قرار خواهد گرفت.

## پیامدهای احتمالی برگزیت برای اقتصاد انگلستان

در باره پیامدهای احتمالی برگزیت برای اقتصاد انگلستان، فهرست مورد توافقی وجود ندارد اما مهم‌ترین عنصر مشترک در ارزیابی پیامدهای اقتصادی برگزیت، کاهش درآمد سرانه واقعی انگلستان است. طرفداران برگزیت بر این باورند که خروج از اتحادیه اروپا می‌تواند زمینه برخی کاهش‌های مالیاتی یا افزایش مخارج دولت را فراهم سازد اما در مقابل، مخالفان برگزیت روی اثر نیرومند بقا در اتحادیه اروپا روی تجارت انگلستان پای می‌فشارند. در واقع پس از برگزیت، انگلستان برای تجارت، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و مهاجرت با محدودیت‌های جدیدی مواجه خواهد شد. اما اندازه این محدودیت‌ها به باقی ماندن انگلستان در بازار واحد اروپایی از طریق عضویت در EEA یا دستیابی به یک توافق تجارت آزاد با اتحادیه اروپا بستگی دارد. اگرچه انگلستان با خروج از اتحادیه اروپا رقمی حدود ۸ میلیارد پوند هزینه عضویت خود را صرفه جویی می‌کند اما به واسطه کاهش رشد اقتصادی، با خسران ۷۰ میلیارد پوندی دست به گریبان خواهد شد. با این حال، پس از خروج از اتحادیه اروپا، جذابیت انگلستان برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کاهش نمی‌یابد و از منظر ریسک کشوری، استحکام اقتصادی و مالی انگلستان حفظ می‌شود. اما بسیاری از نگاه‌های خارجی، انگلستان را به عنوان دروازه ورود به بازارهای اتحادیه اروپا در نظر می‌گرفتند و استقرار در این کشور را انتخاب می‌کردند. این نکته می‌تواند دلیل مخالفت ترامپ با اجرایی شدن برگزیت در انگلستان و یکی از محورهای اصلی گفت‌وگوی او با ترامپ بوده باشد چون شرکت‌های آمریکایی مستقر در انگلستان نیز بر اساس همین منطق، حضور در دروازه تجاری اتحادیه اروپا را انتخاب کرده‌اند. در حالی که آلمان و فرانسه، نزدیک به ۳ درصد از جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سطح جهان را در اختیار دارند، سهم انگلستان حدود ۷ درصد یا رقمی بیش از یک تریلیون پوند بوده و این سهم بر اساس جایگاه این کشور به مثابه دروازه بازار اتحادیه اروپا تحقق یافته است.

افزون بر مساله رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، کاهش سرمایه‌گذاری داخلی و توقف اشتغالزایی نیز از آثار انتظاری اجرایی شدن برگزیت در انگلستان است. طبق برآوردها، سرمایه‌گذاری در کسب و کار انگلستان در مقایسه با سطح آن در قبل از رفراندوم برگزیت، به میزان ۲۵ درصد کاهش خواهد یافت. برخی از کارشناسان مالی بر این باورند که در روز اجرایی شدن برگزیت، بیش از ۱۰ هزار شغل مالی در این کشور از دست خواهد رفت. آمار و ارقام نشان می‌دهد که خانوارهای انگلیسی در بدترین حالت مالی از دهه ۱۹۵۰ میلادی قرار دارند و اقتصاد انگلستان تنها ۱/۵ درصد رشد کرده است که انتظار می‌رود تا رشد آن در سال آینده میلادی به ۱/۴ درصد افت کند. گلدمن ساکس اعلام کرده است که پس از تحقق برگزیت از انگلستان خارج می‌شود و مدیر اجرایی

## رضا مجیدزاده

پژوهشگر اقتصاد سیاسی توسعه



نقض پروتکل خاندان سلطنتی انگلستان و بازی با اعصاب ملکه این کشور، تنها نکته مورد توجه جهانیان از سفر ترامپ به انگلستان نبود. انگلستان در آستانه اجرایی کردن برگزیت با وجود برخی اختلافات داخلی درباره آن است و آمریکا یک جنگ تجاری بزرگ را با اروپا، چین، مکزیک و کانادا به راه انداخته است. به دیگر سخن، هر دو کشور در مسیری تقریباً مشابه گام برمی‌دارند و این طور به نظر می‌رسد که اتخاذ مسیر مشابه می‌تواند برای گسترش روابط اقتصادی و سیاسی انگلستان و آمریکا باشد، به طوری که هر دو کشور بتوانند کمبودهای ناشی از انتخاب استراتژی تکراری را جبران کنند. هر چند ترامپ در دیدار روز ۱۶ جولای در هلسینکی با پوتین نشان داد که این دیدارها شروع استراتژی جدید او برای ایجاد نوعی انحصار کامل در اقتصاد سیاسی بین‌الملل است که مبتنی بر احیای هژمونی گذشته آمریکا یا راهبردی اودیپوسی برای پیشگیری از تحقق عملی جهان پساآمریکایی باشد.

## روابط تجاری و مالی آمریکا و انگلستان

چندین سال پیش جان کری گفته بود که انگلستان و آمریکا نه تنها بزرگترین سرمایه‌گذاران خارجی در کشورهای همدیگر هستند، بلکه واقعیت این است که هر روز تقریباً یک میلیون نفر برای کار در شرکت‌های بریتانیایی مستقر در ایالات متحده سر کار می‌روند، همین طور که بیش از یک میلیون بریتانیایی برای کار در شرکت‌های آمریکایی مستقر در انگلستان، مشغول فعالیت می‌شوند. دو کشور به شدت باهم گره خورده‌اند، ما متعهد به ایجاد روابط ایالات متحده-انگلستان و ایالات متحده-اتحادیه اروپا هستیم. ترامپ در دیدارش از لندن اصطلاح روابط بسیار خاص را به کار برد که مضمونی مشابه با کل جملات جان کری دارد و عمق روابط بین انگلستان و آمریکا را نشان می‌دهد.

سرمایه‌گذاری، محور اصلی روابط بین آمریکا و انگلستان است، به طوری که انگلستان تنها سرمایه‌گذار کلان در ایالات متحده است؛ شرکت‌های انگلیسی بیش از ۴۸۰ میلیارد دلار در آمریکا سرمایه‌گذاری کرده‌اند که بیش از ۱۵ درصد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی این کشور را تشکیل می‌دهد. آمریکا نیز بزرگترین سرمایه‌گذار در انگلستان است و نگاه‌های این کشور حدود ۶۰۰ میلیارد دلار در بازارهای انگلستان سرمایه‌گذاری کرده‌اند که نزدیک به یک چهارم کل سرمایه‌گذاری آنها در اروپا و بیش از ۱۲ درصد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی آمریکادر سراسر جهان است. این حجم از وابستگی متقابل موجب شده تا بیش از یک میلیون آمریکایی برای شرکت‌های انگلیسی مستقر در آمریکا کار کنند و حدود یک و نیم میلیون نفر از انگلیسی‌ها نیز در اشتغال شرکت‌های آمریکایی باشند. ایالت‌های تگزاس، کالیفرنیا، نیویورک، پنسیلوانیا و ایلی‌نویز بیشترین شغل در بنگاه‌های انگلیسی را دارا هستند. این اشتغال در زمینه‌های تولید محصولات صنعتی، شیمیایی، پتروشیمی، فناوری اطلاعات و خدمات مالی بیشتر است. افزون بر ۴۰ هزار بنگاه آمریکایی به انگلستان صادرات دارند و بیش از ۷۵۰۰ واحد آنها در انگلستان مستقرند. مازاد تجاری ایالات متحده در تجارت با انگلستان نیز بیش از ۱۲ میلیارد دلار است. انگلستان و آمریکا حدود ۱۶۸ میلیارد دلار تجارت با یکدیگر دارند که در مقایسه با تجارت ۷۰۴ میلیارد دلاری اتحادیه اروپا با آمریکا، رقم قابل توجهی است. از میان کشورهای اروپایی، آلمان با ۱۹۷ میلیارد دلار، بالاترین حجم تجارت خارجی با آمریکا را





# ترامپ به دنبال تحقق شعار «اول آمریکا» است

امیر هوشنگ میرکوشش  
در گفت‌وگو با مثلث



هفته گذشته دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا پس از حضور در اجلاس ناتو در بروکسل، به همراه همسرش ملانیا برای سفری دو روزه وارد بریتانیا شد و علاوه بر ترزا می، نخست‌وزیر با ایلیزابت دوم، ملکه این کشور هم دیدار کرد. دیداری که حواشی کم نداشت؛ از نشستن روی صندلی چرچیل و جلوتر راه رفتن از ملکه انگلیس. اکنون به دنبال بدعهدی‌های ترامپ در خصوص معاهدات جهانی و همچنین خروج انگلیس از اتحادیه اروپا این پرسش مطرح است که روابط لندن و واشنگتن به چه سمنی خواهد رفت و آیا این مسائل در «روابط خاص» آمریکا و انگلیس تأثیری خواهد داشت. دکتر امیر هوشنگ میرکوشش، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد و مدیر مسئول مجله ایرانی روابط بین‌الملل در گفت‌وگو با هفته‌نامه مثلث به بررسی روابط آمریکا و انگلیس و همچنین اتحادیه اروپا پرداخته است.

با توجه به این دیدار و همچنین بحث خروج انگلیس از اتحادیه اروپا، ارزیابی شما از روابط فعلی واشنگتن-لندن چیست؟

در حال حاضر روابط آمریکا و انگلیس متأثر از اتحادیه اروپاست؛ چرا که هنوز انگلیس در این اتحادیه حضور دارد و خروج از آن نیز ظاهراً با مشکلاتی مواجه شده است. بنابراین ایالات متحده آمریکا و به خصوص شخص دونالد ترامپ به دنبال ایجاد اختلاف و غلبه کردن بر این اتحادیه هستند. ترامپ به نوعی روی انگلیس و شخص ترزا می، نخست‌وزیر سرمایه‌گذاری کرده است. ترامپ در صحبت‌هایش خطاب به ترزا می گفته که او در عوض آنکه برای خروج انگلیس از اتحادیه اروپا همکاری کند، روند شکایت از این اتحادیه را پیش بگیرد. در حال حاضر نیز دو تن از وزیران کابینه ترزا می شامل وزیر برگزیت و وزیر خارجه استعفا داده‌اند که این استعفاها نیز به مساله برگزیت مربوط می‌شود. خانم می گفته که با چنین شرایطی ممکن است انگلیس هیچ‌گاه نتواند از اتحادیه اروپا خارج شود. لذا روابط فعلی لندن و واشنگتن متأثر از روابط فعلی انگلیس با اتحادیه اروپاست و در این میان رئیس‌جمهور آمریکا در تلاش است میان انگلیس و اتحادیه اروپا تفرقه بیندازد. رئیس‌جمهور آمریکا حتی در پی آن است که برای روابط دوجانبه با انگلیس امتیازهایی بدهد و قراردادهای تجاری

ژنتیکی است. همچنین امتیاز دسترسی به تدارکات برای شرکت‌های آمریکایی فعال در انگلستان و استانداردهای نظارتی نیز در گفت‌وگوهای آتی دو کشور مطرح خواهد شد. تنظیم مقررات خدمات مالی، صوتی و تصویری و بخش رسانه‌ای و دیتا نیز در محور توجه هر دو کشور قرار دارد.

انگلستان از زمان تصمیم به ترک اتحادیه اروپا به دنبال تقویت روابط خود با ایالات متحده و تثبیت جایگاهش به عنوان کشور پیشگام در ناتو است. با وجود توصیه ترامپ به تعویق یا خودداری از برگزیت، کنگره ایالات متحده از ایده یک توافق تجارت آزاد با انگلستان پس‌برگزیت استقبال می‌کند. البته انگلستان نمی‌تواند تا زمان ترک اتحادیه اروپا، مذاکره رسمی برای توافق تجارت آزاد را آغاز کند. البته ترامپ نیز در یک گفت‌وگوی تلفنی در سال گذشته میل خود به توافق تجارت آزاد با انگلستان پس‌برگزیت را اعلام کرده بود. با این وجود، در یک نمای بازی دو سطحی، شاید دستیابی به چنین توافقی به زودی میسر نباشد؛ رابرت پاتنام بازی دو سطحی را برای شناسایی مجموعه محتمل از رویکردهای سیاست خارجی با احتساب مواضع ذی‌نفعان داخلی یک کشور توسعه داده است. بر اساس این مدل، در مواردی که ترجیحات گروه‌های دارای بالاترین قدرت چانه‌زنی با راهبردهای سیاست خارجی دولت، همسویی داشته باشد، عناصر سیاست خارجی تعیین و مقید می‌شود؛ از این منظر، ترامپ برای دستیابی به توافق تجارت آزاد با انگلستان با دشواری زیادی رویارو نیست چون ترجیحات کنگره نیز با ترجیحات او همسنگ است اما می‌تواند با توجه به حضور گروه‌های مخالف ترامپ در انگلستان، برای بسترسازی دستیابی به چنین سیاستی از یک طرف باید برگزیت را پیش برد و از طرف دیگر، با گروه‌های دارای قدرت چانه‌زنی در سیاست انگلستان به توافق برسد. از جمله افراد شاخص در گروه‌های مختلف دارای قدرت چانه‌زنی در انگلستان، جرمی کوربین از حزب کارگر و صادق خان، شهردار مسلمان لندن هستند که هر کدام از منظر خود با سیاست‌های ترامپ موافق نیستند.

اما به عنوان محتمل‌ترین سناریوی بعد از برگزیت، روابط بین انگلستان و آمریکا تغییر معناداری نخواهد داشت و در زمینه‌های مختلف نظامی (به ویژه ناتو و جنگ‌های فرامرزی)، اقتصادی و امنیتی ادامه خواهد یافت. با این حال برگزیت روی منافع راهبردی آمریکا در اتحادیه اروپا اثر می‌گذارد چون انگلستان همواره به صورت یک شریک موثر برای آمریکا و بیان دیدگاه‌های آمریکا در این اتحادیه ایفای نقش کرده و در تحریم روسیه به خاطر مسائل اوکراین، پیشقدم بوده است. ممکن است خروج انگلستان از اتحادیه اروپا موجب تجدیدنظر این اتحادیه درباره مدت یا حتی تمدید تحریم‌های روسیه شود.

گلدمن ساکس نیز توثیق کرده است که تمرکز فعالیت‌های خود را به سمت فرانکفورت معطوف خواهند داشت و با وجود استخدام ۶ هزار کارمند در لندن، فقط دو هاب آن در اتحادیه اروپا مشغول فعالیت خواهند بود. سی‌تی‌گروپ، مورگان استلی، دی‌اوا، گروه مالی سومیتومو میتسویی و نامورا نیز مکان فعالیت خود را از انگلستان به اتحادیه اروپا انتقال می‌دهند.

این پیامدها به معنای تغییر دروازه ورود به بازارهای اتحادیه اروپا از انگلستان به یک کشور دیگر (آلمان یا فرانسه به احتمال زیاد) خواهد بود. اما با توجه به اهمیت روابط تجاری و مالی انگلستان با آمریکا، احتمال می‌رود که ترامپ بکوشد تا نظر دولت می‌برای اجرای برگزیت را تغییر دهد چون با توجه به جنگ تجاری که با اتحادیه اروپا پیش گرفته است، جابه‌جایی شرکت‌های آمریکایی از لندن به دیگر مکان‌های اروپا برای اتصال به فضای جریان منابع در این اتحادیه، مسیر دشوارتری می‌نماید.

## سناریوهای احتمالی روابط انگلستان و آمریکا در آینده

در حال حاضر، انگلستان مقید به تمامی بندهای توافق تجارت در اتحادیه اروپا با کشورهای ثالث بر اساس ماده ۲۱۶ TFEU است. البته چنین توافقی فقط برای کشورهای عضو اتحادیه الزام‌آورند و به محض خروج از اتحادیه اروپا، برای کشور خارج‌شونده نافذ نخواهند بود. البته این عدم الزام به توافق‌های محض مربوط می‌شود و در زمینه توافق‌های مختلف، پیچیدگی بیشتری وجود دارد. البته بیشتر توافقی‌های مشروط نیز دارای بند ترک توافق هستند. برخی از توافقی‌های مختلط نیز به گونه‌ای است که اتحادیه اروپا و کشور عضو این اتحادیه را به عنوان یک طرف تجاری و کشور یا کشورهای ثالث را به عنوان طرف دیگر نام می‌برد و معمولاً بند ترک عضویت ندارد. بنابراین بخشی از زمینه‌های همکاری تجاری و مالی انگلستان که در قالب توافق‌های مختلط یعنی حضور آمریکا یا شرکت‌های وابسته آمریکایی به مثابه کشور ثالث طرف انگلستان و اتحادیه اروپا (به عنوان طرف دیگر) انجام پذیرفته است مورد بازنگری و چانه‌زنی مجدد قرار می‌گیرد.

اما از نظر چانه‌زنی بین دو کشور، از منظر اقتصادی، بازار ایالات متحده، پنج برابر انگلستان است. هدف اولیه مذاکرات آمریکا این است که اطمینان حاصل شود که مقررات انگلستان بیشتر با محصولات آمریکایی سازگاری خواهد داشت. با توجه به این اندازه نسبی به دشواری می‌توان تصور کرد که انگلستان بتواند دست بالاتر مذاکرات را داشته باشد. مسائل اقتصادی بین دو کشور شامل موضوعاتی بحث‌برانگیز از قبیل صادرات مرغ کلریزه، گوشت گاو هورمونیزه و تولیدات اصلاح شده

در حال حاضر، انگلستان مقید به تمامی بندهای توافق تجارت در اتحادیه اروپا با کشورهای ثالث بر اساس ماده ۲۱۶ TFEU است. البته چنین توافقی فقط برای کشورهای عضو اتحادیه الزام‌آورند و به محض خروج از اتحادیه اروپا، برای کشور خارج‌شونده نافذ نخواهند بود





و امنیتی دو جانبه میان دو کشور امضا شود.  
**نگاه ترامپ به دیگر کشورهای اروپایی که در اتحادیه اروپا حضور دارند، چیست و روابطش با آن کشورها را چگونه تنظیم کرده است؟**

▲ رئیس جمهور آمریکا همانند همین برنامه‌ها را برای باقی کشورهای اروپایی نیز به شرط خروج از اتحادیه اروپا دارد. به نوعی اتحاد در میان اعضای اتحادیه اروپا خوشایند ترامپ نیست و او به هر طریقی به دنبال برهم زدن این اتحاد است. این در حالی است که در میان رهبران اروپایی، آنکلا مرکل، صدراعظم آلمان با جدیت در برابر ترامپ ایستاد اما ترزای تا حدودی حدوسط بازی می‌کند. کمی هم راجع به سابقه تاریخی روابط انگلیس و آمریکا توضیح دهید.

▲ روابط تاریخی آمریکا و انگلیس به طور کلی روابطی استراتژیک بوده و هنوز هم این نوع از روابط برقرار است. با وجود اختلافات زیادی که بین اروپا و آمریکا وجود دارد انگلیس به لحاظ تاریخی می‌تواند نزدیک‌ترین کشور به ایالات متحده قلمداد شود. مشارکت آنها در جنگ دوم جهانی و این مساله که نخست‌وزیر وقت بریتانیا، وینستون چرچیل همه جا پا به پای آمریکا بود بیانگر روابط استراتژیک طرفین است. همچنین در جنگ علیه عراق در سال ۲۰۰۳، تونی بلر، نخست‌وزیر آن زمان انگلیس با بوش پسر همراهی و همکاری کرد، لذا روابط لندن و واشنگتن همواره فراتر از روابط اتحادیه اروپا بوده است.

**آیا ورود ترامپ به کاخ سفید را می‌توان به عنوان متغیری در جهت تغییر ساختار روابط لندن و واشنگتن تعریف کرد؟**

▲ با ورود ترامپ به کاخ سفید روابط انگلیس و آمریکا دستخوش تحولاتی شده که ناشی از سیاست‌های غیرقابل پیش‌بینی و شاید هدفدار ترامپ مبنی بر «اول آمریکا» است. رئیس‌جمهور آمریکا با مینا قرار دادن چنین شعارهای به دنبال فروپاشی تمام اتحادیه‌ها، معاهدات و کاهش نفوذ رقبای بالقوه آمریکا طی دهه‌های آینده است. البته آمریکا و انگلیس در طول تاریخ همواره در کنار هم بوده‌اند و به نظر نمی‌رسد که در مقطع فعلی نیز روابط طرفین دچار تنش شود. همچنین از دیگر سو به نوعی می‌توان این گونه تلقی کرد که اروپا و حتی انگلیس به دنبال خریدن زمان هستند. زیرا انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره آمریکا در پیش است و این کشور احتمالاً تا چند ماه آتی دچار تغییر و تحولاتی خواهد شد.

**در مقطع فعلی با توجه به اقدامات ترامپ می‌توان گفت اختلافات میان واشنگتن و لندن نسبت به گذشته افزایش یافته است؟**

▲ توجه داشته باشید اگر اختلافی هم میان انگلیس و آمریکا وجود داشته باشد این اختلافات ناشی از اتحادیه اروپایی است. با انتخاب ترامپ به عنوان رئیس‌جمهور آمریکا و خروج وی از معاهداتی که بعضاً اروپا نیز در آنها مشارکت داشته است و مهم‌تر از همه معاهده برجام نوع اختلافاتی که میان آمریکا و اروپا به‌ویژه انگلیس به وجود آمده، ناشی از بدعهدی‌ها و خروج واشنگتن از معاهدات چند جانبه و بین‌المللی است. همچنین در رابطه با بحث تعرفه‌ها نیز همان اختلافاتی که آمریکا با بقیه کشورها دارد در مقطع فعلی با انگلیس نیز دارد. لذا اختلافات استراتژیکی میان دو کشور وجود ندارد و خروج انگلیس از اتحادیه اروپا حتی باعث نزدیکی بیشتر دو کشور خواهد شد.

**به طور کلی ترامپ در مقابل کشورهای اروپایی چه استراتژی‌ای را برای خود تعریف کرده است؟**

▲ برخی می‌گویند که ترامپ استراتژی مشخصی ندارد و بیشتر هیاهو به راه می‌اندازد اما به نظر می‌رسد در حاشیه تمام این ویژگی‌های شخصیتی و دیدگاه‌های ترامپ، یک استراتژی داخل تفکرات وی وجود دارد و

▲ اگر دوران جنگ سرد را در نظر بگیریم دو ابرقدرت به نام اتحاد جماهیر شوروی و آمریکا حضور داشتند و در آن زمان اروپا هیچ قدرتی نداشت، لذا ایالات متحده به عنوان برادر بزرگ‌تر ورود کرد و به اروپایی‌ها در برطرف کردن آسیب‌های جنگ کمک کرد. در آن زمان ایالات متحده تعیین‌کننده بود و اروپا در تصمیم‌گیری‌های جهانی محلی از اعراب نداشت، لذا به نظر می‌رسد در برهه فعلی آمریکا برای تضعیف اتحادیه اروپایی نیاز به یک آلترناتیو دارد و روی روسیه و پوتین سرمایه‌گذاری کرده است. در واقع ترامپ به دنبال بازگشت معادلات جنگ سرد است تا به نوعی از قدرت برتر نسبت به اروپا برخوردار شود. همان‌طور که اشاره کردم نظم بین‌الملل در حال زایش است و کشورهای می‌توانند از این شرایط به عنوان قدرت برتر خارج شوند که آینده را از نظر اقتصادی، نظامی، سیاسی و تجاری پیش‌بینی کرده باشند. همچنین در نهایت باید توجه داشت که استراتژی پشت اقدامات ترامپ استراتژی شخص ایشان نیست، بلکه استراتژی ایالات متحده آمریکا است که به دنبال «اول آمریکا» یا همان برتری در مقطع گذار نظم بین‌الملل است. البته ملاقات اخیر ترامپ و پوتین و اظهارات ترامپ در مورد سازمان‌های اطلاعاتی این کشور درباره نقش روسیه در انتخابات آمریکا باعث مخالف‌های زیادی در مورد اظهارات ترامپ حتی در داخلی حزب جمهوری خواه شد به طوری که پل رایان، رهبر کنگره در توثیاتی اعلام کرد رئیس‌جمهور آمریکا باید بداند که روسیه متحد آمریکا نیست. در آینده ممکن است با بررسی‌های بازرس مولر و کمیته سنا در مورد ارتباطات تیم انتخاباتی ترامپ و روسیه استحکام روابطی آمریکا با روسیه که ترامپ به دنبال آن است دچار تغییر و تحول شود.

آن ایجاد تفرقه میان کشورهای اروپایی عضو ناتو و عضو اتحادیه اروپاست. به گونه‌ای که ایالات متحده آمریکا بتواند با استفاده از این تفرقه، شعار اول آمریکا را پیش ببرد. در حال حاضر دوران گذار نظم بین‌الملل است و در این دوران ایالات متحده با هدف آنکه جایگاه مربوط به ابرقدرتی و هژمونی‌اش را در دنیا حفظ کند، نیازمند آن است که دشمنانی برای خود تعریف کند. لزوماً هم این دشمنان در عرصه نظامی یا سیاسی نیستند ولی در عرصه تجاری امروزه اتحادیه اروپا، روسیه و چین می‌توانند دشمنان بالقوه آمریکا برای عبور از این دوران گذار تلقی شوند.

**با توجه به برخی سیاست‌هایی که ترامپ در پیش گرفته مانند تعرفه‌ها یا خروج از پیمان‌ها، می‌توان گفت که به تدریج به عصر فروپاشی روابط دو سوی آتلانتیک نزدیک شده‌ایم؟**

▲ بعید می‌دانم که به سرعت این فروپاشی اتفاق بیفتد زیرا همان‌طور که اشاره شد هم اتحادیه اروپا و هم عقلای کشورهای دیگر به دنبال خریدن زمان هستند تا بتوانند به نوعی ترفندهای ترامپ را خنثی کنند. زیرا اگر در انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره، دموکرات‌ها اکثریت را در دست بگیرند، مسائل برعکس خواهد شد و بسیاری از مشکلات از بین خواهد رفت. در نهایت اتحادیه اروپایی به لحاظ قدرت اقتصادی و نظامی در شرایطی نیست که نتواند بتواند در مقابل آمریکا ایستادگی کند و ممکن است در بزرگ‌راه‌های تاریخی پای خود را کنار بکشد. بنابراین اروپا قصد ندارد که با آمریکا جنگ تجاری راه بیندازد.

**روابط فعلی ترامپ با روسیه را چطور می‌توان ارزیابی کرد و چرا تا حدودی رئیس‌جمهور آمریکا اصرار به بهبود روابط با روسیه دارد؟**



## دلسردی بریتانیا

### لندن نمی‌تواند به واشنگتن اتکا کند

#### آزاده طاهری

کارشناس مسائل اروپا

دونالد ترامپ که قرار بود نزدیک‌ترین دوست انگلیس در فردای خروج از اتحادیه اروپا باشد، در حالی با تاخیر و البته در میان اعتراضات گسترده به این کشور سفر کرد که چیز زیادی از توهم دوستی با وی باقی نمانده است. رئیس‌جمهوری جنجالی آمریکا در این سفر نیز با سخنان و رفتارهای غیرمتعارفش خبرساز شد. رفتارهای وی از نشستن معنا دار روی صندلی چرچیل گرفته تا بی‌اعتنایی به پروتکل خاندان سلطنتی در دیدار با ملکه، برای انگلیسی‌ها تحقیرآمیز و ناخوشایند بود. اما داستان به اینجا ختم نشد و رئیس‌جمهوری آمریکا به طور علنی درباره نحوه خروج انگلیس از اتحادیه اروپا اظهار نظر و آشکارا از یکی از طرفین دعوا در این کشور یعنی بوریس جانسون حمایت کرد.

ترامپ در حالی که برای ترمز می‌تعیین تکلیف می‌کرد که چگونه مذاکره با اروپایی‌ها را پیش ببرد، تهدید کرد اگر لندن بخواهد طرح‌های وی را برای روابط انگلیس با اتحادیه اروپا پس از برگزیت اجرا کند، شاید قرارداد تجارت آزاد این کشور با آمریکا غیرممکن باشد.

رئیس‌جمهوری آمریکا در شرایطی که جانسون به عنوان شاخص‌ترین چهره اروپاستیزان انگلیس برای تحت فشار قرار دادن ترمز می‌از کابینه خارج شده است، گفت جانسون می‌تواند نخست‌وزیر خوبی برای انگلیس باشد. ترامپ که طرح نخست‌وزیر انگلیس را خیانت به رای‌دهندگان این کشور توصیف کرد، خود در جریان رقابت‌های انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۱۶ آمریکا بارها رای آنها را به خروج از اتحادیه اروپا ستوده و پیش‌بینی کرده بود سایر کشورهای اروپایی نیز راهی مشابه پیش می‌گیرند. همین سخنان بود که دل انگلیسی‌ها را به داشتن هواداری مهم در کاخ سفید گرم کرد و موجب شد ترمز می، اولین رهبر خارجی باشد که پس از پیروزی ترامپ راهی آمریکا شود و با وی دیدار کند.

لندن امیدوار بود این شریک قدرتمند بتواند در راه سخت و دردناک خروج از اتحادیه اروپا تکیه‌گاهی مهم باشد و تجارت با آمریکا بتواند دست کم بخشی از زیان‌های اقتصادی ناشی از خروج از بازار واحد اتحادیه اروپا را جبران کند. در چنین شرایطی بود که بحث شکل‌گیری نوع جدیدی از اتحاد میان انگلوساکسون‌ها در دو سوی اقیانوس اطلس در دوران پسابزرگیت و آمریکای تحت رهبری ترامپ مطرح شد.

ساکن جدید کاخ سفید اما امید انگلیسی‌ها را ناامید کرد و سیاست‌های حمایت‌گرایانه وی مبتنی بر شعار اول آمریکا، جای تردیدی باقی نگذاشت که لندن نمی‌تواند به اتکای واشنگتن دست از همسایگان اروپایی‌اش بشنود. ناامیدی از اینکه آمریکای ترامپ بتواند منجی انگلیس در دوران گذار باشد در کنار روشن شدن تبعات سنگین خروج از اتحادیه اروپا، دولتمردان انگلیس را یا شاید بهتر باشد بگوییم عقلای آنها را به این نتیجه رساند که راهی جز انتخاب گزینه برگزیت نرم پیش روی آنها نیست. با این حال چرا ترامپ که به خواسته‌های انگلیسی‌ها برای تقویت روابط تجاری میان دو کشور توجه نکرده است اکنون به تندی طرح ترمز می را به باد انتقاد می‌گیرد و چرا به طور علنی از حامیان خروج سخت از اتحادیه اروپا دفاع می‌کند؟ در راهبرد وی که مبتنی بر سوداگری، مطالبه‌گری حداکثری و البته ویرانگری است، تکیه و تقویت اتحادهای قدیمی اگر نگوییم جایی ندارد، دست کم در اولویت نیست. در حالی که ترامپ متحدان آمریکا در اتحادیه اروپا و ناتو را تهدید و تحقیر می‌کند شاید نتوان انتظار داشت برای تقویت اتحاد دیرینه میان انگلوساکسون‌ها گامی جدی بردارد. برای ترامپ، خروج انگلیس به معنای ترک برداشتن دیوارهای پروژه اروپاست اما این لزوماً به این معنا نیست که وی آماده است با قراردادهای تجاری و سوسه‌برانگیز که در چارچوب سیاست‌های حمایت‌گرایانه وی نمی‌گنجد، موضع انگلیسی‌ها را در برابر بروکسل تقویت کند.

اکنون لندن دلسرد از ترامپ تلاش می‌کند تا جای ممکن از هزینه‌های سنگین خروج از اتحادیه اروپا بکاهد، تلاشی که اگر در راستای تقویت اتحادیه اروپا نباشد، دست کم در جهت تضعیف آن نیست. همین مساله است

که ترامپ را واداشته است به گفته برخی از پشت به ترمز می خنجر بزند، به طور علنی از طرح وی برای خروج از اتحادیه اروپا انتقاد کند و اروپاستیزان انگلیسی را مورد لطف قرار دهد. از این منظر شاید بتوان گفت برگزیت و در نگاهی کلی تر عرصه سیاسی در انگلیس به صحنه‌ای برای هموردی اروپا و آمریکای تحت رهبری ترامپ بدل شده است. ترامپ و همفکرانش امیدوار بودند با خروج انگلیس راه برای خروج سایر اعضا و در نهایت شاید فروپاشی اتحادیه اروپا به عنوان یکی از منابع نگرانی راهبرد یکجانبه‌گرایی وی هموار شود. وی که از دشمن خواندن شرکای اروپایی آمریکا ابایی ندارد، دوست ندارد ببیند الگوی برگزیت به عنوان الگوی شکست‌خورده خروج از اتحادیه اروپا تعریف شود. ادامه همکاری لندن با اتحادیه اروپا در قالب یک توافق تجارت آزاد نه برای اروپاستیزان خوشایند است نه برای ترامپ.

از سوی دیگر، راهبرد یکجانبه‌گرا و تمامیت‌خواه آمریکای ترامپ، نه انگلیس قدرتمند را می‌خواهند و نه اتحادیه اروپای منسجم را تحمل می‌کند. برای طرفداران راهبرد «اول آمریکا» که منافع این کشور را در اولویت قرار می‌دهد، دیگر نه فقط چین و روسیه، بلکه اروپایی‌ها هم تهدید تلقی می‌شوند. از این رو می‌توان درک کرد که چرا ترامپ با وجود حمایت سرسختانه از برگزیت حاضر نشد گامی جدی برای حمایت از انگلیس در روند خروج از اتحادیه اروپا بردارد. در مقابل اروپایی‌ها و انگلیسی‌ها که سخت از مواضع دولت مستقر در آمریکا ناراضی هستند و از تهدیدهای تجاری و دشمنی‌های ترامپ به ستوه آمده‌اند نیز تلاش می‌کنند تسلیم این رویکرد جدید نشوند که تقویت آمریکا را حتی به پهای تضعیف متحدان آن سوی اقیانوس خود دنبال می‌کند و بی‌محایا نظم هنجارمحور و معیارهای چندجانبه‌گرایی را زیر سوال می‌برد.

هنوز نمی‌توان گفت ترامپ ملی‌گرایان افراطی در اروپا و به طور خاص انگلیس را دلسرد کرده است اما از آن شور و حرارتی که با روی کار آمدن وی در میان اروپاستیزان شکل گرفت، خبری نیست. دست کم در کوتاه‌مدت آن گونه که پیش‌بینی می‌شد آمریکای ترامپ موجب تقویت ملی‌گرایان ناراضی از بروکسل نشد اما ترامپ همچنان امیدوار است همفکران اروپایی‌اش بتوانند موجب افزایش شکاف در اتحادیه اروپا شوند. در این میان هستند کسانی که امیدوارند شاید تلاش‌های وی بتواند نتیجه معکوسی به همراه داشته باشد.





# یک بام و دو هوای ترامپ در انگلیس

## آیا رئیس جمهور فعلی آمریکا به روابط با متحد دیرین لطمه می زند؟

علی خرم

کارشناس مسائل اروپا



روابط و همکاری های آمریکا و بریتانیا از زمان جنگ جهانی دوم یعنی از سال ۱۹۴۴ و یا پیش از آن استالین به تهران سفر کردند و نام ایران را پیل پیروزی گذاشتند، خیلی نزدیک شد و دو کشور طرح حمله به آلمان و متحدان آن را پی ریزی کردند و پیروان نیز موفق شدند در جنگ پیروز شوند.

بریتانیا با توجه به اینکه می دانست و می داند که قدرتش رو به افول است با هدف آنکه بتواند جایگاه خود را حفظ کند از نظر سیاسی و قدرت به آمریکا تکیه کامل می داد. در این خصوص شاهد بودیم که وینستون چرچیل، نخست وزیر وقت بریتانیا گفته بود که روابط لندن و واشنگتن یک روابط ویژه ای است. به دنبال آن، دیگرانی هم که در قدرت حضور یافتند مانند مارگارت تاچسر و حتی نخست وزیران بعدی تا دیوید کامرون و ترزاسی همواره از این عنوان برای روابط دو کشور استفاده می کردند که آمریکا و بریتانیا انگلستان یک دست هستند و آنها با این تصور رفتار می کردند. همچنین شاهد بودیم که در دوران جورج بوش پسر، بریتانیا بدون آنکه پارلمان کشور را مطلع کند دو بار همراه آمریکا در جنگ با عراق شرکت کرد. بعدتر مشخص شد که نه این جنگ مجوزی داشته و نه مشروع بوده است. اما با هدف آنکه بریتانیا بتواند نشان دهد که همه جا یار آمریکا است دست به چنین اقدامی زد. در دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ در آمریکا تا حدودی شرایط تغییر کرده و وی این فرمول ۷۳ را شکست و برهم ریخت. بریتانیا و آمریکا طی بیش از هفت دهه گذشته روابط بسیار نزدیکی داشتند ولی ترامپ برای اولین بار با اقداماتش تمام معادلات گذشته حتی با متحدان خود را برهم زده و در امور داخلی انگلیس به وضوح دخالت کرده است. او در اظهاراتش گفته که به جای ترزاسی، بوریس جانسون نخست وزیر بهتری خواهد بود. این حرف نهایت دخالت در امور داخلی یک کشور است. از دیگر سو محور اصلی مشکلات ترامپ با انگلیس یا شخص ترزاسی نیز به بحث برجام مربوط می شود. زمانی که

ترزاسی به آمریکا سفر و ترامپ را نصیحت کرد که به صلاح جهان و متحدان آمریکاییست که این کشور از برجام خارج شود، از آن زمان، ترامپ به نوعی کینه ترزاسی را به دل گرفت و چند بار نیز گفت که مایل نیست که با نخست وزیر بریتانیا روبه رو شود. ترامپ گفته بود این خانم گمان می کند معلم من است و من را نصیحت می کند! کمی بعد، سفر ترامپ در پاسخ به سفر ترزاسی می به واشنگتن انجام گرفت. در این سفر نیز دونالد ترامپ عقل، منطق، رفاقت و سابقه اتحاد میان بریتانیا و آمریکا را رعایت نکرد و همزمان با انجام سفر با یکی از روزنامه های انگلیس به نام «سان» علیه ترزاسی مصاحبه ای انجام داد. باید توجه داشت که ترامپ همواره مخالف تشکیل اتحادیه اروپا و ایجاد وحدت در اروپا بوده است. البته تمام روسای جمهور آمریکایی همین نگاه را نسبت به اتحادیه اروپایی دارند و هیچ ابایی نیز نسبت به بیان کردن مواضع خود نداشته اند اما ترامپ در اسکاتلند به نوع دیگری این مساله را مطرح کرد. نباید از نظر دور داشت که مادر ترامپ اهل اسکاتلند است و ترامپ در منطقه اسکاتلند بریتانیا سه زمین گلف با هدف پیگیری کارهای تجاری دارد. رئیس جمهور آمریکا طی سفر اخیرش به بریتانیا به دلایل سیاسی تصمیم گرفته که از زمین های گلف دیدن کند و از سوی دیگر مطلع بود که مردم اسکاتلند مخالف خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا هستند. بنابراین ترامپ اینجا نیز خلاف استراتژی آمریکا عمل کرد و به انتقاد از ترزاسی می پرداخت مبنی بر اینکه چرا می خواهد از اتحادیه اروپا خارج شود. این صحبت های ترامپ فقط از این جهت بود که بتواند نزد مردم اسکاتلند خود را محبوب کند. لذا در این مورد ترامپ سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن را در قبال متحد اول آمریکا در جهان یعنی بریتانیا به اجرا گذاشت. یعنی او شخص نخست وزیر بریتانیا را بر سوال برد، سیاست آمریکا را کاملاً نادیده گرفت و اظهاراتی را بیان کرد که نزد مردم اسکاتلند محبوب شود. این در حالی است که مردم انگلیس حساسی از خجالت رئیس جمهور آمریکا در آمدند و در همه شهرها شاهد برپایی تظاهراتی علیه دونالد ترامپ بودیم. میزان اعتراضات مردمی در حدی بود که خود آمریکایی ها توصیه کردند که ترامپ به هتل نرود و در اقامتگاه سفیر در اسکاتلند ساکن شود. بنابراین سفر اخیر ترامپ حالت رسمی به خود نگرفت و اختلافات

بین بریتانیا و آمریکا نیز تا حدودی تشدید شد. در حال حاضر یکی از مشکلات در بریتانیا بحث خروج از اتحادیه اروپا است. تا به امروز آمریکایی از حامیان اصلی خروج انگلیس از این اتحادیه بوده است و حتی ترامپ نیز همین نظر را دارد، اما وی نزد اسکاتلندی ها با هدف آنکه بتواند خود را فرد موجهی جلوه دهد و مطابق نظر آنها صحبت کند از عدم خروج انگلیس از اتحادیه اروپا حمایت کرد. در خصوص بحث خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا مشکلات بسیاری را شاهد هستیم و حتی دو وزیر مرتبط با این مساله یعنی وزیر برگزیت و وزیر خارجه که حامی خروج سخت از اتحادیه بودند طی هفته های گذشته از سمت خود استعفا دادند. ترزاسی نخست وزیر بریتانیا معتقد است که باید خروج نرم از این اتحادیه داشته باشند تا صدمات کمتری وارد شود. همچنین از آنجا که ایرلند شمالی و اسکاتلند می خواهند در اتحادیه اروپا بمانند، این تهدید برای انگلستان بسیار جدی است؛ چرا که با خروج این دو ایالت از نظام پادشاهی بریتانیا این کشور با خطر تجزیه روبه رو خواهد شد و برای همین قضیه خروج از اتحادیه اروپا برای دولت انگلیس به یک کلاف سر در گم تبدیل شده است. در همین زمان خانم می با مندا کراتی که انجام داد سعی کرد نشان دهد که ظاهر قصد خروج از اتحادیه اروپا را دارد، ولی در نهان کوشید منافع ایرلند و اسکاتلند را هم حفظ کند؛ بنابراین راجع به مناطق آزاد اقتصادی بین بریتانیا و اتحادیه اروپا حرف زد و کار تا جایی پیش رفت که آرام آرام همه مخالفان ماندن در اتحادیه اروپا متوجه شدند که موضوع تغییر کرده و ممکن است بریتانیا در عمل خارج نشود یا همان رفتار و سیاست های گذشته با اتحادیه اروپا را حفظ کند. به همین دلیل بود که اتحادیه اروپا هم سعی کرد به صورت جدی در مقابل خواسته های بریتانیا مقاومت کند و به این کشور بگوید در صورت خارج شدن از اتحادیه باید هزینه سنگینی بپردازد. در نهایت باید توجه داشت تا زمانی که ترامپ در راس قدرت حضور دارد اختلافات میان انگلیس و آمریکا هر از چند گاهی خودنمایی می کند اما با کنار رفتن ترامپ حتماً این دو متحد قدیمی روابط خاص خود را از سر خواهند گرفت. البته این مساله فقط مربوط به انگلیس نیست و ترامپ با تمام کشورهای اروپایی درافتاده است. در چنین شرایطی، جمهوری اسلامی ایران با درک واقعیت موجود در دو طرف آتلانتیک باید آگاه باشد که می تواند میان آمریکا و اروپا قرار بگیرد؛ بخصوص اکنون در شرایطی که آمریکا یک جانبه از برجام خارج شده تهران می تواند نهایت استفاده را از این اختلافات ببرد و روابطش را با کشورهای اروپایی با هدف حفظ برجام و تامین منافع تقویت کند.



P™ FINAL 2018



## تفاوت دشان

فرانسه مستحق قهرمانی بود

بالاخره هم خود را به فینال رساندند. اما به نظر آنچه باعث اختلاف سطح دو تیم حاضر در فینال شده مسائل تکنیکی یا تاکتیکی بلکه بیشتر به مساله آمادگی بدنی برمی گشت. کرواسی از سه بازی که به وقت های تلف شده رفته بود به فینال آمد و از این جهت خیلی خسته بود. آنها به اندازه کافی فرصت نداشتند که برای فینال ریکاوری کنند. برعکس حریف این تیم یعنی فرانسه با بدن هایی آماده و سر حال به فینال آمد و اتفاقی دانست که در این مورد مهم نسبت به کرواسی برتری دارد و به بهترین شکل ممکن از این امتیاز خود استفاده کرد. من اختلاف دو تیم را فقط در همین مورد می دانم. شاید خیلی ها بگویند برای کروات ها مهم این بود که به فینال برسند. موافق نیستم. آنها قهرمانی می خواستند. آنها برای رسیدن به قهرمانی جام جهانی بود که آن طور تلاش کردند و خود گذشتگی نشان می دادند. بنابراین نمی توانیم بگوییم شخصیت یکی از فینالیست ها بالاتر از دیگری بود. هر دو تیم با شخصیت خاصی در درون زمین بازی کردند. کرواسی شخصیت تلاشگر و شجاع تیمی اش را بارها به مخاطبان فوتبال نشان داد. همان طور که فرانسه نشان داد تا چه حد در دنیای فوتبال مقتدر است و می تواند هر کاری را انجام بدهد. با همه اینها من اعتقاد دارم که شانس هم با فرانسه یار بود. آنها تیمی

ارائه دهیم. در مورد فینالیست ها نیز نظرات مختلفی وجود دارد. خیلی ها تصور می کردند به جای کرواسی تیم دیگری به فینال خواهد رسید. همه از برزیل و اسپانیا حرف می زدند اما تیم هایی که تیم تر بودند موفق شدند ستاره ها را از جام جهانی بیرون بپندازند. رفته رفته اطمینان حاصل کردیم که این جام با جام های قبلی فرق دارد. اگر فرانسه به فینال نمی آمد همه آن چیزی که درباره جام ۲۰۱۸ پیش بینی کرده بودند اشتباه از آب درمی آمد و من خیلی امیدوار بودم این اتفاق رخ دهد اما فرانسه تیم دیگری بود. مثل سیر مدعیان نبود که دور را به تیم های دیگر بدهد. حذف آنها یا بهتر بگویم شکست دادن این تیم بسیار سخت است. خیلی ها گمان می کردند که این تیم را در جمع چهار تیم پایانی ببینند. حتی فینالیست شدن این تیم هم مورد اتفاق نظر خیلی ها بود. با این حال کمتر کسی فکر می کرد که کرواسی به فینال جام جهانی راه پیدا کند. کرواسی تیم بسیار خوب و منظمی نشان داد. آنها از همان بازی های ابتدایی شان ثابت کردند که یک تیم هستند. یک تیم به تمام معنا بازیکنان فداکارانه و با شجاعت خاصی بازی کردند. زحمت کشیدند. سخت تلاش کردند تا تیم شان را در بازی های حساس بالا بکشند. حتی وقتی از حریفان خود عقب افتادند با صبر و تلاش خاصی به بازی برگشتند و

علی اصغر مدیر روستا

مربی فوتبال



جام جهانی روسیه با قهرمانی تیمی به پایان رسید که اگر چه لایق این عنوان بود اما من به شخصه علاقه داشتم که کرواسی جام را به خانه ببرد. باید بپذیریم که ما طی یک ماه اخیر شاهد بازی های فوق العاده ای از سمت کرواسی و فرانسه بودیم. نه تنها این دو تیم بلکه همه تیم های حاضر در جام جهانی نشان دادند که حضورشان در روسیه بی دلیل نیست. واقعا هر یک از بازی ها پر از درس های فنی بود. درس هایی برای مربیانی که می خواهند فوتبال را امروزی تر ببینند. فکر می کنم جام جهانی روسیه از این جهت خیلی دیدنی بود. شما از هر نظر که فکرتان را بکنید جامی دیدنی بود. نحوه برگزاری بازی ها بسیار خوب و منظم بود و عملکرد تیم ها نیز نشان می داد که با جام قابل توجهی روبه رو هستیم. جامی پر از شگفتی و اتفاقاتی که همه مان را غافلگیر کرد. من معتقدم خود ما نیز بخشی از این شگفتی بودیم وقتی موفق شدیم مقابل تیم های بزرگ بازی های بسیار خوبی داشته باشیم و نمایشی آبرومندانه





بعدی شد تا در ضدحمله‌ها از سرعت بازیکنانی مثل امپاچه و متوئیدی نهایت استفاده را ببرد فرانسه همه ما را به یاد تیم ۹۸ انداخت. آن تیم هم که قهرمان شد و برزیل را شکست داد همین اندازه با اقتدار و با برنامه کار می‌کرد و در میانه میدان هیچ تیمی حریف‌شان نمی‌شد. بنابراین اتفاق بزرگ‌تر جایی رخ داد که نیمکت‌ها را از ابتدای بازی زیر نظر گرفتیم. دشان نسبت به دلیچ آرامش بیشتری داشت. لااقل من این طور فکر می‌کنم و به نظر تفاوت این دو مربی در فینال مشخص شد. دشان که در سال ۹۸ جام جهانی را به عنوان کاپیتان تیم ملی فرانسه بالای سر برده بود حالا به عنوان سرمربی این تیم جام ۲۰۱۸ را فتح کرد تا همه بدانند او چه کیفیت بالایی دارد. اما در پایان ما یلم به یک نکته اشاره کنم؛ همیشه تیم‌هایی که قهرمان جام جهانی می‌شوند تا چند سال بعد هم می‌توانند در فوتبال حاکمیت خودشان را تثبیت کنند. در مورد فرانسه هم اگر چه معتقدم در جام جهانی بعدی کار سختی برای دفاع از عنوان قهرمانی خواهد داشت اما نکته‌ای که در مورد این تیم وجود دارد به جوان بودن آنها برمی‌گردد. دشان تیمی جوان را مهیای فوتبال و هنرنمایی در مسابقات آینده کرده که به نظرم می‌تواند تا سال‌ها قهرمان بلامنازع فوتبال جهان باشد.

بالاخره خودشان را پیدا کردند اما برای بازگشت کمی دیر شده بود. در مورد فرانسه باید بپذیریم که آنها تیمی بودند که کاملاً اقتدار را معنا کردند. آنها شخصیت خودشان را به همه رقیبان‌شان دیکته کردند و در نهایت قهرمان جام جهانی شدند. تیمی با استخوان‌بندی فوق‌العاده که باعث می‌شد بازی را برای هر تیمی سخت کنند. اما یکی از دلایل موفقیت آنها حضور بازیکنان آفریقایی‌الصل در این تیم بود. بازیکنان آفریقایی‌الصل فرانسه واقعا این تیم را از سایر مدعیان متمایز کردند و از فرانسه تیمی دونده، قلدر و فیزیکی ساختند که در میانه میدان بازی را از هر خط میانه‌ای می‌برد.

فرانسه می‌دانست از هر بازی چه می‌خواهد. آنها کرواسی را به خوبی آنالیز کرده بودند و می‌دانستند تیمی که برای اولین بار به فینال رسیده این پتانسیل را دارد که به بازی احساسی روی آورد. به همین دلیل بود که فرانسه سعی کرد کرواسی را خسته کند. توپ و میدان را در اختیار آنها قرار داد تا آنها را از نفس بیندازد. آنها را خسته کرد تا مرحله بعدی برنامه‌اش را اجرا کند. بنابراین وقتی کرواسی گل مساوی را به ثمر رساند دیگر اجازه نداد که توپ و میدان در اختیار این حریف سختکوش باشد. روی دروازه حریف فشار وارد کرد تا به گل برسد. بعد از گل هم مترصد موقعیت‌های

خسته را در فینال ملاقات کردند و مهم‌تر در فینال آن هم در شرایطی که کرواسی گل مساوی را به ثمر رسانده بود و روحیه بسیار خوبی برای ادامه بازی داشت، صاحب یک ضربه پنالتی شدند.

آن پنالتی در بدترین شرایط ممکن علیه کرواسی رقم خورده و به نوعی فرانسه را نجات داد. شاید اگر آن پنالتی اتفاق نمی‌افتاد باز هم فرانسه می‌توانست در موقعیت‌های دیگری دروازه کرواسی را باز کند اما نه به آن سادگی که همه دیدیم. گل‌های سوم و چهارمی که کرواسی خورد حاصل از دست رفتن تمرکز تیم کرواسی بود و فرانسه به عنوان تیمی زهدار به خوبی موفق شد از ضعف حریف خود بهره ببرد. اما من دوست داشتم کرواسی قهرمان شود. درست است که فرانسه تیم مقتدر و خوبی بود اما کروات‌ها به معنای واقعی یک تیم بودند. آنها به اندازه فرانسه پر مهره و پرستاره نبودند اما همگی در خدمت تیم بودند. درست است که آنها مودریچ، راکیتیچ و مانژوکیچ را داشتند اما همه می‌دانیم که این ستاره‌ها مسمی و رونالدو نیستند. بنابراین کرواسی با همین بازیکنان جوان هم موفق شد فوتبالی روان و هجومی ارائه کند، فوتبالی که همه از دیدن آن لذت می‌بردیم. آنها مالکیت توپ را در اختیار داشتند. موقعیت‌های زیادی در هر بازی خلق کردند و در فینال هم



## تیم قابل ستایش

نباید تیم دشان را با فرانسه ۹۸ مقایسه کنیم

بهتاش فریبا

مربی فوتبال



وقتی جام ۲۰۱۸ آغاز شد تصور من این بود که چهار تیم شانس کسب عنوان قهرمانی در جام جهانی را دارند؛ برزیل، آلمان، اسپانیا و بلژیک. اما سه تیم از بین اینها حذف شدند. تنها بلژیک بود که موفق شد خود را به جمع چهار تیم برتر جام برساند. اسپانیا که شرایط به هم ریخته‌ای داشت. سرمربی این تیم، لوپتکی، دو روز قبل از شروع بازی‌ها از کار برکنار شد و جای خود را به فرناندو هیرو داد و نتوانست در مرحله حذفی نتیجه قابل قبولی کسب کند. از سویی دیگر آلمان‌ها یک تیم خسته و بی انگیزه بودند. تیمی که انگار در زمین مسابقه راه می‌رفتند. برزیل هم که اسیر خودخواهی نیمار شده بود و عملاً نمی‌توانست خود را در جمع چهار تیم پایانی جام ببیند. با این حال من همان موقع هم عرض کردم که با توجه به بازی‌های مرحله گروهی چهار تیم هستند که نسبت به بقیه تیم‌ها تیم‌تر هستند؛ فرانسه، کرواسی، بلژیک و اروگوئه. با مصدومیت ادینسون کاونانی اروگوئه هم نتوانست خود را بالا بکشد اما سه تیم دیگر ماندند و همه را نشگفت زده کردند. البته در مورد دو تیم بود که همه ما شگفت زده شدیم؛ کرواسی و بلژیک. اینها تیم‌هایی بودند که خیلی زحمت کشیدند و به همین دلیل به نوعی نزد هواداران فوتبال ایجاد سمپاتی کرده بودند.

اما فرانسه؛ تیمی که خیلی‌ها با احترام در موردش صحبت می‌کنند. آنها واقعاً تحسین برانگیز بازی کردند. در همه بازی‌ها خوب بودند و موفق شدند جام جهانی را به خانه‌شان ببرند. خط به خط این تیم را اگر بررسی کنید متوجه می‌شوید که فرانسه چقدر تیم قدرتمند و شایسته‌ای بود. شما به کاتنه نگاه کنید. بهترین هافبک دفاعی جام

بود. به نظرم این بازیکن یکی از بهترین بازیکنان در پست هافبک دفاعی است. اصلاً اجازه نمی‌داد حریف بازیسازی کند. همه توپ‌ها را جارو می‌کرد و بازیکنی برای تخریب هر مهاجمی به شمار می‌رفت. یک خط جلوتر شما پوگبا را داشتید. بازیکنی با گام‌های بلند و تکنیکی عجیب که نمایش قابل توجهی داشت و موفق به گلزنی هم شد. یک خط جلوتر شما گریزمان را داشتید. بازیکنی باهوش و سرعتی که خط دفاعی هر تیمی را با مشکل مواجه می‌کرد. در سمت راست شما بازیکن جوانی به نام امپایه را داشتید. فوق العاده بود، سرعتی، جنگنده و گلزن. در سمت چپ میدان متونیدی لاغر اندام را داشتید که بسیار تلاشگر ظاهر می‌شد و خیلی از توپ‌ها را به راحتی نصیب خود می‌کرد. این بازیکن در شرایط فشار به کمک تیمش می‌آمد و با دو دریبل راحت و ساده تیمش را در حالت حمله قرار می‌داد و گاهی هم نقش متعادل سازی را در زمین ایفا می‌کرد. در خط حمله شما ژیرو را داشتید. بازیکنی که به نظرم یکی از بهترین مهره‌های فوتبال فرانسه است. عده‌ای می‌گویند این مهاجم نتوانست انتظارات را برآورده کند اما من می‌گویم در جام جهانی مربی یک تیم با هیچ بازیکنی شوخی ندارد. اگر ژیرو بازیکنی بود که به کار دشان نمی‌آمد، قطعاً او را به روسیه نمی‌برد. بنابراین باید بگویم ژیرو یکی از بهترین‌ها بود. او مدافعان حریف را آن قدر تحت فشار قرار می‌داد که دیگر بازیکنان هجومی تیم ملی فرانسه نتوانند آزادانه و بدون کمترین دردسر به محوطه جریمه حریف برسند و گل بزنند. فرانسه یک تیم به تمام معنا بود. تیمی پر از مهره‌های قدرتمند. به نظرم یکی از بهترین تعویض‌های دشان در فینال رقم خورد. جایی که کاتنه را از بازی بیرون کشید و انژونزورا به بازی فرستاد. گزارشگر بازی به این نکته اشاره کرد که کاتنه به دلیل اینکه در خطر اخراج و دو کارت زرد قرار دارد از بازی بیرون آمد اما گذشته از این باید به این موضوع دقت کنیم که کرواسی قطعاً بازی مستقیم‌تر را در دستور کارش قرار می‌داد تا گل‌های

خورده را جبران کند. بنابراین فرانسه در خط هافبک خود نیاز به بازیکنی سرزن داشت تا اجازه بازی‌سازی مستقیم را به حریف ندهد. البته نباید از کنار کرواسی بگذریم. قدرت فرانسه جایی مشخص شد و همه را وادار به تحسین کرد که موفق شد یکی از سرسخت‌ترین تیم‌های جام جهانی را در فینال شکست دهد. کرواسی یک تیم فوق العاده بود. یک تیم منسجم که به نظرم اگر خسته نبود در فینال آن طور شکست نمی‌خورد و بازی به مراتب جذاب‌تری را در فینال جام جهانی روسیه شاهد بودیم. باید بی‌پذیریم که جنازه کرواسی به فینال رسید و آنها واقعاً خسته بودند. سه بازی ۱۲۰ دقیقه‌ای باعث شده بود تا آنها از روزهای اوج خودشان فاصله بگیرند. سر حال نبودند. مثل همیشه جنگنده ظاهر نشدند. وقتی از حریف عقب افتادند یک بار موفق شدند به بازی برگردند اما بار دوم دیگر توان مبارزه کردن را نداشتند. گل دومی هم که به ثمر رساندند روی اشتباه مسلم لوریس به ثمر رسید و گر نه بعد بود آنها بتوانند اختلاف را به دو گل برسانند. نباید از کنار این مساله به راحتی بگذریم که کرواسی در این جام هم خودش را به دنیای فوتبال ثابت کرد و هم اینکه نشان داد برخی بازیکنان این تیم از جمله مودریچ تا چه حد لایق بزرگی در جهان فوتبال هستند. این بازیکن فوق العاده ظاهر شد. به جز بازی فینال آمار نشان می‌داد که او ۶۴ کیلومتر دویده است. دیگر خودتان باید بقیه ماجرا را بخوانید که این بازیکن چه گوهری برای فوتبال کرواسی است. جالب اینکه بقیه بازیکنان کرواسی آمار بهتری هم ثبت کرده‌اند. بنابراین کرواسی تیم بزرگی بود و به شدت قابل احترام. با همه اینها اما فرانسه شایسته قهرمانی بود. هر چند عده‌ای سعی دارند این تیم را با تیم ۹۸ فرانسه مقایسه کنند اما من چندان با این مقایسه موافق نیستم. تیم ۹۸ فرانسه بازیکنانی داشت که هر کدام شان یک تیم بودند؛ زیدان، لیزارازو، ماکلله، ویرا، دزایی. اینها دیگر تکرار نشدند. بازیکنانی که در یک مقطع از فوتبال فرانسه عصری طلایی را رقم زدند. هر چند این تیم جوان دشان هم این قابلیت را دارد که به تیم بزرگی تبدیل شود و در تورنمنت‌های آینده افتخارات دیگری را هم از آن خود کند اما با این حال نباید فراموش کنیم که مدعیان حذف شده در جام ۲۰۱۸ در یورو ۲۰۲۰ و جام جهانی بعدی با توپ برمی‌گردند. آن وقت فرانسه به چیزی بیشتر از آنچه امروز باعث قهرمانی‌اش شد نیاز دارد.



# قهرمانی فرانسه یعنی پیروزی کار تیمی برابر ستاره‌ها

## فرانسه سبک مشخصی ندارد اما فوتبال را کاملا بلد است



اصغر مازریار  
کارشناس فوتبال

وقتی کرواسی و فرانسه فینالیست‌های جام جهانی ۲۰۱۸ شدند بیشتر به این نتیجه رسیدیم که فوتبال بازی تیم‌هاست نه بازی ستاره‌ها. تیم است که شما را به مقصد می‌رساند نه صرفا داشتن یک یا چند ستاره. باید بپذیریم که فوتبال تغییر کرده و جام جهانی روسیه بیش از هر جام دیگری حامل این پیام بود که کار تیمی است که تکلیف فاتحان فوتبال را روشن می‌کند. واقعیت این است که این جام به ما ثابت کرد تیم‌هایی موفق می‌شوند که لیگ پویا و رو به جلویی داشته باشند. تیم‌هایی موفق می‌شوند که جریان فوتبال در آن کشورها در مسیر توسعه قرار گرفته است. در مورد قهرمان جام جهانی که قطعا این موضوع شاهدهی بر ادعای بنده است. فرانسه حالا چند سالی است در کنار پشتوانه‌سازی بسیار قابل توجهی که در بخش تیم‌های ملی پایه خود داشته به پویایی لیگ داخلی‌اش نیز به طور ویژه توجه کرده است. یک لیگ استاندارد با کیفیتی بسیار بالا. حتی اگر بازیکنان تیم ملی فرانسه در این لیگ بازی نکنند در لیگ‌هایی شاغل هستند که در بالاترین سطح فوتبال قرار دارند. همین امر باعث می‌شود تا این بازیکنان از لحاظ آمادگی در بالاترین و بهترین فرم ممکن قرار داشته باشند. اما دو تیم فینالیست دوگانه جالبی بین هواداران فوتبال ساخته بودند. خیلی‌ها دوست داشتند کرواسی قهرمان شود. با احترام به همه سلیقه‌ها باید عرض کنم بعضی مواقع نگاه ما به نگاه هواداری نزدیک می‌شود. یعنی با خودمان می‌گوییم تیمی مثل کرواسی که با زحمت بسیار زیادی به فینال رسیده به طور حتم شایسته قهرمانی است اما اینکه بگوییم این تیم چون با زحمت زیادی به فینال رسیده بنابراین بیشتر از فرانسه استحقاق قهرمانی را دارد دیدگاهی است اشتباه و فکر نمی‌کنم این طرز فکر چندان منطقی باشد. با این حال معتقدم کرواسی بسیار شایسته بود. حضور این تیم در فینال کم از قهرمانی نداشت و ما با فوتبال و روش کروات‌ها در فوتبال بیگانه نیستیم. سال‌های سال است که مربیان کروات در فوتبال ایران مشغول کار هستند و ما نمی‌توانیم در مورد توانمندی‌های ویژه این مربیان تردید داشته باشیم. اما اگر خواهیم به بحث دوگانه کرواسی و فرانسه برگردیم باید عرض کنم که دیدگاه مربیان با دیدگاه هواداران تفاوت‌های جدی دارد. وقتی به عملکرد و تجربه دو مربی فینالیست جام جهانی نگاه می‌کنیم متوجه می‌شویم که دشمن ویژه‌تر را از آن خود می‌کند. مربی که به عنوان کاپیتان تیم ملی فرانسه بارها در میادین بزرگ جهانی حاضر شده و تجربه بردن جام جهانی به عنوان بازیکن را هم داشته است. او به خوبی تیمی را مهیا کرده بود تا در روسیه دست به کار بزرگ بزند. این کار که کسب قهرمانی بود را هم به بهترین شکل ممکن انجام دادند. اما چگونه؟ آنها چه مسیری را طی کردند؟ چه تغییراتی داشتند؟ نکته‌ای که در مورد تیم دشمن برای من جالب است اینکه آنها با وجود اینکه از لحاظ بدنی در سطح بسیار بالایی قرار داشتند اما وقتی به نتیجه لازم می‌رسیدند و از حریف‌شان پیش می‌افتادند به آب و آتش نمی‌زدند که

این برتری را تشدید کنند. شاید در برخی بازی‌ها از جمله در همین فینال جام جهانی موفق شدند تعداد گل‌های زده‌شان را بیشتر کنند اما تیمی بودند که در همین بازی‌های جام جهانی نشان دادند وقتی به هدف خود می‌رسند و نتیجه لازم را مقابل حریف خود کسب می‌کنند، دیگر ضرورتی برای ارائه بازی هجومی نمی‌بینند و حریف را اداره می‌کنند. آنها با این کار به خوبی و در نهایت حرفه‌ای گری انزوی خود را برای بازی بعدی ذخیره می‌کردند. به همین دلیل وقتی در فینال برابر کرواسی پیش افتاد و توانست اختلاف گل خود را با حریف بیشتر کند تصمیم گرفت در دفاع پایانی توپ و زمین را به حریف بدهد و کرواسی را اداره کند. البته این کار ساده‌ای نبود. آنها در فینال برنامه خاصی داشتند. یکی از مهم‌ترین برنامه‌های‌شان این بود که تیم خسته کرواسی را خسته‌تر کنند. کرواسی در حالی به فینال رسید که با انجام سه بازی ۱۲۰ دقیقه‌ای عملا ۹۰ دقیقه بیشتر از فرانسه بازی کرده بود. ما مربیان می‌گوییم یک بازی بیشتر. کرواسی با یک بازی بیشتر به فرانسه رسید و تیم دشمن سعی کرد این تیم نسبتا خسته را خسته‌تر کند. اما این کار هم ساده نبود. آنها باید با کپیچینگ راز کار می‌انداختند. این کار به بهترین شکل ممکن توسط پوگبا انجام شد. او نه تنها ماموریت مهار را کپیچینگ را به بهترین شکل ممکن انجام داد، بلکه موفق شد در فینال گلزنی کند. اما موضوع دیگری که ما یلیم درباره‌اش صحبت کنیم این است که عده‌ای گمان می‌کنند فتح جام جهانی یعنی شروع دوران حکمرانی تیم قهرمان به فوتبال دنیا. باید عرض کنم نمی‌شود به این معیار دل خوش کرد. اگر ملاک شروع سلطه یک تیم بر دنیای فوتبال قهرمانی‌اش در جام جهانی باشد، بنابراین با این منطق باید تداوم نداشتن این قهرمانی طی دوره‌های گذشته را نیز عامل بازدارنده سلطه این تیم‌ها بدانیم. بنابراین آنچه به نظر اهمیت دارد این است که فرانسه بتواند از پتانسیل قهرمانی جهان در راستای پویاتر شدن و توسعه لیگ فوتبال کشورش بهره‌بردار و لو شامپیون نه را نسبت به قبل تقویت و قدرتمندتر کند. با همه اینها به شکر خدا اعتقاد دارم که زود است بگوییم فرانسه قهرمان بلامنازع دنیای فوتبال خواهد بود و تا سال‌ها این قهرمانی‌ها ادامه‌دار است، نه، من این طور فکر نمی‌کنم چون فرانسه اساسا سبک مشخص و معرفی شده‌ای در دنیای فوتبال ندارد. شما به آلمان که نگاه می‌کنید آنها را صاحب سبک می‌بینید. فوتبال آنها به شدت مبتنی بر نظم و تاکتیک است. به اسپانیا که نگاه می‌کنید تیکی تاکارا می‌بینید؛ فوتبالی مبتنی بر مالکیت توپ. فوتبال ایتالیا را که نگاه می‌کنید متوجه می‌شوید که آنها در دنیای فوتبال صاحب سبک هستند. فوتبال‌شان مبتنی بر دفاع و ضد حمله است. سال ۲۰۰۶ این گونه قهرمان شدند. توپ و میدان را به حریف می‌دادند و آن وقت در ضدحملات کار هر تیمی که می‌خواست مقابل‌شان هجومی بازی کند را یکسره می‌کردند. با این اوصاف شما سبک خاصی از فرانسه در ذهن ندارید. اما ضمنا نباید فراموش کنیم که آنها همیشه فوتبال را خیلی بلد هستند و فوتبال را خوب بازی می‌کنند. تیم دشمن برای رسیدن به عنوان قهرمانی جهان نقشه راه داشت. آنها برای

هر لحظه از سفرشان به روسیه صاحب ایده و برنامه بودند. برای یکی دوروز برنامه‌ریزی نکرده بودند، بلکه می‌خواستند تا روز پایانی در روسیه بمانند و با جام این کشور را ترک کنند. اگر بخواهم در این بخش از حرف‌هایم نقدی به تیم ملی فوتبال کشورمان داشته باشیم باید عرض کنم که تیم آقای کی‌روش هم می‌دانست که از جام جهانی چه می‌خواهد و کاملا با برنامه حرکت کردیم. ما می‌خواستیم در جام جهانی گل نخوریم. در بازی اول آن قدر خوب مقاومت کردیم که حتی موفق شدیم حریف را وادار به اشتباه کنیم. بازی با پرتغال هم که موفق شدیم حریف‌مان را متوقف کنیم. درست است که حتی می‌توانستیم برنده از زمین بیرون بیاییم اما می‌خواهم بگویم با توجه به سیاستگذاری‌مان عملکرد درست و قانع‌کننده‌ای داشتیم. اما به بحث‌مان برگردیم؛ قهرمانی فرانسه. آنها جام را با سیستم ۳-۳-۴ شروع کردند و در مرحله حذفی سیستم‌شان را به ۳-۲-۳ تغییر دادند. بسیار درست و حرفه‌ای تصمیم گرفتند. در شروع جام و در مرحله گروهی آنها با سیستمی بازی کردند که بتوانند حمله کنند و امتیازهای لازم را برای صعود کسب کنند اما در مرحله حذفی از سیستمی بهره‌بردند که احتیاط را در دستور کارشان قرار می‌داد. به طور کلی ارزیابی من این است که تیم‌هایی در جام جهانی روسیه موفق بودند که بازیکنان‌شان در لیگ‌های خوب و با کیفیت بازی می‌کردند. شما به بلژیک نگاه کنید. ۹ بازیکن این تیم در لیگ جزیره توپ می‌زدند. این مسائل در فوتبال امروز اهمیت فراوانی دارد و مربیان می‌دانند که باید از چه بازیکنانی در تیم ملی‌شان استفاده کنند. قهرمانی فرانسه و البته نایب قهرمانی کرواسی در کنار عنوان سومی بلژیک به همه ما ثابت کرد که در فوتبال امروز صرفا داشتن ستاره‌هایی مثل محمد صلاح، رونالدو و مسی کارساز نیست، بلکه تیم بودن شما اهمیت دارد. قهرمانی‌ها از این به بعد به تیم‌هایی خواهد رسید که بازیکنان استاندارد و با کیفیت کاملا در اختیار مربیان‌شان هستند و مو به مو فرامین مربیان خود را اجرا می‌کنند.





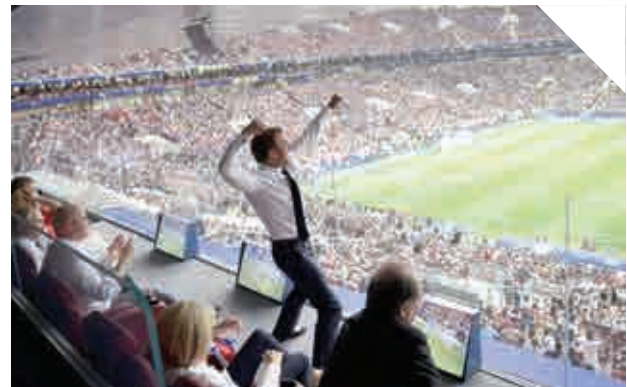


«مسیر تربیت در آموزش و پرورش به انحراف کشیده شده، امروز همه تلاش‌ها به آموزش بوده است، در صورتی که نیازها در خارج از مدرسه چیز دیگری است.» سیدمحمد بطحایی در گردهمایی معاونان آموزش ابتدایی و مسئولان آموزش و پرورش عشایر سراسر کشور جملاتی را گفت که در بطن آن نوعی آزر خطر به گوش می‌رسد: «کیفیت آموزش باید ارتقا یابد تا بتوانیم انسان‌هایی با اخلاق تربیت کرده که به آرمان‌های کشور احترام بگذارند. وی گفت: «با بیان اینکه اختلالاتی در آموزش و پرورش وجود دارد اما باید به سمتی حرکت کنیم که به دنبال تضمین کیفیت آموزش ابتدایی باشیم، مدرسه مهم‌ترین رکن آموزش و پرورش است که سازمانی زنده به حساب می‌آید که باید نیازهایش تأمین شود. متأسفانه امروز نشانه‌های ورشکستگی آموزش و پرورش در کشور دیده می‌شود.» یک خبر هم درباره یک بازیکن ملی پوش بود. نشریه انگلیسی «سان» گزارش داد باشگاه سلتیکی می‌تواند در راه جذب میلاد محمدی، متخصص پشتک- اشاره به پرتاب اوت عجیب مدافع تیم ملی در بازی با اسپانیا- با گلاسکو رنجرز به رقابت بپردازد و آنها در حال سبک‌وسنگین کردن برای این انتقال هستند. میلاد محمدی، مدافع چپ تیم احمد گروژی می‌تواند خود را در مرکز تناب کشی اولدفیرم اشاره به رقابت سنتی گلاسکو رنجرز و سلتیکی ببیند. سفر دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا به انگلیس با تظاهرات گسترده و بی سابقه مردم لندن همراه شد. تظاهرات بی سابقه مردم معترضان انگلیسی همان‌طور که از مدت‌ها پیش وعده داده بودند، همزمان با سفر ترامپ به کشورشان به خیابان‌ها آمدند و علیه سیاست‌های او دست به تظاهرات زدند. حضور مردم در این تظاهرات به اندازه‌ای چشمگیر بود که بسیاری از شبکه‌های تلویزیونی انگلیس به‌طور زنده آن را روی خروجی خود قرار دادند. افرادی که در این تظاهرات شرکت کردند به خبرگزاری‌های مختلف گفته‌اند تاکنون چنین جمعیتی را در خیابان‌های لندن ندیده بودند. یکی از عکس‌هایی که در این روزها بسیار دیده شد، تماشاگر تظاهرات از سوی ملکه انگلیس از پشت پرده‌های محل اقامتش بود.



یک خبر خوب می‌تواند همین باشد؛ کمیته امداد و وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات تفاهم‌نامه توسعه کسب و کارهای نوپا را با هدف اشتغال‌زایی برای مددجویان این نهاد امضا کردند. مهندس سید پرویز فتاح، رئیس کمیته امداد از اجرای طرح نذر اشتغال با استفاده از ظرفیت‌های وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات خبر داد و گفت: «در این طرح کمیته امداد منابع مالی مورد نیاز برای کسب و کارهای نوپا را از محل منابع قرض الحسنه بانک‌ها تأمین و در مقابل این وزارتخانه بستر مورد نیاز این امر فراهم می‌کند.»

تب جام جهانی حتی به کنفرانس مطبوعاتی دونالد ترامپ و ولادیمیر پوتین هم رسید. قبل از این کنفرانس پمپئو، وزیر امور خارجه آمریکا گفته بود توپ در زمین مسکو است؛ در جریان این کنفرانس، ولادیمیر پوتین یک توپ فوتبال جام جهانی را از یکی از حضار گرفت و به عنوان هدیه به دونالد ترامپ داد و به طعنه به او گفت: «آنگون توپ در زمین شماست.» دونالد ترامپ هم توپ را برای همسرش پرتاب کرد و گفت که این توپ را به پسرش بارون خواهد داد. خبرهای دروغی که در فضای مجازی می‌چرخد را باور نکنید. یکی از همین خبرها همین پرونده مرگ دختر دانشجویی بود که رسانه‌های معاند به سیاست ارتباط می‌دادند. پرونده قتل مریم فرجی با اعترافات نامزد سابق او و کشف جسد در باغی در فردیس، وارد مرحله تازه‌ای شد و خط بطلانی بر ادعاهای مطرح‌شده درباره سیاسی بودن قتل این جنایت کشید. براساس اعترافات قاتل که با ادله کشف‌شده در صحنه جنایت مطابقت دارد، انصراف دختر جوان از ازدواج با قاتل، انگیزه این قتل بود. خانواده مریم نیز پس از کشف جسد، هویت او را شناسایی کردند. به گفته دادستان فردیس، جسد به پزشکی قانونی انتقال یافته و برای متهم به قتل هم از سوی بازپرس فردیس قرار قانونی صادر شده است.



یک ماه پرهیجان با ۶۴ مسابقه پر از اتفاق و شگفتی به خط پایان رسید و جامی که همه انتظار مشخص شدن برنده‌اش را می‌کشیدیم روی دستان هوگو لورس، کاپیتان تیم ملی فرانسه بالا رفت. این پیروزی همه فرانسوی‌ها را خوشحال کرد. یکی از آنها آناتول ماکرون است. رئیس‌جمهور جوانی که خودش را به لوژیکی رساند تا کنار ولادیمیر پوتین و کیتاروویچ، رؤسای جمهور روسیه و کرواسی، بنشیند و از درخشش تیم فوتبالش لذت ببرد. ماکرون که خودش فوتبالی و طرفدار تیم ماری است، از این برد همین‌طور که می‌بینید، بسیار لذت برد. این روزها یک هشتک‌جالب در فضای مجازی می‌چرخد؛ دکتر سیدمجید حسینی، محقق، فعال فرهنگی و مدیرعامل باغ کتاب، مدرس دانشگاه و دکترای علوم سیاسی دانشگاه تهران است که اظهار نظرهای اخیر وی در خصوص تغییر در نظام آموزشی کشور با استقبال زیادی از سوی جوانان روبرو بوده است. حسینی با شعار «نه» به کنکور بی‌نقاب در مقابل مافیای ۸۰۰ میلیارد تومانی نظام جذب دانشجو در کشور ایستاده است و معتقد است خانواده‌ها به جای پر کردن جیب آموزشگاه‌ها و دانشگاه‌های بی کیفیت کنونی می‌توانند با تمرکز بر مهارت نوجوانان و جوانان، از سرخوردگی آنها به دلیل نبود شغل و جایگاه مناسب اجتماعی در دوران پس از تحصیل جلوگیری کنند. «ح.ه» هم به دلیل بدهی ۱۰۰۰ میلیارد تومانی به بانک سرمایه توسط یکی از نهاد‌های امنیتی بازداشت و مدت سه هفته است که در زندان اوین به سر می‌برد. او با شکایت بانک سرمایه به دلیل اخذ وام ۱۰۰۰ میلیارد تومانی با وثایق ناچیز و با حکم دادسرای پولی و بانکی در زندان اوین به سر می‌برد و اکنون مرحله دادسرا و حکم بازداشت موقت خود را سپری می‌کند. وی در تلاش است زمین‌هایی را که ارزش مالی چندانی ندارند و در استان‌های فارس، بوشهر و تهران به نامش ثبت شده، به جای این بدهی پرداخت کند.



واکنش مدیر شبکه ۳ به نامه جعلی استعفای فردوسی پور



فغانی از جام جهانی نوشت



پست آقا محسن در مورد مفسدان اقتصادی



تفاهم فتاح-جهرمی



## سه شنبه

عذرخواهی یک مسئول همیشه خوب است. در هفته‌های اخیر قطع مکرر برق در شهرهای مختلف ایران مشکلاتی را برای شهروندان ایجاد کرده و در همین رابطه گزارش‌هایی از اعتراض برخی صنوف که کارشان به برق متکی است در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی منتشر شد. وزیر نیرو در حاشیه امضای تفاهمنامه همکاری با وزارت ارتباطات در جمع خبرنگاران با اشاره به قطعی برق در کشور گفت: «قبل از تابستان درباره وضعیت آب و برق و عدم چیره‌بندی آن باها اعلام کردیم این موضوع به همکاری مصرف کنندگان و اصلاح مصرف مردم بستگی دارد. خوشبختانه امسال مردم، سازمان‌ها و ادارات دولتی همکاری خوبی داشتند. به دلیل نقایص فنی و قطع برق بدون برنامه‌ریزی از مردم عذرخواهی می‌کنم و امیدوارم با صرفه‌جویی مشترکان این روزها را پشت سر بگذاریم.» در ششمین جشنواره بین‌المللی «باروت خیس» که مراسم اختتامیه آن در سالن اجلاس سران کشورهای اسلامی برگزار شد، جایزه باروت خیس بر اساس آرای اخذشده به دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا تعلق گرفت. جایزه باروت خیس نمادین است که از سال ۱۳۹۱ به بعد، هر ساله به منفوترترین شخصیت جهان در آن سال تعلق می‌گیرد. همچنین در همایش بین‌المللی «باروت خیس» سومین جایزه «انصار المستضعفین» به سرلشکر قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تعلق گرفت. پرسپولیس باز هم قهرمان سوپر جام ایران شد؛ این تیم که فصل گذشته تیم نفت تهران را شکست داده و سوپر جام را به دست آورده بود، این بار هم با «انصار» استقلال تهران، ۳ بر صفر برنده و به عنوان قهرمان سوپر جام معرفی شد. این خبری بود که روی خروجی سایت سازمان لیگ قرار گرفت. نهاد برگزار کننده دیدار سوپر جام ایران خبر داد استقلال‌ها برای این بازی نمی‌آیند، در نتیجه پرسپولیس قهرمان سوپر جام می‌شود. با اعلام خبر یادشده، مسئولان باشگاه استقلال به شدت به انتشار چنین خبری واکنش نشان دادند و اعتقاد داشتند خبر سازمان لیگ عجولانه بود.

## چهارشنبه

آیین اختتامیه سومین دوره جایزه جهانی گوهرشاد با حضور حجت الاسلام رئیسی، تولیت آستان قدس رضوی در تالار قدس کتابخانه حرم امام رضا (ع) برگزار شد. در این مراسم از چهار بانوی ایرانی به نام‌های افسانه سعیدتهرانی به عنوان خیر مدرسه‌ساز، کبری سیل سه‌پور به عنوان ایثارگر و فعال انقلابی، نجمه کربلایی نوروژ به عنوان عضو فعال امدادگری و لیلا لندی اصفهانی به عنوان فعال امور آموزشی تقدیر شد. همچنین از چهار بانوی فرهیخته خارجی به نام‌های جومای احمدکاروفی به عنوان مجاهد و جانباز از نیجریه، دارا کات‌تیا از تایلند در دفاع از محرومان، آلیبها ماما کیکه از تان زانیا و ام‌فروه نقوی از انگلستان به عنوان حامی ازدواج جوانان مسلمان تقدیر شد. عکس روز به یک رویداد متعلق است؛ پیکر ۷۵ شهید تازه تفحص شده از مرز شلمچه وارد کشور شد. در این مراسم عشایر عرب در کنار خادمان حرم رضوی از شهدای تازه تفحص شده استقبال کردند. این شهدا که در تفحص‌های دوره اخیر در مناطق جنوبی خاک عراق مربوط به استان‌های نینسان و بصره کشف شده‌اند متعلق به مناطق عملیاتی محرم در زبیدات، رمضان، کربلای ۴ و تک‌پشتیبانی والفجر ۸ در جزیره جزیره بوارین هستند. با برنامه‌ریزی ستاد تفحص شهدا در هر مراسم یکی از ارگان‌های نظامی یا اقوام ایرانی وظیفه استقبال از شهدا را بر عهده می‌گیرند. زلاتکو دالیچ در نامه‌ای سرگشاده در صفحه شخصی خود در فیس‌بوک از مسئولان و دولتمردان کرواسی به شدت انتقاد کرد. سرمربی تیم ملی فوتبال کرواسی که دست به کاری بزرگ زد و بزرگ‌ترین افتخار تاریخ این تیم را با کسب عنوان نایب‌قهرمانی رقم زد، در این نامه از سیاستمداران کشورش خواسته که از موفقیت او و مردانش به سود خود استفاده ابزاری نکنند. دالیچ همچنین اعلام کرد که او و مردانش پاداش افتخار آفرینی‌شان در جام جهانی را که تقریباً به ۲۳ میلیون یورو می‌رسد، به یک بنیاد خیریه کودکان تقدیم کرده‌اند.





# فروپاشی نخبگانی با خیزش اجتماعی

تحلیل جامعه‌شناختی وضعیت ایران



و یا وزارت علوم بودند و هدف آن نیز عبور از خیابان جمهوری بود. حادثه سال ۸۸ نیز حادثه‌ای مربوط به شهرهای بزرگ و بیشتر مربوط به بالای شهر تهران بود و طرف‌های این حادثه این بار، سران و محورهای اصلی مدیریت کشور و نخبگان سیاسی بودند. نخبگان سیاسی، اغلب به رقابت‌های مربوط به خود نظر داشته‌اند و مسائل روزمره زندگی مردم ما کمتر مسأله آنها بوده است. آنها متأسفانه هیچ‌گاه قرائت درستی از مقاومت‌های عمومی مردم در انتخابات‌های مکرر نکرده‌اند و مقاومت مردم نسبت به الگوهای مدیریتی خودشان را هزینه رقابت‌های سیاسی شان کرده‌اند.»

پارسانیا، حوادث جاری جامعه را با نوع حوادث سال ۷۸ و ۸۸ متفاوت دانست و گفت: «این حادثه مربوط حوزه نخبگانی کشور نیست و به حوزه عمومی جامعه بازمی‌گردد. این حادثه مطالبه عمومی جامعه از الگوهای مدیریت ثابت و مستمری است که نزاع‌های سیاسی نخبگانی نیز کمتر در آن تأثیرگذار بوده و هست.» پارسانیا در بخش دوم صحبت خود به علت ناکارآمدی مدیریتی کشور پرداخت و این امر را ناشی از بی‌توجهی مدیران به تفاوت دو عرصه سیاست‌گذاری و خط‌مشی‌گذاری دانست و بر این نکته تأکید کرد که قانون اساسی به گونه‌ای است که اجازه استقرار سیاست‌گذاری را به هیچ‌یک از قوا نمی‌دهد و حال آنکه مدیران کشور رقابت‌های قبیله‌ای خود را اغلب با ادبیات سیاست‌گذارانه توجیه کرده و از این افاق به چالش با یکدیگر می‌پردازند. به‌زعم او نتیجه طبیعی این وضعیت، غفلت از خط‌مشی‌گذاری و تدوین و اجرای سیاست‌های اجرایی (و نه سیاست‌های کلان) در عرصه مدیریت و غفلت از مسائل جاری مردم است. این مدل از مدیریت، آسیب واقعی و عینی خود را در حوزه عمومی وارد می‌سازد و ساختار اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی حوزه عمومی را تخریب می‌کند و اینک خیزش عمومی مردم، این مدل از مدیریت اجتماعی را در معرض فروپاشی قرار می‌دهد و فرصت مناسبی را برای تغییر و تحول بنیادین آن که به گونه‌ای رسوب کرده و سخت و درعین حال فرتوت است، ایجاد می‌کند.

درستی از آنها نشده است. او درباره انشقاق بین حوزه اجتماعی و عمومی با نخبگان سیاسی گفت: «در دوران جنگ شاهد فاصله‌ای کمتر بین این دو حوزه هستیم نخستین انشقاق در این حوزه در سال ۷۱ در اعتراضات شکل گرفت که از کوی طلاب مشهود آغاز شد و سپس این انشقاق به ترتیب در سه دوره هشت‌ساله یعنی در سه مقطع انتخابات ۷۶، ۸۴ و ۹۲ خود را نشان داد. در این سه مقطع، مردم اعتراض خود را به نخبگان سیاسی و الگوی مدیریتی واحد آنها نشان دادند. شکاف دوم، مربوط به نزاع بین نخبگان سیاسی با یکدیگر است. این شکاف در مقاطعی غیر از انتخابات، یعنی در حوادث سال ۷۸ و ۸۸ خود را نشان داد. حادثه سال ۷۸ از نوع حوادث مقاطع انتخابات نبود؛ یعنی حادثه‌ای عمومی و فراگیر نبود. این حادثه مربوط به تهران، آن هم در میانه شهر از کوی دانشگاه تا خیابان انقلاب بود. حادثه کاملاً نخبگانی و سیاسی بود و کانون فرماندهی آن، برخی از معاونت‌های دولت

نشست «تحلیل جامعه‌شناختی از آخرین وضعیت کشور با تأکید بر وقایع اخیر» برگزار شد. در این نشست دکتر ابراهیم فیاض، دکتر حمید پارسانیا، دکتر تقی آزادارمکی و دکتر عماد افروغ، از اساتید صاحب‌نظر در حوزه جامعه‌شناسی بحثی انتقادی درباره مسائل کشور و انقلاب ارائه دادند.

حجت‌الاسلام حمید پارسانیا، استاد دانشگاه تهران در این نشست بحث خود را با موضوع فروپاشی حوزه نخبگانی سیاسی و بازآفرینی و خیزش حوزه اجتماعی مطرح کرد. او از دو شکاف اجتماعی در سه دهه اخیر یاد کرد. یکی از این دو شکاف مربوط به فاصله بین نخبگان، خواص و مدیران سیاسی و اجتماعی کشور با حوزه عمومی و مردم است و شکاف دیگر مربوط به فاصله بین نخبگان، خواص و مدیران سیاسی و اجتماعی با یکدیگر است. به نظر پارسانیا هر کدام از این دو شکاف در دوره‌های هشت‌ساله یا ۱۰ ساله خود را نشان داده‌اند، هر چند که اغلب تفسیر

تفاوت هستند. در دو سده اخیر آسیب‌ها فراگیری بیشتری پیدا کرده‌اند. دانش‌هایی برای مواجهه با آسیب‌ها تولید شدند به طوری که فلسفه تولید علوم اجتماعی، فهم و کنترل و مدیریت جامعه بوده است اما آن گونه که انتظار می‌رفت، موفق نبود به همین دلیل عده‌ای سخن از مرگ جامعه‌شناسی مطرح کردند. به‌زعم ما دو مشکل عمده در مطالعات آسیب‌های اجتماعی وجود دارد که درصد آن هستیم تا نقطه عطف رفع این مشکل‌ها باشیم. نخست اینکه در راستای رفع آسیب‌های اجتماعی مطالعات مختلفی صورت گرفته است که اغلب با بهره‌گیری از اندیشمندان غربی بر توصیف، تبیین و چرایی آسیب‌ها متمرکز بوده است و این کمترین نگاه در سطح تخصصی مواجهه با آسیب‌های اجتماعی محسوب می‌شود. بر اساس منطق قرآن اگر تمرکز اصلی بر توصیف و تبیین باشد خود به نوعی آسیب محسوب می‌شود. قرآن صرفاً تمرکز بر آسیب ندارد، بلکه زشتی آسیب را هم بیان می‌کند. دوم اینکه در مطالعات اجتماعی، عدم یا گاهی انکار نگاه اسلامی در رفع آسیب‌ها دیده می‌شود. مدل‌های موجود در جوامع غربی کارکرد نداشته‌اند، بنابراین در جامعه ما هم پاسخگو نخواهند بود. مدل‌ها باید وابسته به جهان بینی فرهنگی هر جامعه‌ای باشند و لزوماً در جوامع دیگر جوابگو نیستند.»

## عدم کارکرد مدل‌های غربی

در مواجهه با آسیب‌های اجتماعی از دیدگاه اسلام مطرح شد

و انحرافات از متن دین استخراج شود. مکتب دینی و عملی مبتنی بر فطرت از طریق پیامبران بر بشر عرضه شده و نسخه بی‌بدیلی برای پیشگیری و درمان آسیب‌ها در دسترس انسان باید قرار بگیرد. استفاده از الگوهای بشری هم می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد اما منوط بر اینکه تعارضی با شئون دینی نداشته باشد که در غیر این صورت مشابه آن چیزی که در علوم تجربی شاهدیم، اثرات جانبی دیگری رخ می‌دهد که عارضه‌های آن را در جامعه می‌بینیم.»

احمدحسین شریفی، دبیر علمی همایش در افتتاحیه این همایش گفت: «به‌عنوان همایش‌دارای سه کیلدوازه مواجهه با آسیب‌های اجتماعی و دیدگاه اسلام است. در زمینه آسیب‌های اجتماعی کارهای زیادی صورت گرفته و تئوری‌های عملی و محصولات و دستورات عملی‌های مختلفی تا به امروز تولید شده است. زندگی اجتماعی منتهای آسیب وجود ندارد و نخواهد داشت اما سطح آسیب‌ها

نخستین همایش ملی «مواجهه با آسیب‌های اجتماعی از دیدگاه اسلام؛ مقابله و پیشگیری» با حضور دکتر عبدالرضا رحمانی فضلی وزیر کشور، حجت‌الاسلام دکتر رضا غلامی، رئیس مرکز پژوهش‌های علوم انسانی و اسلامی صدا، دکتر کامیار ثقفی، رئیس دانشگاه شاهد، حجت‌الاسلام امیرحسین شریفی، دبیر علمی همایش و کارشناسان و محققان عرصه آسیب‌های اجتماعی در مرکز همایش‌های بین‌المللی صداوسیما آغاز شد.

کامیار ثقفی در ابتدای این همایش از اهمیت آسیب‌های اجتماعی در اسلام گفت: «اسلام به آسیب‌های اجتماعی اعم از چیستی و ماهیت، زمینه‌های بروز و ظهور و دلایل و علل شکل‌گیری آثار و پیامدهای آنها و راه‌های پیشگیری توجه دارد. از دید جامعه‌دینی که برآمده از انقلاب اسلامی و از مختصات نظام اسلامی شکل می‌گیرد، انتظار می‌رود تا نحوه مواجهه با مشکلات

## رونمایی از کتابی درباره دکتر سنگری

محمد رضا سنگری نیز در این مراسم در سخنانی از حداد عادل تقدیر کرد: «سال‌های پیش در دفتر آقای حداد عادل با شاعران جمع می‌شدیم و این محفل از بهترین‌ها بود. سال‌های سال اتاق آقای حداد عادل محل تجمع شاعران عزیزی همچون مرحوم حمید سبزواری، محمد جواد محبت، نصرالله مردانی و... بوده. ایشان این جمع را گرد هم آورده بود تا کار نگارش کتاب‌های درسی را که بسیار سخت است، انجام دهد. در واقع آقای حداد، دهقان فداکار عرصه فرهنگ است.»

غلامعلی حداد عادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی هم در این مراسم گفت: «وقتی نام سنگری میان نیروهای انقلابی شنیده می‌شود، اولین تصویر ما از او عاشورایی بودن ایشان است، یعنی بیش از هر کلمه و مفهوم دیگری سنگری خود را به التزام با عاشورا شناسانده و انقلاب اسلامی در نظر او احیای عاشورا در دوران ماست. او با آثار خود این پیام را داده که همان‌گونه که در زیارت عاشورا از اصحاب امام حسین (ع) تنها ۷۲ تن نبودند، بلکه یاران ایشان ادامه‌دار هستند در روزگار ما از انقلابیون و بچه‌زمنده‌ها، جانبازان و اسرا و افرادی که پای انقلاب ایستاده‌اند همه در خط و مسیر شهادت طلبانه امام حسین (ع) کار می‌کنند.»

حداد عادل در پایان سخنرانی خود به تلاش‌های برخی معاندین نظام در راستای سیاه‌نمایی مسیر انقلاب اشاره کرد و گفت: «روزهایی که خوزستان و خرمشهر که آب نداشت دیدیم که در فضای مجازی چه غوغایی به پا کردند، البته حق با مردم بود اما باید زودتر اقدام می‌شد، ولی چه اخبار کذب همین شبکه‌های معاند نظام منعکس می‌کردند. به هر حال به سرعت به همت بچه‌های سپاه لوله‌های ۲ متری به مساحت ۹۰ کیلومتر بنا شد و آب به سرعت رسید. آیا امروز که آب به خوزستان رسیده ما به همان اندازه که برخی سیاه‌نمایی کردند اخبار فعالیت مثبت سپاه را منتشر کرده‌ایم؟ جایی که باید کارهایی برای انقلاب صورت بگیرد انجام شده ما نیز باید برای انقلاب حرف بزنیم ولی می‌بینیم که قلم‌ها خشک می‌شود ولی کار دکتر سنگری هم مقابله با چنین سیاه‌نمایی‌هاست.»



دکتر سنگری را بشناسم و با پشتکار آقای قرایی این اتفاق تا حدود زیادی محقق شد. به عنوان کسی که در طول زندگی با انسان‌های بسیاری در ارتباط بوده‌ام، شاخصه‌ای برای شناخت انسان‌ها دارم و آن هم این است که نسبت به منافع شخصی خود چه واکنشی دارند. وقتی منافع شخصی به خطر بیفتد، انسان‌های کمی هستند که می‌توانند خود را حفظ کنند. خیلی‌ها وقتی حرف می‌زنند، آوینی هستند اما وقتی پای قرار داد و مسائل مالی به میان می‌آید، تبدیل به شخصیت‌های دیگری می‌شوند. دکتر سنگری این‌گونه نیست و ایشان بی‌اعتناترین انسان به مسائل مالی است.»

مراسم رونمایی از کتاب «همسایه سدر و همسفر رود» شامل زندگی و زمانه محمد رضا سنگری در حوزه هنری برگزار شد.

در این مراسم محسن مومنی شریف، رئیس حوزه هنری در آغاز این مراسم ضمن تقدیر و تشکر از حسین قرایی برای نگارش کتاب «همسایه سدر و همسفر رود» گفت: «علاقه‌مندان به محمد رضا سنگری مشتاق بودند که با خلوت این شاعر و ادیب و پژوهشگر آشنا شوند. من از کسانی بوده‌ام که بیش از ۲۰ سال است ایشان را می‌شناسم و همیشه علاقه‌مند بودم زوایای پنهان و خلوت

## دوری از تنبلی فرهنگی

## مراسم رونمایی از کتاب اسم تو مصطفاست

بودند. توصیه دوم این شهید این است که تنبلی، سستی و سهل‌انگاری در کار فرهنگی نداشته باشیم و هیچ‌یک از شهدا اهل سهل‌نگاری نبودند، بلکه اهل تلاش و حرکت بودند.»

راضیه تجار، نویسنده کتاب «اسم تو مصطفاست» هم در این مراسم گفت: «من به صورت جدی پس از انقلاب فعالیت را آغاز کردم و اولین داستانتان سال ۶۴ درباره شهدا نوشته شد و پس از آن به صورت جدی به حوزه هنری پیوستم که ما حاصل آن تا امروز ۴۰ کتاب منتشر شده و زیر چاپ است.»

تجار در بخش دیگری از سخنانش درباره قلم خود، گفت: «خواننده فهیم بر نوشته می‌افزاید. این شانس نویسنده است که خواننده‌اش اهل مطالعه باشد تا رموز کار را درک کند هر چند نوشتن داریم تا نوشتن؛ من همیشه با جوانان احساس نزدیکی کرده‌ام، سن خودم را تقویمی نمی‌دانم چرا که نوع نگاه ما به هستی، زندگی و آنچه دریافت می‌کنیم، مهم است. همه اینها باعث می‌شود زندگی را همان‌طور که هست درک کرده و ببینیم چون باورمندیم که خدایی هست. در نتیجه بریدن و افسردگی بر ما حرام است. من خودم به انتشارات روایت فتح رفتم و گفتیم می‌خواهم درباره شهدا بنویسم. در واقع به خواستگاری کار رفتم.»

اجتماعی پیش برویم موفق خواهیم شد اما اگر از ولی امر خود دفاع نکنیم در برابر پیامبر حرفی برای گفتن نداریم. شهید صدرزاده جوان خوش اخلاق، شوخ طبع و فردی بود که بر اطرافیان خود تاثیر فراوان داشت. او یکی از فرماندهان تیپ فاطمیون بود ولی همیشه دو توصیه داشت، این توصیه‌ها می‌تواند برای ما که در سنگر فرهنگ فعالیت می‌کنیم برای انتشارات روایت فتح که دغدغه‌مند است و برای خانم تجار که مسئولیت پیام‌رسانی را دارد، مهم باشد.

نکته اول این بود که ایشان می‌فرمودند هر جا که هستید خودسازی کنید چرا که کار فرهنگی بدون خودسازی صورت نمی‌گیرد. من تا خودم را نسازم، نمی‌توانم جامعه‌ام را هم بسازم ولی باید هم‌زمان به خودمان هم ببندیم. اینکه در حرکت‌های پیش‌رو من مهم هستیم یا دینم؟ این پیام را از شهدا می‌گیریم که باید خود را بسازیم و شهدایی که امروز حرکت می‌کنند همه اهل خودسازی

از کتاب «اسم تو مصطفاست» نوشته راضیه تجار روایت مدافع حرم و فرمانده ایرانی لشکر فاطمیون رونمایی شد. این زندگینامه داستانی شهید مصطفی صدرزاده به روایت همسر شهید در بیش از ۲۰۰ صفحه منتشر شده است.

کتاب «اسم تو مصطفاست» که روایت فتح آن را منتشر کرده است، کتابی است که ویژگی‌های برجسته اخلاقی و رفتاری شهید مصطفی صدرزاده را روایت کرده است. این کتاب در مدرسه دخترانه کوثر با حضور محسن دریابعل، مدیرعامل بنیاد فرهنگی روایت فتح، راضیه تجار نویسنده این کتاب و همسر شهید حاج حاتم رونمایی شد.

همسر شهید حاج حاتم در ادامه این مراسم گفت: «راضیه تجار برای نگاشتن تک‌تک لحظه‌های شهدا در این مسیر حرکت کرد تا مطلب را به خواننده برساند. هر کدام از ما هر جا هستیم اگر یک قدم در امور فردی و



فیلم از فستیوال بین‌المللی تریپولی (لبنان)، بهترین بازیگری زن برای فرشته حسینی از جشنواره بین‌المللی فیلم مراکش و... را دریافت کرده است.

اگر فیلم «چند متر مکعب عشق» ساخته برادران محمودی را دیده باشید، احتمالاً فضای فیلم رفتن هم خواهید شناخت. نوید و جمشید محمودی در آخرین تجربه مشترک سینمایی شان، جای خود را در تهیه‌کنندگی و کارگردانی عوض کردند و بار دیگر به قصه افغان‌های مهاجری پرداختند که زندگی روی خوش به آنها نشان نمی‌دهد و گردباد حوادث به آنها مجال جشن و خوشی نمی‌دهد. فرشته و نبی عاشق هم هستند، اما فرشته مجبور است به همراه خانواده‌اش از افغانستان به ایران برود. نبی هم تصمیم می‌گیرد به خاطر فرشته به ایران برود و غیرقانونی از مرز ایران عبور کند و خلاصه به آنجا می‌رسد که در خلاصه فیلم آمده است: «قصه فرشته و نبی، قصه عشقی که در پیچ‌و‌تاب رسیدن و نرسیدن در غبار گم می‌شود. قصه عشقی که از همه چیز غیر از معشوق رنج می‌بیند. رفتن قصه درد است؛ درد خانه‌به‌دوشی، درد مهاجرت.» نوید محمودی، کارگردان فیلم درباره این فیلم گفته است: «به نظر من موضوع مهاجرت هم جزو جذاب‌ترین موضوع‌هاست؛ اینکه انسان‌های دیگر بدانند مهاجر موجود درکشیده‌ای است که به حمایت ویژه نیاز دارد به همدردی نیاز دارد، فرش قرمز که برای مهاجران پهن نمی‌کند، دوباره زندگی‌شان را از زیر صفر باید شروع کنند. این مساله در مورد افراد خاصی با مشاغل خاص هم نیست. از دکتر گرفته تا معلم و کارمند برای گذران زندگی‌شان در کشور دیگر باید کارگری هم که شده بکنند. این مساله در مورد نویسندگان یا بازیگران هم صدق می‌کند. از دیگران شنیده‌ایم که بعضی‌ها به نحوی حتی در ستوران‌ها کار کرده‌اند. طبیعت مهاجرت، سختی است. نبی و فرشته شخصیت‌های فیلم «رفتن» در کشورشان مشکلی نداشتند تصمیم به مهاجرت نمی‌گرفتند. اگر جنگ، مسائل قومی و قبیله‌ای نبود مثل دو آدم بالغ و کامل در کشورشان زندگی کرده و این بلا سر عشق‌شان نمی‌آمد، در واقع تأثیری که مهاجرت در زندگی آدم‌ها و قصه عاشقانه آنها می‌گذارد دغدغه ما در طرح این موضوع عاشقانه بود.»



## رفتن

### عاشقانه‌ای در دل مهاجران

اسکار بوده و هم اکنون در بخش هنر و تجربه روی پرده است. این فیلم جوایز بین‌المللی همچون جایزه بهترین کارگردانی از جشنواره بوسان، جایزه ویژه هیات داوران نوزدهمین جشنواره بین‌المللی سوچی روسیه، جایزه بهترین

رفتن نخستین فیلم سینمایی نوید محمودی در مقام کارگردان است که به نویسندگی و تهیه‌کنندگی جمشید محمودی تولید شده و محصول سال ۱۳۹۵ است. این فیلم نماینده سینمای افغانستان در هشتمین دوره جوایز

«رسانه‌ای کردن نام مجری، محتوا و اصل هویت جدید برنامه «هفت» را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد. این روزها می‌بینیم که رسانه‌ها نام مجری جدید را ریزنی می‌کنند اما لازم است بگوییم بهروز افخمی، مهران مدیری و رضا رشیدپور به عنوان مجری در این برنامه حضور ندارند. این دوستان جزو بهترین‌های عرصه هنر این مملکت هستند و این نوع ریزنی‌ها کار جالبی نیست، چرا که بهروز افخمی در برنامه خیلی تلاش کرد و وقتی گمانه‌زنی‌های هدف‌دار در این باره انجام می‌شود به شخصیت این هنرمند ما ارتباط دوستانه‌ای که تلویزیون با ایشان داشته و دارد به آن خدشه وارد می‌شود. رضا رشیدپور و مهران مدیری هم که کماکان با تلویزیون ارتباط دارند و همیشه از درون مایه استعداد‌های بالقوه این عزیزان استفاده کرده‌ایم و بهره می‌بریم.»

در فصل تازه هفت چه تغییراتی ایجاد می‌شود؟ کریمان در همان مصاحبه با تسنیم گفته است: «خوشبختانه در سری جدید برنامه «هفت» از تمام طیف‌های کارشناسان و منتقدان بهره‌مند می‌شویم. چرا که در جریان پخش سری‌های قبل، اتهامات زیادی به ما زدند که از یک نوع نگرش و یک طیف خاصی از کارشناسان و منتقد استفاده می‌کنیم و در سری جدید سعی می‌کنیم بر این تنوع نگرش‌ها و تفاوت کارشناسان است. می‌کوشیم در سیاست‌ها و چارچوب‌های مشخص شده تضارب آرا به‌وجود بیاید.»

### برنامه محبوب سینمایی از اول شهرپور روی آنتن می‌رود

خصوص گفت: «من در آن جلسه به مدیران اعلام کردم که می‌خواهم سراغ ساخت فیلم سینمایی ام بروم، چرا که فکر می‌کنم دیگر همه گفتنی‌ها را گفته‌ام و به آنچه در «هفت» می‌خواستم رسیده‌ام.» فصل چهارم برنامه هفت، یک فصل کوتاه بود، به اندازه عمر یک جشنواره، رضا رشیدپور در روزهای جشنواره فجر اجرای این برنامه را برعهده داشت و بعد از آن دیگر خبری از برنامه نبود، حالا اما خبرهای خوبی گوش می‌رسد... به زودی فصل پنجم از زندگی برنامه هفت آغاز می‌شود؛ خیلی زودتر از آن چه تصور می‌کنید، همین اول شهریورماه قرار است برنامه هفت دوباره بازگردد، مثل هربار که خبر بازگشت این برنامه شنیده می‌شود، اول این سوال مطرح می‌شود که با اجرای چه کسی؟ در این مدت گمانه‌زنی زیاد بوده؛ حتی از غلامحسین لطفی نام برده شده که تکذیب شده است، تنها خبری که در این باره قطعی است، کارگردان بودن مجری جدید این برنامه سینمایی است. ناصر کریمان، مدیرگروه اجتماعی شبکه سه سیما در این ارتباط گفته است:

## دوباره هفت

«علی فروغی مدیر شبکه سه سیما هفته گذشته جلسه‌ای با بنده داشت و درباره این برنامه اعلام آمادگی کردند تا یک ماه دیگر روی آنتن برود.» مرتضی میرباقری، معاون سیما در حاشیه بازدید از پشت صحنه برنامه تلویزیونی «۲۰۱۸» با همین یک جمله خبر بازگشت یک برنامه موفق تلویزیونی را داد، برنامه‌ای که مدتی است جای آن در میان برنامه‌های تلویزیون ایران خالی است. برنامه‌ای که با یک ایده از سوی فریدون جیرانی شروع شد؛ ایده‌ای مثل اینکه جای یک برنامه تلویزیونی مثل ۹۰ برای سینما خالی است. این برنامه خیلی زود با نقدهای تند و آتشین مسعود فراستی برسرزبان‌ها افتاد، فصل دوم «هفت» با محمود گبرلو روی آنتن رفت، فصل سوم با «بهروز افخمی» شکل گرفت، فصلی که از دو فصل قبلی متفاوت‌تر و متنوع‌تر بود، بهروز افخمی هم با توجه به اتمام قرارداد دوساله‌اش با سازمان صداوسیما، بعد از برگزاری جلسه‌ای در همین خصوص با مدیران سازمان، حاضر به ادامه همکاری با این برنامه نشد. وی در این



باشگاهی مناسب برای من است و این موضوع تصمیم گیری را برای من آسان کرد. یوونتوس بهترین باشگاه ایتالیاست و یک سرمربی با کیفیت روی نیمکت این تیم نشسته است. من احساس بسیار خوبی دارم و معتقدم یک چالش بزرگ دیگر پیش روی من قرار دارد. من و یوونتوس هر دو باید آماده باشیم. همان طور که گفتیم سن و سال اهمیت زیادی ندارد زیرا من انگیزه فراوانی دارم و مشتاقم شروع خوبی در یوونتوس داشته باشم. من از همه بازیکنان دیگر که فکر می کنند دوران آنها در سن من به پایان می رسد متفاوت هستم. من می خواهم نشان دهم که مانند دیگران نیستم؛ من متفاوتم.»

## من متفاوتم

### کریستیانو رونالدو در مراسم معارفه

قهرمانان بود، رئالی هادر مرحله یک چهارم نهایی رقابت های فصل قبل لیگ قهرمانان اروپا مقابل یوونتوس قرار گرفتند و در دیدار رفت به پیروزی ۳-۰ صفر رسیدند؛ دیداری که در آن رونالدو دو گل زد؛ از جمله یک برگردان تماشایی. این گل به اندازه ای زیبا بود که حتی هواداران یوونتوس هم رونالدو را تشویق کردند. فابیو پاراتیچی، مدیر ورزشی یوونتوس اعلام کرد که بعد از گل برگردان تماشایی کریس رونالدو مقابل این تیم در آوریل گذشته، مدیران بیانکونری به فکر خرید این ستاره پرتغالی افتادند. یوونتوس با هفت قهرمانی متوالی در سری آ، همانند هواداران پرشور این تیم حالا روی بهترین بازیکن جهان حساب ویژه ای باز کرده تا به کسب عنوانی امیدوار شوند که از سال ۱۹۹۶ تاکنون از آن محرومند. این عنوان ارزشمند قهرمانی در چمپیونز لیگ است که رونالدو چهار بار طی پنج دوره اخیر به همراه رئال مادرید به آن مفتخر شده است. ستاره پرتغالی سابق رئال با ثبت ۱۲۰ گل در رقابت های اروپایی رکوردی منحصر به فرد به نام خود ثبت کرده است. رونالدو با همان جاه طلبی همیشگی خود در این باره گفت: «یوونتوس یکی از بهترین باشگاه های فوتبال در جهان است و به نظرم انتقال به این تیم تصمیم درستی بود. دوستانم به من توصیه کردند یوونتوس

«از ترک این تیم ناراحت نیستم، رئال مادرید داستانی درخشان بود اما حالا یک مرحله جدید آغاز شده و باید از هواداران برای استقبالی که کردند تشکر کنم. من می خواهم تمرکز خود را روی مرحله جدید فوئتالیم قرار دهم و انگیزه فراوانی برای بازی در یوونتوس دارم. می خواهم به سختی تلاش کنم و همیشه به چالش های جدید علاقه نشان داده ام و امیدوارم شرایط در یوونتوس برایم خوب پیش برود.» کریستیانو رونالدو این جملات را در اولین روز حضور در تورین گفت، آن روزی که شهر تورین شلوغ شد و خیلی از مردم این شهر صنعتی آمده بودند تا از ستاره تازه شهرشان استقبال کنند.

کریستیانو رونالدو عاشق این است که ناگهان تمامی معادلات را تغییر دهد. این چندمین بار است در حالی که بسیاری از منتقدان نظری منفی می دهند، او دقیقاً خلافش را ثابت می کند. او که فصل را بسیار بد شروع کرد، آنجا که مدیران رئال مادرید به طور غیرمستقیم از عدم تمایل به تمدید قرارداد او یا افزایش دستمزدش می گفتند اما در ادامه فصل آن قدر شاهکار بازی کرد که رئالی ها به فکر تمدید افتادند اما دیگر رونالدو تصمیمش را گرفته بود. در همان زمان درخشش، یکی از صحنه های به یادماندنی گل برگردان در لیگ

## سخاوتمند مثل امپایه

کسب عنوان بهترین بازیکن جوان جام توسط امپایه ۱۹ ساله نوید روزهایی درخشان را به این ستاره و تیم هایی که در کمینش نشستند، می دهد. فرارهای مهاجم فرانسوی و دریبل های هیجان انگیزش در جام ۲۱ باعث شده تا بسیاری او را با پله، اسطوره فوتبال برزیل مقایسه کنند و به یادش بیفتند. پله در ۱۷ سالگی و در جام جهانی ۱۹۵۸ توانست با زدن ۱۷ گل و گلزنی در فینال، جام قهرمانی را برای برزیل به دست آورد و امپایه نیز در ۱۹ سالگی و ۶۰ سال بعد از هنرمندی عجوبه برزیلی توانست با چنین سبک و سیاقی فرانسه را به مقام قهرمانی جام جهانی برساند. اما این تنها هنر کیلیان امپایه نیست و او از نظر اخلاقی هم پسری بسیار دوست داشتنی است. طبق ادعای وب سایت اسپورت ایلستریوتد، او برای هر بازی که برای فرانسه در جام جهانی انجام داده، ۲۲ هزار دلار پاداش گرفته و همچنین برای قهرمانی در رقابت ها، مبلغ ۳۵۰ هزار دلار پاداش گرفته که در مجموع، ۵۰۰ هزار دلار پاداش او در این رقابت ها شده است. امپایه ۱۹ ساله قصد ندارد این مبلغ را صرف زندگی خود کند، بلکه طبق ادعای اکیپ، او می خواهد این رقم که رقم قابل توجهی نیز هست را به یک بنگاه خیریه که به بچه های معلول اختصاص دارد، پرداخت کند. امپایه برای اولین بار در سال ۲۰۱۷ با این خیریه ارتباط گرفت و مسئولین این خیریه نیز علاقه خاصی به ستاره فرانسوی دارند. این مهاجم ۱۹ ساله تیم ملی فوتبال فرانسه معتقد است که بازیکنان فوتبال به چنین پول هایی برای بازی در تیم ملی کشورشان نیازی ندارند.



## بازگشت نوله

### جوکوویچ قهرمان و بلمبدون شد



نواک جوکوویچ، تنیس باز صرب، با پیروزی بر کوین اندرسون از آفریقای جنوبی، برای چهارمین بار قهرمان ویمبلدون شد و تعداد قهرمانی های خود در مسابقات گرنده اسلم تنیس را به عدد ۱۳ رساند. این تنیس باز صرب که در ابتدای تورنمنت رسماً بخت دوازدهم قهرمانی محسوب می شد، در مرحله نیمه نهایی و در یک دیدار تماشایی و نزدیک موفق شده بود افاضل نادال اسپانیایی را در نبردی تماشایی مغلوب کند و به بازی فینال برسد. این تنیسور صربستانی که چند سالی به عنوان مرد اول تنیس جهان نام خودش را مطرح کرده بود، در ۲ سال اخیر به خاطر مصدومیت با افت شدیدی مواجه شد تا جایی که در آخرین رده بندی برترین های جهان به رده بیست و یکم سقوط کرده بود. تنیس باز صرب سال گذشته در مرحله یک چهارم پایانی ویمبلدون به دلیل مصدومیت آرنج مجبور به کناره گیری شد و شش ماه از مسابقات دور بود تا اینکه سرانجام در زمستان امسال دستش را جراحی کرد. این اولین جام معتبر جوکوویچ بعد از سال ۲۰۱۶ محسوب می شود و می تواند سرآغازی برای صعود دوباره نواک به جمع برترین های جهان باشد. جوکوویچ با فتح ویمبلدون سیزدهمین گرنده اسلم خود را به دست آورد و توانست فاصله خود را با افاضل نادال و راجر فدرر کمتر کند. تنیسور اسپانیایی ۱۷ گرنده اسلم و راجر فدرر سوئیسی ۲۰ گرنده اسلم را در کارنامه خود دارند. نواک جوکوویچ پس از قهرمانی در ویمبلدون امسال گفت: «در فینال احساس خیلی خوبی داشتم. در دو ست اول، کوین کمی اضطراب داشت و نتوانست بهترین بازی خود را بکند. او در اولین فینال ویمبلدونش بود و من در پنجمین؛ برای همین تلاش کردم از تجربه ام کمک بگیرم. وقتی به دلیل مصدومیت از مسابقات غایب بودم، لحظاتی بود که از خودم سؤال می کردم آیا دوباره می توانم به اوج برگردم یا نه».



## فهیمة

## زندگینامه بنیان گذار دانشنامه تشیع

زندگینامه



می کنی باز گوشه ای نشست، شال سفیدش را زیر چانه با سنجاق محکم می کند، چشم های عسلی و ریزش را تنگ می کند تا بقیه ماجرا را بگوید. شاید الان قصه طور دیگری باشد، حالا شاید با سعید و رضا از نو هم خانه شده است. این روایت بر مبنای روایت فهیمة از خودش است و من پیش دیگری که بعضی از این دالان ها را با او زندگی کردند، رقتم. قصه را از گوشه های مختلف دیدم و نوشتم. فصل های زیاد این کتاب پر از فصلک است، پر از دالان و هشتی. شاید کمی شما را گیج کند، شاید هم مشتاق تان کند برای دیدن دالان بعدی.»

را به نام پسر شهیدش تاسیس کرد و دایره المعارف تشیع را به چاپ رساند. او در راه چاپ کتاب ها تمام دارایی اش را خرج می کند.

کتاب «فهیمة» زندگینامه داستانی فهیمة محبی است که توسط نفیسه ثبات به رشته تحریر در آمد. در بخشی از مقدمه این کتاب می خوانیم: «قصه زندگی بعضی از آدم ها آن قدر پرمجاست که نمی توانی تصمیم بگیری از کجا شروع کنی و به کجا برسی. از هر جا وارد می شوی به دالان های پیچ در پیچی می رسی که هر کدام برای خود هشتی ای دارد تا بنشین روی سکویش و پشتت را به دیوارش تکیه بدهی و خستگی ات را بگیری و دوباره راه بیفتی بین دالان بعدی. داستان زندگی فهیمة، قصه هزار دالانی است که در هر کدام که پیچ می خوری یادت نمی آید که چه شد سر از آن جا درآوردی؟ با این همه دوست داری بازهم ادامه بدهی، بالاخره جایی تمام می شود. خیلی از ما تا آخر عمر فرصت پیدا نمی کنیم که زندگی مان را این طور با جزئیات، صفحه به صفحه، سطر به سطر برای کسی تعریف کنیم. ولی فهیمة ساعت های طولانی پشتت را به هشتی زندگی تکیه داد، با حوصله نشست، گفت و گفت تا تمام شد. حالا هم که نیست حس

«فهیمة» زندگینامه داستانی مرحومه فهیمة محبی، مدیر دانشنامه تشیع، همسر شهید رضا محبی، بنیانگذار هوانیروز و مادر شهید سعید محبی تازه ترین اثر انتشارات روایت فتح، با حضور دکتر خرمشاهی، محمد خانی قائم مقام انتشارات روایت فتح، فرزندان مرحومه محبی، نفیسه ثبات نویسنده کتاب و جمعی از دانشجویان نخبه کشوری در حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان رونمایی شد. فهیمة محبی اصالتاً اهل انجدان از توابع استان مرکزی است. پدرش وکیل و همسرش خلبان هوانیروز ارتش بود که در زمان رژیم شاهنشاهی در حادثه ای مشکوک هلی کوپتر حامل آنها سقوط کرد و کشته شد.

فهیمة محبی چند سال پس از این اتفاق به لندن رفته و در آنجا به فعالیت های ضد رژیم شاهنشاهی مشغول شد و پس از پیروزی انقلاب به ایران بازگشت. زمانی که جنگ تحمیلی عراق علیه ایران آغاز شد، پسر کوچکش سعید محبی رهسپار جبهه شد و در عملیات آزادسازی خرمشهر به فیض شهادت نائل آمد. او پس از شهادت پسرش نیز عازم مناطق عملیاتی شد و به همراه پری داودیان به کمک رسانی پشت جبهه مشغول می شود که این اقدام تا پایان جنگ ادامه یافت. با اتمام جنگ، او انتشاراتی

اندیشه

ترجمان صبح  
نگاهی به اشعار شفیعی کدکنی

«ترجمان صبح»، نوشته بشیر علوی با نگاهی به اشعار محمدرضا شفیعی کدکنی بر اساس نقد عاطفه و همسویی آن با صور خیال از سوی انتشارات پژوهش روزگار منتشر و روانه بازار نشر شد. این کتاب بعد از مقدمه، به پنج فصل و یک نتیجه تقسیم شده است. فصل اول زندگی نامه شفیعی کدکنی و فصل دوم بررسی عاطفه و محورهای آن است. چگونگی نگاه شفیعی در اشعارش به عاطفه که اصلی ترین پیام و رکن اصلی شعر است، گویای حرکت و تفکر شعری وی است. نویسنده در فصل سوم صور خیال و بن مایه ها را مورد بررسی قرار داده، تشبیه، استعاره، تشخیص، نماد و... از جمله صنایع ادبی است که در این فصل مورد بررسی قرار گرفته است. فصل چهارم این کتاب که می شود آن را نقطه ثقل اثر دانست، به بررسی صورخیال و گونه های آن در شعر شفیعی کدکنی می پردازد. بومی گرایی ایماژها، نوع فعل و کارکرد آن در پویایی تصاویر، نوع ایماژ و پویایی و ایستایی شعر، اغراق در شعر شفیعی کدکنی و... از جمله موضوعاتی است که در ذیل این فصل مورد بررسی و پژوهش قرار گرفته است. فصل نهایی کتاب نیز به میزان همسویی محورهای عاطفه اختصاص دارد. هدف اصلی از تألیف این کتاب، معرفی نوعی نقد و تعریف خوانشی دیگر از متون معاصر است که با رویکرد به شعر محمدرضا شفیعی کدکنی صورت گرفته است.

مقاومت

کانت و فلسفه معاصر  
چاپ چهارم یک کتاب فلسفی

کتاب «کانت و فلسفه معاصر» نوشته لوسین گلدمن با ترجمه پرویز بابایی به تازگی توسط انتشارات نگاه به چاپ چهارم رسیده است. لوسین گلدمن نویسنده این کتاب متولد سال ۱۹۱۳ در بخارست است که در رشته حقوق در دانشگاه بخارست و همچنین فلسفه در دانشگاه وین تحصیل کرده و سپس در سال ۱۹۳۴ به پاریس رفته است. او تحصیلات فلسفی اش را در دانشگاه سوربن پی گرفت. جنگ جهانی دوم باعث شد که این مولف در سال ۱۹۴۲ پاریس را ترک کرده و به سوئیس برود. او در سوئیس در اردوگاه پناهندگان زندانی شد و با وساطت ژان پیازه آزاد شد. ترجمه فرانسوی این کتاب با عنوان «درآمدی به کانت» و ترجمه انگلیسی اش هم با عنوان «امانوئل کانت» منتشر شده است. ترجمه فارسی این کتاب هم برای متمایز شدنش از دیگر ترجمه ها با عنوان «کانت و فلسفه معاصر» چاپ شده که عنوان فصل پایانی اش نیز هست. این کتاب یکی از آثار است که فلسفه کانت را به طور کلی بررسی می کند و گلدمن در آن، رابطه بین ادوار انتقادی و پیش انتقادی را در تحول اندیشه فیلسوف آلمانی مورد بررسی قرار داده است. گلدمن ایده های کانت را در بافت اجتماعی و تاریخی شان قرار داده و کاربرد مضمون نگرش تراژیک را پایه گذاری کرده که به پژوهشش درباره پاسکال و راسین، یعنی خدای پنهان گسترش پیدا کرد.



انگلستان

نیواستیتمن

این هفته نامه به نقش بوریس جانسون، وزیر امور خارجه انگلستان در خروج این کشور از اتحادیه اروپا اشاره کرده است، در این طرح که جانسون به نگفتن واقعیت‌ها و حتی دروغ گویی متهم شده، با این محتوا تکمیل می‌شود که حالا واقعیت‌های برگزیت خودش را نشان می‌دهد و دیگر جایی برای آن خیال پردازی‌ها نیست.



انگلستان

اکنونمیست

اکنونمیست از پرچم آمریکا که در آن هر ستاره نشان‌دهنده یک ایالت است، استفاده کرده تا نشان دهد که ستاره‌های آن به یک گوشه افتاده‌اند. در تحلیل این مجله تأکید شده، هر سیستمی برای قدرت خود دست به کارهایی می‌زند که موجب ضعف آن می‌شود. سیستم انتخاباتی آمریکا نیز که روزگاری به آن می‌بالید اکنون تبدیل به نقطه ضعف شده است.



ایران

صدرا

فصلنامه تخصصی علوم انسانی اسلامی صدرا به همت مرکز پژوهش‌های صدرا منتشر شد. در این شماره که عکس منتخب روی جلدش به آیت‌الله شاهرودی رئیس مجمع تشخیص مصلحت اختصاص دارد، در بخش جستارهایی در هندسه دانش فقه دو مطلب از او با عنوان‌های خلاءهای علم فقه موجود و مهندسی ابواب دانش فقه منتشر کرده است.



فرانسه

لوموند

کیلین امباپه تنها ۱۹ سال سن دارد ولی تا همین جا بهتر از لیونل مسی و کریستیانو رونالدو درخشیده. اعجوبه فرانسوی حالا مدال طلای جام جهانی را در جیب خود دارد. روزنامه لوموند فرانسه فردای روز قهرمانی فرانسه عکسی از این ستاره جوان را روی جلد برده که روی طاق نصرت عکسش افتاده و موجب شادی شده است.



آمریکا

تایم

هفته‌نامه آمریکایی تایم با طرح خود همه حرف‌ها را زده است. این طرح نشان می‌دهد که دموکراسی آمریکایی به فروپاشی و آشفتگی رسیده است. این هفته‌نامه به مشکلات پیش روی این کشور در این روزها اشاره داشته و می‌گوید دولت ترامپ که قول داده بود به وضعیت کودکان مهاجران کمک می‌کند، اکنون در این کار هم ناکام است.



# همراه اول تنهار روابط عمومی ۸ ستاره سرآمدی ایران

در هفتمین دوره آیین تقدیر از سرآمدان روابط عمومی ایران، روابط عمومی همراه اول به عنوان تنهار روابط عمومی سرآمد ۸ ستاره، موفق به دریافت تندیس زرین شد.

به گزارش اداره کل ارتباطات شرکت ارتباطات سیار ایران، عصر روز چهارشنبه، ۲۷ تیرماه در هفتمین دوره آیین تقدیر از سرآمدان روابط عمومی ایران که با حضور جمعی از اساتید دانشگاه، مدیران و صاحب نظران روابط عمومی کشور در دانشگاه تربیت مدرس برگزار شد، از روابط عمومی های برتر کشور با اهدای تندیس بلورین، سیمین و زرین تقدیر به عمل آمد. در این همایش که توسط موسسه فرهنگی روابط عمومی آرمان و خانه روابط عمومی ایران برگزار شد، پس از ارزیابی روابط عمومی های برتر کشور بر اساس مدل تعالی تخصصی شده EFQM در روابط عمومی، شامل ۹ معیار بنیادین سرآمدی و ده شاخص فرعی، روابط عمومی های سرآمد در سه سطح زرین، سیمین و بلورین معرفی شدند. پس از اعلام بیانیه هیات داوران، روابط عمومی همراه اول که در ارزیابی های صورت گرفته با ۸۱+ امتیاز بالاترین امتیاز ارزیابی این دوره را کسب کرده بود، ضمن معرفی به عنوان روابط عمومی سرآمد (تثبیت سرآمدی)، تنهار روابط عمومی کشور بود که تندیس زرین ۸ ستاره دریافت کرد. هدف این همایش توسعه سرآمدی در حوزه روابط عمومی، ارائه مشاوره و کمک به تقویت مستمر شاخص های سرآمدی در روابط عمومی و معرفی و تقدیر از روابط عمومی های سرآمد عنوان شده است. گفتنی است مدل تعالی سازمانی EFQM یک استاندارد اروپایی است که به عنوان ابزاری قوی برای سنجش میزان استقرار سیستم ها در سازمان های مختلف به کار گرفته می شود.



بزرگداشت بویبترین بکمرت ایرانی



هپکس تنها نیست

## رشد ۸ درصدی سود همراه اول در سه ماهه نخست سال جاری

نام شرکت	نوع گزارش	سال مالی	سرمایه (میلیون ریال)
ارتباطات سیمپل ایران	۳ ماهه منتهی به ۳۰	۱۳۹۷/۰۳/۳۱	۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
سودان پان (معلق شده هر سه ماه اول)	سودان پان (معلق شده هر سه ماه دوره مشابه سال قبل)		۰
۸۶۶	۸۰۳		۰

سود خالص همراه اول در سال مالی منتهی به ۲۹ اسفند ۱۳۹۶ و در دوره دوازده ماهه منتهی به این تاریخ به ازای هر سهم، ۲۸۰/۳ ریال بوده است.

درآمدهای عملیاتی شرکت همراه اول در سه ماهه نخست امسال با ۱۶ درصد رشد نسبت به سه ماهه اول سال گذشته به بیش از ۳۱ هزار و ۷۰۰ میلیارد ریال رسیده است. به گزارش واحد تحقیق و مطالعات بورس نیوز، همراه اول در این بازه موفق به کسب سود عملیاتی ۹ هزار و ۵۱۲ میلیارد ریالی شده است. همچنین در بخش سایر درآمدها که عمدتاً از محل سود سپرده‌های بانکی تشکیل می‌شود، شرکت درآمد یک هزار میلیارد ریال شناسایی نموده است و به این ترتیب سود خالص «همراه» در سه ماهه اول سال با ۸ درصد رشد نسبت به مدت مشابه سال گذشته به ۸ هزار و ۳۱۰ میلیارد ریال رسیده است. درآمدهای شرکت عمدتاً از محل خدمات تلفن ثابت، تلفن همراه و خدمات دیتا (اینترنت) محقق می‌شود.



## ایرانول از روغن موتورهای با بالاترین سطح کیفی رونمایی کرد

مشترک ایرانول و پتروناس با سطح کیفی SN و گرانیوی ۷۳۰۵ است که عرضه شده است. وی تأکید کرد: «خوشحالم که در سال حمایت از کالای ایرانی چهار محصول با کیفیت را به بازار عرضه خواهیم کرد تا از خروج ارز برای واردات روغن موتور جلوگیری شود و تمامی خودروهایی وارداتی و هیبریدی می‌توانند روغن خود را با کیفیت هم سطح روغن‌های مشابه خارجی و حدود ۴۰ درصد قیمت کمتر تأمین کنند.» مدیرعامل شرکت نفت ایرانول کیفیت برتر را شعار کلیدی و استراتژی این شرکت دانست و گفت: «با افزایش کیفیت و تنوع محصولات و تکمیل سبد کالای خود توانستیم فروش انواع روغن موتورهای ایرانول را با حدود ۵۰ درصد افزایش از ۱۱۰ میلیون لیتر سال ۹۴ به ۱۶۰ میلیون لیتر در سال ۹۶ برسانیم و سهم بازار ایرانول را از ۱۹ به حدود ۲۷ درصد افزایش دهیم.» مهندس اسحاقی تصریح کرد: «چند محصول جدید دیگر بنزینی و دیزلی نیز جزو برنامه‌های این شرکت است که طی ماه‌های آینده و پس از آماده‌شدن اطلاع‌رسانی خواهد شد.» گفتنی است در این مراسم از ماکت محصولات جدید ایرانول رونمایی گردید که به زودی به بازار عرضه خواهند شد.

مراسم رونمایی از چهار محصول جدید ایرانول با بالاترین سطح کیفی (سوپر رونیا، سوپر رونیا هیبریدی، سوپر رویال و سینتیموم) دارای تاییدیه بنز و رنو در هتل همای تهران برگزار شد. به گزارش روابط عمومی و تبلیغات شرکت نفت ایرانول، در این مراسم که باشکوه خاص در شب ولادت حضرت معصومه (س) و با حضور مهندس مخدومی، مدیرعامل تایپکو، آقایان چگینی مدیر حراست شستا، خسروی، عضو هیات مدیره تایپکو و معاون اداری و مالی صندوق سرمایه‌گذاری سازمان بازنشستگی برگزار گردید، از چهار محصول جدید ایرانول رونمایی شد. مهندس عیسی اسحاقی، مدیرعامل شرکت نفت ایرانول در این مراسم طی سخنانی، گفت: «چهار محصول جدید ایرانول دارای بالاترین سطح کیفی روز دنیا است که روغن موتور سوپر رونیا با سطح کیفی SN و گرید ۷۳۰۵ مناسب برای تمامی خودروهایی خارجی در ایران، سوپر رونیا هیبریدی که برای نخستین بار تولید شده و دارای سطح کیفی SN و گرانیوی ۷۲۰۰ است، مناسب برای تمامی خودروهایی هیبریدی، سوپر رویال با سطح کیفی SM و گرید ۷۴۰۵ که حتی برای ون‌های دیزلی نیز مناسب است و سینتیموم محصول





آرشیو کامل

# هفته نامه متللت

از سال ۸۸ تا ۹۲

نمایش نسخه دیجیتالی | نسخه pdf | جستجوی پیشرفته  
سال به روایت تصویر | شبکه های اجتماعی

مجری طرح:



موسسه فرهنگی هنری  
نسیم شب کویر

[www.nshk.ir](http://www.nshk.ir)

مجموعه کتابت و اسناد

متللت

درک تازه ای از واقعیت

[www.mosalas.ir](http://www.mosalas.ir)